برای ادای قرض

اللهم اقض عنی الدین بحق جدّ الحسن و الحسین   اول آخر صد صد بار

درود شریف بخوانند سربرهنه ایستاده هم سیصد بار الهی دعا بخوانند در یک مجلس

بجهت دیگر که با زیارت امام مظلوم شاه شهید مشرف یا در کربلا که در آنجا با زیارت مشرف شوند

فهرست کتاب مستطاب سفینة النجاة در اعمال متفرقه مشتمل بر چهارده باب

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً وَهُوَ الْمُجِيبُ لِمَنْ دَعَاهُ

این مجلد مقاله چهارم است از کتاب مستطاب سفینة النجاة و آن مشتملست بر ادعیه و احراز معتبره و اذکار و اوراد معتبره مأثوره از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین فمن عمل بتلک الاعمال فاز بجزیل الثواب وعظیم النوال وما ذکر یوم الذخر وصلح له الاحوال ونجی من کرب الدهر والاهوال والله الموفق والمعین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین [illegible] السید حسین صانه الله عن کل شین بر ناظران این کتاب طالبان حق و صواب مخفی و مستور نماند که این کتاب مستطاب از جمله کتب معتبره [illegible] شیعه اثنا عشریه و متضمن ادعیه و اعمال استجابت دعوات و بر آمدن حاجات و ادعیه ادای دیون و وسعت ارزاق و دفع دشمنان و ایمنی از جور جابران و ادعیه دفع هم و غم و شیاطین انس و جن و سحر و چشم بد و ادعیه دفع انواع امراض و بیماریها و ادعیه استخاره و آداب تزویج و ادعیه ایمنی از شر مار و عقرب و امثال آن است چنانچه در عبارت [illegible] آیات عالیجناب مقدس القاب [illegible] عماد الاسلام و الایمان جامع الفنون العقلیة والنقلیة صاحب الملکات الملکیة والقوة القدسیة بحر العلوم الزاخر بین العلماء کالشمس بین النجوم افضل الفقهاء والمتکلمین سید العلماء والمجتهدین مولانا [illegible] جناب السید حسین [illegible] فادام الله ظلاله [illegible] افاضاته [illegible] اسمای [illegible] ضعف العباد سید قاسم علی [illegible] نظر نفع عامه اهل ایمان [illegible] نسخ این کتاب مستطاب [illegible] فراهم آورده [illegible] نسخه منقول عنها باهتمام تمام [illegible] تصحیح اغلاط الفاظ [illegible] اغماض النظر و حسن البصر [illegible] نفسی

من الخطاء والزلل والتوفیق الا بالله فی القول والعمل

نعم المولیٰ و نعم النصیر

سفینة البحار

حسب الحکم ...
مطبع کتب ...
سلطان المطابع

باهتمام ... آقا شیخ غلامرسول
در کارخانه ... حلیهٔ انطباع پوشید

بسم الله الرحمن الرحیم

مقاله چهارم در اعمال متفرقه که مخصوص بوقتی نیست و مشتملست بر چهارده باب

باب اول در ذکر بعضی از نمازها باب دوم در ذکر بعضی از ادعیهٔ ماثوره

باب سوم در اعمال توبه کردن باب چهارم در اعمالیکه از برای روائی حاجتها

بجا باید آورد باب پنجم در اعمال طلب رزق و ادای قرض باب ششم در آداب نفرین کردن

بر دشمنان دین و دنیا باب هفتم در ادعیه و اعمالیکه باعث ایمنی از حاکم جابر و صاحب سلطنت ... از زند

باب هشتم در ادعیه و اعمالیکه باعث رفع هم و غم و خوفست باب نهم در ادعیه و

اعمالیکه باعث ایمنی است از شر شیاطین جن و از چشم بد و ... باب دهم در ادعیه و اعمالیکه باعث

دفع انواع علتها و مرضهاست باب یازدهم در ادعیه و اعمالیکه باعث
دفع نسیان و ازدیاد حافظه است باب دوازدهم در آداب استخاره و ادعیه گم شده
و گریخته باب سیزدهم در ادعیه و اعمال وقت اراده تزویج و وقت زفاف و آدابیکه
زنان رعایت باید نمود و بیان حقوق زنان بر شوهران و حقوق شوهران بر زنان و اعمال
گشوده شدن بسته شده و طلب فرزند و طلب پسر و محافظت حمل و آسانی وضع حمل و اعمال
روز متولد شدن مولود و روز هفتم مولود و اعمال وقت رضاع و ما بعد آن و بیان حقوق
فرزندان بر والدین و حقوق ایشان بر و باب چهاردهم در ادعیه و اعمال سفر و اعمال
پناه جستن از دزد و قاطع الطریق و شیر و سایر درندگان و مار و عقرب و سایر گزندگان باب
اول در ذکر بعضی از نمازها از آنجمله نماز حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که هر که آنرا بگذارد از گناهان بیرون خارج
شود با [illegible] میان او و الله تعالی گناهی نماند و طریقش آنست که دو رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار و انا انزلناه پانزده بار و همچنین در
هر یک از رکوع و سر برداشتن از رکوع و در سجده و در سر برداشتن از سجده پانزده بار انا انزلناه
بخواند که در هر رکعت صد و پنج بار انا انزلناه خوانده باشد چون سلام دهد [illegible] تسبیح [illegible] بگوید
بخواند و آن اینست لا اله الا الله ربنا و رب آبائنا الاولین لا اله الا الله الها واحدا
و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون
لا اله الا الله [illegible]

الاحزاب وحده فله الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير اللهم انت

نور السموات والارض ومن فيهن فلك الحمد وانت قيام السموات والارض

ومن فيهن فلك الحمد وانت الحق ووعدك حق وقولك حق وانجازك

حق والجنة حق والنار حق اللهم لك اسلمت وبك امنت وعليك توكلت

وبك خاصمت واليك حاكمت يا رب يا رب يا رب اغفر لي ما قدمت

واخرت وما اسررت وما اعلنت انت الهي لا اله الا انت صل على محمد وال

محمد واغفر لي وارحمني وتب علي انك انت الرؤف الرحيم و از انجمله نماز حضرت امیر

المومنین علیه الصلوة والسلام است که هر که ادا کند از گناهان بیرون آید مثل روزیکه

از مادر متولد شده و آن چهار رکعت است در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله پنجاه بار و چون فارغ

شود تسبیح آنحضرت را بخواند و آن اینست سبحان من لا تبيد معالمه سبحان من

لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا

ينفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدته سبحان من لا يشارك

احدا في امره سبحان من لا اله غيره بعد از آن بگوید یا من عفا عن

السيئات ولم يجاز بها الخ و مذکور شد عمل شب بیست و یکم نماز فاطمه علیها السلام است و آن دو

رکعت است در رکعت اول فاتحه یکبار و انا انزلناه صد بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و قل هو الله صد بار

صد بار و چون سلام تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بکند و بگوید سبحان ذی العز الشامخ
المنیف سبحان ذی الجلال الباذخ العظیم سبحان ذی الملک الفاخر القدیم
سبحان من لبس البهجة والجمال سبحان من تردی بالنور والوقار سبحان من
یری اثر النمل فی الصفا سبحان من یری وقع الطیر فی الهواء سبحان من هو
هکذا و لا هکذا غیره بعد از آن بخواند دعای حضرت فاطمه علیها السلام
انت یا اعز مذکور و اقدمه قدما فی العز والجبروت یا رحیم کل
مسترحم و مفزع کل ملهوف الیه یا راحم کل حزین یشکو بثه و
حزنه الیه یا خیر من سئل المعروف منه و اسرعه اعطاء
یا من تخاف الملائکة المتوقدة بالنور منه اسألک بالاسماء
التی تدعوک بها حملة عرشک و من حول عرشک بنورک یسبحون
شفقة من خوف عقابک و بالاسماء التی یدعوک بها جبرائیل
و میکائیل و اسرافیل الا اجبتنی و کشفت یا الهی کربی
و سترت ذنوبی و غفرتها یا من امر بالصیحة فی خلقه فاذا
هم بالساهرة محضرون و بذلک الاسم الذی احییت به العظام
وهی رمیم احی قلبی و اشرح صدری و اصلح شأنی یا من خص

نفسه بالثناء وخلق لبريته الموت والحيوة والفناء يا من فعله قول

وقوله امر وامره ماض على ما يشاء اسألك بالاسم الذي دعاك به

ابراهيم خليلك حين القي في النار فاستجبت له وقلت يا نار

كوني بردا وسلاما على ابراهيم وبالاسم الذي دعاك به موسى من

جانب الطور الايمن فاستجبت له وبالاسم الذي خلقت به عيسى

من روح القدس وبالاسم الذي وهبت به لزكريا يحيى و

بالاسم الذي كشفت به عن ايوب الضر وبالاسم الذي

تبت به على داود وسخرت به لسليمان الريح تجري بامره

والشياطين وعلمته منطق الطير وبالاسم الذي خلقت به العرش

وبالاسم الذي خلقت به الكرسي وبالاسم الذي خلقت به الروحانيين

وبالاسم الذي خلقت به الجن والانس وبالاسم الذي خلقت به

جميع الخلق وبالاسم الذي خلقت به جميع ما اردت من شيء

وبالاسم الذي قدرت به على كل شيء اسألك بهذه الاسماء الا

ما اعطيتني سؤلي وقضيت حوائجي يا كريم فوا ز انجمله نماز جعفر طيار

كه شيخ كليني در كتاب كافي از ائمه عليهم السلام روايت نموده كه مي بخشد الله تعالى گناهان گذارنده

اين نماز

نماز حضرت جعفر طيار عليه السلام

این نماز را هر چند که بسیاری ریگ بیابان عالج باشد و آن چهار رکعت است بدو سلام
در رکعت اول فاتحه یکبار و اذا زلزلت یکبار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و العادیات یکبار و
در رکعت سوم فاتحه یکبار و اذا جاء یکبار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار و قل هو الله یکبار
و در هر یک از این چهار رکعت چون از فاتحه و سوره فارغ شود پیش از آنکه برکوع رود پانزده
بار تسبیحات اربع بخواند و در هر یک از رکوع و سر برداشتن از رکوع و در سجده و در سر
برداشتن از سجده ده بار این تسبیحات بخواند که در هر رکعت هفتاد و پنج بار این تسبیحات گفته
باشد و در سجده دوم رکعت آخر این دعا را که شیخ کلینی در کافی از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده بخواند سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ
تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ
أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ
سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ
وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً
وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا و در
روایات کافی وارد شده که این نماز را در سفر و در محمل هم میتوان گزارد وارد شده که اگر

أن تصلّي على

کسی اگر کاری باشد این نماز را میتواند گزارد باین روش که بفاتحه و سوره اکتفا کند و بعد از
قضا کند تسبیحات اربعا لیکه درپی کار خود میرفته باشد و سنت است که چون از این نماز فارغ شدی
دستها را بسوی آسمان بردار و بخوانی دعای که شیخ طوسی در تهجد از امام جعفر صادق
علیه السلام روایت کرده که آنحضرت بعد از این نماز میخوانده و مفضل ابن عمر و سفیر
که هرگاه حاجت ضروری داشته باشی این نماز بکن و این دعا بخوان و حاجت را از
الله تعالی مسئلت کن که بر می آید انشاء الله تعالی و آن اینست که بگوئی یا رب یا رب تا آنکه
که نفس تنگ شود و بعد از آن یا ربّاه یا ربّاه بهمین روش و ربّ ربّ بهمین روش یا الله
یا الله بهمین روش و یا حیّ یا حیّ بهمین روش و یا رحیم یا رحیم بهمین روش و یا رحمن
یا رحمن بهمین روش و یا ارحم الراحمین هفت بار و بعد از آن بگوئی اللّهم
اِنّی اَفتَتِحُ القَولَ بِحَمدِکَ وَ اَنطِقُ بِالثَّناءِ عَلَیکَ وَ اُمَجِّدُکَ وَ لا غایَةَ
لِمَدحِکَ وَ اُثنی عَلَیکَ وَ مَن یَبلُغُ غایَةَ ثَنائِکَ وَ اَمَدَکَ وَ اَنّی لِخَلیقَتِکَ کُنهُ
مَعرِفَةِ مَجدِکَ وَ اَیُّ زَمَنٍ لَم تَکُن مَمدوحاً بِفَضلِکَ مَوصوفاً بِمَجدِکَ عَوّاداً
عَلَی المُذنِبینَ بِحِلمِکَ تَخَلَّفَ سُکّانُ اَرضِکَ عَن طاعَتِکَ فَکُنتَ عَلَیهِم
عَطوفاً بِجودِکَ جَواداً بِفَضلِکَ عَوّاداً بِکَرَمِکَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنتَ المَنّانُ
ذُو الجَلالِ وَ الاِکرامِ و از انجمله نماز شکر است که روایت کرده آنرا شیخ کلینی در کافی

کافی از امام جعفر صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که چون الله تعالی عطا کند بتو نعمتی
پس باید که این نماز را بگذاری و آن دو رکعت است در رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله یکبار
رکعت دوم فاتحه یکبار و قل یا ایها الکافرون یکبار و در رکوع و سجود رکعت اول
باید گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُکْراً شُکْراً وَحَمْداً و در رکوع و سجود رکعت
دوم باید گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اسْتَجَابَ دُعَائِی وَاَعْطَانِی مَسْئَلَتِی
و در مصباح کفعمی چنین است که چون از این نماز فارغ شوی دعائیکه حضرت
امام زین العابدین علیه السلام در مقام شکر میخواند بخوان آن اینست که
اَللّٰهُمَّ اِنَّ اَحَداً لَا یَبْلُغُ مِنْ شُکْرِکَ تا آخر در صحیفه کامله مذکور است
و ایضا بخوان دعائی را که حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام در مقام
شکر میخواند و آن اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَرَدِّ
نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَمُلِمَّاتِ الضَّرَّاءِ وَکَشْفِ نَوَائِبِ اللَّاْوَاءِ وَتَوَالِی سُبُوغِ
النَّعْمَاءِ لَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ عَلٰی هَنِیْئِ عَطَائِکَ وَمَحْمُودِ بَلَائِکَ وَجَلِیْلِ
آلَائِکَ وَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی اِحْسَانِکَ الْکَثِیْرِ وَخَیْرِکَ الْغَزِیْرِ وَتَکْلِیْفِکَ الْیَسِیْرِ
وَدَفْعِکَ الْعَسِیْرِ وَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ عَلٰی تَثْمِیْرِکَ قَلِیْلَ الشُّکْرِ وَاِعْطَائِکَ
وَافِرَ الْاَجْرِ وَحَطِّکَ مُثْقَلَ الْوِزْرِ وَقَبُوْلِکَ ضَیِّقَ الْعُذْرِ وَوَضْعِکَ بَاهِظَ

وتسهيلك موضع الوعر ومنعك مفظع الامر ولك الحمد على البلاء
المصروف وادامة المعروف ودفع المخوف واذلال العسوف ولك الحمد
على قلة التكليف وكثرة التخفيف وتقوية الضعيف واغاثة اللهيف و
لك الحمد على سعة امهالك ودوام افضالك وصرف امحالك وحميد
فعالك وتوالي نوالك ولك الحمد على تاخير معاجلة النقمة وترك
مفاقصة العذاب وتسهيل طرق المآب وانزال غيث السحاب انك
المنان الوهاب وازانجمله نمازیست که شیخ کلینی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده
که هرکه آنرا بگزارد چون فارغ شود باقی نمانده باشد میان او و الله تعالی گناهی آن دو رکعتست در هر رکعت
فاتحه یکبار و قل هو الله شصت بار و ازانجمله نماز هدیه است که در شب اول دفن باید گزارد
و آن دو رکعتست در میان شام و خفتن در رکعت اول فاتحه یکبار و آیة الکرسی یکبار و در رکعت
دوم فاتحه یکبار و انا انزلناه ده بار و در روایت دیگر وارد شده که در رکعت اول فاتحه
یکبار و قل هو الله دو بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و الهیکم التکاثر ده بار و باید که چون سلام
دهد بگوید اللهم صل على محمد وآل محمد وابعث ثواب هاتين الركعتين الى
قبر فلان نام آن شخص ببرد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده که رحم کنید
بر مردگان خود بتصدق و اگر نیابید این نماز را بکنید که مذکور شد رحمه الله تعالی

نماز آمرزش
[illegible] عفوك [illegible] من سطوات [illegible] عليه من [illegible] العقاب [illegible] الاحسان [illegible] العدل [illegible] ثواب [illegible] محمد وآله [illegible]
نماز هدیه میت

نماز کسوف و خسوف و زلزله

بفرستد و همان ساعت بسوی قرآن بیست هزار فرشته که با هر یکی از ایشان حله و
وصله ایست از حلهای بهشت و حرز شش را و تسبیح میکنند تا روز دمیدن صور و عطا میکند
بیشمار دیگر از حسنات بعد از آنچه آفتاب بیان نماید و از آنجمله نماز کسوف است و آن دو رکعت است
هر رکعت فاتحه یکبار و هر سوره که خواهد یکبار بخواند بعد از آن برکوع رود و همچنین تا پنجبار و
چون سر از رکوع بردارد باید که دیگر بار فاتحه و سوره بخواند و برکوع رود و همچنین تا پنج قرائت
و پنج رکوع تمام شود و چون از رکوع پنجم سر بردارد دیگر قرائت نکند و بسجده رود و جایز است که
از فاتحه اول بعض سوره را بخواند چون سر از رکوع بردارد باید که دیگر بار فاتحه نخواند بلکه بخواند
بعض دیگر از همان سوره اکتفا کند و همچنین تا پنج رکوع تمام شود و این نماز واجب میشود
بسبب کسوف آفتاب و خسوف ماه و زلزله و بادهای تاریک و خوفهای آسمانی و وقتش در کسوف و
خسوف از شروع در گرفتن است تا شروع در انجلا و در بادها و اخاویف آسمانی مدت آنست و در زلزله
مدت عمر است هر چند که زود ساکن شود و جاهل بکسوف اگر بعد از انجلا خبردار شود این نماز
از او ساقط است مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و سنتهای این نماز بجماعت گزاردن و
و تطویل کردن نماز بقدر سبب چون کسوف مثلا و اعاده کردن نماز اگر
سبب باقی باشد و تکبیر گفتن در وقت سر از رکوع برداشتن مگر در رکوع پنجم
و دهم و قنوت کردن متصل رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم است و از آنجمله نماز طلب

نماز استسقا

باب الثالث و ثلثون وقت نماز عیدین است و آن دو رکعت است بطریق نماز عیدین که
عمل روز اول شوال مذکور شد الا در دعای قنوت که بجای قنوت این دعا باید خواند
که در مصباح کفعمی از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده آن اینست اَستَغفِرُ اللهَ
الَّذِی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ الرَّحمنُ الرَّحیمُ ذُو الجَلالِ وَ الاِکرامِ وَ اَسئَلُهُ
اَن یَتُوبَ عَلَیَّ تَوبَةَ عَبدٍ ذَلیلٍ خاضِعٍ فَقیرٍ بائِسٍ مِسکینٍ مُستَکینٍ مُستَجیرٍ
لا یَملِکُ لِنَفسِهِ نَفعاً وَ لا ضَرّاً وَ لا مَوتاً وَ لا حَیوةً وَ لا نُشُوراً اَللّهُمَّ
مُعتِقَ الرِّقابِ وَ رَبَّ الاَربابِ وَ مُنشِئَ السَّحابِ وَ مُنزِلَ القَطرِ مِنَ
السَّماءِ اِلَی الاَرضِ بَعدَ مَوتِها فالِقَ الحَبِّ وَ النَّوی وَ مُخرِجَ النَّباتِ وَ
جامِعَ الشَّتاتِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسقِنا غَیثاً مُغیثاً غَدَقاً
مُغدَودِقاً هَنیئاً مَریئاً تُنبِتُ بِهِ الزَّرعَ وَ تُدِرُّ بِهِ الضَّرعَ وَ تُحیی بِهِ
مِمّا خَلَقتَ اَنعاماً وَ اَناسِیَّ کَثیراً اَللّهُمَّ اسقِ عِبادَکَ وَ بَهائِمَکَ
وَ انشُر رَحمَتَکَ وَ اَحیِ بِلادَکَ المَیتَةَ و بعد از فراغ نماز دعائیکه علی بن الحسین علیه
السلام برای طلب باران میخوانده باید خواند و آن اینست اَللّهُمَّ اسقِنَا الغَیثَ
وَ انشُر عَلَینا رَحمَتَکَ تا آخر در صحیفه کامله مذکورست باید که این نماز بجماعت گزارده
شود و سنت است این نماز در روز جمعه و مردم توبه کنند و فقرا باید که سه روز روزه بدارند و در روز سوم

دوشنبه است پا برهنه از روی خضوع و خشوع و استغفار کنان بصحرا روند و صلحا و زهاد
و پیر مردان و پیرزنان و اطفال شیرخوار آن را با خود ببرند و اطفال را از مادران جدا کنند و زنان حایض و
فاسقان و مخالفان ملت را با خود نبرند و بجای اذان سه بار الصلوة گویند و چون از نماز
فارغ شوند پیش نماز ردای خود بگرداند یعنی که آنچه بر دوش راست است بر دوش چپ
اندازد و رو بطرف راست خود کند و صد بار بگوید الله اکبر و رو بطرف چپ خود
کند و صد بار سبحان الله بگوید و رو بمردم کند و صد بار لا اله الا الله بگوید باید که
مردم در این کار با او متابعت نمایند بعد از آن پیش نماز بر منبر رود و دو خطبه بخواند

ابتداء دعای جوشن

باب دوم در ذکر بعضی ادعیه ماثوره مذکوره در کتب معتبره از آنجمله دعای جوشن کبیر است
در مصباح کفعمی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که او از پدرش
او از علی بن ابیطالب علیهم السلام و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و او
از جبرئیل علیه السلام روایت کرده فضائل و خواص بسیار برای آن روایت
از برای خواننده و همراه دارنده این دعا نقل شده از برای اختصار در اینجا
مذکور نشد و این دعا مشتمل است بر صد فقره و هر فقره بر ده اسم از اسماء الهی
که مجموعش هزار اسم است و بعد از تمام هر فقره باید گفت
سُبحانَکَ یا لا اِلهَ اِلّا اَنتَ الغَوثَ الغَوثَ خَلِّصنا مِنَ النّارِ یا رَبِّ

فصل اول اللهم انی اسئلک باسمک یا الله یا رحمن یا رحیم یا کریم
یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حلیم یا حکیم فصل دوم یا
سید السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی
الحسنات یا غافر الخطیئات یا معطی المسألات یا قابل التوبات
یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات
فصل سوم یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر
الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین
یا خیر الوارثین یا خیر الحامدین یا خیر الذاکرین
یا خیر المنزلین یا خیر المحسنین فصل چهارم یا من له
العزة والجمال یا من له القدرة والکمال یا من له الملک
والجلال یا من هو الکبیر المتعال یا منشئ السحاب
الثقال یا من هو شدید المحال یا من هو سریع الحساب
یا من هو شدید العقاب یا من هو عنده حسن الثواب
یا من هو عنده ام الکتاب فصل پنجم اللهم انی اسئلک باسمک
یا حنان یا منان یا دیان یا برهان یا سلطان یا رضوان یا غفران

فقرهٔ اولی
در بعض نسخ بجای فصل در هر مقام لفظ فقره مذکور است
جهة فتح کارها و برآمدن مهمات بیست مرتبه بخوانند

جهة نصرت یافتن بیست مرتبه بخوانند ۱۲

جهة عزت و نصرت دین و دنیا سی مرتبه بخوانند

جهت عزت و بزرگی و روائی مهمات چهل مرتبه بخوانند ۱۲

يا غفران يا سبحان يا مستعان يا ذا المن والبيان فصل ششم

يا من تواضع كل شيء لعظمته يا من استسلم كل شيء لقدرته يا من

ذل كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء لهيبته يا من انقاد

كل شيء من خشيته يا من تشققت الجبال من مخافته يا من

قامت السموات بامره يا من استقرت الارضون باذنه يا من

يسبح الرعد بحمده يا من لا يعتدي على اهل مملكته فصل هفتم

يا غافر الخطايا يا كاشف البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل

العطايا يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي المنايا يا سامع

الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسارى فصل هشتم يا ذا الحمد والثناء

يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد والوفاء يا ذا العفو والرضا

يا ذا المن والعطاء يا ذا الفصل والقضاء يا ذا العز والبقاء يا ذا الجود

والسخاء يا ذا الالاء والنعماء فصل نهم اللهم اني اسألك باسمك يا

مانع يا دافع يا رافع يا صانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع

يا موسع فصل دهم يا صانع كل مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق كل

مرزوق يا مالك كل مملوك يا كاشف كل مكروب يا فارج كل هموم

برای امان

برای یافتن بعضی

سی باران الجوانب

جهة دفع بلیات

یافتن در بجه

مداومه نماید

برای امان در

جهة ایمنی از غم

کل اضطرار و در

جهة قبول کار

ونکاه بسته

بدیها ۱۲

يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا ساتر كل معيوب يا ملجأ كل
مطرود فصل یازدهم يا عدتي عند شدتي يا رجائي عند مصيبتي
يا مونسي عند وحشتي يا صاحبي عند غربتي يا وليي عند نعمتي
يا غياثي عند كربتي يا دليلي عند حيرتي يا غنائي عند
افتقاري يا ملجائي عند اضطراري يا مغيثي عند مفزعي
فصل دوازدهم يا علام الغيوب يا غفار الذنوب
يا ستار العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب
القلوب يا طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس
القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم فصل سیزدهم
اللهم اني اسئلك باسمك يا جليل يا جميل يا وكيل
يا كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل يا منيل يا
مقيل يا محيل فصل چهاردهم يا دليل المتحيرين
يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار
المستجيرين يا امان الخائفين يا عون المؤمنين يا
راحم المساكين يا ملجأ العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة

المضطرين فصل ١٦ بسم يا ذا الجود والاحسان يا ذا الفضل
والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان يا ذا الحكمة والبيان
يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان
يا ذا الرافة والمستعان يا ذا العفو والغفران فصل ١٧ بسم يا من هو
رب كل شئ يا من هو اله كل شئ يا من هو خالق كل شئ يا من هو
صانع كل شئ يا من هو قبل كل شئ يا من هو بعد كل شئ يا من هو فوق كل شئ
يا من هو عالم بكل شئ يا من هو قادر على كل شئ يا من هو بقى
يفنى كل شئ فصل ١٨ بسم اللهم انى اسالك باسمك يا مؤمن
يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين
يا معلن يا مقسم فصل ١٩ بسم يا من هو فى ملكه مقيم يا من هو
فى سلطانه قديم يا من هو فى جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم
يا من هو بكل شئ عليم يا من هو بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه
كريم يا من هو فى صنعه حكيم يا من هو فى حكمته لطيف يا من هو فى لطفه
قديم فصل ٢٠ بسم يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسئل الا عفوه
يا من لا ينظر الا بره يا من لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه يا من

لا سلطان الا سلطانه يا من وسعت كل شيء رحمته يا من سبقت
رحمته غضبه يا من احاط بكل شيء علمه يا من ليس احد مثله فصل بیستم
يا فارج الهم يا كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق
يا صادق الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا رازق
الانام فصل بست و يكم اللهم اني اسئلك باسمك يا علي يا وفي يا غني
يا ملي يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي فصل بست و دوم
يا من اظهر الجميل يا من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم
يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط — المنّ
اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى فصل بست و سيوم
يا ذا النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة
البالغة يا ذا القدرة الكاملة يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة
الظاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة
بست و چهارم يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات
يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعف
الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات بست و پنجم اللهم

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ يَا مُدَبِّرُ يَا مُطَهِّرُ يَا مُنَوِّرُ يَا مُيَسِّرُ
يَا مُبَشِّرُ يَا مُنْذِرُ يَا مُقَدِّمُ يَا مُؤَخِّرُ بیست وششم يَا رَبَّ الْبَيْتِ
الْحَرَامِ يَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ
يَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ يَا رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ يَا رَبَّ النُّورِ
وَالظَّلَامِ يَا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ يَا رَبَّ الْقُدْرَةِ فِي الْأَنَامِ بیست وهفتم
يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ يَا أَعْدَلَ الْعَادِلِينَ يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَطْهَرَ
الطَّاهِرِينَ يَا أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا
أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يَا أَشْفَعَ الشَّافِعِينَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ بیست وهشتم يَا عِمَادَ
مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا
غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا مُعِينَ مَنْ لَا مُعِينَ لَهُ
يَا أَنِيسَ مَنْ لَا أَنِيسَ لَهُ يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ بیست ونهم اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
يَا عَاصِمُ يَا قَائِمُ يَا دَائِمُ يَا رَاحِمُ يَا سَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا عَالِمُ يَا قَاسِمُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ
فصل سی م يَا عَاصِمَ مَنِ اسْتَعْصَمَهُ يَا رَاحِمَ مَنِ اسْتَرْحَمَهُ يَا غَافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ
يَا نَاصِرَ مَنِ اسْتَنْصَرَهُ يَا حَافِظَ مَنِ اسْتَحْفَظَهُ يَا مُكْرِمَ مَنِ اسْتَكْرَمَهُ يَا مُرْشِدَ مَنِ اسْتَرْشَدَهُ
يَا صَرِيخَ مَنِ اسْتَصْرَخَهُ يَا مُعِينَ مَنِ اسْتَعَانَهُ يَا مُغِيثَ مَنِ اسْتَغَاثَهُ سی یکم يَا عَزِيزًا

۲۶ جهة فراخی رزق

۲۷ جهة نزدیکی روزی

۲۸ جهة کمان کشیدن

۲۹ جهة تیر انداختن

۳۰ جهة سلاح بستن

لا يُضامُ يا لطيفاً لا يُرامُ يا قيّوماً لا ينامُ يا دائماً لا يفوتُ يا حيّاً لا يموتُ
يا ملكاً لا يزولُ يا باقياً لا يفنى يا عالماً لا يجهلُ يا صمداً لا يُطعَمُ يا قويّاً
لا يضعفُ سی و دوم اللّٰهمّ انّي اسألك باسمك يا احدُ يا واحدُ يا شاهدُ
يا ماجدُ يا حامدُ يا راشدُ يا باعثُ يا وارثُ يا ضارُّ يا نافعُ سی و سوم
يا اعظمَ من كلّ عظيمٍ يا اكرمَ من كلّ كريمٍ يا ارحمَ من كلّ رحيمٍ يا اعلمَ
من كلّ عليمٍ يا احكمَ من كلّ حكيمٍ يا اقدمَ من كلّ قديمٍ يا اكبرَ من كلّ كبيرٍ
يا الطفَ من كلّ لطيفٍ يا اجلَّ من كلّ جليلٍ يا اعزَّ من كلّ عزيزٍ سی و
چهارم يا كريمَ الصفحِ يا عظيمَ المنِّ يا كثيرَ الخيرِ يا قديمَ الفضلِ يا دائمَ
اللّطفِ يا لطيفَ الصنعِ يا منفّسَ الكربِ يا كاشفَ الضرِّ يا مالكَ الملكِ
يا قاضيَ الحقِّ سی و پنجم يا من هو في عهده وفيٌّ يا من هو في وفائه قويٌّ
يا من هو في قوّته عليٌّ يا من هو في علوّه قريبٌ يا من هو في قربه لطيفٌ يا من هو
في لطفه شريفٌ يا من هو في شرفه عزيزٌ يا من هو في عزّه عظيمٌ يا من هو في
عظمته مجيدٌ يا من هو في مجده حميدٌ سی و ششم اللّٰهمّ انّي اسألك باسمك يا
كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي يا راضي يا عالي يا باقي سی و هفتم
يا من كلّ شيءٍ خاضعٌ له يا من كلّ شيءٍ خاشعٌ له يا من كلّ شيءٍ كائنٌ له

يا من كلّ شيء موجود به يا من كلّ شيء منيب اليه يا من كلّ شيء خائف منه يا من كلّ شيء قائم به يا من كلّ شيء صائر اليه يا من كلّ شيء يسبّح بحمده يا من كلّ شيء هالك الّا وجهه سی و هشتم يا من لا مفرّ الّا اليه يا من لا مفزع الّا اليه يا من لا مقصد الّا اليه يا من لا منجى منه الّا اليه يا من لا يرغب الّا اليه يا من لا حول ولا قوّة الّا به يا من لا يستعان الّا به يا من لا يتوكّل الّا عليه يا من لا يرجى الّا هو يا من لا يعبد الّا ايّاه سی و نهم

يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين يا خير المطلوبين يا خير المسئولين يا خير المقصودين يا خير المذكورين يا خير المشكورين يا خير المحبوبين يا خير المدعوّين يا خير المستأنسين فصل چهلم اللّهمّ انّي اسألك باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا كاسر يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر چهل و یکم يا من خلق فسوّى يا من قدّر فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع النّجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من اضحك وابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزّوجين الذّكر والانثى چهل و دوم يا من في البرّ والبحر سبيله يا من في الآفاق آياته يا من في الآيات برهانه يا من في الممات قدرته

يا من في القبور عبرته يا من في القيمة ملكه يا من في الحساب هيبته
يا من في الميزان قضاۤءه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه
۴۳ چہل و سوم يا من اليه يهرب الخاۤئفون يا من اليه يفزع المذنبون — ۴۳ جہت امن بس با اہل دولت
يا من اليه يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا من
اليه يلجا المتحيرون يا من به يستانس المريدون يا من به يفتخر
المحبون يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون
يا من عليه يتوكل المتوكلون ۴۴ چہل و چہارم اللهم اني اسئلك باسمك — ۴۴ جہت دفع درد بازو
يا حبيب يا طبيب يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب
يا مجيب يا خبير يا بصير ۴۵ چہل و پنجم يا اقرب من كل قريب يا احب من — ۴۵ جہت دفع بے نیتی
كل حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف من كل شريف
يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود
من كل جواد يا اراف من كل رؤف ۴۶ چہل و ششم يا غالبا غير مغلوب يا — ۴۶ جہت دفع درد سر
صانعا غير مصنوع يا خالقا غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير
مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا
غير غاۤئب يا قريبا غير بعيد ۴۷ چہل و ہفتم يا نور النور يا منور النور يا خالق النور — ۴۷ جہت دفع درد بیت

يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور النور يا نور كل نور يا نورا قبل كل نور يا نورا بعد
كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا ليس كمثله نور فصل چهل و هشتم
يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من
احسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه
فضل يا من عذابه عدل يا من ذكره حلو يا من فضله عميم
چهل و نهم اللهم اني اسالك باسمك يا مسهل يا مفصل يا مبدل يا مذلل
يا منزل يا منول يا مفضل يا مجزل يا ممهل يا مجمل فصل پنجاهم
يا من يرى ولا يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا
من يحيي ولا يحيى يا من يسأل ولا يسأل يا من يطعم ولا يطعم يا من
يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه
يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد پنجاه و یکم يا نعم الحسيب يا نعم
الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل
يا نعم المولى يا نعم النصير پنجاه و دوم يا سرور العارفين يا منى المحبين
يا انيس المريدين يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين
يا قرة عين العابدين يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين والاخرين

والآخرین پنجاه وسوم اللهم انی اسألك باسمك یا ربنا یا الهنا
۵۳ [illegible]
یا سیدنا یا مولانا یا ناصرنا یا حافظنا یا دلیلنا یا معیننا یا حبیبنا یا
طبیبنا پنجاه وچهارم یا رب النبیین والابرار یا رب الصدیقین
۵۴ جهت دوری دشمن
والاخیار یا رب الجنة والنار یا رب الصغار والکبار یا رب الحبوب
والثمار یا رب الانهار والاشجار یا رب الصحاری والقفار یا رب البراری
۵۵ [illegible]
والبحار یا رب اللیل والنهار یا رب الاعلان والاسرار پنجاه وپنجم
یا من نفذ فی کل شیء امره یا من لحق بکل شیء علمه یا من بلغت الی کل
شیء قدرته یا من لا تحصی العباد نعمه یا من لا تبلغ الخلائق شکره یا
من لا تدرك الافهام جلاله یا من لا تنال الاوهام کنهه یا من العظمة
والکبریاء رداؤه یا من لا ترد العباد قضاؤه یا من لا ملك الا ملکه
یا من لا عطاء الا عطاؤه پنجاه وششم یا من له المثل الاعلی یا من له
۵۶ برای [illegible]
الصفات العلیا یا من له الآخرة والاولی یا من له الجنة المأوی یا من له
الآیات الکبری یا من له الاسماء الحسنی یا من له الحکم والقضاء یا من له
۵۷ [illegible]
الهواء والفضاء یا من له العرش والثری یا من له السموات العلی پنجاه وهفتم
اللهم انی اسألك باسمك یا عفو یا غفور یا صبور یا شکور یا رؤف

وأهل بيته الطاهرين واخصصهم بأفضل صلواتك ورحمتك وبركاتك وسلامك
واخصص اللهم والديّ بالكرامة لديك والصلوة منك يا أرحم الراحمين اللهم صل على
محمد وآله وألهمني علم ما يجب لهما عليّ إلهاما واجمع لي علم ذلك كله تماما ثم
استعملني بما تلهمني منه ووفقني للنفوذ فيما تبصرني من علمه حتى لا يفوتني استعمال
شيء علمتنيه ولا تثقل أركاني عن الحفوف فيما ألهمتنيه اللهم صل على محمد وآله
كما شرفتنا به وصل على محمد وآله كما أوجبت لنا الحق على الخلق بسببه اللهم اجعلني
أهابهما هيبة السلطان العسوف وأبرهما بر الأم الرؤوف واجعل طاعتي لوالديّ
وبري بهما أقر لعيني من رقدة الوسنان وأثلج لصدري من شربة الظمآن حتى أوثر
على هواي هواهما وأقدم على رضاي رضاهما وأستكثر برهما بي وإن قل وأستقل
بري بهما وإن كثر اللهم خفض لهما صوتي وأطب لهما كلامي وألن لهما عريكتي واعطف
عليهما قلبي وصيرني بهما رفيقا وعليهما شفيقا اللهم اشكر لهما تربيتي وأثبهما
على تكرمتي واحفظ لهما ما حفظاه مني في صغري اللهم وما مسهما مني من أذى
أو خلص إليهما عني من مكروه أو ضاع قبلي لهما من حق فاجعله حطة لذنوبهما
وعلوا في درجاتهما وزيادة في حسناتهما يا مبدل السيئات بأضعافها من الحسنات
اللهم وما تعديا علي فيه من قول أو أسرفا علي فيه من فعل أو ضيعاه لي

حاشیہ صفحہ ۲۴ متعلق سطر ۲

۲ مِنْ حَقٍّ اَوْ قَصَّرَ اِلَيَّ عَنْهُ مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَهُمَا وَجُدْتُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ
اِلَيْكَ فِي وَضْعِ تَبِعَتِهِ عَنْهُمَا فَاِنِّي لَا اَتَّهِمُهُمَا عَلَى نَفْسِي وَلَا اَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بِرِّي
وَلَا اَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ اَمْرِي يَا رَبِّ فَهُمَا اَوْجَبُ حَقًّا عَلَيَّ وَاَقْدَمُ اِحْسَانًا اِلَيَّ
وَاَعْظَمُ مِنَّةً لَدَيَّ مِنْ اَنْ اُقَاصَّهُمَا بِعَدْلٍ اَوْ اُجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلٍ اَيْنَ اِذًا يَا اِلٰهِي
طُولُ شُغْلِهِمَا بِتَرْبِيَتِي وَاَيْنَ شِدَّةُ تَعَبِهِمَا فِي حِرَاسَتِي وَاَيْنَ اِقْتَارُهُمَا عَلَى اَنْفُسِهِمَا
لِلتَّوْسِعَةِ عَلَيَّ هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا وَلَا اُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَيَّ لَهُمَا وَلَا اَنَا
بِقَاضٍ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنِ اسْتُعِينَ بِهِ وَ
وَفِّقْنِي يَا اَهْدَى مَنْ رُغِبَ اِلَيْهِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِي اَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْآبَاءِ وَالْاُمَّهَاتِ
يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ
وَاخْصُصْ اَبَوَيَّ بِاَفْضَلِ مَا خَصَصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَاُمَّهَاتِهِمْ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي اَدْبَارِ صَلَوَاتِي وَفِي اِنًى مِنْ آنَاءِ لَيْلِي وَفِي كُلِّ
سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا
وَاغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًى عَزْمًا وَبَلِّغْهُمَا
بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ اَللّٰهُمَّ وَاِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ وَاِنْ
سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ

حاشیه صفحه ۲ متعلق سطر ۲

مغفرتك ورحمتك انك ذو الفضل العظيم والمن القديم وانت ارحم الراحمين

متعلق سطر پنجم

وامتاعي بهم الهي امدد لي في اعمارهم وزد لي في اجالهم ورب لي صغيرهم
وقو لي ضعيفهم واصح لي ابدانهم وادیانهم واخلاقهم وعافهم في انفسهم وفي
جوارحهم وفي كل ما عنيت به من امرهم وادرر لي وعلى يدي ارزاقهم واجعلهم ابرارا
اتقياء بصراء سامعين مطيعين لك ولاوليائك محبين مناصحين ولجميع اعدائك
معاندين ومبغضين امين اللهم اشدد بهم عضدي واقم بهم اودي وكثر بهم عددي وزين
بهم محضري واحي بهم ذكري واكفني بهم في غيبتي واعني بهم على حاجتي واجعلهم
لي محبين وعلي حدبين مقبلين مستقيمين لي مطيعين غير عاصين ولا عاقين ولا
مخالفين ولا خاطئين واعني على تربيتهم وتاديبهم وبرهم وهب لي من لدنك معهم
اولادا ذكورا واجعل ذلك خيرا لي واجعلهم لي عونا على ما سألتك واعذني وذريتي
من الشيطان الرجيم فانك خلقتنا وامرتنا ونهيتنا ورغبتنا في ثواب ما امرتنا ورهبتنا
عقابه وجعلت لنا عدوا يكيدنا سلطته منا على ما لم تسلطنا عليه منه اسكنته صدورنا
واجريته مجاري دمائنا لا يغفل ان غفلنا ولا ينسى ان نسينا يؤمننا عقابك ويخوفنا بغيرك
ان هممنا بفاحشة شجعنا عليها وان هممنا بعمل صالح ثبطنا عنه يتعرض لنا بالشهوات

ويَنصب لنا بالشبهات إن وعدنا كذبنا وإن منّانا أخلفنا وإلّا تصرف عنّا كيده ۳
يُضلّنا وإلّا تقنا خباله يستزلّنا اللهمّ فاقهر سلطانه عنّا بسلطانك حتّى تحبسه
عنّا بكثرة الدعاء لك فنصبح من كيده في المعصومين بك اللهمّ أعطني كلّ سؤلي
واقض لي حوائجي ولا تمنعني الإجابة وقد ضمنتها لي ولا تحجب دعائي عنك وقد
أمرتني به وامنن عليّ بكلّ ما يصلحني في دنياي وآخرتي ما ذكرت منه وما نسيت
أو أظهرت أو أخفيت أو أعلنت أو أسررت واجعلني في جميع ذلك من المصلحين
بسؤلي إيّاك المنجحين بالطلب إليك غير الممنوعين بالتوكّل عليك المعوّذين
بالتعوّذ بك الرابحين في التجارة عليك المجارين بعزّك الموسّع عليهم الرزق الحلال
من فضلك الواسع بجودك وكرمك المعزّين من الذلّ بك والمجارين من الظلم بعدلك
والمعافين من البلاء برحمتك والمغنين من الفقر بغناك والمعصومين من الذنوب
والزلل والخطاء بتقواك والموفّقين للخير والرشد والصواب بطاعتك والمحال بينهم
وبين الذنوب بقدرتك التاركين لكلّ معصيتك الساكنين في جوارك اللهمّ أعطنا جميع
ذلك بتوفيقك ورحمتك وأعذنا من عذاب السعير وأعط جميع المسلمين والمسلمات والمؤمنين
والمؤمنات مثل الذي سألتك لنفسي ولولدي في عاجل الدنيا وآجل الآخرة إنّك قريب مجيب
سميع عليم عفوّ غفور رؤوف رحيم وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار

يا عطوف يا مسئول يا ودود يا سبوح يا قدوس سبحانه ختم يا من
في السموات عظمته يا من في الارض اياته يا من في كل شيء دلائله يا من
في البحار عجائبه يا من في الجبال خزائنه يا من يبدأ الخلق ثم يعيده يا من اليه
يرجع الامر كله يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن كل شيء خلقه يا
من تصرف في الخلائق قدرته سبحانه ختم يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب
من لا طبيب له يا مجيب من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من
لا رفيق له يا مغيث من لا مغيث له يا دليل من لا دليل له يا انيس
من لا انيس له يا راحم من لا راحم له يا صاحب من لا صاحب له فصل
يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي من استكلاه
يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه يا مغني
من استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من
استولاه فصل اللهم اني اسألك باسمك يا خالق يا
رازق يا ناطق يا صادق يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا
سامق فصل يا من يقلب الليل والنهار يا من جعل الظلمات
والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر يا من قدر الخير

والنشر يا من خلق الموت والحياة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ صاحبة
ولا ولدا يا من ليس له شريك في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل
فصل سوم يا من يعلم مراد المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين
يا من يسمع انين الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين يا من يملك حوائج
السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح عمل اكمال
المفسدين يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن
قلوب العارفين يا اجود الاجودين فصل چهارم يا دائم البقاء [illegible]
يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء يا بديع السماء يا حسن [illegible]
البلاء يا جميل الثناء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا شريف الجزاء فصل پنجم
اللهم اني اسألك باسمك يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار [illegible]
يا مختار يا فتاح يا نفاح يا مرتاح فصل ششم يا من خلقني وسواني
يا من رزقني ورباني يا من اطعمني وسقاني يا من قربني وادناني يا من عصمني
وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من وفقني وهداني [illegible]
يا من انسني وآواني يا من اماتني واحياني فصل هفتم يا من يحق الحق بكلماته
يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من لا تنفع

الشفاعة الا باذنه یا من هو اعلم بمن ضل عن سبیله یا من لا معقب
لحکمه یا من لا راد لقضائه یا من انقاد کل شیء لامره یا من السموات
مطویات بیمینه یا من یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته **شصت و ششم**
یا من جعل الارض مهادا یا من جعل الجبال اوتادا یا من جعل الشمس
سراجا یا من جعل القمر نورا یا من جعل اللیل لباسا یا من جعل النهار
معاشا یا من جعل النوم سباتا یا من جعل السماء بناء یا من جعل الاشیاء
ازواجا یا من جعل النار مرصادا **شصت و هفتم** اللهم انی اسالک
باسمک یا سمیع یا شفیع یا رفیع یا منیع یا سریع یا بدیع یا کبیر
یا قدیر یا خبیر یا مجیر **فصل هفتادم** یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد
کل حی یا حی الذی لیس کمثله حی یا حی الذی لیس یشارکه
حی یا حی الذی لا یحتاج الی حی یا حی الذی یمیت کل
حی یا حی الذی یرزق کل حی یا حیا لم یرث الحیوة
من حی یا حی الذی یحیی الموتی یا حی یا قیوم لا تاخذه سنة
و لا نوم **هفتاد و یکم** یا من له ذکر لا ینسی یا من له نور لا
یطفی یا من له نعم لا تعد یا من له ملک لا یزول یا من له ثنا

لا تحصى يا من له جلال لا يكيف يا من له كمال لا يدرك يا من له
قضاء لا يرد يا من له صفات لا تبدل يا من له نعوت لا تغير مقنا
و و م يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية الطالبين يا ظهر
اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا من يحب التوابين
يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين

جهت دفع فاقه

نقنا و وم اللهم اني اسالك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا محيط
يا مقيت يا مغيث يا معز يا مذل يا مبدئ يا معيد نقنا و حم يا من
هو احد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من هو وتر
بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو
عزيز بلا ذل يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو
موصوف بلا شبيه نقنا و حم يا من ذكره شرف للذاكرين يا من

شبیه

شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين يا من طاعته نجاة
للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح للمنيبين
يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من رزقه
عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين

شصت و ششم يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا من تقدست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه

و هفتم اللهم اني اسألك باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا شديد يا شهيد

شصت و هشتم يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد

شصت و نهم يا من لا شريك له ولا وزير يا من لا شبيه له ولا نظير يا خالق الشمس والقمر المنير يا مغني البائس الفقير يا رازق الطفل الصغير يا راحم الشيخ الكبير يا جابر العظم الكسير يا عصمة الخائف المستجير يا من هو بعباده خبير بصير يا من هو على كل شيء قدير

هفتادم يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والالم يا عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء من العدم

ہشتاد و یکم اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ یَا فَاعِلُ یَا جَاعِلُ یَا قَابِلُ یَا كَامِلُ
یَا فَاضِلُ یَا فَاصِلُ یَا عَادِلُ یَا غَالِبُ یَا طَالِبُ یَا وَاهِبُ **ہشتاد و دوم**
یَا مَنْ اَنْعَمَ بِطَوْلِهٖ یَا مَنْ اَكْرَمَ بِجُوْدِهٖ یَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهٖ یَا مَنْ تَعَزَّزَ
بِقُدْرَتِهٖ یَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهٖ یَا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِیْرِهٖ یَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهٖ یَا مَنْ
تَجَاوَزَ بِحِلْمِهٖ یَا مَنْ دَنَا فِیْ عُلُوِّهٖ یَا مَنْ عَلَا فِیْ دُنُوِّهٖ **ہشتاد و سوم**
یَا مَنْ یَخْلُقُ مَا یَشَآءُ یَا مَنْ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ یَا مَنْ یَهْدِیْ مَنْ یَشَآءُ یَا مَنْ
یُضِلُّ مَنْ یَشَآءُ یَا مَنْ یُعَذِّبُ مَنْ یَشَآءُ یَا مَنْ یَغْفِرُ لِمَنْ یَشَآءُ یَا مَنْ یُعِزُّ
مَنْ یَشَآءُ یَا مَنْ یُذِلُّ مَنْ یَشَآءُ یَا مَنْ یُصَوِّرُ فِی الْاَرْحَامِ مَا یَشَآءُ یَا مَنْ یَخْتَصُّ
بِرَحْمَتِهٖ مَنْ یَشَآءُ **ہشتاد و چہارم** یَا مَنْ لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَّلَا وَلَدًا
یَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا یَا مَنْ لَا یُشْرِكُ فِیْ حُكْمِهٖ اَحَدًا یَا مَنْ جَعَلَ
الْمَلٰٓئِكَةَ رُسُلًا یَا مَنْ جَعَلَ فِی السَّمَآءِ بُرُوْجًا یَا مَنْ جَعَلَ الْاَرْضَ قَرَارًا
یَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْمَآءِ بَشَرًا یَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَیْءٍ اَمَدًا یَا مَنْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ
عِلْمًا یَا مَنْ اَحْصٰی كُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا **ہشتاد و پنجم** اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ
یَا اَوَّلُ یَا اٰخِرُ یَا ظَاهِرُ یَا بَاطِنُ یَا بَرُّ یَا حَقُّ یَا فَرْدُ یَا وِتْرُ یَا صَمَدُ یَا سَرْمَدُ **ہشتاد
و ششم** یَا خَیْرَ مَعْرُوْفٍ عُرِفَ یَا اَفْضَلَ مَعْبُوْدٍ عُبِدَ یَا اَجَلَّ مَشْكُوْرٍ شُكِرَ

جمعہ دوم

جمعہ دوم

يا أعزّ مذكورٍ ذُكر يا أعلى محمودٍ حُمد يا أقدم موجودٍ طُلب يا أرفع موصوفٍ
وُصف يا أكبر مقصودٍ قُصد يا أكرم مسؤولٍ سُئل يا أشرف محبوبٍ
عُلم **شصت و ششم** يا حبيب الباكين يا سيّد المتوكّلين يا هادي
المضلّين يا وليّ المؤمنين يا أنيس الذاكرين يا مفزع الملهوفين
يا منجي الصادقين يا أقدر القادرين يا أعلم العالمين يا إله الخلق
أجمعين **شصت و هفتم** يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من
بطن فخبر يا من عُبد فشكر يا من عُصي فغفر يا من لا تحويه الفكر
يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه أثر يا رازق البشر يا مقدّر
كلّ قدر **شصت و هشتم** اللهمّ إنّي أسألك باسمك يا حافظ يا بارئ يا
ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي **فصل**
هفتادم يا من لا يعلم الغيب إلّا هو يا من لا يصرف السوء إلّا هو يا من لا يخلق
الخلق إلّا هو يا من لا يغفر الذنب إلّا هو يا من لا يتمّ النعمة إلّا هو يا من
لا يقلّب القلوب إلّا هو يا من لا يدبّر الأمر إلّا هو يا من لا ينزّل الغيث
إلّا هو يا من لا يبسط الرزق إلّا هو يا من لا يحيي الموتى إلّا هو **هفتاد و یکم**
يا معين الضعفاء يا صاحب الغرباء يا ناصر الأولياء يا قاهر الأعداء

مفزع

يا ذارئ

الذنوب

القلوب الأمور

یا رافع السماء یا انیس الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کنز الفقراء
یا اله الاغنیاء یا اکرم الکرماء نود و دوم یا کافی من کل شیء یا قائم
علی کل شیء یا من لا یشبهه شیء یا من لا یزید فی ملکه شیء یا من لا یخفی علیه
شیء یا من لا ینقص فی خزائنه شیء یا من لیس کمثله شیء یا من لا یعزب
عن علمه شیء یا من هو خبیر بکل شیء یا من وسعت رحمته کل شیء نود
و سوم اللهم انی اسالک باسمک یا مکرم یا منعم یا مطعم یا معطی
یا مغنی یا مقنی یا مفنی یا محیی یا مرضی یا منجی
نود و چهارم یا اول کل شیء و آخره یا اله کل شیء و ملیکه
یا رب کل شیء و صانعه یا باریء کل شیء و خالقه یا قابض کل شیء
و باسطه یا مبدئ کل شیء و معیده یا منشئ کل شیء و مقدره
یا مکون کل شیء و محوله یا محیی کل شیء و ممیته یا خالق کل شیء
و وارثه نود و پنجم یا خیر ذاکر و مذکور یا خیر شاکر و مشکور یا خیر
حامد و محمود یا خیر شاهد و مشهود یا خیر داع و مدعو یا خیر
مجیب و مجاب یا خیر مونس و انیس یا خیر صاحب و جلیس یا خیر مقصود
و مطلوب یا خیر حبیب و محبوب نود و ششم یا من هو لمن دعاه مجیب یا

يا من هو لمن اطاعه حبيب يا من هو الى من احبه قريب يا من هو
بمن استحفظه رقيب يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو بمن عصاه
حليم يا من هو فى عظمته رحيم يا من هو فى حكمته عظيم يا من هو فى
احسانه قديم يا من هو بمن اراده عليم نود اللهم انى اسألك باسمك
يا مسبب يا مرغب يا مقلب يا معقب يا مرتب يا مخوف يا محذر يا مذكر
يا مسخر يا مغير نود يا من علمه سابق يا من وعده صادق يا من لطفه
ظاهر يا من امره غالب يا من كتابه محكم يا من قضاؤه كائن يا من
قرآنه مجيد يا من ملكه قديم يا من فضله عميم يا من عرشه عظيم
نود يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يمنعه فعل عن فعل يا من
لا يلهيه قول عن قول يا من لا يغلطه سؤال عن سؤال يا من لا يحجبه
شئ عن شئ يا من لا يبرمه الحاح الملحين يا من هو غاية مراد
المريدين يا من هو منتهى همم العارفين يا من هو منتهى طلب
الطالبين يا من لا يخفى عليه ذرة فى العالمين فصل صدم يا حليما
لا يعجل يا جوادا لا يبخل يا صادقا لا يخلف يا وهابا لا يمل يا قاهرا لا يغلب
يا عظيما لا يوصف يا عدلا لا يحيف يا غنيا لا يفتقر يا كبيرا لا يصغر

یا حافظاً لا یغفل سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا
من النار و از انجمله دعای مشلول است که ابن طاوس در
مهج الدعوات از حضرت امام حسین علیه السلام روایت کرده و وجه تسمیه اینکه دعا در
مهج الدعوات نقل شده و ملخصش آنست که شبی حضرت امام حسین علیه
السلام با حضرت امیرالمومنین علیه السلام در طواف بودند که گاه از
شخصی آواز حزینی بسمع شریف شان رسید که استغاثه بدرگاه الهی
نمود و این ابیات می خواند **شعر** یا من یجیب دعا المضطر فی
الظلم + یا کاشف الضر والبلوی مع السقم + قد نام
وفدک حول البیت وانتبهوا + وانت یا حی یا قیوم
لم تنم + هب لی بجودک فضل العفو عن جرمی + یا من
اشار الیه الخلق فی الحرم + ان کان عفوک لا یرجوه
ذو سرف + فمن یجود علی العاصین بالنعم + پس
ایشان رفتند بنزد آن شخص و حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه
السلام از وپرسید که نام تو چیست گفت نام من منازل بن لاحق شیبانی
است و من یکی فتی مصر بودم بر معاصی و دیدم از غایت مهربانی من

دعای مشلول

نصیحت میکرد و مرا از عذاب الهی می ترسانید و چندانکه او مرا نصیحت میکرد
من او را میزدم و موعظتش قبول نمی نمودم تا اینکه به نزد خانهٔ کعبه آمد در روزی که
روزه بود و پس بعد از آنکه نماز کرد و طواف کرد دستها را بسوی آسمان افراشت
و شکایت من بدرگاه الهی عرض کرد و از الله تعالی مسئلت نمود که یکطرف
من شل شود بخدا قسم که هنوز دعای او تمام نشده بود که یکطرف من شل شد
و چنین که می بینی خشک بماند و من بعد از آن از پدرم عذر تقصیرات خود طلبیدم
و از او استدعا کردم که در همان مکان که مرا نفرین کرده دعا کند که این بلا از من
رفع شود و او اجابت من کرد تا اینکه او را بر شتری سوار کردم و می آمدیم که ناگاه در راه
شتر از اثر پرواز مرغی رم کرده و پدرم از شتر افتاد و مرد و الحال در میان مردم مشهور و ملقب شده ام
المأخوذ بعقوق ابیه یعنی به بلا گرفتار شده بسبب عقوق پدرش و این معنی هم بر من بسیار
دشوار می آید پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این دعا را از برای او نوشت و فرمود که
همین شب این دعا را بخوان بر حالی که با وضو باشی و فردا بیا نزد من بر حالی که این بلا از تو
رفع شده باشد و توبه‌ات را قبول کرده باشد الله تعالی پس آن نوشته را از آنحضرت علیه السلام
گرفت و رفت چون فردا شد آمد به پیش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر حالی که آن بلا
از او رفع شده بود و آن نوشته در دستش بود و میگفت که یا امیرالمؤمنین علیه السلام بخدا که

این اسم اعظم است چرا که در شب گذشته چون مردم بخواب رفتند و ستردن
مسجد الحرام گم شد من دستها را بسوی آسمان برداشتم و چند بار این دعا خواندم و بعد
از آن بخواب رفتم و در خواب دیدم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم را که دست مبارک
بر سر ما مالید و گفت که محافظت کن بر اسم اعظم الله تعالی پس ناگاه بیدار شدم در حالیکه
این بلا بعافیت مبدل گشته بود الله تعالی ترا جزای خیر دهاد یا امیر المؤمنین علیه
السلام حضرت امام حسین علیه الصلوة والسلام فرمود که درین دعا اسم اعظم است و خواندن آن باعث
استجابت دعا و برطرف شدن هم و غم و کدورت دلست از آن خواننده و باعث آن هست
که قرضش ادا شود و فقرش بغنا مبدل گردد و گناهانش بخشیده شود و عیبهایش پوشیده
شود و باعث امنیت از شر شیطان و سلطانست تا آخر خبر و دعا اینست اللهم
انی اسألک باسمک بسم الله الرحمن الرحیم یا ذا الجلال والاکرام
یا حی یا قیوم لا اله الا انت یا من لا یعلم ما هو و لا کیف
هو و لا این هو و لا حیث هو الا هو یا ذا الملک و الملکوت یا ذا
العزة و الجبروت یا ملک یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا
عزیز یا جبار یا متکبر یا خالق یا باری یا مصور یا مفید یا مدبر
یا شدید یا مبدئ یا معید یا مبید یا ودود یا محمود یا معبود یا بعید یا قریب

[illegible]

يا مجيب يا رقيب يا حسيب يا بديع يا رفيع يا منيع يا سميع يا عليم
يا حليم يا كريم يا حكيم يا قديم يا علي يا عالم يا عظيم يا حنان يا منان يا ديان يا
يا مستعان يا جليل يا جميل يا وكيل يا كفيل يا مقيل يا منيل يا نبيل يا
دليل يا هادي يا بادي يا اول يا آخر يا ظاهر يا باطن يا قائم يا عالم يا حاكم
يا حاكم يا قاضي يا عادل يا فاصل يا واصل يا طاهر يا مطهر يا قادر يا مقتدر
يا كبير يا متكبر يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن
له كفوا احد ولم تكن له صاحبة ولا ولد ولا كان معه وزير
ولا اتخذ معه مشيرا ولا احتاج الى ظهير ولا كان معه من اله
غيره لا اله الا انت فتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا
يا علي يا شامخ يا باذخ يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا مفرج يا ناصر
يا منتصر يا مدرك يا مهلك يا منتقم يا باعث يا وارث يا طالب يا غالب
يا من لا يفوته هارب يا تواب يا اواب يا وهاب يا مسبب
الاسباب يا مفتح الابواب يا من حيثما دعي اجاب يا طهور
يا شكور يا عفو يا غفور يا نور النور يا مدبر الامور يا لطيف يا خبير
يا مجير يا منير يا بصير يا ظهير يا كبير يا وتر يا فرد يا ابد يا سند

یَا صَمَدُ یَا کَافِیُ یَا شَافِیُ یَا وَافِیُ یَا مُعَافِیُ یَا مُحْسِنُ یَا مُجْمِلُ یَا مُنْعِمُ یَا
مُفْضِلُ یَا مُتَکَرِّمُ یَا مُتَفَرِّدُ یَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ یَا مَنْ مَلَکَ فَقَدَرَ یَا
مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ یَا مَنْ عُبِدَ فَشَکَرَ یَا مَنْ عُصِیَ فَغَفَرَ یَا مَنْ لَا تَحْوِیْهِ
الْفِکَرُ یَا مَنْ لَا یُدْرِکُهٗ بَصَرٌ وَّلَا یَخْفٰی عَلَیْهِ اَثَرٌ یَا رَازِقَ الْبَشَرِ یَا مُقَدِّرَ
کُلِّ قَدَرٍ یَا عَالِیَ الْمَکَانِ یَا شَدِیْدَ الْاَرْکَانِ یَا مُبَدِّلَ الزَّمَانِ یَا
قَابِلَ الْقُرْبَانِ یَا ذَا الْمَنِّ وَالْاِحْسَانِ یَا ذَا الْعِزِّ وَالسُّلْطَانِ یَا رَحِیْمُ
یَا رَحْمٰنُ یَا مَنْ هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فِیْ شَاْنٍ یَا مَنْ لَا یَشْغَلُهٗ شَاْنٌ عَنْ
شَاْنٍ یَا عَظِیْمَ الشَّاْنِ یَا مَنْ هُوَ بِکُلِّ مَکَانٍ یَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ یَا
مُجِیْبَ الدَّعَوَاتِ یَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ یَا مُنْزِلَ الْبَرَکَاتِ
یَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ یَا مُقِیْلَ الْعَثَرَاتِ یَا کَاشِفَ الْکُرُبَاتِ یَا وَلِیَّ
الْحَسَنَاتِ یَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ یَا مُعْطِیَ الْمَسْئَلَاتِ یَا مُحْیِیَ الْاَمْوَاتِ
یَا جَامِعَ الشَّتَاتِ یَا مُطَّلِعًا عَلَی النِّیَّاتِ یَا رَادَّ مَا قَدْ فَاتَ یَا مَنْ لَا
تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ الْاَصْوَاتُ یَا مَنْ لَا تُضْجِرُهُ الْمَسْئَلَاتُ وَلَا تَغْشَاهُ
الظُّلُمٰتُ یَا نُوْرَ الْاَرْضِ وَالسَّمٰوٰتِ یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ یَا بَارِئَ
النَّسَمِ یَا جَامِعَ الْاُمَمِ یَا شَافِیَ السَّقَمِ یَا خَالِقَ النُّوْرِ وَالظُّلَمِ یَا ذَا الْجُوْدِ وَالْکَرَمِ

الْمَسْئَلَاتِ

يا من لا يطأ عرشه قدم يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا
اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا جار المستجيرين يا امان
الخائفين يا ظهر اللاجين يا ولى المؤمنين يا غياث المستغيثين
يا غاية الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا
ملجا كل طريد يا ماوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ
الكبير يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا فاك كل اسير
يا مغنى البائس الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير
والتقدير يا من العسير عليه يسير يا من لا يحتاج الى تفسير يا من هو
على كل شيء قدير يا من هو بكل شيء خبير يا من هو بكل شيء بصير يا
مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح يا من
بيده كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا محيى كل
نفس بعد الموت يا عدتى فى شدتى يا حافظى فى غربتى يا مونسى فى
وحدتى يا وليى فى نعمتى يا كهفى حين تعيينى المذاهب وتسلمنى
الاقارب ويخذلنى كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا سند من لا
سند له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا كهف من لا كهف له

يا كنز من لا كنز له يا ركن من لا ركن له يا غياث من لا غياث له
يا جار من لا جار له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق يا إلهي بالتحقيق
يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من حلق المضيق و
اصرف عني كل هم وغم وضيق واكفني شر ما لا أطيق وأعني على
ما أطيق يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف ضر أيوب يا غافر ذنب
داود يا رافع عيسى بن مريم ونجيه من أيدي اليهود يا مجيب نداء
يونس في الظلمات يا مصطفى موسى بالكلمات يا من غفر لآدم خطيئته
ورفع إدريس مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق يا من أهلك
عادا الأولى وثمود فما أبقى وقوم نوح من قبل إنهم كانوا هم أظلم وأطغى
والمؤتفكة أهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من
اتخذ إبراهيم خليلا يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا صلى الله عليه وآله
وعليهم أجمعين حبيبا يا مؤتي لقمان الحكمة والواهب لسليمان ملكا
لا ينبغي لأحد من بعده يا من نصر ذا القرنين على الملوك الجبابرة يا من أعطى
الخضر الحياة ورد ليوشع بن نون الشمس بعد غروبها يا من ربط على
قلب أم موسى وأحصن فرج مريم ابنة عمران يا من حصن يحيى بن زكريا

سکّن

ومن الذنب سکّن عن موسی الغضب یا من بشّر زکریا بیحیی یا من

فدی اسمٰعیل من الذبح بذبحٍ عظیمٍ یا من قبل قربان هابیل

وجعل اللعنة علی قابیل یا هازم الاحزاب. اللّٰهم صلّ علی محمّد صلّی اللّٰہ علیہ و

آلہ صلّ علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وعلی جمیع المرسلین وملائکتک المقرّبین

واهل طاعتک اجمعین واسألک بکل مسئلةٍ سألک بها احد

ممّن رضیت عنه فحتمت له علی الاجابة یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه یا رحمٰن

یا رحمٰن یا رحیم یا رحیم یا رحیم یا ذا الجلال والاکرام یا

ذا الجلال والاکرام یا ذا الجلال والاکرام به به به به به به به

اسألک بکل اسمٍ سمّیت به نفسک او انزلته فی شیءٍ من کتبک

او استأثرت به فی علم الغیب عندک وبمعاقد العزّ من عرشک

وبمنتهی الرحمة من کتابک وبما لو انّ ما فی الارض من شجرةٍ اقلام

والبحر یمدّه من بعده سبعة ابحرٍ ما نفدت کلمات اللّٰه انّ اللّٰه عزیز

حکیم واسألک باسمائک الحسنی التی نعتّها فی کتابک فقلت ولله الاسماء الحسنی

فادعوه بها وقلت ادعونی استجب لکم وقلت واذا سألک عبادی عنّی

فانّی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی

رحیم

لعلّهم یرشدون وقلت یا عبادی الّذین اسرفوا علی انفسهم لا
تقنطوا من رحمة الله انّ الله یغفر الذّنوب جمیعاً انّه هو الغفور
الرّحیم انا اسألك یا الهی وادعوك یا ربّ وارجوك یا سیّدی واطمع
فی حاجتی یا مولای کما وعدتنی وقد دعوتك کما امرتنی فافعل بی
ما انت اهله یا کریم والحمد لله ربّ العالمین وصلّی الله علی محمّد وآله
اجمعین واز انجمله **دعای معراج است** که در مصباح کفعمی نقل شده است از
حضرت علی علیه السلام و آنحضرت از پیغمبر خدا صلّی الله علیه وآله وسلّم نقل کرده و فضائل بسیار
واز جمله آنها اینست که خواندنش باعث برطرف شدن هم و غم است و باعث قضای دین
و غفران ذنوب است و باعث این است که عطا کند الله تعالی باو آنچه به پیغمبران و صدیقان
عطا کرده و گشوده شود درهای آسمان از برای او و نظر کند بسوی او الله تعالی هر روز سیصد و شصت مرتبه
و ندا کند فرشته که عملت را از سر گیر که الله تعالی بخشید ترا و مادر و پدر ترا و همسایگان ترا
و تبدیل کرد سیئات ترا بحسنات و عطا کرد بتو ثواب عبادت هفتاد هزار سال و خبر
بطول است از بسیار اندکی نقل شد و دعا این است اللّهمّ انّی اسألك یا من اقرّ
له بالعبودیّة کلّ معبود یا من یحمده کلّ محمود یا من یفزع الیه کلّ
مجهود یا من یطلب عنده کلّ مقصود یا من ما تلة غیره مکرر ودیان

اسناد دعای معراج

دعای معراج

بالله

بابه عن سؤّاله غير مسدود يا من هو غير موصوف ولا محدود يا
من عطاؤه غير ممنوع ولا منكود يا من هو لمن دعاه ليس ببعيد
هو نعم المقصود يا رجاء عباده بحبله مشدود يا من شبهه ومثله
غير موجود يا من ليس بوالد ولا مولود يا من كرمه وفضله ليس
بمعدود يا من حوض برّه للانام مورود يا من لا يوصف بقيام
ولا قعود يا من لا تجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم
يا ودود يا راحم الشيخ الكبير يعقوب يا غافر ذنب داود
يا من لا يخلف الوعد ويعفو عن الموعود يا من رزقه وستره
للعاصين ممدود يا من هو ملجأ كل مقصى مطرود يا من دان له جميع
خلقه بالسجود يا من ليس عن نيله وجوده احد مصدود يا من لا
يحيف في حكمه ويحلم عن الظالم العنود ارحم عبداً خاطئاً لم يوف
بالعهود انك فعّال لما تريد يا بارّ يا ودود صلّ على محمد خير مبعوث دعا
الى خير معبود وعلى آله الطيبين الطاهرين اهل الكرم والجود وافعل
بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين يا اكرم الاكرمين وبعد از آن حاجت خود را
بطلب از جمله دعای جامع است که در مهج الدعوات از ابن طاوس نقل شده

دعای جامع

از علی علیه السلام که آنحضرت از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم شنید وفضل بسیار
دران نقل از برای خواننده این دعا وارد شده خصوصا از برای کسی که در تمام عمر یکبار
خوانده باشد و دعا اینست لا اله الا الله فی علمه منتهی رضاه لا اله الا الله
بعد علمه منتهی رضاه لا اله الا الله مع علمه منتهی رضاه الله اکبر
فی علمه منتهی رضاه الله اکبر بعد علمه منتهی رضاه الله اکبر مع علمه
منتهی رضاه الحمد لله فی علمه منتهی رضاه الحمد لله بعد علمه منتهی
رضاه الحمد لله مع علمه منتهی رضاه سبحان الله فی علمه منتهی
رضاه سبحان الله بعد علمه منتهی رضاه سبحان الله مع علمه منتهی
رضاه والحمد لله بجمیع محامده علی جمیع نعمه وسبحان الله وبحمده
منتهی رضاه فی علمه الله اکبر وهو اهل ذلک لا اله الا الله الحلیم
الکریم لا اله الا الله العلی العظیم لا اله الا الله نور السموات
السبع ونور الارضین السبع ونور العرش العظیم لا اله الا الله تهلیلا
لا یحصیه غیره قبل کل احد ومع کل احد وبعد کل احد الله اکبر تکبیرا
لا یحصیه غیره قبل کل احد ومع کل احد وبعد کل احد الحمد لله تحمیدا
لا یحصیه غیره قبل کل احد ومع کل احد وبعد کل احد سبحان الله تسبیحا لا یحصیه

غيره قبل كل احد ومع كل احد وبعد كل احد اللهم اني اشهدك و
كفى بك شهيدا فاشهد لي ان قولك حق ووعدك حق وان قضاءك
حق وان قدرك حق وان رسلك حق وان اوصياءك حق وان
رحمتك حق وان جنتك حق وان نارك حق وان قيامتك حق وانك
مميت الاحياء وانك محيي الموتى وانك باعث من في القبور وانك
جامع الناس ليوم لا ريب فيه وانك لا تخلف الميعاد اللهم اني اشهدك
وكفى بك شهيدا فاشهد لي انك ربي وان محمدا صلواتك عليه واله
رسولك نبيي وان الاوصياء من بعده ائمتي وان الدين الذي شرعت
ديني وان الكتاب الذي انزلت على محمد رسولك صلواتك عليه واله
نوري اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا فاشهد لي انك انت المنعم
لا غيرك لك الحمد وبنعمتك تتم الصالحات لا اله الا الله عدد
ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملء ما احصى علمه واضعاف
ما احصى علمه والله اكبر عدد ما احصى علمه ومثل ما احصى علمه وملء
ما احصى علمه واضعاف ما احصى علمه والحمد لله عدد ما احصى علمه و
مثل ما احصى علمه وملء ما احصى علمه واضعاف ما احصى علمه وسبحان الله

عَدَدَ مَا اَحْصیٰ عِلْمُهُ وَمِثْلَ مَا اَحْصیٰ عِلْمُهُ وَمِلْاَ مَا اَحْصیٰ عِلْمُهُ وَ
اَضْعَافَ مَا اَحْصیٰ عِلْمُهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ
اللّٰهِ وَبِحَمْدِهٖ وَتَبَارَكَ اللّٰهُ وَتَعَالیٰ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا
مَلْجَاءَ وَلَا مَنْجیٰ مِنَ اللّٰهِ اِلَّا اِلَيْهِ عَدَدَ الشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَعَدَدَ كَلِمَاتِ
رَبِّیَ الطَّيِّبَاتِ التَّامَّاتِ الْمُبَارَكَاتِ صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِيْمُ وَصَدَقَ
الْمُرْسَلُوْنَ

از انجمله دعای صحیفه است که ابن طاوس در مهج الدعوات از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده با فضائل و خواص بسیار از انجمله اینکه اگر کسی مدت عمر یکمرتبه بخواند بنویسد الله تعالی برای و ثواب حج و عمره و او را در جوار پیغمبر و ابراهیم علیهما الصلوة والسلام جا دهد و اگر بسیار بخواند الله تعالی او را هرگز عذاب نکند هر چند که گناهانش بسیار و قطرات باران و برگهای درختان و ستارهای آسمان باشد و نجات دهد او را از هفتاد و آفت دنیوی هفتصد آفت اخروی اگر بنده بقصد آزادی بخواند آزاد شود و اگر صاحب حاجتی بقصد حاجتش بخواند مستجاب شود و روایت مطول است از برای تفصیل فضلها و ان بسیار ذکر کرده شده قلیلی از انها از برای ترغیب ذکر شد و آن اینست سُبْحَانَ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ وَبِحَمْدِهٖ
سُبْحَانَهٗ مِنْ اِلٰهٍ مَا اَقْدَرَهٗ وَسُبْحَانَهٗ مِنْ قَدِيْرٍ مَا اَعْظَمَهٗ وَسُبْحَانَهٗ
مِنْ عَظِيْمٍ مَا اَجَلَّهٗ وَسُبْحَانَهٗ مِنْ جَلِيْلٍ مَا اَمْجَدَهٗ وَسُبْحَانَهٗ مِنْ مَاجِدٍ

مَا ارْأَفَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَؤُفٍ مَا اَعَزَّهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَزِيزٍ مَا اَكْبَرَهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَبِيرٍ مَا اَقْدَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَدِيمٍ مَا اَعْلَاهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ عَلِيٍّ مَا اَسْنَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَنِيٍّ مَا اَبْهَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَهِيٍّ
مَا اَنْوَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُنِيرٍ مَا اَظْهَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ ظَاهِرٍ مَا اَخْفَاهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ خَفِيٍّ مَا اَعْلَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ عَالِمٍ مَا اَخْبَرَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ خَبِيرٍ مَا اَكْرَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ كَرِيمٍ مَا اَلْطَفَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ
لَطِيفٍ مَا اَبْصَرَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَصِيرٍ مَا اَسْمَعَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَمِيعٍ
مَا اَحْفَظَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَفِيظٍ مَا اَمْلَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مَلِيٍّ مَا
اَوْفَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَفِيٍّ مَا اَغْنَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ غَنِيٍّ مَا اَعْطَاهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُعْطٍ مَا اَوْسَعَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ وَاسِعٍ مَا اَجْوَدَهُ وَ
سُبْحَانَهُ مِنْ جَوَادٍ مَا اَفْضَلَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ مُفْضِلٍ مَا اَنْعَمَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ مُنْعِمٍ مَا اَسْيَدَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ سَيِّدٍ مَا اَرْحَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ رَحِيمٍ مَا اَشَدَّهُ
وَسُبْحَانَهُ مِنْ شَدِيدٍ مَا اَقْوَاهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَوِيٍّ مَا اَحْمَدَهُ وَسُبْحَانَهُ
مِنْ حَمِيدٍ مَا اَحْكَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ حَكِيمٍ مَا اَبْطَشَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ بَاطِشٍ مَا
اَقْوَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ قَيُّومٍ مَا اَدْوَمَهُ وَسُبْحَانَهُ مِنْ دَائِمٍ مَا اَبْقَاهُ وَسُبْحَانَهُ

من باقٍ ما أفرده وسبحانه من فردٍ ما أوحده وسبحانه من واحدٍ ما
أصمده وسبحانه من حميدٍ ما أملكه وسبحانه من مالكٍ ما أولاه وسبحانه
من ولي ما أعظمه وسبحانه من عظيمٍ ما أكمله وسبحانه من كاملٍ ما
أتمه وسبحانه من تامٍ ما أعجبه وسبحانه من عجيبٍ ما أفخره وسبحانه
من فاخرٍ ما أبعده وسبحانه من بعيدٍ ما أقربه وسبحانه من قريبٍ ما
أمنعه وسبحانه من مانعٍ ما أغلبه وسبحانه من غالبٍ ما أعفاه
وسبحانه من عفوٍ ما أحسنه وسبحانه من محسنٍ ما أجمله وسبحانه من مجملٍ
ما أقبله وسبحانه من قابلٍ ما أشكره وسبحانه من شكورٍ ما أغفره
وسبحانه من غفورٍ ما أصبره وسبحانه من صبورٍ ما أجبره و
سبحانه من جبارٍ ما أدينه وسبحانه من ديانٍ ما أقضاه وسبحانه من
قاضٍ ما أمضاه وسبحانه من ماضٍ ما أنفذه وسبحانه من نافذٍ ما أحلمه
وسبحانه من حليمٍ ما أخلقه وسبحانه من خالقٍ ما أرزقه وسبحانه من
رازقٍ ما أقهره وسبحانه من قاهرٍ ما أنشاه وسبحانه من منشئٍ
ما أملكه وسبحانه من مالكٍ ما أولاه وسبحانه من والٍ ما أرفعه
وسبحانه من رفيعٍ ما أشرفه وسبحانه من شريفٍ ما أبسطه وسبحانه

باسطٍ ما اقبضهٗ وسبحانهٗ من قابضٍ ما ابداهٗ وسبحانهٗ من بادٍ ما
اقدسهٗ وسبحانهٗ من قدّوسٍ ما اطهرهٗ وسبحانهٗ من طاهرٍ ما ازکاهٗ
وسبحانهٗ من زکیٍّ ما اهداهٗ وسبحانهٗ من هادٍ ما اصدقهٗ وسبحانهٗ
من صادقٍ ما اعودهٗ وسبحانهٗ من عوّادٍ ما افطرهٗ وسبحانهٗ من
فاطرٍ ما ارعاهٗ وسبحانهٗ من راعٍ ما اعونهٗ وسبحانهٗ من معینٍ ما اوهبهٗ و
سبحانهٗ من وهّابٍ ما اتوبهٗ وسبحانهٗ من توّابٍ ما اسخاهٗ وسبحانهٗ من سخیٍّ
ما ابصرهٗ وسبحانهٗ من بصیرٍ ما اسلمهٗ وسبحانهٗ من سلامٍ ما اشفاهٗ و
سبحانهٗ من شافٍ ما انجاهٗ وسبحانهٗ من منجٍ ما ابرّهٗ وسبحانهٗ من بارٍّ
ما اطلبهٗ وسبحانهٗ من طالبٍ ما ادرکهٗ وسبحانهٗ من مدرکٍ ما ارشدهٗ
وسبحانهٗ من رشیدٍ ما اعطفهٗ وسبحانهٗ من متعطّفٍ ما اعدلهٗ و
سبحانهٗ من عدلٍ ما اتقنهٗ وسبحانهٗ من متقنٍ ما احکمهٗ وسبحانهٗ من
حکیمٍ ما اکفلهٗ وسبحانهٗ من کفیلٍ ما اشهدهٗ وسبحانهٗ من شهیدٍ ما
احمدهٗ وسبحانهٗ هو الله العظیم وبحمدهٖ والحمد لله ولا اله الا الله و
الله اکبر ولله الحمد ولا حول ولا قوة الا بالله العلیّ العظیم
دافعِ کلّ بلیّةٍ وهو حسبی ونعم الوکیل ٭ وازانجملہ دعاء آدم علیہ السلام ست که هر صباح

دعاء آدم

کفعمی مذکور است و روایت شده که چون آدم علیه السلام نزدیک گردید الله تعالی بسوی او وحی
فرستاد که یا آدم هر که حفظ کند از ذریت تو این دعا را عطا میکنم باو هرچه خواهد و دور میدارم
او را از هرچه نخواهد و سلب میکنم از دل او دوستی دنیا را و پر میکنم سینه او را از حکمت و دانش
و سائل می شود دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ اِیْمَاناً تُبَاشِرُ بِهٖ قَلْبِی وَیَقِیْناً
صَادِقاً حَتّٰی اَعْلَمَ اَنَّهٗ لَنْ یُصِیْبَنِیْ اِلَّا مَا کَتَبْتَ لِیْ وَرَضِّنِیْ مِنَ
الْعَیْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ و از آنجمله دعای عیسی علیه السلام
که در مصباح کفعمی مذکور است و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم با ولاد عبدالمطلب سفارش
میکرد که ای بنی عبدالمطلب سؤال کنید از الله تعالی باین دعا بحق آن کسیکه جانم در قبضه قدرت
اوست که هر بنده که این دعا را از روی اخلاص بخواند عرش بلرزه در آید از هیبت آن و باین دعا
بملائکه میگوید که شاهد باشید که دعای این بنده را مستجاب نمودم و سؤالش را عطا کردم
در باب دنیا و آخرت تا آخر خبر و دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیْمِ
الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْاَعَزِّ وَاَدْعُوْکَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ الصَّمَدِ وَاَدْعُوْکَ
اللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ الْعَظِیْمِ الْوِتْرِ وَاَدْعُوْکَ اللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ الْکَبِیْرِ الْمُتَعَالِ الَّذِیْ
هُوَ اَثْبَتَ اَرْکَانَکَ کُلَّهَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهٖ وَاَنْ تَکْشِفَ عَنِّیْ مَا اَصْبَحْتُ فِیْهِ
وَاَمْسَیْتُ و از آنجمله دعائیست که حضرت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم در غار خوانده و

دعای عیسی

دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله در غار

مصباح کفعمی مذکور است و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هر که
این دعا بخواند اعانت کند الله تعالی او را چنانکه مرا اعانت کرد و عطا کند او را ثواب هزار
پیغمبر علیهم السلام و آن اینست یا مُونِسَ المُسْتَوْحِشِینَ وَ یا اَنِیسَ المُتَفَرِّدِینَ وَ یا
ظَهْرَ المُنْقَطِعِینَ وَ یا مالَ المُقِلِّینَ وَ یا قُوَّةَ المُسْتَضْعَفِینَ وَ یا کَنْزَ الفُقَراءِ
وَ یا مَوْضِعَ شَکْوَی الغُرَباءِ وَ یا مُتَفَرِّداً بِالجَلالِ یا مَعْرُوفاً بِالنَّوالِ وَ یا
کَثِیرَ الاِفْضالِ اَغِثْنِی عِنْدَ کُرْبَتِی وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِه و از جمله

صلوات بر پیغمبر

صلوات است بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و فاطمه و دوازده امام علیهم السلام که در متهجد شیخ علیه الرحمه
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده و مضمونش آنست که ابو محمد نام شخصی
از آنحضرت علیه السلام در سر من رای در سال دویست و پنجاه و پنج هجری مسئلت نمود که
آنحضرت املا کند برای او صلوات فرستادن بر پیغمبر و اوصیای او بر نهجی که لایق ایشان
باشد پس آنحضرت علیه السلام مسئلت او را اجابت کرده و این صلوات را برای او املا نموده و آن
اینست صلوات بر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی
مُحَمَّدٍ کَما حَمَلَ وَحْیَکَ وَ بَلَّغَ رِسالاتِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَما اَحَلَّ حَلالَکَ وَ حَرَّمَ
حَرامَکَ وَ عَلَّمَ کِتابَکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَما اَقامَ الصَّلوةَ وَ آتَی الزَّکوةَ وَ دَعا
اِلی دِینِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَما صَدَّقَ بِوَعْدِکَ وَ اَشْفَقَ مِنْ وَعِیدِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَما

غفرت به الذنوب وسترت به العیوب وفرجت به الکروب
وصل علی محمد کما دفعت به الشقاء وکشفت به الغماء واجبت به الدعاء
ونجیت به من البلاء وصل علی محمد کما رحمت به العباد واحییت به البلاد
وقصمت به الجبابرة واهلکت به الفراعنة وصل علی محمد کما اضعفت
به الاموال واحرزت به من الاهوال وکسرت به الاصنام ورحمت به
الانام وصل علی محمد کما بعثته بخیر الادیان واعززت به الایمان و
تبرت به الاوثان وعظمت به البیت الحرام وصل علی محمد واهل بیته
الطاهرین الاخیار وسلم تسلیما صلوات بر حضرت امیر المومنین علی بن ابی طالب
علیه السلام اللهم صل علی امیر المومنین علی بن ابی طالب اخی نبیک و ولیه
و وصیه و صفیه و وزیره و مستودع علمه و موضع سره و باب حکمته
والناطق بحجته والداعی الی شریعته وخلیفته فی امته ومفرج الکرب عن
وجهه قاصم الکفرة ومرغم الفجرة الذی جعلته من نبیک بمنزلة هرون
من موسی اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره
واخذل من خذله والعن من نصب له من الاولین والاخرین
وصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اوصیاء انبیائک یا رب

الْعَالَمِينَ صلوات بر حضرت فاطمہ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ
فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَأُمِّ أَحِبَّائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ الَّتِي
انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا
مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّائِرَ اَللّٰهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا اَللّٰهُمَّ وَكَمَا
جَعَلْتَهَا أُمَّ أَئِمَّةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَى
فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمِّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ
أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ صلوات بر حضرت امام حسن و حضرت امام حسین
علیہما السلام اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ
رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى
أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ
النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ أَمِينِهِ
عِشْتَ مَظْلُومًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي
الْمَهْدِيُّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ

أفضل التحية والسلام اللهم صل على حسين بن علي المظلوم الشهيد

قتيل الكفرة وطريح الفجرة السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك

يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك

امين الله وابن امينه قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى

الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من النصر والتاييد في هلاك عدوك

واظهار دعوتك اشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله

وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك و لعن

الله امة خذلتك ولعن الله امة البت عليك وابرأ الى الله تعالى ممن

اكذبك واستخف بحقك واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله

لعن الله قاتلك ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم

ينصرك ولعن الله من سبى نساءك انا الى الله منهم بريء وممن والاهم ومالأهم

واعانهم عليه واشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة

الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن

ولكم تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي في دنياي و

آخرتي صلوات حضرت علي بن الحسين اللهم صل على علي بن

الحسین سید العابدین الذی استخلصته لنفسک وجعلت منه ائمة الهدی الذین یهدون بالحق وبه یعدلون الذی اخترته لنفسک طهرته من الرجس واصطفیته وجعلته هادیا مهدیا اللهم فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائک حتی تبلغ به ما تقربه عینه فی الدنیا والآخرة انک عزیز حکیم

صلوات بر حضرت محمد بن علی الباقر علیهما السلام

اللهم صل علی محمد بن علی الباقر العلم وامام الهدی وقائد اهل التقوی والمنتجب من عبادک اللهم وکما جعلته علما لعبادک ومنارا لبلادک ومستودعا لحکمتک ومترجما لوحیک وامرت بطاعته وحذرت من معصیته فصل علیه یا رب افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائک واصفیائک ورسلک وامنائک یا رب العالمین

صلوات بر حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام

اللهم صل علی جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعی الیک بالحق النور المبین اللهم وکما جعلته معدن کلامک ووحیک وخازن علمک ولسان توحیدک وولی امرک ومستحفظ دینک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اصفیائک وحججک انک حمید مجید

صلوات بر حضرت موسی بن جعفر الکاظم

عليها السلام اللهم صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر
الزكي النور المبين المنير المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما
بلغ عن آبائه ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل
العزة والشدة فيما كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل
ما صليت على احد ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم صلوات
بحضرت علی بن موسی الرضا اللهم صل على علي بن موسى الذي ارتضيته ورضيت
به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا
لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى
سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك و
خيرتك من خلقك انك جواد كريم صلوات بحضرت محمد بن علی التقی
اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء
وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك على وحيك اللهم وكما هديت
به من الضلالة واستنقذت به من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت
به من تزكى فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اوصيائك
انك عزيز حكيم صلوات بحضرت علی بن محمد النقی علیہما السلام اللهم صل على

عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِیِّ الْاَوْصِیَاءِ وَاِمَامِ الْاَتْقِیَاءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّیْنِ وَالْحُجَّةِ
عَلَی الْخَلَائِقِ اَجْمَعِیْنَ اَللّٰهُمَّ کَمَا جَعَلْتَهٗ نُوْرًا یَسْتَضِیْءُ بِهِ الْمُؤْمِنُوْنَ
فَبَشَّرَ بِالْجَزِیْلِ مِنْ ثَوَابِکَ وَاَنْذَرَ بِالْاَلِیْمِ مِنْ عِقَابِکَ وَحَذَّرَ بَاْسَکَ وَذَکَّرَ
بِاٰیَاتِکَ وَاَحَلَّ حَلَالَکَ وَحَرَّمَ حَرَامَکَ وَبَیَّنَ شَرَائِعَکَ وَفَرَائِضَکَ وَ
حَضَّ عَلٰی عِبَادَتِکَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِکَ وَنَهٰی عَنْ مَعْصِیَتِکَ فَصَلِّ عَلَیْهِ اَفْضَلَ
مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَوْلِیَائِکَ وَذُرِّیَّةِ اَنْبِیَائِکَ یَا اِلٰهَ الْعَالَمِیْنَ ابو محمد گوید
چون صلوات باینجا رسید حضرت ساکت شد گفتم باقی کو باعث چه شد بگو گفت اگر این دین بامر
الله تعالی نبود دوست میداشتم که ساکت باشم ولکن از دین بامر الله تعالی است بنویس

صلوات بر حضرت حسن بن علی العسکری ع اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ
الْبَرِّ التَّقِیِّ الصَّادِقِ الْوَفِیِّ النُّوْرِ الْمُضِیْءِ خَازِنِ عِلْمِکَ وَالْمُذَکِّرِ بِتَوْحِیْدِکَ
وَوَلِیِّ اَمْرِکَ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّیْنِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِیْنَ وَالْحُجَّةِ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا
فَصَلِّ عَلَیْهِ یَا رَبِّ اَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اَحَدٍ مِنْ اَصْفِیَائِکَ وَحُجَجِکَ وَاَوْلَادِ
رُسُلِکَ یَا اِلٰهَ الْعَالَمِیْنَ **صلوات بر حضرت حجت بن الحسن علیه السلام**
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِیِّکَ وَابْنِ اَوْلِیَائِکَ الَّذِیْنَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ
اَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیْرًا اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهٖ

لدینك وانصر به اولیائك واولیاءه وشیعته وانصاره واجعلنا
منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقك و
احفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله واحرسه
وامنعه ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولك وال رسولك و
اظهر به العدل وایده بالنصر وانصر ناصریه واخذل خاذلیه واقصم به
جبابرة الكفرة واقتل به الكفار والمنافقین وجمیع الملحدین حیث
ما كانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض
عدلا واظهر به دین نبیك علیه واله السلام واجعلنی اللهم من انصاره
واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی ال محمد ما یاملون وفی عدوهم ما
یحذرون اله الحق امین وازانجمله دعایکه مشهور و مسمی بعاعدیله است
آن است بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة
واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحكیم ان الدین عند الله
الاسلام وانا العبد الضعیف المذنب العاصی المحتاج الفقیر الحقیر اشهد
لمنعمی وخالقی ورازقی ومكرمی كما شهد لذاته وشهدت له الملائكة
واولوا العلم من عباده بانه لا اله الا هو ذو النعم والاحسان والكرم والامتنان

قَادِرٌ أَزَلِيٌّ عَالِمٌ أَبَدِيٌّ حَيٌّ أَحَدِيٌّ مَوْجُودٌ سَرْمَدِيٌّ سَمِيعٌ بَصِيرٌ مُرِيدٌ كَارِهٌ
مُدْرِكٌ صَمَدِيٌّ يَسْتَحِقُّ هٰذِهِ الصِّفَاتِ فَهُوَ عَلَىٰ مَا هُوَ عَلَيْهِ فِي عِزِّ صِفَاتِهِ
كَانَ قَوِيًّا قَبْلَ وُجُودِ الْقُدْرَةِ وَالْقُوَّةِ وَكَانَ عَلِيمًا قَبْلَ إِيجَادِ الْعِلْمِ وَالْعِلَّةِ لَمْ
يَزَلْ سُلْطَانًا إِذْ لَا مَمْلَكَةَ وَلَا مَالَ وَلَمْ يَزَلْ سُبْحَانًا عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَحْوَالِ
وُجُودُهُ قَبْلَ الْقَبْلِ فِي أَزَلِ الْآزَالِ وَبَقَاؤُهُ بَعْدَ الْبَعْدِ مِنْ غَيْرِ انْتِقَالٍ وَلَا
زَوَالٍ غَنِيٌّ فِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ مُسْتَغْنٍ فِي الْبَاطِنِ وَالظَّاهِرِ لَا جَوْرَ فِي قَضِيَّتِهِ
وَلَا مَيْلَ فِي مَشِيَّتِهِ وَلَا ظُلْمَ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا مَهْرَبَ مِنْ حُكُومَتِهِ وَلَا مَلْجَأَ
مِنْ سَطَوَاتِهِ وَلَا مَنْجَىٰ مِنْ نَقِمَاتِهِ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ وَلَا يَفُوتُهُ
أَحَدٌ إِذَا طَلَبَهُ أَزَاحَ الْعِلَلَ فِي التَّكْلِيفِ وَسَوَّى التَّوْفِيقَ بَيْنَ الضَّعِيفِ
وَالشَّرِيفِ مَكَّنَ أَدَاءَ الْمَأْمُورِ وَسَهَّلَ سَبِيلَ اجْتِنَابِ الْمَحْظُورِ لَمْ يُكَلِّفِ
الطَّاعَةَ إِلَّا بِقَدْرِ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ سُبْحَانَهُ مَا أَبْيَنَ كَرَمَهُ وَأَعْلَىٰ شَأْنَهُ
سُبْحَانَهُ مَا أَجَلَّ نَيْلَهُ وَأَعْظَمَ إِحْسَانَهُ بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ لِيُبَيِّنَ عَدْلَهُ وَنَصَبَ
الْأَوْصِيَاءَ لِيُظْهِرَ طَوْلَهُ وَفَضْلَهُ وَجَعَلَنَا مِنْ أُمَّةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرِ
الْأَوْلِيَاءِ وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ وَأَعْلَى الْأَزْكِيَاءِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمَنَّا بِهِ وَبِمَا دَعَانَا إِلَيْهِ وَبِالْقُرْآنِ الَّذِي أَنْزَلَهُ إِلَيْهِ وَبِوَصِيِّهِ

الذي نصبه يوم الغدير واشار بقوله هذا علي اليه واشهد ان الائمة
الابرار والخلفاء الاخيار بعد الرسول المختار علي قامع الكفار و
من بعده سيد اولاده الحسن بن علي ثم اخوه السبط التابع لمرضات
الله الحسين ثم العابد علي ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر ثم
الكاظم موسى ثم الرضا علي ثم التقي محمد ثم النقي علي ثم الزكي العسكري
الحسن ثم الحجة الخلف القائم المنتظر المهدي المرجى الذي ببقائه بقيت
الدنيا وبيمنه رزق الورى وبوجوده ثبتت الارض والسماء وبه يملأ الله الارض
قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا واشهد ان اقوالهم حجة وامتثال امرهم
فريضة وطاعتهم مفروضة ومودتهم لازمة مقضية والاقتداء
بهم منجية ومخالفتهم مردية وهم سادات اهل الجنة اجمعين و
شفعاء يوم الدين وائمة اهل الارض على اليقين وافضل الاوصياء
المرضيين واشهد ان الموت حق ومسئلة القبر حق والبعث حق والنشور
حق والصراط حق والميزان حق والحساب حق والكتاب حق والجنة حق
والنار حق وان الساعة اتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور
اللهم فضلك رجائي وكرمك ورحمتك املي لا عمل لي استحق به

الجنة ولا طاعة لي استوجب بها الرضوان الا انّي اعتقدت عدلك و
توحيدك وارتجيت به احسانك وفضلك وتشفعت اليك بالنبي
صلى الله عليه وآله من احببته وانت اكرم الاكرمين وارحم الراحمين
اللهم اني اودعتك يقيني هذا وثبات ديني وانت خير مستودع
وقد امرتني بحفظ الودائع وردها فاحفظه وردّه علي وقت حضور
موتي برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد واله
اجمعين **باب** سوم در اعمال توبه کردن اول از اعمال آن غسل توبه است وبعد از ان گفتن صیغه
توبه است باعتراف و مضمون آن و آن اینست اني استغفر الله الغفور واتوب اليه
اشهد الله وجميع ملئكته وانبيائه ورسله وحملة عرشه وجميع خلقه اني
نادم على ما سلف من الذنوب والمعاصي ومعترف بها واني عازم على ان لا
اعود اليها وقد عاهدت الله تعالى على ذلك الف عهد في عنقي يطالبني به يوم
القيمة وصلى الله على محمد واله وبعد از ان گزاردن دو رکعت نماز توبه است بهر وضعی که
خواهد وبعد از ان خواندن ادعیه توبه است و از جمله آن ادعیه دعائیست که حضرت امام زين العابدين
عليه السلام در مقام اعتراف بگناهان طلب توبه میخوانده اند و آن اینست اللهم انه يحجبني عن مسألتك
خلال ثلث تا آخر دعا در صحیفه کامله مذکور است و از ادعیه دعائیست که آنحضرت در مقام طلب عفو و رحمت

از الله تعالی میخوانند و آن اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاکْسِرْ شَهْوَتِی تا آخر و
آن نیز در صحیفه کامله مذکور است از انجمله دعائیست که بهمان حضرت در مقام اشتیاق بطلب توبه
و مغفرت میخواندند و آن اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَیِّرْنَا اِلیٰ مَحْبُوبِکَ
مِنَ التَّوْبَةِ تا آخر و در صحیفه کامله مذکور است و از انجمله دعائیست که بهمان حضرت چون توبه را
بخاطر میرسانید و از الله تعالی می طلبید میخواندند و آن اینست اَللّٰهُمَّ یَا مَنْ لَا یَصِفُهُ نَعْتُ
الْوَاصِفِینَ تا آخر و در صحیفه کامله مذکور است و از انجمله دعائیست از ادعیه سر قدیمه که در مصباح
کفعمی مذکور شده و مضمون آنچه در آن نقل شده اینست که ای محمد بگو بکسی که مرتکب گناه کبیره شده باشد
این کبیره از او میخواهد و از آن پاکیزه شود اینکه پاکیزه کند بدن و جامه خود را و بصحرای رود و بقبله کند
بر جائیکه کسی او را نه بیند و بعد از آن دو دستها را بدعا بردارد و این دعا بخواند بر حالیکه منظور نیست کسی غیر
من باشد چه هر گاه با این صفت این دعا بخواند خلاص کنم من او را از آن گناه و پاک کنم او را از آن و بخشم آن
گناه او را و دعا اینست یَا وَاسِعاً بِحُسْنِ عَائِدَتِهِ وَیَا مُلْبِساً فَضْلَ رَحْمَتِهِ وَیَا مُهِیباً
لِشِدَّةِ سُلْطَانِهِ وَیَا رَاحِماً بِکُلِّ مَکَانٍ ضَرِیراً اَصَابَهُ الضُّرُّ فَخَرَجَ اِلَیْکَ مُسْتَغِیثاً
بِکَ هَائِباً اِلَیْکَ تَائِباً اِلَیْکَ یَقُولُ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِی وَلِمَغْفِرَتِکَ خَرَجْتُ
اِلَیْکَ اَسْتَجِیرُ بِکَ فِی خُرُوجِی مِنَ النَّارِ وَبِعِزِّ جَلَالِکَ تَجَاوَزْتَ فَتَجَاوَزْ یَا کَرِیمُ
وَبِاسْمِکَ الَّذِی تَسَمَّیْتَ بِهِ وَجَعَلْتَهُ فِی کُلِّ عَظَمَتِکَ وَمَعَ کُلِّ قُدْرَتِکَ وَفِی کُلِّ

عَنْ كُلِّ مُحَرَّمٍ وَازْجُرْنِي عَنْ كُلِّ مَأْثَمٍ وَامْنَعْنِي عَنْ اَذٰى كُلِّ مُؤْمِنٍ

وَمُؤْمِنَةٍ وَمُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ اَللّٰهُمَّ وَاَيُّمَا عَبْدٍ نَالَ مِنِّي مَا حَظَرْتَ عَلَيْهِ

وَانْتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ فَمَضٰى بِظُلَامَتِي مَيِّتًا اَوْ حَصَلَتْ لِي

قِبَلَهُ حَيًّا فَاغْفِرْ لَهُ مَا اَلَمَّ بِهِ مِنِّي وَاعْفُ لَهُ عَمَّا اَدْبَرَ بِهِ عَنِّي وَلَا

تَقِفْهُ عَلٰى مَا ارْتَكَبَ فِيَّ وَلَا تَكْشِفْهُ عَمَّا اكْتَسَبَ بِي وَاجْعَلْ مَا سَمَحْتُ بِهِ

مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ وَتَبَرَّعْتُ بِهِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ اَزْكٰى صَدَقَاتِ

الْمُتَصَدِّقِيْنَ وَاَعْلٰى صِلَاتِ الْمُتَقَرِّبِيْنَ وَعَوِّضْنِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوَكَ

وَمِنْ دُعَائِي لَهُمْ رَحْمَتَكَ حَتّٰى يَسْعَدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ وَيَنْجُوَ كُلٌّ

مِنَّا بِمَنِّكَ اَللّٰهُمَّ وَاَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِيْدِكَ اَدْرَكَهُ مِنِّي دَرَكٌ اَوْ مَسَّهُ

مِنْ نَاحِيَتِي اَذًى اَوْ لَحِقَهُ بِي اَوْ بِسَبَبِي ظُلْمٌ فَفُتُّهُ بِحَقِّهِ اَوْ سَبَقْتُهُ بِمَظْلِمَتِهِ فَصَلِّ

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ وَاَرْضِهِ عَنِّي مِنْ وُجْدِكَ وَاَوْفِهِ حَقَّهُ مِنْ عِنْدِكَ ثُمَّ

قِنِي مَا يُوْجِبُ لَهُ حُكْمُكَ وَخَلِّصْنِي مِمَّا يَحْكُمُ بِهِ عَدْلُكَ فَاِنَّ قُوَّتِي

لَا تَسْتَقِلُّ بِنَقِمَتِكَ وَاِنَّ طَاقَتِي لَا تَنْهَضُ بِسُخْطِكَ فَاِنَّكَ اِنْ تُكَافِنِي

بِالْحَقِّ تُهْلِكْنِي وَاِلَّا تَغَمَّدْنِي بِرَحْمَتِكَ تُوْبِقْنِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي

اَسْتَوْهِبُكَ يَا اِلٰهِي مَا لَا يَنْقُصُكَ بَذْلُهُ وَاَسْتَحْمِلُكَ مَا لَا

حاشیہ صفحہ ۲۲ متعلق سطر اول

حمله واستوهبت يا الهي نفسي التي لم تخلقها لتمتنع بها من سوء او لتطرق

بها الى نفع ولكن انشأتها اثباتاً لقدرتك على مثلها واحتجاجاً بها

على شكلها واستحملك من ذنوبي ما قد بهظني حمله واستعين

بك على ما قد فدحني ثقله فصل على محمد واله وهب لنفسي على

ظلمها نفسي ووكل رحمتك باحتمال اصري فكم قد لحقت رحمتك

بالمسيئين وكم قد شمل عفوك الظالمين فصل على محمد واله واجعلني

اسوة من قد انهضته بتجاوزك عن مصارع الخاطئين وخلصته

بتوفيقك من ورطات المجرمين فاصبح طليق عفوك من اسار سخطك

وعتيق صنعك من وثاق عدلك انك ان تفعل ذلك يا الهي تفعله

بمن لا يجحد استحقاق عقوبتك ولا يبرئ نفسه من استيجاب

نقمتك تفعل ذلك يا الهي بمن خوفه منك اكثر من طمعه فيك و

بمن يأسه من النجاة اوكد من رجائه للخلاص لا ان يكون يأسه

قنوطاً او ان يكون طمعه اغتراراً بل لقلة حسناته بين سيئاته وضعف

حججه في جميع تبعاته فاما انت يا الهي فاهل ان لا يغتر بك الصديقون

حاشیہ صفحہ ۷۲ متعلق سطر سوم

فضله ولا يستقصي من احد حقه تعالى ذكرك عن المذكورين وتقدست
اسماؤك عن المنسوبين وفشت نعمتك في جميع المخلوقين فلك الحمد

على ذلك يا رب العالمين

وازل لنا عن مكروهك من الاصرار اللهم ومتى وقفنا بين نقصين
في دين او دنيا فاوقع النقص باسرعهما فناء واجعل التوبة في اطولهما
بقاء واذا هممنا بهمين يرضيك احدهما عنا ويسخطك الآخر علينا
فمل بنا الى ما يرضيك عنا واوهن قوتنا عما يسخطك علينا ولا تخل
في ذلك بين نفوسنا واختيارها فانها مختارة للباطل الا ما وفقت
امارة بالسوء الا ما رحمت اللهم وانك من الضعف خلقتنا وعلى
الوهن بنيتنا ومن ماء مهين ابتدأتنا فلا حول لنا الا بقوتك ولا
قوة لنا الا بعونك فايدنا بتوفيقك وسددنا بتسديدك واعم
ابصار قلوبنا عما خالف محبتك ولا تجعل لشيء من جوارحنا نفوذا
في معصيتك اللهم فصل على محمد وآله واجعل همسات قلوبنا وحركات
اعضائنا ولمحات اعيننا ولهجات السنتنا في موجبات ثوابك حتى
لا تفوتنا حسنة [illegible]

وَيَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ وَيَا مَنْ لَا يُضِيعُ لَدَيْهِ اَجْرُ الْمُحْسِنِينَ
وَيَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى خَوْفِ الْعَابِدِينَ وَيَا مَنْ هُوَ غَايَةُ خَشْيَةِ الْمُتَّقِينَ
هٰذَا مَقَامُ مَنْ تَدَاوَلَتْهُ اَيْدِي الذُّنُوبِ وَقَادَتْهُ اَزِمَّةُ الْخَطَايَا
وَاسْتَحْوَذَ عَلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَقَصَّرَ عَمَّا اَمَرْتَ بِهِ تَفْرِيطًا وَتَعَاطَى
مَا نَهَيْتَ عَنْهُ تَغْرِيرًا كَالْجَاهِلِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ اَوْ كَالْمُنْكِرِ فَضْلَ
اِحْسَانِكَ اِلَيْهِ حَتّٰى اِذَا انْفَتَحَ لَهُ بَصَرُ الْهُدٰى وَتَقَشَّعَتْ عَنْهُ سَحَائِبُ
الْعَمٰى اَحْصٰى مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ وَفَكَّرَ فِيمَا خَالَفَ بِهِ رَبَّهُ فَرَاٰى كَبِيرَ
عِصْيَانِهِ كَبِيرًا وَجَلِيلَ مُخَالَفَتِهِ جَلِيلًا فَاَقْبَلَ نَحْوَكَ مُؤَمِّلًا لَكَ
مُسْتَحْيِيًا مِنْكَ وَوَجَّهَ رَغْبَتَهُ اِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ فَاَمَّكَ بِطَمَعِهِ يَقِينًا
وَقَصَدَكَ بِخَوْفِهِ اِخْلَاصًا قَدْ خَلَا طَمَعُهُ مِنْ كُلِّ مَطْمُوعٍ فِيهِ غَيْرِكَ
وَاَفْرَخَ رَوْعُهُ مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ فَمَثَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَضَرِّعًا
وَغَمَّضَ بَصَرَهُ اِلَى الْاَرْضِ مُتَخَشِّعًا وَطَاْطَاَ رَاْسَهُ لِعِزَّتِكَ مُتَذَلِّلًا وَ
اَبَثَّكَ مِنْ سِرِّهِ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ خُضُوعًا وَعَدَّدَ مِنْ ذُنُوبِهِ مَا اَنْتَ
اَحْصٰى لَهَا خُشُوعًا وَاسْتَغَاثَ بِكَ مِنْ عَظِيمِ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عِلْمِكَ
وَقَبِيحِ مَا فَضَحَهُ فِي حُكْمِكَ مِنْ ذُنُوبٍ اَدْبَرَتْ لَذَّاتُهَا فَذَهَبَتْ

حاشیہ صفحہ ۶۲ متعلق سطر ۵

وَأَقَامَتْ تَبِعَاتُهُمَا فَأَزِمَتْ لَا يُنْكَرُ يَا إِلٰهِي عَدْلُكَ إِنْ عَاقَبْتَهُ وَلَا
يُسْتَعْظَمُ عَفْوُكَ إِنْ عَفَوْتَ عَنْهُ وَرَحِمْتَهُ لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ
الَّذِي لَا يَتَعَاظَمُهُ غُفْرَانُ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ فَهَا أَنَا ذَا قَدْ جِئْتُكَ
مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيمَا أَمَرْتَ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ مُتَنَجِّزًا وَعْدَكَ فِيمَا وَعَدْتَ بِهِ مِنَ
الْإِجَابَةِ إِذْ تَقُولُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْقَنِي
بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقِيتُكَ بِإِقْرَارِي وَارْفَعْنِي عَنْ مَصَارِعِ الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتُ
لَكَ نَفْسِي وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأَنَّيْتَنِي عَنِ الْاِنْتِقَامِ مِنِّي اَللّٰهُمَّ وَثَبِّتْ
فِي طَاعَتِكَ نِيَّتِي وَأَحْكِمْ فِي عِبَادَتِكَ بَصِيرَتِي وَوَفِّقْنِي مِنَ الْأَعْمَالِ
لِمَا تَغْسِلُ بِهِ دَنَسَ الْخَطَايَا عَنِّي وَتَوَفَّنِي عَلَىٰ مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَفَّيْتَنِي اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي
هٰذَا مِنْ كَبَائِرِ ذُنُوبِي وَصَغَائِرِهَا وَبَوَاطِنِ سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرِهَا وَ
سَوَالِفِ زَلَّاتِي وَحَوَادِثِهَا تَوْبَةَ مَنْ لَا يُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِيَةٍ وَلَا يُضْمِرُ
أَنْ يَعُودَ بَعْدَهَا فِي خَطِيئَةٍ وَقَدْ قُلْتَ يَا إِلٰهِي فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ إِنَّكَ تَقْبَلُ
التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَتُحِبُّ التَّوَّابِينَ فَاقْبَلْ تَوْبَتِي
كَمَا وَعَدْتَ وَاعْفُ عَنْ سَيِّئَاتِي كَمَا ضَمِنْتَ وَأَوْجِبْ لِي مَحَبَّتَكَ

حاشیہ صفحہ ۶۲ متعلق سطر ۵

كما شرطت ولك يا ربّ شرطي الّا اعود في مكروهك وضماني الّا ارجع
في مذمومك وعهدي ان اهجر جميع معاصيك اللّهمّ انّك اعلم
بما عملت فاغفر لي ما علمت واصرفني بقدرتك الى ما احببت
اللّهمّ وعليّ تبعات قد حفظتهنّ وتبعات قد نسيتهنّ وكلّهنّ
بعينك الّتي لا تنام وعلمك الّذي لا ينسى فعوّض منها اهلها و
احطط عنّي وزرها وخفّف عنّي ثقلها واعصمني من ان اقارف
مثلها اللّهمّ انّه لا وفاء لي بالتّوبة الّا بعصمتك ولا استمساك
بي عن الخطايا الّا عن قوّتك فقوّني بقوّة كافية وتولّني بعصمة
مانعة اللّهمّ ايّما عبد تاب اليك وهو في علم الغيب عندك فاسخ
لتوبته وعائد في ذنبه وخطيئته فانّي اعوذ بك من ان اكون
كذلك فاجعل توبتي هذه توبة لا احتاج بعدها الى توبة توبة موجبة
لمحو ما سلف والسّلامة فيما بقي اللّهمّ انّي اعتذر اليك من جهلي
واستوهبك سوء فعلي فاضممني الى كنف رحمتك تطوّلا واسترني
بستر عافيتك تفضّلا اللّهمّ وانّي اتوب اليك من كلّ ما خالف
ارادتك او زال عن محبّتك من خطرات قلبي ولحظات عيني

وحكايات لساني توبة تسلم بها كل جارحة على حيالها من
تبعاتك وتأمن مما يخاف المعتدون من اليم سطواتك
اللهم فارحم وحدتي بين يديك ووجيب قلبي من خشيتك
واضطراب اركاني من هيبتك فقد اقامتني يا رب ذنوبي مقام
الخزي بفنائك فان سكت لم ينطق عني احد وان شفعت فلست
باهل الشفاعة اللهم صل على محمد وآله وشفع في خطاياي
كرمك وعد على سيئاتي بعفوك ولا تجزني جزائي من عقوبتك
وابسط علي طولك وجللني بسترك وافعل بي فعل عزيز تضرع
اليه عبد ذليل فرحمه او غني تعرض له عبد فقير فنعشه اللهم
لا خفير لي منك فليخفرني عزك ولا شفيع لي اليك فليشفع لي
فضلك وقد اوجلتني خطاياي فليؤمني عفوك فما كل ما
نطقت به عن جهل مني بسوء اثري ولا نسيان لما سبق من ذميم فعلي
لكن لتسمع سماؤك ومن فيها وارضك ومن عليها ما اظهرت لك
من الندم ولجأت اليك فيه من التوبة فلعل بعضهم برحمتك يرحمني
لسوء موقفي او تدركه الرقة علي لسوء حالي فينالني منه بدعوة

هي أسمع لديك من دعائي أو شفاعة أوكد عندك من شفاعتي
تكون بها نجاتي من غضبك وفوزتي برضاك اللهم إن يكن الندم
توبة إليك فأنا أندم النادمين وإن يكن الترك لمعصيتك
إنابة فأنا أول المنيبين وإن يكن الاستغفار حطة للذنوب فإني
لك من المستغفرين اللهم فكما أمرت بالتوبة وضمنت القبول
وحثثت على الدعاء ووعدت الإجابة فصل على محمد وآله و
اقبل توبتي ولا ترجعني مرجع الخيبة من رحمتك إنك أنت
التواب على المذنبين الرحيم للخاطئين المنيبين
اللهم صل على محمد وآله كما هديتنا به وصل على محمد
وآله كما استنقذتنا به وصل على
محمد وآله صلوة تشفع لنا يوم القيمة
ويوم الفاقة إنك على كل
شيء قدير وهو عليك
يسير

سلطانك وصيّرته في قبضتك ونوّرته بكتابك والبسته وقاراً منك

يا الله يا الله اطلب اليك ان تمحو عنّي ما اتيتك به وتنزع بدائي عن مثله

فانّي بك لا اله الّا انت وباسمك الّذي فيه تفصيل الامور كلّها مؤمن

هذا اعترافي فلا تخذلني وهب لي عافية ولتنجّي من الذنب العظيم هلكت

فتلافني بحقّ حقوقك كلّها يا كريم و از انجمله دعاء ديگرست از ادعيه سرّيه كه

در مصباح كفعمي مذكور شده و مضمونش بنحو در آن نقل شده است كه اي محمد صلّى الله عليه وآله كسيكه

گناهان كبيره داشته باشد از امت تو بر بيكه مشهور شده باشد ببزرگي گناهان پس بايد كه قصد كند

مراد وقت پيش از طلوع صبح يا پيش از غروب شفق رو بقبله بايستد و اين دعا بخواند چه آنكه اينرا بخوانند

روشن بخواند تبديل ميكنم گناهان او را بثواب و دعاي او را مستجاب كنم و دعا اينست يا ربّ يا ربّ

فلان بن فلان عبد من عبيدك شديد حياؤه منك لتعرّضه لرحمتك مع اصراره

على ما نهيت عنه من الذنب العظيم يا عظيم انّ عظيم ما اتيت به لا يعلمه

غيرك قد شمت بي فيه القريب والبعيد واسلمني فيه العدوّ والحبيب

والقيت بيدي اليك طمعاً لامر واحد وطمعي ذلك في رحمتك فارحمني يا ذا الرحمة

الواسعة وتلافني براعفتك على الشماتة اهلهم وارزقني تقدّمك من الطريق

الاعوج وخلّصني من بحر الكرب باقالتك واطلق اسري برحمتك وطل علي

برضوانك وجد علي باحسانك واقلني عثرتي وفرج كربي وارحم عبرتي
ولا تحجب دعوتي واشدد باقالة ازري وقو بها ظهري واصلح بها
امري واطل بها عمري وارحمني يوم حشري ووقت نشري انك جواد
كريم غفور رحيم و در بعض نسخ بجای ولافني برأفتك تا آخر دعا چنین است وتلافني بالمغفرة
والعصمة من الذنوب اني اليك متضرع اسألك باسمك الذي يزيل اقدام
حملة عرشك ذكره وترعد لسماعه اركان العرش الى اسفل تخوم الارضين
اني اسألك بحق ذلك الاسم الذي لا يكون لشيء دونك الا رحمتني باستجابتي
اليك باسمك هذا يا عظيم اتيتك بكذا وكذا الامر الذي قد اتى فاغفر لي
تبعته وعافني من ان تبتليني بعد مثلها يا رحيم و مناسب این باب اعمالیکه بر
آنرا بجا آورد رد کند الله تعالی مظالم و تبعاتی را که از مردم بر ذمه او باشد و تبعات حقوقی را که
که در گردن کسی باشد از دیگر خواه مالی خواه غیر مالی از جمله آن اعمال گزاردن نماز یست که در کتاب وسائل
از احمد بن علی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که آنرا بگزارد الله تعالی راضی کند
و وسعت رحمت خود خصمان او را در روز قیامت هر جنید بعد یک بیابان بنشیند و بر او جنت و آن نماز
گزار بی حساب حق چند با او همینکه اهل جنت میشود و آن چهار رکعت است هر وقت که خواهد
رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله احد بیست و پنج بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و قل هو الله احد پنجاه بار

و در رکعت سوم فاتحه یکبار و قل هو الله هفتاد و پنجبار و در رکعت چهارم فاتحه یکبار و
قل هو الله صد بار و از انجمله خواندن دعائیست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام
در مقام عذر خواهی از تبعات بندگان خدا و عذر خواهی از تقصیر در حقوق ایشان میخوانده اند
و آن اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعْتَذِرُ اِلَیْکَ مِنْ مَظْلُوْمٍ تا آخر و در صحیفه کامله مذکور است و
از انجمله خواندن دعائیست که ابن طاوس در مهج الدعوات از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
روایت کرده که جبرئیل علیه السلام بآنحضرت گفت که ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم از امتان تو
هرکه باشد بر او مظلمه و ممکن نباشد او را رد کردن آن بر صاحبش و حلال خواستن از صاحبش
چون این دعا بخواند الله تعالی آن مظلمه را از جانب او قضا کند و صاحب آن مظلمه را از او راضی کند و آن
اینست یَا نُوْرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ یَا غَوْثَ الْمُسْتَغِیْثِیْنَ وَیَا جَارَ الْمُسْتَجِیْرِیْنَ
اَنْتَ الْمُنْزَلُ بِکَ کُلُّ حَاجَةٍ اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوْبُ اِلَیْکَ مِنْ مَظَالِمَ کَثِیْرَةٍ لِعِبَادِکَ قِبَلِیْ
اَللّٰهُمَّ فَاَیُّمَا عَبْدٍ مِنْ عَبِیْدِکَ اَوْ اَمَةٍ مِنْ اِمَائِکَ کَانَتْ لَهٗ قِبَلِیْ مَظْلِمَةٌ ظَلَمْتُهَا
اِیَّاهُ فِیْ نَفْسِهٖ اَوْ فِیْ عِرْضِهٖ اَوْ فِیْ مَالِهٖ اَوْ فِیْ اَهْلِهٖ وَوَلَدِهٖ اَوْ غِیْبَةٌ اغْتَبْتُهٗ بِهَا
اَوْ تَحَامَلْتُ عَلَیْهِ بِمَیْلٍ اَوْ هَوًی اَوْ اَنَفَةٍ اَوْ حَمِیَّةٍ اَوْ رِیَاءٍ اَوْ عَصَبِیَّةٍ غَائِبًا کَانَ
اَوْ شَاهِدًا حَیًّا کَانَ اَوْ مَیِّتًا فَقَصُرَتْ یَدِیْ وَضَاقَ وُسْعِیْ عَنْ رَدِّهَا اِلَیْهِ وَالتَّحَلُّلِ مِنْهُ
فَاَسْئَلُکَ یَا مَنْ یَمْلِکُ الْحَاجَاتِ وَهِیَ مُسْتَجِیْبَةٌ بِمَشِیَّتِهٖ وَمُسْرِعَةٌ اِلٰی اِرَادَتِهٖ اَنْ تُصَلِّیَ

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِكَ ثُمَّ هَبْهَا لِي
مِنْ لَدُنْكَ إِنَّهُ لَا يَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ وَلَا يَضُرُّكَ الْمَوْهِبَةُ رَبِّ أَكْرِمْنِي
بِرَحْمَتِكَ وَلَا تُهِنِّي بِذُنُوبِي إِنَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و باید
چون توبه کنی از معصیتی که مرتکب آن شده مگر بر سبیل لمم چه در کافی شیخ کلینی از حضرت امام [illegible] علیه
السلام روایت شده که طالب آمرزش کننده از گناه در حالی که میکند آن را [illegible] مانند کسی است
که استهزا کند با خصما کل اختیار خود باب چهارم در اعمالی که از برای روا شدن حاجتها بجا باید
آورد از آنجمله گزاردن شش رکعت نماز است مثل نمازهایی که در مقاله دوم در اعمال پنجشنبه و شب جمعه
و روز جمعه گفته شد و مثل نمازی که در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده
که هرگاه مشکل شود بر یکی از شما کاری باید که نظر کند در وقتی که آفتاب بجانب مشرق باشد
به بلندی مقدار عصر مثل آنکه در جانب مغرب میباشد پس از وقت شش رکعت نماز کند پس هرچه
که خواهد پس بقبله رو دستها را بدارد و بگوید اللَّهُمَّ ائْتِنَا بِالْعَافِيَةِ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ
كَيْفَ شِئْتَ وَأَنَّى شِئْتَ فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ كَيْفَ شِئْتَ پس حق سبحانه
تعالی آن کار را آسان کند و مثل نمازی که در مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
شده که هرکه را حاجتی رو دهد باید که غسل کند و دو رکعت نماز کند و [illegible] دست [illegible]
بر دست راست خود بگذارد و بگوید يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ وَيَا مُذِلَّ كُلِّ عَزِيزٍ وَحَقِّكَ لَقَدْ

نماز حاجت

نماز حاجت

شق علی کذا و کذا و نام آن را ببرد هر که این عمل بجا آورد نفع خواهد دید [illegible] وقتی

نمازیکه در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق ع روایت شده که چون کسی از شما مشکلی افتد و سستی شود

با الله تعالی وضو بسازد و صدقه کند بچیزی کم یا بسیار و داخل مسجد شود و دو رکعت نماز کند بعد از آن حمد و ثنای

الله تعالی بجا آرد و بر پیغمبر و آلش صلوات فرستد و بگوید اللهم ان عافیتنی مما اخاف من کذا

و کذا پس الله تعالی مراد او را بدهد وقت قبل نمازیکه در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام

روایت شده که هر که را با الله تعالی حاجتی باشد در شب جمعه غسل کند و جامهٔ پاکیزه بپوشد و بگیرد کوزهٔ نو

پر از آب بخواند بر آن انا انزلناه یا قرآن [illegible] در مصلی و سجده [illegible] خود [illegible] بعد از آن دو رکعت

نماز کند و در هر رکعت فاتحه یک بار و انا انزلناه یک بار [illegible] در بارگاه الهی حاجتهای خود وقتی

نمازیکه در حاشیه مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر که را حاجتی باشد

که خواسته باشد روائی آن را پس باید که غسل کند و جامهٔ پاکیزه بپوشد در شب پنجشنبه [illegible] دو رکعت نماز کند

چون سلام دهد سجده کند و حمد و ثنای الله تعالی بجا آورد و در سجده بگوید یا جبرئیل یا محمد انتما کافیای

فاکفیانی و انتما حافظای فاحفظانی و انتما کالئای فاکلانی [illegible] سبحانه

حق نیست [illegible] وقتی نمازیکه [illegible] کفعمی از امام جعفر صادق

علیه السلام روایت شده [illegible]

طلب حاجت کند و دو رکعت نماز [illegible]

نماز حاجت

نماز حاجت

کافیان حافظان

کالئان

اللهم انت السلام ومنك السلام واليك السلام اللهم صل علی محمد وآل
محمد وبلغ روح محمد منی السلام وارواح الائمة الصادقين سلامی واردد
علی منهم السلام والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم ان
هاتين الركعتين هدية منی الی رسول الله صلی الله عليه وآله فاثبنی
عليهما ما أملت ورجوت فيك وفی رسولك يا ولی المؤمنين بعد از ان سجده كن
بگو چهل بار يا حی يا قيوم لا يموت يا حی لا اله الا انت يا ذا الجلال والاكرام
يا ارحم الراحمين بعد از ان پهلوی راست روی خود را بر سجده گاه گذار وهمين كلمات را چهل بار بگو
بعد از ان پهلوی چپ روی خود را بر سجده گاه گذار وهمين كلمات را چهل بار بگو بعد از ان سر بردار
ودستها را دراز كن بطرف قبله چنانكه در وقت زاری در دعا متعارف است
... همين كلمات را چهل بار بگو بعد از ان گردان دست خود را بسوی گردن خود و انگشت شهادت خود را ...
باش وهمين كلمات را چهل بار بگو بعد از ان بگير ريش خود را بدست چپ و گريه كن يا خود را بصورت گريه كنندگان كن
يا محمد يا رسول الله اشكو الی الله واليك حاجتی والی اهل بيتك الراشدين
حاجتی وبكم اتوجه الی الله فی حاجتی بعد از ان سجده كن وبگو يا الله يا الله ...
تو وصل علی محمد وآل محمد وافعل بی كذا وكذا و حاجت خود را بطلب حضرت امام
صادق عليه السلام گفته من ضامنم بر الله تعالی كه برنخيزی تو از جای خود تا آنكه حاجت تو برآورده شود ...

کافی شیخ کلینی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که چون مردی را اندوهگین کند کاری عمده
یا بخواهد حاجتی را باید که دو رکعت نماز کند و بخواند در یکی از آن دو رکعت بعد از فاتحه قل هو الله احد
هزار بار و در رکعت دیگر یکبار بعد از آن طلب کند حاجت خود را و مثل نماز دیگر که در کافی شیخ از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت شده که چون ترا حاجتی عمده باشد بسوی الله تعالی غسل کن و جامهٔ
پاکیزه بپوش و خوشبوی بکار بر و بزیر آسمان برآ و دو رکعت نماز کن در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله پانزده
بار و در هر رکعت از رکوع و سر برداشتن از رکوع و در دو سجده و سر برداشتن از سجده پانزده بار
قل هو الله احد بخوان که در هر رکعت صد و پنجاه مرتبه قل هو الله احد خوانده باشی و چون
سلام دهی پانزده بار بخوان و سجده کن و در سجده بگو اللّهم انّ کلّ معبودٍ من
لدن عرشک الی قرار ارضک فهو باطلٌ سواک فانّک انت
الحقّ المبین اقض لی حاجة کذا و کذا الساعة الساعة و الحاح کن در این سجده
باین روش که متوسل شوی بمحمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و مثل نماز دیگر که در کافی
شیخ کلینی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که چون ترا حاجتی عمده باشد بسوی الله تعالی
رکعت نماز کن و در تشهد تعظیم الله تعالی کن بخواندن مستحبات تشهد و صلوات بفرست چون سلام دهی بگو اللّهم
انّی اسألک بانّک ملکٌ و انّک علی کلّ شیءٍ قدیرٌ مقتدرٌ و بانّک ما تشاء
من امرٍ یکون اللّهم انّی اتوجّه الیک بنبیّک محمّدٍ نبیّ الرّحمة صلّی الله علیه

وآله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربک وربی لینجح لی بک

طلبتی اللهم بنبیک انجح لی طلبتی بمحمد بعد از آن حاجت خود را طلب کند و مستحب است

گفتن یا رب یا رب پیش از شروع در طلب حاجت ده بار چه در کافی شیخ کلینی از امام جعفر صادق

علیه السلام منقولست که هر که پیش از شروع در طلب حاجت خود ده بار یا رب یا رب بگوید گفته میشود با او

از جانب ملائکه که موکل اند بقضای حاجات که لبیک بطلب حاجت را و همچنین مستحب است گفتن یا ربی

یا الله یا ربی یا الله آنقدر که نفس منقطع شود و همچنین مستحب است گفتن یا الله یا الله ده بار

و مثل خواندن دعائیست که امام زین العابدین علیه السلام در وقت طلب حاجت میخواند

و آن این است اللهم یا منتهی مطلب الحاجات تا آخر در صحیفه کامله مذکور است و مثل دعائیست

از ادعیه قدسیه که در مصباح کفعمی مذکور شده و مضمون آنچه از آن نقل شده اینست که ای محمد هرگاه

حاجتی باشد در وسط شب خلوت با خدا کنید حاجت خود را عرض کنید رد نکنم البته دعا اینست یا الله

ما اجد احدا الا وانت رجاؤه ومن ارجی خلقک لک انا ویا الله ولیس

شیء من خلقک الا وهو بک واثق ومن اوثق خلقک بک انا ویا الله

ولیس احد من خلقک الا وهو لک فی حاجته معتمد وفی طلب مسائله

ومن الحقهم سؤالا لک انا ومن اشدهم اعتمادا لک انا الا انی

شدید الافتقار فی طلبتی الیک فی کذا وکذا و حاجت خود را نام برد فانک ان

متعلق صفحه هفتادم سطر ششم

وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ وَيَا مَنْ لَا يَبِيعُ نِعَمَهُ بِالْاَثْمَانِ وَ
يَا مَنْ لَا يُكَدِّرُ عَطَايَاهُ بِالْاِمْتِنَانِ وَيَا مَنْ يُسْتَغْنٰى بِهِ وَلَا يُسْتَغْنٰى
عَنْهُ وَيَا مَنْ يُرْغَبُ اِلَيْهِ وَلَا يُرْغَبُ عَنْهُ وَيَا مَنْ لَا تُفْنِى خَزَائِنَهُ
الْمَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا تُبَدِّلُ حِكْمَتَهُ الْوَسَائِلُ وَيَا مَنْ لَا تَنْقَطِعُ عَنْهُ
حَوَائِجُ الْمُحْتَاجِينَ وَيَا مَنْ لَا يُعْنِيهِ دُعَاءُ الدَّاعِينَ تَمَدَّحْتَ
بِالْغِنٰى عَنْ خَلْقِكَ وَاَنْتَ اَهْلُ الْغِنٰى عَنْهُمْ وَنَسَبْتَهُمْ اِلَى الْفَقْرِ وَهُمْ
اَهْلُ الْفَقْرِ اِلَيْكَ فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَرَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ
نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِى مَظَانِّهَا وَاَتٰى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا وَمَنْ
تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ اِلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ
تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ وَاسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الْاِحْسَانِ اَللّٰهُمَّ وَلِى اِلَيْكَ
حَاجَةٌ قَدْ قَصَّرَ عَنْهَا جُهْدِى وَتَقَطَّعَتْ دُونَهَا حِيَلِى وَسَوَّلَتْ لِى نَفْسِى
رَفْعَهَا اِلٰى مَنْ يَرْفَعُ حَوَائِجَهُ اِلَيْكَ وَلَا يَسْتَغْنِى فِى طَلِبَاتِهِ عَنْكَ
وَهِىَ زَلَّةٌ مِنْ زَلَلِ الْخَاطِئِينَ وَعَثْرَةٌ مِنْ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ ثُمَّ انْتَبَهْتُ
بِتَذْكِيرِكَ لِى مِنْ غَفْلَتِى وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ زَلَّتِى وَنَكَصْتُ بِتَسْدِيدِكَ
عَنْ عَثْرَتِى وَقُلْتُ سُبْحَانَ رَبِّى كَيْفَ يَسْئَلُ مُحْتَاجٌ مُحْتَاجًا وَاَنّٰى يَرْغَبُ

مُعْدِمٌ إلى مُعْدِمٍ فقصدتك يا إلهي بالرغبة إليك وأوفدت عليك
رجائي بالثقة بك وعلمت أنّ كثير ما أسألك يسيرٌ في وُجدك وأنّ خطيرَ
ما أستوهبك حقيرٌ في وسعك وأنّ كرمك لا يضيق عن سؤال أحدٍ
وأنّ يدك بالعطايا أعلى من كلّ يدٍ اللّهمّ فصلّ على محمّدٍ وآله و
احملني بكرمك على التفضّل ولا تحملني بعدلك على الاستحقاق فما أنا
بأوّل راغبٍ رغب إليك فأعطيته وهو يستحقّ المنع ولا بأوّل سائلٍ
سألك فأفضلت عليه وهو يستوجب الحرمان اللّهمّ صلّ على محمّدٍ و
آله وكن لدعائي مجيبًا ومن ندائي قريبًا ولتضرّعي راحمًا ولصوتي سامعًا
ولا تقطع رجائي عنك ولا تبتّ سببي منك ولا توجّهني في حاجتي هذه
وغيرها إلى سواك وتولّني بنجح طلبتي وقضاء حاجتي ونيل سؤلي قبل زوالي
عن موقفي هذا بتيسيرك لي العسير وحسن تقديرك لي في جميع الأمور
وصلّ على محمّدٍ وآله صلوةً دائمةً ناميةً لا انقطاع لأبدها ولا منتهى
لأمدها واجعل ذلك عونًا لي وسببًا لنجاح طلبتي إنّك واسعٌ كريمٌ ومن
حاجتي يا ربّ كذا وكذا وتذكر حاجتك ثمّ تسجد وتقول في سجودك فضلك
آنسني وإحسانك دلّني فأسألك بك وبمحمّدٍ وآله صلواتك عليهم أن لا تردّني خائبا

قضيتها قضيت او لم تقضها لم تقصل بذا وقد لزمني من الامر ما لا بدّ
لي منه فلذلك طلبت اليك يا منفذ احكامه بامضائها امض قضاء
حاجتي هذه باثباتها في غيوب الاجابة حتى تقلبني بها منجحاً حيث كنت
تقلب لي فيها اهواء جميع عبادك وامنن علي بامضائها وتيسيرها
ونجاحها فيسرها لي فاني مضطر الى قضائها وقد علمت ذلك فاكشف عني
من الضر بحقك الذي تقضي به ما تريد ومثل خواندن دعائی که در مصباح کفعمی
حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده وآن اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا من
امرته بالدعاء ان يدعوك وضمنت له بالاجابة ان يجيبك ولي اللهم
حاجة قد عجزت عنها حيلتي وكلت فيها طاقتي وضعفت عن مرامها قدرتي وسولت
لي نفسي الامارة بالسوء وعدوي الغرور الذي انا منه مبتلى ان ارغب
فيها الى ضعيف مثلي ومن هو في النكول شكلي حتى تداركتني
رحمتك وبادرتني بالتوفيق رأفتك رددت علي عقلي بتطولك والهمتني
رشدي بتفضلك واحييت بالرجاء لك قلبي وازلت خدعة عدوي عن لبي
وصححت بالتأميل فكري وشرحت بالرجاء لاسعافك صدري وصورت لي
الفوز ببلوغ ما رجوته والوصول الى ما املته فوقفت اللهم بين يديك

باثباتكها

خنا بعما الیک واثقا بک متوکلا علیک فی قضا بها
بلتی وتصدیق رغبتی فانجح اللهم حاجتی بایمن نجاح و
ل الفلاح واعذنی اللهم بکرمک من الخیبة والقنوط و
بطء هنیئی اجابتک وسابغ موهبتک انک ملی ولی
بالمنائح الجزیلة وفی وانت علی کل شیء قدیر وبکل
ء خبیر بصیر وشش خواندن غائبیت که در مصباح کفعمی از حضرت
ن علیه السلام روایت شده وآن اینست یا من جاز کل شیء ملکو
جر قلبی فرح الاقبال علیک والحقنی بمیدان
یا من قصده الطالبون فوجدوه متفضلا و
وجدوه نوالا وامه الخائفون فوجدوه قریبا
ل محمد واعطنی کذا وکذا وحاجت خود بطلب وشش خواند
ح کفعمی از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت شده که حضرت جبرئیل
ورد برای روائی حاجات وآن اینست یا نور السموات والارض
ن فیک یا عماد السموات والارض یا زین السموات والارض یا جمال
موات والارض یا ذا الجلال والاکرام ویا غوث المستغیثین

رغبة العابدین ومنفس المکروبین ومفرج المغمومین وصریخ
المستصرخین مجیب دعوة المضطرین کاشف کل سوء اله العالمین
وشرح خواندن وعاقبت که در حواشی مصباح کفعمی از ائمه علیهم السلام روایت شده
که هرگاه حاجتی باشد بدرگاه الهی این دعا بخوان اللهم انی اسألک بحق محمد وعلی
فان لهما عندک شأنا من الشأن وقدرا من القدر فاسألک بحق ذلک
الشأن وبحق ذلک القدر ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا
فانه اذا کان یوم القیمة لم یبق ملک مقرب ولا نبی مرسل ولا عبد مؤمن
امتحن الله قلبه بالایمان الا وهو محتاج الیهما فی ذلک الیوم ومثل خواندن
دعائی که در کتاب ... الرائق از ائمه علیهم السلام روایت شده وآن اینست سبحان
الله الواحد الذی لیس غیره سبحان الله الدائم الذی لا نفاد له سبحان
الله القدیم الذی لا ابتداء له سبحان الله الذی یحیی ویمیت سبحان الله
الذی هو کل یوم فی شأن سبحان الله الذی خلق ما یری وما لا یری
سبحان الله الذی علم کل شیء بلا تعلیم اللهم انی اسألک بحق هذه
الکلمات ... ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حوائجی
ومثل خواندن ... کافی شیخ کلینی از ائمه علیهم السلام روایت شده وآن اینست

اللهم رب السموات السبع وما بينهن ورب العرش العظيم ورب جبرئيل
ومیکائیل واسرافیل ورب القران العظیم ورب محمد خاتم النبیین
انی اسالک بالذی تقوم به السماء وبه تقوم الارض وبه تفرق بین
الجمع وبه تجمع بین المتفرق وبه ترزق الاحیاء وبه احصیت عدد الرمال
ووزن الجبال وکیل البحور بعد از ان صلوات فرست بر محمد وال محمد علیه واله السلام و از
الله تعالی حاجت خود را والحاح کن در طلب یا بطریق که متوسل شو بمحمد وعلی وفاطمه وحسن وحسین
علیهم الصلوة والسلام و مثل خواندن دعائیست که در کافی شیخ کلینی از امام جعفر علیه
السلام روایت شده که شخصی شکوه کرد بحضرت امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام که دعای من
مستجاب نمیشود آنحضرت فرمود که کجائی که دوری از دعای سریع الاجابت فرو گفت چیست آن دعا
حضرت فرمود بگو اللهم انی اسالک باسمک العظیم الاعظم الاجل الاکرم المخزون
المکنون النور الحق البرهان المبین الذی هو نور مع نور ونور من نور
ونور فی نور ونور علی نور ونور فوق کل نور ونور تضیئ به
کل ظلمة ویکسر به کل شیطان مرید وکل جبار عنید لاتقر
به ارض ولا یقوم به سماء ویامن به کل خائف ویبطل به سحر
کل ساحر وبغی کل باغ وحسد کل حاسد ویتصدع لعظمته البر و

البحر و یستقر به الفلک حین یتکلم به الملک فلا یکون
للحوت علیه سبیل و هو اسمک الاعظم الاعظم الاجل الاجل النور
الاکبر الذی سمیت به نفسک و استویت به علی عرشک و اتوجه
الیک بمحمد و اهل بیته اسئلک بک و بهم ان تصلی علی محمد و آل محمد
و ان تفعل بی کذا و کذا و حاجات خود را عرض کن در خواص سوره از کفعمی منقول است که
چون کسی قل یا ایها الکافرون را در وقت طلوع آفتاب ده بار بخواند و بعد از آن دعا کند از برای حاجت
حاجتش روا شود و باید که بعد از دعا و طلب حاجت بگوید ما شاء الله لا حول و لا قوة الا
بالله چنانچه در کافی شیخ کلینی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که هر که از برای طلب حاجتی دعا
کند و بعد از آن این کلمات بگوید خداوند عز و جل میگوید که اقرار کرد بنده من و گذاشت کار خود را به
فرمان من آمرزیدم که او کلید بقضای حاجتش گشائید حاجاتش را و باب پنجم در اعمال طلب روزی و ادای
قرض و در آن دو فصل است فصل اول در اعمال طلب روزی از جمله نمازهای چند است که در کافی شیخ
کلینی مذکور است مثل آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده از برای ادای قرض و دفع احتیاج و توسعه رزق عیال
و آن این است که وضو بسازی و کامل کنی وضو را باشتمال بر مستحبات آن و بعد از آن دو رکعت نماز
کنی و کامل کنی رکوع و سجودش را باشتمال مستحبات آن بعد از آن بگوئی یا ماجد
یا واحد یا کریم اتوجه الیک بمحمد نبیک نبی الرحمة صلی الله

بیان خواص سوره

اعمال طلب روزی و ادای قرض

علیه و آله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربک و ربی و رب
کل شیء ان تصلی علی محمد و اهل بیته و اسألک نفحة کریمة من نفحاتک
و فتحا یسیرا و رزقا واسعا الم به شعثی و اقضی به دینی و استعین
به علی عیالی **و مثل** اینجا از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آنحضرت
علیه السلام بابن الطیار تعلیم نموده و گفته که چون اراده کنی که از منزل خود بیرون روی
بگزار دو رکعت نماز یا چهار رکعت نماز و بعد از ان بگو توجهت بلا حول منی و
لا قوة و لکن بحولک و قوتک ابرأ من الحول و القوة الا بک فانت حولی
و منک قوتی اللهم فارزقنی من فضلک الواسع رزقا کثیرا طیبا
فانا حافظ فی عافیتک فانه لا یملکها احد غیرک و ابن الطیار این عمل را
بجا آورده و الله تعالی از برای او وسیله بر انگیخته که بهر زرق و سعی رسیده تا آنکه بر اسبها سوار شده و علامها
خریده بنا ها بنا کرده **و مثل** اینجا از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آنحضرت علیه السلام
بولید بن صبیح تعلیم نموده و گفته که چون اراده کنی که بدکان آئی اول مسجد برو و دو رکعت یا چهار رکعت نماز کن
بعد از ان بگوی غدوت بحول الله و قوته غدوت بلا حول منی و لا قوة بل بحولک
و قوتک یا رب اللهم انی عبدک التمس من فضلک کما امرتنی فیسر لی ذلک
و انا حافظ فی عافیتک و از جمله نماز هاییست که در اعمال روز جمعه مذکور شد و جهت نماز ها طلب

[illegible] حاشیه

طلب حاجت و از انجمله نمازیست که در عمل روز پنجشنبه مذکور شد از برای طلب حاجت و از جمله
ادعیه ایست که در کافی شیخ کلینی مذکور است مثل آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده
و آن اینست یا رازق المقلین یا راحم المساکین یا ولی المؤمنین یا ذا القوة
المتین صل علی محمد و اهل بیته و ارزقنی و عافنی و اکفنی ما اهمنی و مثل
از همان حضرت روایت شده از برای دفع بیماری و فقر باید خواند و آن اینست لا حول و لا قوة
الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و
لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
و مثل آنچه از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که در اثنای نماز فریضه بر حال سجود باید
گفت یا خیر المسئولین و یا خیر المعطین ارزقنی و ارزق عیالی من فضلک
فانک ذو الفضل العظیم و مثل آنچه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده و آن
اینست اللهم ارزقنی من فضلک الواسع الحلال الطیب رزقا واسعا
حلالا طیبا بلاغا للدنیا و الآخرة صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد و لا
من احد من خلقک الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت و اسئلوا الله من
فضله فمن فضلک اسئل و من عطیتک اسئل و من یدک الملأ اسئل و
آنچه از همان حضرت ایضا شده و آن اینست اللهم انک تکفلت برزقی و رزق کل دابة

یا خیر مدعو و یا خیر من اعطی و یا خیر من سئل و یا افضل من رجی افعل
بی کذا و کذا و هر مطلبی که داشته باشی بطلب و مثل اینجا از حضرت روایت شده که در حال
سجود باید گفت یا خیر مدعو و یا خیر مسئول و یا اوسع من اعطی و یا خیر مرتجی
ارزقنی و اوسع علی من رزقک و سبب لی رزقا من قبلک انک علی
کل شیء قدیر و مثل اینجا از حضرت علیه السلام روایت شده و آن اینست اللهم اوسع
علی فی رزقی و امدد لی فی عمری واجعلنی ممن تنتصر به لدینک و لا
تستبدل بی غیری و مثل اینجا از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده و آن
اللهم انی اسألک حسن المعیشة معیشة اتقوی بها علی جمیع حوائجی و
اتوصل بها فی الحیوة الی آخرتی من غیر ان تترفنی فیها فاطغی او تقتر بها
علی فاشقی اوسع علی من حلال رزقک و افض علی من سیب فضلک
نعمة منک سابغة و عطاء غیر ممنون ثم لا تشغلنی عن شکر نعمتک
باکثار منها تلهینی بهجته و تفتننی زهرات زهرته و لا باقلال علی منها یقصر
بعملی کده و یملأ صدری همه اعطنی من ذلک یا الهی غنی عن شرار خلقک
و بلاغا انال به رضوانک و اعوذ بک یا الهی من شر الدنیا و شر ما فیها لا تجعل علی
الدنیا سجنا و لا فراقها علی حزنا اخرجنی من فتنتها مرضیا عنی مقبولا فیها عملی

الی دار الحیوان ومساکن الاخیار وابدلنی بالدنیا الفانیة نعیم الدار الباقیة

اللهم انی اعوذ بك من ازلها وزلزالها وسطوات شیاطینها وسلاطینها

ونکالها ومن بغی من بغی علی فیها اللهم من کادنی فکده ومن ارادنی فارده

وفل عنی حد من نصب لی حده واطف عنی نار من شب لی وقوده واکفنی مکر المکرة

وافقا عنی عیون الکفرة واکفنی هم من ادخل علی همه وادفع عنی شر الحسدة

واعصمنی من ذلك بالسکینة والبسنی درعك الحصینة واخبانی فی سترك

الواقی واصلح لی حالی وصدق قولی بفعالی وبارك لی فی اهلی ومالی و نقل است

از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده و آن اینست یا الله یا الله یا الله اسالك

بحق من حقه علیك عظیم ان تصلی علی محمد وال محمد وان ترزقنی العمل بما

علمتنی من معرفة حقك وان تبسط علی ما حظرت من رزقك و از جمله دعا

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در وقت تقتیر رزق میخواندند و آن اینست اللهم انك ابتلیتنا

تا آخر و در صحیفه کامله مذکور است و از جمله دعاهاست از ادعیه سریعه و مضمون آنچه در نسبت اینست

از نبی صلی الله علیه و آله و سلم هر که بجهة فقیری نزد او آید خواهد که از آن عافیت یابد پس چون اینها

بخواند سلب کنم از و فقر را و بجهة ثنا نزد تو توانگر سازم او را و از اهل قناعت کنم و دعا اینست یا محل

کنوز اهل الغنی ویا مفزع اهل الفاقة من سعة تلك الکنوز

تنا فی ارزاقنا بسوء الظن وفی آجالنا بطول الامل حتی التمسنا ارزاقك من عند المرزوقین وطمعنا بآمالنا فی اعمار المعمرین فصل علی محمد وآله وهب لنا یقینا صادقا تکفینا به من مؤنة الطلب والهمنا ثقة خالصة تعفینا بها من شدة النصب واجعل ما صرحت به من عدتك فی وحیك واتبعته من قسمك فی کتابك قاطعا لاهتمامنا بالرزق الذی تکفلت به وحسما للاشتغال بما ضمنت الکفایة له فقلت وقولك الحق الاصدق واقسمت وقسمك الابر الاوفی وفی السماء رزقکم وما توعدون ثم قلت فورب السماء والارض انه لحق مثل ما انکم تنطقون

يا أبرّ البررة الرحيم والنظر لهم يا الله لا يسمّى غيرك إلهاً إنما الآلهة كلها معبودة
دونك بالفرية والكذب لا إله إلا أنت يا سادّ الفقر ويا جابر الكسر
يا كاشف الضرّ ويا عالم السرّ ارحم هذا إليك من فقري أسألك بأسمائك
الحسنى في غناك الذي لا يفتقر ذاكره أبداً أن تعيذني من لزوم فقر أنسى به الدين
أو بسوط غنى أفتتن به عن الطاعة بحق نور أسمائك كلها أطلب إليك من رزقك
كفافاً في الدنيا تعصم به الدين لا أجد لي غيرك مقادير الأرزاق عندك
فانفعني من قدرتك فيها بما تنزع به ما نزل بي من الفقر يا غني وارحم

این مناجات در طلب رزق که در کتاب وسائل از امام محمد تقی علیه السلام روایت شده است

اللهم أرسل علي سجال رزقك مدراراً وأمطر علي سحائب إفضالك
غزاراً وأدم غيث نيلك إلي سجالاً وأسبل مزيد نعمك على خلتي إسبالاً
وأفقرني بجودك إليك وأغنني عمن يطلب ما لديك وداو داء فقري
بدواء فضلك وانعش صرعة عيلتي بطولك وتصدق على إقلالي
بكثرة عطائك وعلى اختلالي بكريم حبائك وسهّل لي رب سبيل الرزق
إلي وأثبت قواعده لدي وبجّس لي عيون سعته برحمتك وفجّر أنهار رغد
العيش قبلي برأفتك وأجدب أرض فقري وأخصب جدب ضري واصرف

عَنّي فِي الرِّزْقِ الْعَوائِقَ وَاقْطَعْ عَنّي مِنَ الضِّيقِ الْعَلائِقَ وَارْزُقْني اللّهُمَّ
مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ بِأَخْصَبِ سُقْيِهِ وَأَصْبِحْني مِنْ رَغَدِ الْعَيْشِ بِأَكْثَرِ دَوامِهِ وَاكْسُني
اللّهُمَّ سَرابيلَ السَّعَةِ وَجَلابيبَ الدَّعَةِ فَإِنّي يا رَبِّ مُنْتَظِرٌ
لِإِنْعامِكَ بِحَذْفِ الضّيقِ وَلِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْويقِ وَلِتَفَضُّلِكَ بِإِزالَةِ التَّقْتيرِ
وَلِوَصْلِكَ حَبْلي بِكَرَمِكَ بِالتَّيْسيرِ وَأَمْطِرِ اللّهُمَّ عَلَيَّ سَماءَ رِزْقِكَ بِسِجالِ الدِّيَمِ
وَأَغْنِني عَنْ خَلْقِكَ بِعَوائِدِ النِّعَمِ وَارْمِ مَقاتِلَ الْإِقْتارِ مِنّي وَاحْمِلْ كَشْفَ
الضُّرِّ عَنّي عَلى مَطايَا الْإِعْجالِ وَاضْرِبْ عَنِّي الضّيقَ بِسَيْفِ الْاِسْتِئْصالِ وَأَتْحِفْني
رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْإِفْضالِ وَامْدُدْني بِنُمُوِّ الْأَمْوالِ وَاحْرُسْني مِنْ ضيقِ الْإِقْلالِ
وَاقْبِضْ عَنّي سُوءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لي بِساطَ الْخِصْبِ وَصَبِّحْني بِالْاِسْتِظْهارِ
وَمَسِّني بِالتَّمْكينِ مِنَ الْيَسارِ إِنَّكَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظيمِ وَالْفَضْلِ الْعَميمِ وَأَنْتَ
الْجَوادُ الْكَريمُ الْمَلِكُ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اللّهُمَّ وَاسْقِني مِنْ ماءِ رِزْقِكَ غَدَقاً
وَانْهَجْ لي مِنْ عَميمِ بَذْلِكَ طُرُقاً وَفاجِئْني بِالثَّرْوَةِ وَالْمالِ وَانْعَشْني فيهِ
بِالْاِسْتِقْلالِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وارجحه ما ثبت که ~~بعید~~ [illegible]
بعد نماز عشا باید خواند و ان نیست اللّهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقي وَإِنَّما أَطْلُبُهُ
بِخَطَراتٍ تَخْطُرُ عَلى قَلْبي فَأَجُولُ في طَلَبِهِ الْبُلْدانَ فَأَنَا فيما أَنَا طالِبٌ كَالْحَيْرانِ لا أَدْري

أنى سهل هو أم في جبل أم في أرض أم في سماء أم في بر أم في بحر وعلى من
ومن قبل من وقد علمت أن علمه عندك وأسبابه بيدك وأنت الذي
تقسمه بلطفك وتسببه برحمتك اللهم فصل على محمد وآل محمد و
اجعل يا رب رزقك لي واسعا ومطلبه سهلا ومأخذه قريبا ولا
تعنني بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فإنك غني عن عذابي وأنا فقير
إلى رحمتك فصل على محمد وآله وجد على عبدك بفضلك إنك ذو
فضل عظيم و از جمله ادعیه ایست که در مصباح کفعمی مذکور است مثل آنچه از امام رضا
علیه السلام روایت شده که بعد از هر فریضه باید گفت یا من یملک حوائج السائلین
ويعلم ضمير الصامتين لكل مسألة منك سمع حاضر وجواب عتيد
ولكل صامت منك علم باطن محيط أسألك بمواعيدك الصادقة وأياديك
الفاضلة ورحمتك الواسعة وسلطانك القاهر وملكك الدائم وكلماتك
التامات يا من لا تنفعه طاعة المطيعين ولا تضره معصية العاصين
صل على محمد وآله وارزقني من فضلك وأعطني فيما رزقتني العافية برحمتك
يا أرحم الراحمين و مثل آنچه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که از برای رفع فقر باید خواند
اللهم رب السموات السبع ورب العرش العظيم اقض عنا الدين وأغننا من الفقر

و نقل است که ابن ابی الدنیا گفته که هر که در هر روز صد مرتبه بخواند روزی او زیاده شود و دعا اینست لا اله
الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله کثیرا اللهم انی اسالک من فضلک و
رحمتک فانه لا یملکهما احد غیرک و نقل است که ابن ساعی گفته که مواظبت باین
کردن اینست اللهم یا سبب من لا سبب له یا سبب کل ذی سبب یا مسبب
الاسباب من غیر سبب صل علی محمد و آل محمد و اغننی بحلالک عن
حرامک و بفضلک عمن سواک یا حی یا قیوم و نقل است از حضرت علی
علیه السلام روایت شده که چون صبح شود این کلمات باید گفت الحمد لله الذی
عرفنی نفسه و لم یترکنی عمیان القلب الحمد لله الذی جعلنی من امة محمد صلی
الله علیه و آله الحمد لله الذی جعل رزقی فی یده و لم یجعله فی ایدی
الناس الحمد لله الذی ستر عوراتی و لم یفضحنی بین الناس و نقل است نشستن در
مصلا بعد از فراغ از فریضه صبح در حالیکه مشغول دعا باشی تا طلوع آفتاب چه ابن طاوس در کتاب
اقبال از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که این نشستن انفع است در طلب رزق
از سفر کردن در دریا نوردی از الجمله عملیست که شیخ طوسی در مجمع البیان از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده آن اینست که هر وقت که داخل خانه شوی سلام کنی
خواه کسی در آن خانه باشد و خواه نه و بعد از آن یکبار قل هو الله احد بخوانی ایضا عملیست که شیخ

چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرد و روز ... قرآن ...

... تصدق ... در شب جمعه از نماز عشا فارغ شود سجده کند و

در سجده بگوید اللهم بوجهك الكريم واسمك العظيم وعينك الماضية

ان تصلي على محمد وال محمد وان تقضي ديني وتوسع علي رزقي چه مداومت

بر تعیین باعث وسعت رزق و موفقی شدن فرصت ایضا عملیست که ابن طاوس در مهج

الدعوات از علی ابن ابیطالب علیه السلام روایت کرده که هر کرا رزق تنگ شده و درهای

طلب معاش برو بسته شود چون این دعا در پوست آهو یا پوست دیگر بنویسد بر خود بندد یا

در جامهائیکه میپوشد جا کند و با خود دارد و از خود جدا نکند الله تعالی رزق او را وسیع کند و درهای

طلب معاش او بگشاید از راهیکه گمان نداشته باشد و دعا اینست اللهم لا طاقة

لفلان بن فلان بالجهد ولا صبر له على البلاء ولا قوة له على الفقر

والفاقة اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تحظر على فلان بن فلان رزقك ولا

تقتر عليه سعة ما عندك ولا تحرمه فضلك ولا تحسمه من جزيل قسمك ولا

تكله الى خلقك ولا الى نفسه فيعجز عنها ويضعف عن القيام فيما يصلحه ويصلح ما

قبله بل تفرد بلم شعثه وتول كفايته وانظر اليه في جميع اموره انك ان وكلته

الى خلقك لم ينفعوه وان الجاته الى اقربائه حرموه وان اعطوه اعطوا قليلا

نکدا

تکلّا وان صنعوه کبیرا [illegible] اللهمّ اغن فلان بن
فلان من فضلک [illegible] فقیر الی ما فی یدیک
وانت غنیّ عنه وانت به حفیّ علیم ومن یتوکّل علی الله فهو حسبه انّ
الله بالغ امره قد جعل الله لکلّ شیء قدرا انّ مع العسر یسرا انّ مع العسر
یسرا ومن یتّق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب

اسماء الحسنی از مصباح کفعمی چنین است که چون کسی الوهّاب را بحال سجود چهارده بار بگوید
الله تعالی او را غنی کند و اگر در آخر شب آنرا صد بار بگوید در حالیکه سر برهنه باشد و دستها
بسوی آسمان برداشته باشد الله تعالی فقر را از وی سلب کند و حاجتش روا شود و چون الکریم
ذو الطّول را بسیار بگوید الله تعالی او را رزق دهد از جائیکه گمان نداشته باشد و چون
الواسع را بسیار گوید الله تعالی رزقش را وسیع کند و چون الغنیّ المغنی را در روز جمعه
هزار بار بگوید و در عرض [illegible] الله تعالی او را غنی کند [illegible] و چون یا معطی السائل
را بگوید الله تعالی او را غنی از سؤال کند و چون مالک الملک بسیار گوید الله تعالی او را غنی کند

خواص سوره قرآن از مصباح کفعمی چنین است که چون کسی سوره حجر را بنویسد [illegible]
رزقش بسیار شود و چنین است [illegible] و چون [illegible] بنویسد [illegible] آسان گرداند الله تعالی بر او
رزق را و چون این آیات از سوره فاطر [illegible] باشد و [illegible]

خود جلد بتجارت زیاده شود و میگوید و آیات اینست إنّ الذین یتلون کتاب
الله وأقاموا الصلوة وأنفقوا مما رزقناهم سرّاً وعلانیة یرجون
تجارة لن تبور لیوفیهم أجورهم ویزیدهم من فضله إنّه غفور شکور
و چون سوره مزمل را در شب بنویسد و در دکان خود در جای دفتر و کیسه آن نگاه دارد بسیار شود

فصل دوم در اعمال ادای قرض از آنجمله اینست که در صحیح منقول است از حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هرکه آنرا بگذارد ادا کند الله تعالی قرض او را اگرچه
قرض او بقدر پری روی زمین از طلا باشد و آن کلمات اینست که هر روز بخواند و چون بخواند
بگوید اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز
من تشاء وتذل من تشاء بیدک الخیر إنک علی کل شیء قدیر تولج
اللیل فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج الحی من المیت وتخرج المیت
من الحی وترزق من تشاء بغیر حساب یا رحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما
تعطی منهما من تشاء وتمنع منهما من تشاء صل علی محمد وآله واقض عنّی
دینی از آنجمله دعائیست که در کافی شیخ کلینی از ائمه علیهم السلام روایت شده مثل آنکه از ابا
موسی کاظم علیه السلام روایتست و آن اینست اللهم اردد الی جمیع خلقک مظالمهم التی قبلی
صغیرها وکبیرها فی یسر منک وعافیة وما لم تبلغه قوتی ولم تسعه ذات یدی

اعمال ادای قرض

عليه بدني ويقيني ونفسي فادّه عنّي من جزيل ما عندك من فضلك ثم
لا تخلف عليّ منه شيئاً تقضيه من حسناتي يا ارحم الراحمين اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمداً عبده ورسوله وان الله
كما شرع وان الاسلام كما وصف وان الكتاب كما انزل وان القول كما حدّث
وان الله هو الحق المبين ذكر الله محمداً واهل بيته بخير وحيّى محمداً واهل بيته
بالسلام واز انجمله دعای حضرت امام زین العابدین علیه السلام است که از برای ادای
قرض میخوانده وان اینست اللهم صلّ على محمد وال محمد وهب لي العافية تا آخر
صحیفه مذکورست واز انجمله مکرر خواندن سورهٔ والعادیات است چه باعث آنست که
الله تعالی قرض خوانندهٔ او را ادا کند واز انجمله دعائیست از ادعیهٔ قدسیه مضمون آنکه
در ان آمده است که ای محمد کسی که غم قرض خورد و گرفته باشد چون آید باید که بخواند
کنم آن غم را از و دور کنم قرض او را وان اینست یا مبتلي الفريقين اهل الفقر
اهل الغنى وجازيهم بالصبر في الذي ابتليتهم به ويا فرق حب المال
عباده وطهر الانفس الشح والسخاء وفاطر الخلق على الاخلاق ان تبتلي
عبدك فلان بن فلان وقضى بينه علي به وافتح ابواب طلبه الا منك يا
مطالب اليه الحوائج يا مفرج الاهاويل فرج همي ولا تاويل في الله لمني من بين

اللهم صل على محمد وآله وهب لي العافية من دين تخلق به وجهي ويحار فيه ذهني ويتشعب له فكري ويطول بممارسته شغلي واعوذ بك يا رب من هم الدين وفكره وشغل الدين وسهره فصل على محمد وآله واعذني منه واستجير بك يا رب من ذلته في الحياة ومن تبعته بعد الوفاة فصل على محمد وآله واجرني منه بوسع فاضل او كفاف واصل اللهم صل على محمد وآله واحجبني عن السرف والازدياد وقومني بالبذل والاقتصاد وعلمني حسن التقدير واقبضني بلطفك عن التبذير واجر من اسباب الحلال ارزاقي ووجه في ابواب البر انفاقي وازو عني من المال ما يحدث لي مخيلة او تأدياً الى بغي او ما اتعقب منه طغياناً اللهم حبب الي صحبة الفقراء واعني على صحبتهم بحسن الصبر وما زويت عني من متاع الدنيا الفانية فاذخره لي في خزائنك الباقية واجعل ما خولتني من حطامها وعجلت لي من متاعها بلغة الى جوارك ووصلة الى قربك وذريعة الى جنتك انك ذو الفضل العظيم وانت الجواد الكريم

بشبه که لی من رزقك فاقضه یا قدیر ولا تهتکنی باخیر ادائه ولا

بتضییقه علیّ ویسّر لی اداءه فانی به مسترق فکّ رقبتی من سخطك الله

لا تبید ولا تنقض ابداً و از مجمله ادعیه است که در مصباح کفعمی زاید علیهم السلام و از

وشل انجماز امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که پیغمبری میان اهل بیت نحو دعا

مستجابی گذشت و پیغمبر یا در میان او دو دعا مستجاب گردانید یکی از برای شدن باو و آن این است

یا ابا عبد الله یا الهی واله اباتی یا حی یا قیوم صل علی محمد واله وافعل

بنا کذا وکذا و یکی از برای اجابت باو ادای قرض باو و آن این است یا من یکفی من کل شیء

ولا یکفی منه شیء یا الله یا رب صل علی محمد واله واقض عنی الدین وافعل بی

کذا وکذا وشل انجیز روایت شده که وجیه باید گفت و در روایت دیگر تخصیص داده شده

و آن این است اللهم اغننی بحلالك عن حرامك واغننی بفضلك عمن سواك

یا حی یا قیوم وشل گفتن یا ذا الجلال والاکرام برحمتك و [illegible] الکریم اقض

عنی دینی وشل گفتن توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ

ولدا ولم یکن له شریك فی الملك ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا

[illegible] و با دو [illegible] بار [illegible] واجب قرض تعلیم نمود که بخواند و شل اللهم

[illegible] یا شد و آن این است اللهم یا فارج

اللّهمّ یا منفّس الغمّ ومذهب الاحزان ومجیب دعوة المضطرّین ورحمن
الدنیا والآخرة ورحیمهما انت رحمانی ورحمان کلّ شیء فارحمنی رحمة
تغنینی بها عن رحمة من سواک وتقضی بها عنّی الدَّین ومثل بسیار
خواندن سورهٔ حمد وبسیار استغفار کردن وبسیار گفتن سبحان الله وبحمده استغفر الله
واسأله من فضله چون ترا از کسی طلبی باشد باید که این دعا بخوانی تا بر آنکس ادا کردن
آسان شود اللّهمّ [illegible] لحظة من لحظاتک تیسّر علی غرمائی بها القضاء
وتیسّر لی [illegible] الاقتضاء انّک علی کلّ شیء قدیر وصلّی الله علی
محمّد وآله باب سیم در نفرین کردن دشمن دین و دنیا از آنجمله نمازی چند است که
در مصباح از ائمه علیهم السلام روایت شده که هر گاه ظالمی ظلم کند دوست از وباز ندارد باید که غسل کند
وضو بسازد و دو رکعت نماز کند و چون فارغ شود بگوید اللّهمّ انّ فلان بن فلان ظلمنی واعتدی
علیّ ونصب لی وامضّنی وارمضنی واذلّنی فی خلقک اللّهمّ فکله الی نفسه
وهدّ رکنه وعجّل جائحته واسلبه نعمتک عنده واقطع رزقه وابتر عمره
وامح اثره وسلّط علیه عدوّه وخذه فی مأمنه کما ظلمنی واعتدی علیّ ونصب
وامضّ وارمض واذلّ فی الخلق اللّهمّ انّی استعدیک علی فلان بن فلان فاعدنی
فانّک اشدّ بأساً واشدّ تنکیلاً چه باعث نجات از ظالم دیگر باره مهلت ده است و باید [illegible]

دعای نفرین کردن

سه بار بجا آورد و مثل آنچه از همان حضرت روایت شده که هرگاه از ظلمی واقع شود باید که خود یا دیگری
دو رکعت نماز کند با تطویل در رکوع و سجود و چون سلام دهد هزار بار بگوید رَبِّ اِنّی مَغلُوبٌ
فَانتَصِر چه باعث است که الله تعالی زود یاری او کند و مثل آنچه از امام جعفر صادق علیه
السلام روایت شده و آن است که دو رکعت نماز کند با تطویل در رکوع و سجود و چون سلام
دهد روی خود را بر خاک نهد و بگوید یا رَبّاه آنقدر که نفس قطع شود و بعد از آن بگوید یا مَن
اَهلَكَ عاداً الاُولی وَثَمُودَ فَما اَبقی وَقَومَ نُوحٍ مِن قَبلُ اِنَّهُم کانُوا
هُم اَظلَمَ وَاَطغی وَالمُؤتَفِکَةَ اَهوی فَغَشّیها ما غَشّی اِنَّ فُلانَ بنَ
فُلانٍ ظَلَمَنی فیما ارتَکَبَ بِه فَاجعَل عَلَیَّ مِنكَ وَعداً وَلا تَجعَل لَهُ فی
عَلَیكَ نَصیباً یا اَقرَبَ الاَقرَبین بجهت نفرین کردن دعای حدیث کرده — دعا جهت نفرین کردن
شیخ کلینی از ایشان علیهم السلام روایت شده مثل آنچه از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده
که باید گفت اَللّهُمَّ اطرُقهُ بِبَلِیَّةٍ لا اُختَ لَها وَاَبِح حَریمَه و مثل آنچه حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام به یونس بن عمار تعلیم نمود که نفرین کند بر آن همسایه خود را
بعد از آنکه با آنحضرت شکوه کرده بود که همسایه‌ای مرا است از آنجا که شهره گردیده در میان مردم نام
مرا و هر وقت که با او [illegible] و بیداری نمی‌یابد مردمان [illegible] جعفر بن محمد علیه السلام آنحضرت
علیه السلام با او گفته که نفرین کن او را با این و ... کن که در سحر دو رکعت نماز الحمد

حاشیہ صفحہ ۱۰۹ متعلق سطر ۱

فَلَهَوْتُ وَوُعِظْتُ فَقَسَوْتُ وَاَبْلَيْتَ الْجَمِيلَ فَعَصَيْتُ ثُمَّ عَرَفْتُ مَا اَصْدَرْتَ ١
اِذْ عَرَّفْتَنِيهِ فَاسْتَغْفَرْتُ فَاَقَلْتَ فَعُدْتُ فَسَتَرْتَ فَلَكَ اِلٰهِي الْحَمْدُ
تَقَحَّمْتُ اَوْدِيَةَ الْهَلَاكِ وَحَلَلْتُ شِعَابَ تَلَفٍ تَعَرَّضْتُ فِيهَا لِسَطَوَاتِكَ
وَبِحُلُولِهَا عُقُوبَاتِكَ وَوَسِيلَتِي اِلَيْكَ التَّوْحِيدُ وَذَرِيعَتِي اَنِّي لَمْ اُشْرِكْ
بِكَ شَيْئاً وَلَمْ اَتَّخِذْ مَعَكَ اِلٰهاً وَقَدْ فَرَرْتُ اِلَيْكَ بِنَفْسِي وَاِلَيْكَ مَفَرُّ
الْمُسِيءِ وَمَفْزَعُ الْمُضَيِّعِ لِحَظِّ نَفْسِهِ الْمُلْتَجِئِ فَكَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ
عَدَاوَتِهِ وَشَحَذَ لِي ظُبَةَ مُدْيَتِهِ وَاَرْهَفَ لِي شَبَا حَدِّهِ وَدَافَ لِي
قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَسَدَّدَ نَحْوِي صَوَائِبَ سِهَامِهِ وَلَمْ تَنَمْ عَنِّي عَيْنُ حِرَاسَتِهِ
وَاَضْمَرَ اَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ وَيُجَرِّعَنِي زُعَاقَ مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ يَا اِلٰهِي
اِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَعَجْزِي عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ
وَوَحْدَتِي فِي كَثِيرِ عَدَدِ مَنْ نَاوَانِي وَاَرْصَدَ لِي بِالْبَلَاءِ فِيمَا لَمْ اُعْمِلْ فِيهِ
فِكْرِي فَابْتَدَاْتَنِي بِنَصْرِكَ وَشَدَدْتَ اَزْرِي بِقُوَّتِكَ ثُمَّ فَلَلْتَ لِي
حَدَّهُ وَصَيَّرْتَهُ مِنْ بَعْدِ جَمْعٍ عَدِيدٍ وَحْدَهُ وَاَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ
مَا سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ فَرَدَدْتَهُ لَمْ يَشْفِ غَيْظَهُ وَلَمْ يَسْكُنْ
غَلِيلُهُ قَدْ عَضَّ عَلَى شَوَاهُ وَاَدْبَرَ مُوَلِّياً قَدْ اَخْلَفَتْ سَرَايَاهُ

وكم من باغ بغاني بمكائده ونصب لي شرك مصائده ووكل بي تفقد
رعايته واضبأ الي اضباء السبع لطريدته انتظاراً لانتهاز الفرصة لفريسته
وهو يظهر لي بشاشة الملق وينظرني على شدة الحنق فلما رأيت
يا الهي تباركت وتعاليت دغل سريرته وقبح ما انطوى عليه اركسته
كبته لأم راسه في زبيته ورددته في مهوى حفرته فانقمع بعد
استطالته ذليلاً في ربق حبالته التي كان يقدر ان يراني فيها وقد كاد
ان يحل بي لولا رحمتك ما حل بساحته وكم من حاسد قد شرق بي
بغصته وشجي مني بغيظه وسلقني بحد لسانه ووحرني بقرف عيوبه
وجعل عرضي غرضاً لمراميه وقلدني خلالاً لم تزل فيه ووحرني
بكيده وقصدني بمكيدته فناديتك يا الهي مستغيثاً بك واثقاً
بسرعة اجابتك عالماً انه لا يضطهد من أوى الى ظل كنفك ولا يفزع
من لجأ الى معقل انتصارك فحصنتني من بأسه بقدرتك وكم من سحائب
مكروه جليتها عني وسحائب نعم امطرتها علي وجداول رحمة نشرتها
وعافية البستها واعين احداث طمستها وغواشي كربات كشفتها
وكم من ظن حسن حققت وعدم جبرت وصرعة انعشت و

مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ كُلَّ ذٰلِكَ اِنْعَامًا وَتَطَوُّلًا مِنْكَ وَفِي جَمِيْعِهِ اِنْهِمَاكًا
مِنِّي عَلٰى مَعَاصِيْكَ لَمْ تَمْنَعْكَ اِسَاءَتِي عَنْ اِتْمَامِ اِحْسَانِكَ وَلَا حَجَزَنِي ذٰلِكَ
عَنِ ارْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ لَا تُسْئَلُ عَمَّا تَفْعَلُ وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَاَعْطَيْتَ
وَلَمْ تُسْئَلْ فَابْتَدَاْتَ وَاسْتُمِيْحَ فَضْلُكَ فَمَا اَكْدَيْتَ اَبَيْتَ يَا مَوْلَايَ
اِلَّا اِحْسَانًا وَامْتِنَانًا وَتَطَوُّلًا وَاِنْعَامًا وَاَبَيْتُ اِلَّا تَقَحُّمًا لِحُرُمَاتِكَ وَتَعَدِّيًا
لِحُدُوْدِكَ وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ اِلٰهِي مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَذِي
اَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ هٰذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوْغِ النِّعَمِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيْرِ وَ
شَهِدَ عَلٰى نَفْسِهِ بِالتَّضْيِيْعِ اَللّٰهُمَّ فَاِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِالْمُحَمَّدِيَّةِ الرَّفِيْعَةِ
وَالْعَلَوِيَّةِ الْبَيْضَاءِ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهِمَا اَنْ تُعِيْذَنِي مِنْ شَرِّ كَذَا وَكَذَا
فَاِنَّ ذٰلِكَ لَا يَضِيْقُ عَلَيْكَ فِي وُجْدِكَ وَلَا يَتَكَاَّدُكَ فِي قُدْرَتِكَ وَاَنْتَ
عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ فَهَبْ لِي يَا اِلٰهِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَدَوَامِ تَوْفِيْقِكَ مَا

اَتَّخِذُهُ سُلَّمًا اَعْرُجُ بِهِ اِلٰى رِضْوَانِكَ
وَاٰمَنُ بِهِ مِنْ عِقَابِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ وَيَا مَنْ قَرُبَتْ
نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ وَيَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ قَدْ عَلِمْتَ
يَا إِلٰهِي مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ وَانْتَهَكَهُ مِنِّي مِمَّا حَجَرْتَ
عَلَيْهِ بَطَراً فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ وَاغْتِرَاراً بِنَكِيرِكَ عَلَيْهِ اللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُذْ ظَالِمِي وَعَدُوِّي عَنْ ظُلْمِي بِقُوَّتِكَ وَافْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي
بِقُدْرَتِكَ وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلاً فِيمَا يَلِيهِ وَعَجْزاً عَمَّا يُنَاوِيهِ اللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي وَأَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي وَاعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ
وَلَا تَجْعَلْنِي فِي مِثْلِ حَالِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعْدِنِي عَلَيْهِ عَدْوَى
حَاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غَيْظِي بِهِ شِفَاءً وَمِنْ حَنَقِي عَلَيْهِ وَفَاءً اللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَوِّضْنِي مِنْ ظُلْمِهِ لِي عَفْوَكَ وَأَبْدِلْنِي بِسُوءِ صَنِيعِهِ بِي
رَحْمَتَكَ فَكُلُّ مَكْرُوهٍ جَلَلٌ دُونَ سَخَطِكَ وَكُلُّ مَرْزِئَةٍ سَوَاءٌ مَعَ مَوْجِدَتِكَ
اللّٰهُمَّ فَكَمَا كَرَّهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ اللّٰهُمَّ لَا أَشْكُو إِلَى أَحَدٍ
سِوَاكَ وَلَا أَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ حَاشَاكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصِلْ دُعَائِي
بِالْإِجَابَةِ وَاقْرِنْ شِكَايَتِي بِالتَّغْيِيرِ اللّٰهُمَّ لَا تَفْتِنِّي بِالْقُنُوطِ مِنْ إِنْصَافِكَ وَلَا تَفْتِنْهُ بِالْأَمْنِ

مِنْ إِنْكَارِكَ فَيُصِرَّ عَلَى ظُلْمِي وَيُحَاضِرَنِي بِحَقِّي وَعَرِّفْهُ عَمَّا قَلِيلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِينَ وَعَرِّفْنِي مَا وَعَدْتَ مِنْ إِجَابَةِ الْمُضْطَرِّينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَعَلَيَّ وَرَضِّنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِنِّي وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ اللّٰهُمَّ وَإِنْ كَانَتِ الْخِيَرَةُ لِي عِنْدَكَ فِي تَأْخِيرِ الْأَخْذِ لِي وَتَرْكِ الْاِنْتِقَامِ مِمَّنْ ظَلَمَنِي إِلَى يَوْمِ الْفَصْلِ وَمَجْمَعِ الْخَصْمِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَيِّدْنِي مِنْكَ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَصَبْرٍ دَائِمٍ وَأَعِذْنِي مِنْ سُوءِ الرَّغْبَةِ وَهَلَعِ أَهْلِ الْحِرْصِ وَصَوِّرْ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا [illegible]

تعالی و تعظیم او کن و اینست دعا بخوان اللّهمّ انّ فلان بن فلان قد شهرنی و
نوّه بی و غاظنی و عرّضنی للمکاره اللّهمّ اضربه بسهم عاجل تشغله
به عنّی اللّهمّ و قرّب اجله و اقطع اثره و عجّل ذلک یا ربّ الساعة
الساعة یونس گوید که این کار کردم و چون بکوفه آمدم از یاران خود احوال آن سیاه پرسیدم
گفتند بیمار است و هنوز سخن او در میان بود که یکبار از خانه اش فریاد برآمد گفتند که او فوت کرده
و مثل آنچه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعلاء بن کامل تعلیم کرده و آن اینست اللّهمّ
انّک تکفی من کلّ شیء و لا یکفی منک شیء فاکفنی امر فلان بم شئت
و کیف شئت و من حیث شئت و انّی شئت و از آنجمله دعائیست که در صحیفه
کامله ذکر شده و مثل آنچه حضرت امام زین العابدین علیه السلام از برای دفع کید اعدا میخوانده و آن
اینست الهی هدیتنی تا آخر و مثل آنچه آنحضرت از برای دفع ظالمان میخوانده و آن اینست
یا من لا یخفی علیه انباء المتظلّمین تا آخر و از آنجمله دعائیست که در مصباح کفعمی از ائمه
علیهم السلام روایت شده مثل آنچه از امام موسی کاظم روایت شده است آن اینست یا عدّتی عند شدّتی
و یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام و اکفنی برکنک الذی لا یرام
یا ذا القوّة القویّة و یا ذا المحال الشدید و یا ذا العزّة التی کلّ خلقک لها ذلیل
صلّ علی محمّد و آل محمّد و اکفنی ظالمی و انتقم لی منه و مثل آنچه از پیغمبر صلّی الله علیه و آله روایت شده و آن

نیت کرده اول ماه نظر بهلال باید کرد و دست بجانب خانهٔ کسی که اراده نفرین او دارد دراز
باید کرد و سه بار باید گفت اَیَوَدُّ اَحَدُکُمْ اَنْ تَکُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِیلٍ وَاَعْنَابٍ تَجْرِی
مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ لَهُ فِیهَا مِنْ کُلِّ الثَّمَرَاتِ وَاَصَابَهُ الْکِبَرُ وَلَهُ ذُرِّیَّةٌ ضُعَفَاءُ
فَاَصَابَهَا اِعْصَارٌ فِیهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ و بعد از ان باید گفت اَللّٰهُمَّ اطْمِسْهُ بِالْبَلَاءِ
طَمْسًا وَعُمَّهُ بِالْبَلَاءِ عَمًّا وَارْمِهِ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّیلٍ وَطَیْرٍ مِنْ اَبَابِیلَ یَا وَلِیُّ
یَا عَظِیمُ سه بار و هر بار اشاره بجانب آنکس باید کرد و اگر مطلب حاصل نشود شب دوم ماه اول نیز بجا
باید آورد و اگر مطلب حاصل نشود شب سیوم ماه نیز بجا باید آورد و اگر مطلب حاصل نشود در ماه دوم نیز بجا
باید آورد و اگر مطلب حاصل نشود در ماه سوم نیز بجا باید آورد و مثل اینجا از حضرت امام موسی کاظم
علیه السلام روایت شده و آن اینست اِلٰهِی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِی ظُبَةَ مُدْیَتِهِ وَاَرْهَفَ
لِی شَبَا حَدِّهِ وَدَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَلَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ فَلَمَّا رَأَیْتَ
ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَعَجْزِی عَنْ مُلِمَّاتِ الْجَوَائِحِ صَرَفْتَ ذٰلِکَ عَنِّی
بِحَوْلِکَ وَقُوَّتِکَ لَا بِحَوْلٍ مِنِّی وَلَا قُوَّةٍ فَاَلْقَیْتَهُ فِی الْحَفِیرِ الَّذِی احْتَفَرَهُ
لِی خَائِبًا مِمَّا اَمَّلَهُ فِی الدُّنْیَا مُتَبَاعِدًا مِمَّا رَجَاهُ فِی الْآخِرَةِ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی قَدْرِ
اسْتِحْقَاقِکَ سَیِّدِی اَللّٰهُمَّ فَخُذْهُ بِعِزَّتِکَ وَافْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ وَاجْعَلْ
لَهُ شُغْلًا فِیمَا یَلِیهِ وَعَجْزًا عَمَّا یُنَاوِیهِ اَللّٰهُمَّ وَاَعْدِنِی عَلَیْهِ عَدْوٰی حَاضِرَةً تَکُونُ مِنْ غَیْظِی

شفاء

شفاءً ومن حنقی علیه وفاءً وصل اللهم دعائی بالاجابة وانظم
شکایتی بالتغییر وعرّفه عمّا قلیل ما وعدت الظالمین وعرّفنی
ما وعدت فی اجابة المضطرین انک ذو الفضل العظیم والمن
الکریم و مثل خواندن سورة الفیل در یکرکعت از دو رکعت نماز صبح و مثل کفتن چهار بار
یا شدید البطش در میان شام و خفتن و از انجمله دعائیست که در کنوز النجاح از ائمه علیهم السلام
روایت شده و مثل انچه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده ان انت یا ناصر
المظلوم المبغی علیه ان فلان بن فلان ظلمنی و بغی علیّ فابتله بفقر
لا یجبره و ببلاءٍ لا یستره و مثل خواندن این دعا در سجده دوم از رکعت سیم نماز شب
یا علی یا عظیم یا رحمن یا رحیم اسألک من خیر الدنیا و خیر اهلها اللهم
اقض اجل فلان بن فلان و ابتر عمره و اقطع اثره و عجّل بلاءه و مثل خواندن الحمد لله
علی کل نعمة و استغفره من کل خطیئة و اسأله من کل خیر و اعوذ به من
کل شر اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی یا بجای ظلمنی بگوید ظلمه فصل علی محمد و آل محمد
اللهم اقطع دابره اللهم اعف اثره اللهم قرّب اجله اللهم ان ابامه اللهم
ابتر عمره اللهم عجّل هلاکه اللهم انزل علیه رجزاً من السماء اللهم احطط به
عذابک عاجلاً اذیته یا رب الشیطان و السلطان اره عقوبتک و انظر

وارحمه بليلة لا اخت لها وبيوم لا اخ له يا ناصر المظلومين الهى انت

قادر حليم وانا فى شان عدوى ضعيف فلا صبر لى على حلمك وانا بك

بعد ازان بخواند سورة الحاقه ودر عيون الاخبار ابن بابويه پیغمبر خدا صلى الله عليه وآله روايت شده كه خضر

عليه السلام بيد عا المظلوم تعليم نموده كه بآن نفرين كند بر ظالم خود وآن اين است اللهم طمه

بالبلاء طما وغمه بالبلاء غما وقمه بالاذى قما وارمه بيوم لا معاد له

وساعة لا مرد لها والجم حريمه وصل على محمد واهل بيته عليه وعليهم

السلام واكفنى امره وقنى شره واصرف عنى كيده واخرج قلبه وسفه

عنى وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وعنت الوجوه

للحى القيوم وقد خاب من حمل ظلما اخسئوا فيها ولا تكلمون صه صه

هف بر انا جعلنا فى اعناقهم اغلالا فهى الى الاذقان فهم مقمحون و

جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

ودر منهاج الصلاح ذكر شده كه در نفرين بر ظالم بايد گفت يا قاصم الاكاسرة وقاتل الجبابرة

اصبحت مثلا لا مقهورا فرق عدوى بينى وبين اولادى وعينا فيا راد

يوسف على يعقوب ويا راد الرحمة على ايوب فرج عنى الساعة الساعة

الساعة وانك حليم ذو اناة ولا صبر لى على حلمك وانا بك فرج عنى

بو وعن كل مؤمن ومؤمنة ولا تكلني الى نفسي طرفة عين فانه لا حول و
لا قوة الا بالله العلي العظيم و درانيس العابدين از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام
روايت شده كه نفرين بر ظالمي نمايد كه چه مظلوم چون بسيار شود نفرين او بر ظالمان اثر ظالم
خواهد بود وليكن چون محتاج شوي بآن غسل كن و دو ركعت نماز كن در زير آسمان و چون
فارغ شوي بگو اللهم ان فلانا ظلمني وليس لي احد اصول به غيرك فاستوف
لي ظلامتي الساعة الساعة بالاسم الذي سالك به المضطر فكشفت
ما به من ضر ومكنت له في الارض فاسالك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تستوفي لي ظلامتي الساعة الساعة و در خواص السور
مصباح كفعمي مذكور است كه چون بركفي از خاك كه آفتاب ديده باشد بخواني اين آيت را
و بر روي دشمن بپاشي الله تعالى او را مقهور و مخذول كند و آيت اينست بسم الله
الرحمن الرحيم طسم تلك ايات الكتاب المبين لعلك باخع نفسك
الا يكونوا مؤمنين ان نشا ننزل عليهم من السماء اية فظلت اعناقهم
لها خاضعين و چون آيه واذا رايتهم تعجبك اجسامهم وان يقولوا
تسمع لقولهم كانهم خشب مسندة يحسبون كل صيحة عليهم هم
العدو فاحذرهم قاتلهم الله انى يؤفكون را بخواني بر خاكي كه بنا

وصف شده که آن خاک را بر روی چشم بمالی بعنوانیکه او نبیند ایمن شوی از شر و در باب دعاها
طویل از ائمه علیهم السلام روایت شده مثل دعای علوی مصری و دعای سیفی و دعای جوشن و
حرز واقعه و دعای السیف و از جهت اختصار ایراد نشد **باب هفتم** در ادعیه و اعمالیکه باعث
ایمنی از حاکم جائر و خلاصی از زندان است و در آن دو فصل است **فصل اول** در اعمال و
ادعیه ایمنی از حاکم جائر از انجمله دعائیست که در کافی شیخ کلینی مذکور شده از انجمله
از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که در وقت داخل شدن بر حاکمی که از و ترسناک باشد
باید گفت و آن اینست بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ
اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَسَهِّلْ لِي حُزُونَتَهُ فَاِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثْبِتُ
وَعِنْدَكَ اُمُّ الْكِتَابِ و ایضا باید گفت حَسْبِيَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَاَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ
وَقُوَّتِهِمْ وَاَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
و نقل است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در وقت داخل شدن بر منصور دوانقی این دعا گفت و آن اینست
اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ فَاكْفِنِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ
شِئْتَ وَمِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَاَنّٰى شِئْتَ و نقل است که حضرت امام محمد باقر علیه السلام
با امام محمد تقی علیه السلام تعلیم نموده که در وقت اندوه و خوف از سلطان باید گفت و آن اینست

ملحق حرز واقعه کذلک فی بعض النسخ والظاهر انه بالاضافه الی البیانیه وکان ... الواقعه

ادعیه ایمنی از حاکم جائر

یا کائنا قبل کل شیء ویا مکوّن کل شیء ویا باقیا بعد کل شیء صلّ
علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا واز جملهٔ ادعیه ایست که در مصباح
کفعمی مذکور است و مثل آنچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله بسعد بن ساعده تعلیم نموده که چون
بر نجاشی داخل شوی بخوان و آن این است اللّهمّ انت اعلی منه شأنا واقوی سلطانا
ورجائی لک اکثر من خوفی منه وأملی فیک اکثر من رجائی له فاکفنی امره
وقنی شرّه واجعل بینی وبینه حجابا من کفایتک وحرزا من کلائتک حاجزا
لا یتعدّی بی سوؤه لا یطیعه فیّ عدوّ انّک سمیع مجیب و مثل آنچه از امام
کاظم علیه السلام روایت شده که آنحضرت فرموده چون داخل شوی بر حاکمی از او ترسی وقتی که نظرت بر او
افتد بگو یا من لا یضام ولا یرام وبه تواصلت الارحام صلّ علی محمد وآله واکفنی
شرّه بحولک و مثل آنچه از کتاب دفع الهموم نقل شده که چون از حاکمی ترسی بخوان برابر روی او
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو ربّ العرش العظیم و مثل آنچه از همان
کتاب نقل شده که چون از حاکمی ترسی ضرر یا مکر بگو لا اله الا الله الله ربّی لا اشرک
به شیئا و مثل آنچه از همان کتاب نقل شده که چون از حاکمی ترسی مکر بگو در اطفاء
غضبک یا فلان بلا اله الا الله و مثل آنچه از همان کتاب نقل شده که چون از حاکمی ترسی
بگو در برابر او کتب الله لاغلبنّ انا ورسلی انّ الله قویّ عزیز و مثل آنچه از همان

نقل شده که در روی حاکم باید خواند و آن اینست وَيُنَجِّي اللهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا
يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و از آنجمله دعائیست که در عدة الداعی مذکور است
نقل از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده و آن اینست که چون بر حاکمی داخل شوی
بگو بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ و بقُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ تا آخر سوره بخوان آنچه را که مذکور شد
بر طرف راست و بر طرف چپ و پیش رو و پس سر و بالای سر و پائین پا و چون داخل شوی بر حاکم نگاه کن بسوی او و آنچه را
که مذکور شد در وقتیکه نظرت بروی افتد سه بار بخوان و بعد هر مرتبه که میخوانی انگشتی از انگشتان دست چپ را گره کن
انگشتان را نگشا تا وقتیکه از خانه او بیرون می آئی و مثل آنچه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده که چون داخل شوی بر حاکمی که از و ترسی در وقتیکه با او روبرو شوی بگو کهیعص و انگشتان دست راست را
گره کن از برای هر حرفی انگشتی بعد از آن بگو حمعسق و انگشتان دست چپ را گره کن برای هر حرفی انگشتی
بعد از آن بگو وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا بعد از آن هر دو دست را
برروی او بگشا و از آنجمله دعائیست که در مهج الدعوات ابن طاوس مذکور است و مثل یَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ
الْمَكَارِهِ تا آخر و در صحیفه کامله مذکور است و در مهج الدعوات خواص بسیاری از برای آن از حضرت امام علی الهادی
نقل شده و از آنجمله آیتی که خواندن آن باعث ایمنی از سلطان و از بلاها و از ظهور دشمن است و مثل آنچه حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام در وقتیکه در دربار داخل شدن بر منصور دوانقی خواند و سبب آن شد که نجات یافت
بعد از آنکه منصور قصد کشتن آنحضرت علیه السلام کرده بود و آن اینست که حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ ثم

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُ الْمَكَارِهِ وَيَا مَنْ يَفْثَأُ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ وَيَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصِّعَابُ وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَجَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَمَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَبِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِي الْمُلِمَّاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَلَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَقَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَأَّدَنِي ثِقْلُهُ وَأَلَمَّ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَبِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَبِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَلَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَلَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ وَلَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَلَا مُيَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَلَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ وَاكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَأَنِلْنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ وَأَذِقْنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَفَرَجاً هَنِيئاً وَاجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَحِيّاً وَلَا تَشْغَلْنِي بِالاهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضِقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعاً وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ وَدَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ

الخالق من المخلوقين حسبي من لم يزل حسبي حسبي الله لا اله الا هو عليه
توكلت وهو رب العرش العظيم حسبي الله لم يزل حسبي حسبي حسبي
الله ونعم الوكيل اللهم احرسني بعينك التي لا تنام واكنفني بركنك الذي لا
يرام واحفظني بعزك واكفني شر فلان بقدرتك ومن علي بنصرك والا هلكت
وانت ربي اللهم انك اجل واكبر ممن اخاف واحذر اللهم اني ادرء
بك في نحره اعوذ بك من شره واستعينك عليه واستكفيك اياه يا
كافي موسى فرعون ومحمد صلى الله عليه واله الاحزاب الذين قال لهم الناس
ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا حسبنا الله ونعم
الوكيل اولئك الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك
هم الغافلون لا جرم انهم في الآخرة هم الاخسرون وجعلنا من بين ايديهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون بالله استغيث وبالله استنجح
وبرسول الله صلى الله عليه واله اتوسل وبامير المؤمنين عليه السلام اتقدم
واتوجه وبالحسن والحسين عليهما السلام اتقرب اللهم ذلل لي صعوبته وسهل
لي حزونته ووجه سمعه وبصره وجميع جوارحه الي بالرأفة والرحمة واذهب
عني غيظه وباسه ومكره وجنوده واحزابه وانصاره اعداءه بحق كهيعص

بانّی قد سبك وضیاء نورك وشرب من حیوان مائك واقتدی بنصرك
العام المحیط جبرئیل عن یمینی ومیکائیل عن یساری ومحمد صلی الله
علیه وآله امامی والله ولیّی وحافظی وناصری ورائی فان حرز الله
الفائقون ان استترت واحتجبت واستغنت وتعززت بکلمة الله وحلت آیة
الاحزابیة الا ابهة التی من ادّنعم بها کان محفوظا انّ ولیّی الله الذی
نزّل الکتاب وهو یتولی الصالحین ومثل آنجه بها نحرت در کوه وحین اخل شدن
بر بخصوص خوانده وبآن سبب از نظر او غائب یافته بعد از آنکه او قصد کشتن آنحضرت علیه السلام
کرده بود وان آنست اللهم احرسنا بعینك التی لا تنام واکنفنا برکنك الذی
لا یرام وارحمنا بقدرتك علینا ولا تهلکنا فانت الرجاء یا رب رب کم
من نعمة انعمت بها علیّ قلّ لك عندها شکری وکم من بلیة ابتلیتنی
بها قلّ لك عندها صبری فیا من قلّ عند نعمته شکری فلم یحرمنی و
یا من قلّ عند بلائه صبری فلم یخذلنی یا ذا المعروف الدائم الذی لا ینقضی
ابدا یا ذا النعماء التی لا تحصی عددا اسالك ان تصلی علی محمد وآله الطاهرین و
ادرأ بك فی نحور الاعداء والجبارین اللهم اعنّی علی دینی بدنیای وعلی آخرتی بتقوای
واحفظنی فیما غبت عنه ولا تکلنی الی نفسی فیما حضرته یا من لا تنقصه

المغفرة ولا تضرّه المعصية أسألك فرجاً عاجلاً وصبراً جميلاً ورزقاً
واسعاً والعافية من جميع البلاء والشكر على العافية يا ارحم الراحمين
و مثل آنچه بما حضرت در بغداد در حین داخل شدن منصور خوانده و از سبب آن شر او نجات یافته بعد از آنکه او
قصد کشتن آنحضرت علیه السلام کرده بود و آن این است یا من لیس له ابتداء ولا انقضاء یا من
لیس له امد ولا نهایة ولا میقات ولا غایة یا ذا العرش المجید والبطش
الشدید یا من هو فعّال لما یرید یا من لا یخفی علیه اللغات ولا تشتبه
علیه الاصوات یا من قامت بجبروته الارض والسموات یا حسن
الصحبة یا واسع المغفرة یا کریم العفو صل علی محمد وآل محمد واحرسنی فی
سفری ومقامی وفی حرکتی وانتقالی بعینک التی لا تنام واکنفنی برکنک
الذی لا یضام اللهم انی توجهت الیک فی سفری ومقامی وفی حرکتی و
انتقالی هذا بلا ثقة منی لغیرک ولا رجاء یاوی الّا الیک ولا قوة لی اتکل علیها
ولا حیلة الجا الیها الا ابتغاء فضلک والتماس عافیتک وطلب فضلک
واجرائک علی افضل عوائدک عندی اللهم وانت اعلم بما سبق لی فی سفری هذا
مما احب واکره فمهما اوقعت علیه قدرک فمحمود فیه بلاءک منتصح فیه
قضاؤک وانت تمحو ما تشاء وتثبت وعندک ام الکتاب اللهم فاصرف

عَنّی فیهِ مَقادیرَ کُلِّ بَلاءٍ وَمَقضِیَّ کُلِّ لاواءٍ وَابسُط عَلَیَّ کَنَفاً مِن رَحمَتِکَ
وَلُطفاً مِن عَفوِکَ وَتَماماً مِن نِعمَتِکَ حَتّی تَحفَظَنی فیهِ بِاَحسَنِ ما حَفِظتَ
بِهِ غائِباً مِنَ المُؤمِنینَ وَخَلَفتَهُ فی سَترِ کُلِّ عَورَةٍ وَکِفایَةِ کُلِّ مَضَرَّةٍ
وَصَرفِ کُلِّ مَحذورٍ وَهَب لی فیهِ اَمناً وَایماناً وَعافِیَةً وَیُسراً وَصَبراً
وَشُکراً وَارجِعنی فیهِ سالِماً اِلی سالِمینَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ و منقول است از حضرت
امام موسی کاظم علیه السلام در وقت داخل شدن بر ستمگر خواند و بآن سبب از شر او نجات یافته
بعد از آنکه او قصد قتل آنحضرت کرده بود و آن دو دعا است اول اَللّهُمَّ اِنَّکَ حَفِظتَ الغُلامَینِ
لِصَلاحِ اَبَوَیهِما فَاحفَظنی لِصَلاحِ آبائی دوم اَللّهُمَّ اِنَّکَ تَکفی مِن کُلِّ
اَحَدٍ وَلا یَکفی مِنکَ اَحَدٌ فَاکفِنیهِ بِما شِئتَ وَکَیفَ شِئتَ وَاَنّی شِئتَ
و در خواص معتبره از مصباح کفعمی چنین است که چون سوره طه بنویسی و بشوئی و بخوری
داخل شوی بر سلطانی از خوف او ایمن باشی و چون حاکمی در خوف باشی در وقت داخل شدن
بر او هفتاد بار بگوئی وَرَبُّکَ یَخلُقُ ما یَشاءُ وَیَختارُ ما کانَ لَهُمُ الخِیَرَةُ سُبحانَ اللّهِ
وَتَعالی عَمّا یُشرِکونَ وَرَبُّکَ یَعلَمُ ما تُکِنُّ صُدورُهُم وَما یُعلِنونَ وَهُوَ اللّهُ
لا اِلهَ اِلّا هُوَ لَهُ الحَمدُ فِی الاُولی وَالآخِرَةِ وَلَهُ الحُکمُ وَاِلَیهِ تُرجَعونَ
بعد از آن سه بار بگوئی اللّهُ غالِبٌ عَلی اَمرِهِ خلاصی از شر او یابد فصل ششم در ادعیه که باعث

از آنها نماز مجلی است که در تهذیب شیخ طوسی از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده
که در وقتیکه آنحضرت در حبس بوده حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله در خواب دید که باو تعلیم کرده
روزه بگیرد دو روز بعد از آنکه پنجشنبه و جمعه بوده سه روز بگیرد و چون وقت عشا شود از شب
جمعه در میان شام و خفتن دوازده رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله احد
دوازده بار و چون از چهار رکعت اول از جمله دوازده رکعت فارغ شود سجده کند و در سجده
بگوید اَللّٰهُمَّ یَا سَابِقَ الْفَوْتِ یَا سَامِعَ الصَّوْتِ وَیَا مُحْیِیَ الْعِظَامِ بَعْدَ الْمَوْتِ
وَهِیَ رَمِیمٌ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِیمِ الْأَعْظَمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ وَعَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَتُعَجِّلَ لِیَ الْفَرَجَ
مِمَّا أَنَا فِیهِ و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام این عمل را بجا آورد و نجات یافت و در
مهج الدعوات ابن طاوس این قصه نقل شده و نماز و روزه در آن نیست بجای آن دعا است
یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ یَا بَارِئَ النَّسَمِ یَا مُجَلِّیَ الْهِمَمِ یَا مُغْشِیَ الظُّلَمِ یَا
كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْأَلَمِ یَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَیَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَیَا مُدْرِكَ
كُلِّ فَوْتٍ وَیَا مُحْیِیَ الْعِظَامِ وَهِیَ رَمِیمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجًا وَمَخْرَجًا یَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ و از آنجمله دعا است که در کافی شیخ کلینی از امام محمد تقی علیه السلام روایت کرده

آنحضرت علیه السلام به محمد بن حمزه غنوی تعلیم نموده که بران مداومت نماید و او مداومت نموده بان
سبب از زندان نجات یافته و آن اینست یا مَن یَکفی مِن کُلِّ شَیءٍ وَلا یَکفی مِنهُ
شَیءٌ اِکفِنی ما اَهَمَّنی و نام او را خود ببرد بجای این حرف که بگوید ما اَهَمَّنی مِن فُلانٍ و در مهج الدعوات
چنین است که شخصی در شام مدت طویلی در زندان بود و بر او تنگ گیری میشد حضرت فاطمه علیها السلام
در خواب دید که این دعا را باو یاد داده چون بیدار شد این دعا را خوانده الله تعالی ورا اسباب خلاصی او داد
و دعا اینست اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ العَرشِ وَمَن عَلاهُ وَبِحَقِّ الوَحیِ وَمَن اَوحاهُ وَبِحَقِّ النَّبِیِّ
وَمَن نَبَّاَهُ وَبِحَقِّ البَیتِ وَمَن بَناهُ یا سامِعَ کُلِّ صَوتٍ وَیا جامِعَ کُلِّ فَوتٍ وَیا بارِئَ
النُّفوسِ بَعدَ المَوتِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآتِنا وَجَمیعَ المُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ
فی مَشارِقِ الاَرضِ وَمَغارِبِها فَرَجاً مِن عِندِکَ عاجِلاً بِشَهادَةِ اَن
لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبدُکَ وَرَسولُکَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیهِ وَعَلی ذُرِّیَّتِهِ
الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَسَلَّمَ تَسلیماً و در کتاب مستغیثین چنین است که شخصی در روم
بیست سال در حبس بود و یک وقتی گریه میکرد که ناگاه مرغی دید که از دیوار زندان فرود آمد و این دعا
را خواند و آن شخص آنرا حفظ کرد و دو سه شب پی در پی آنرا خواند و از حبس خلاص شد و
بعد از مدتی در آن سال بحج رفت و شخصی را دید که دست بر دست او نهاد و میگوید از کجا بود
برای تو این دعا نمیخوانند آنرا مگر مرغ مخصوص که در بلاد روم میباشد پس آن شخص قصه خود را باو نقل کرد از او سوال

کرد که تو چه نام داری گفت من خضر نام دارم و این معروفست بدعای طائر روحی دعای
فرج و آن اینست اللهم انی اسالک یا من لا تراه العیون ولا تخالطه الظنون
ولا یصفه الواصفون ولا تغیره الحوادث ولا الدهور انت تعلم
مثاقیل الجبال ومکاییل البحار وعدد قطر الامطار وعدد ورق
الاشجار وعدد ما اظلم علیه اللیل واشرق علیه النهار ولا تواری منه سماء
سماء ولا ارض ارضا ولا جبل الا ویعلم ما فی وعره ولا بحر الا ویعلم ما
فی قعره اللهم انی اسالک ان تجعل خیر عملی خواتیمه وخیر ایامی
یوم القاک انک علی کل شیء قدیر اللهم ومن عادانی فعاده ومن
کادنی فکده ومن بغی علی فاهلکه ومن نصب لی فخذه واطف
عنی نار من اشب الی ناره واکفنی هم من ادخل علی همه وادخلنی فی درعک
الحصینة واسترنی بسترک الوافی یا من یکفی من کل شیء ولا
یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا والاخرة وصدق قولی و
فعلی بالتحقیق یا شفیق یا رفیق وفرج عنی کل ضیق ولا تحملنی ما لا اطیق
انت الهی الحق الحقیق یا ظاهر البرهان یا قوی الارکان یا من رحمته فی
کل مکان یا من لا یحویه مکان ولا یخلو منه مکان احرسنی بعینک التی

لاَنام واكْفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لا يُرام اللّٰهُمَّ انّه قد تيقّن قلبي انّه لا اله الّا
انت وانّي لا اهلك وانت معي يا رجائي فارحمني بقدرتك عليّ يا عظيما
يُرجى لكلّ عظيم يا حليم يا عليم انت بحاجتي عليم وعلى خلاصي قدير وهو
عليك سهل يسير فامنن عليّ بقضائها يا اكرم الاكرمين ويا اجود
الاجودين يا اسرع الحاسبين يا ربّ العالمين ارحمني واغفر لي ولوالديّ
وللمؤمنين والمؤمنات انّك على كلّ شيء قدير وصلّى الله على سيّدنا
محمّد وآله وصحبه اجمعين ايضا دران كتابست كه شخصي را بزندان ميبردند كه بكشند
بر ديوار ديد كه دران نوشته بود يا وليّي في نعمتي ويا صاحبي في وحدتي ويا عدّتي
في كربتي وان شخص آن دعا را بخاطر گرفت ومكرر خواند ببركت آن از بند نجات يافت وبار
ديگر نبردند بدار آنرا وآن نوشته اند ايضا دران كتابست كه شخصي چند سال اسير بود در
خواب كسي را ديد كه اين دعا با وي تعليم نمود وچون بيدار شد وآن دعا خواند از بند نجات يافت ودعا اينست
تحصّنت بالحيّ الّذي لا يموت ورميت كلّ من ارادني بسوء بلا حول
ولا قوّة الّا بالله العليّ العظيم واصبحت في جوار الله الّذي لا يُرام و
لا يُستباح وذمّة الله الكريم وذمّته الّتي لا تُخفر واستمسكت بالعروة
الوثقى وتوكّلت على الله ربّي وربّ السّموات والارض لا اله

إِلَّا هُوَ وَاتَّخِذْهُ وَلِيًّا مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ

ایضا دران کتابست که شخصی را یکی از خلفای بنی امیه در زندان کرده بود آن شخص
حضرت عیسی علیه السلام را در خواب دید که این کلمات را باو تعلیم کرد که لا اله الا الله
الملک الحق المبین و چون بیدار شد خوانده و همانروز از بند نجات یافت و در
مصباح کفعمی مذکور است که محبوس چون این کلمات را هر روز هفتاد بار بخواند الله تعالی او را
نجات دهد کلمات اینست یَا مَنْ کَفَانِی مِنْ خَلْقِهِ جَمِیعًا وَلَمْ یَکْفِنِی مِنْ خَلْقِهِ
أَحَدٌ سِوَاهُ یَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ یَا اللهُ
فَأَغِثْنِی یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ **و ایضا** دران کتابست که این کلمات را بسیار
گفت اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِیَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ **ایضا**
دران کتابست که محبوسی را دست بر بند کرده و شبی هفتاد بار این دعا خوانده و از
بند نجات یافته و با اهل و ولد خود ملحق شده و آن اینست أَسْتَلْطِفُ اللهَ اللَّطِیفَ
لِمَا یَشَاءُ لِتَیْسِیرِ مَا أَخَافُ تَعْسِیرَهُ فَإِنَّ تَیْسِیرَ الْعَسِیرِ عَلَى اللهِ یَسِیرٌ وَإِنَّ
اللهَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ لِی فِی أَمْرِی
فَإِنَّكَ لَطِیفٌ لِمَا تَشَاءُ **و ایضا** دران کتابست که حضرت صاحب الزمان علیه الصلوة و السلام
بمحبوسی این دعا را تعلیم نموده و او بسبب خواندن او نجات یافته و آن اینست إِلَهِی عَظُمَ

الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَضَاقَتِ الْأَرْضُ

وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي

الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ

عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً

قَرِيباً كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ

يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَانْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا

نَاصِرَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ

الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ

الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ و در خواص سوره از مصباح کفعمی

چنین است که چون سوره طور را کسی بسیار بخواند از زندان خلاصی یابد و چون سوره انفطار را کسی بخواند

از زندان خلاصی یابد و چون سوره انا انزلناه کسی بخواند از زندان خلاصی یابد باب هشتم در ادعیه

و اعمالیکه باعث دفع هم و غم و خوف است و آن دو فصل است فصل اول در ادعیه و اعمالیکه باعث دفع

هم و غم است و هم اندوه بر آینده است و غم اندوه بر واقع شده است از آن جمله آنست که ابن طاووس

در کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که چون کسی از شما

اندوهناک شود باید که چون آفتاب بطرف مشرق بجائی رسد که در وقت عصر بطرف مغرب

در بیان ادعیه دفع هم و غم

بآنجا بیرد شش رکعت نماز کند بعد از آن و بقبله دستها را بالا بردارد و مکرر بگوید اللهم

ائتنی بالعافیة من حیث شئت و انّی شئت فانّک تفعل ما تشاء

از انجمله نمازی چند ست که در کافی شیخ کلینی مذکور شده مثل آنچه از امام جعفر صادق

علیه السلام روایت شده که از برای دفع هم غسل کن بنیت طلب حاجت و دو رکعت نماز

بگزار چون فارغ شوی بگو یا فارج الهمّ و یا کاشف الغمّ یا رحمن الدنیا و

الآخرة و رحیمهما فرّج همّی و اکشف غمّی یا الله الواحد الاحد الصمد

الّذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد اعصمنی و طهّرنی و اذهب

ببلیّتی و بخوان آیة الکرسی و معوذتین را مثل آنچه از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده

که به پسر میگفته که هر که مصیبتی بر او نازل شده باشد یا خوفی و یا مصیبتی داشته باشد

پس باید که وضو بسازد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز کند چون فارغ شود بگوید یا موضع

کلّ شکوی و یا سامع کلّ نجوی و یا شاهد کلّ ملاء و یا عالم

کلّ خفیّة و یا دافع ما یشاء من بلیّة یا خلیل ابراهیم و یا نجیّ موسی

و یا مصطفی محمّد صلّی الله علیه و آله ادعوک دعاء من اشتدّت

فاقته و قلّت حیلته و ضعفت قوّته دعاء الغریب الغریق المضطرّ الّذی

لا یجد لکشف ما هو فیه الّا انت یا ارحم الراحمین [illegible]

الله تعالی از و بلاها را و مثل آنچه امام محمد باقر علیه السلام با بو حمزه ثمالی تعلیم نمود که چون ترا
بلائی باشد سوره تبت بخوان و دو رکعت نماز کند و چون فارغ شوی بگو یا ابصر الناظرین
و یا اسمع السامعین و یا اسرع الحاسبین و یا ارحم الراحمین هفتاد
مرتبه پس بگو حاجت خود را طلب کن که آن حاجت از هر حاجتها طلبیده باشند اجمال ادعیه
که در کافی شیخ کلینی مذکور است و مثل آنچه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که
او را اندوهی و غمی و تعب شدید یا اندوهی برسد یا آزردگی یا بلائی یا شکستگی پس باید که بگوید الله
ربی لا اشرک به شیئا توکلت علی الحی الذی لا یموت و مثل آنچه از امام
جعفر صادق علیه السلام روایت شده که جبرئیل ع در چاه بیوسف تعلیم نمود و یوسف
بسبب خواندن آن از آن غم نجات یافت و آن اینست اللهم انی اسألک بان لک
الحمد لا اله الا انت المنان بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی مما انا فیه فرجا و مخرجا و مثل آنچه
از بعض ائمه علیهم السلام روایت شده که چون غمناک شوی بسیار بگو در سجود یا جبرئیل
یا محمد مکرر بگو این و بگو اکفیانی ما انا فیه فان کما کافیان و احفظانی باذن
الله فان کما حافظان و مثل آنچه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که چون
پسری را یا کسی وسوسه کند بباطل یا اینکه خود ذکر باطل نفس پس بگو اللهم انی عبدک و ابن

عبدك وابن امتك ناصيتي بيدك عدل فيّ حكمك ماض فيّ
قضاؤك اللهم اني اسألك بكل اسم هو لك انزلته في كتابك او
علمته احدا من خلقك او استأثرت به في علم الغيب عندك ان تصلي
على محمد وآل محمد وان تجعل القرآن نور بصري وربيع قلبي وجلاء
حزني وذهاب همي الله الله ربي لا اشرك به شيئا ومثل دعای حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله شب حزن و آن این است یا صریخ المکروبین ویا مجیب المضطرین
ویا کاشف غمی اکشف عنی غمی وهمی وکربی فانک تعلم حالی وحال
اصحابی واکفنی هول عدوی ومثل آنچه عمر بن یزید از اصحاب امام جعفر صادق
و امام موسی کاظم علیهما السلام است نقل نموده که از برای دفع هم صد بار بگوید در حالیکه در سجده
باشی و آن این است یا حی یا قیوم لا اله الا انت برحمتک استغیث فاکفنی
ما اهمنی ولا تکلنی الی نفسی ومثل آنچه دعا میکرده بآن امام محمد باقر علیه السلام
در کاریکه حادث میشد برو و آن این است اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر لی
وارحمنی وزک عملی ویسر لی منقلبی واهد قلبی وآمن خوفی و
عافنی فی عمری کله وثبت حجتی واغفر خطایای وبیض وجهی
واعصمنی فی دینی وسهل مطلبی ووسع علی فی رزقی فانی ضعیف وتجاوز عن

واغسل

عن سيّئ ما عندي بحسن ما عندك ولا تفجعني بنفسي ولا تفجعني

بحميم وهب لي يا الهي لحظة من لحظاتك تكشف بها عني جميع ما به

ابتليتني وتردّني بها على ما هو احسن عاداتك عندي فقد ضعفت

قوّتي وقلّت حيلتي وانقطع من خلقك رجائي ولم يبق الّا رجاؤك و

توكّلي عليك وقدرتك عليّ يا ربّ ان ترحمني وتعافيني كقدرتك

عليّ ان تعذّبني وتبتليني الهي ذكر عوائدك يؤنسني والرجاء لانعامك

يقوّيني ولم اخل من نعمك منذ خلقتني وانت ربّي وسيّدي ومفزعي

وملجاي والحافظ لي والذابّ عنّي والرحيم بي والمتكفّل برزقي و

في قضائك وقدرك كلّ ما انا فيه فليكن يا سيّدي ومولاي

فيما قضيت وقدّرت وحتمت تعجيل خلاصي ممّا انا فيه جميعه

والعافية لي فانّي لا اجد لدفع ذلك احدا غيرك ولا اعتمد فيه

الّا عليك فكن يا ذا الجلال عند احسن ظنّي بك ورجائي لك

وارحم تضرّعي واستكانتي وضعف ركني وامنن بذلك عليّ وعلى

كلّ داع دعاك يا ارحم الراحمين وصلّى الله على محمّد وآله فصل وممّا

[illegible] از جمله ادعیه ایست که در کتاب شیخ کلینی مذکور است و مشتمل

علیه السلام روایت شده که چون ترسی از کاری بکن اللهم انک لا یکفی منک احد
وانت تکفی من کل احد من خلقک فاکفنی کذا وکذا و مثل آنچه بیمان
فرموده که در محل خوف از چیزی باید گفت و آن اینست یا کافیا من کل شیء ولا
یکفی منک شیء فی السموات والارض اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا والآخرة و
صلی الله علی محمد و آله و مثل کلماتیکه حضرت امام زین العابدین علیه السلام گفته که باک
ندارم چون آن کلمات گفته باشم از اینکه جمیع شوند بر من جن و انس و آن اینست بسم الله و
بالله ومن الله والی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله اللهم
الیک اسلمت نفسی والیک وجهت وجهی والیک الجأت ظهری والیک
فوضت امری اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن
خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی ومن قبلی وادفع عنی بحولک
وقوتک فانه لا حول ولا قوة الا بک از جمله ادعیه البیت که شیخ طبرسی
در کنوز النجاح ذکر کرده و مثل آنچه امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که با وضو باید خواند
ایستاده یا در حال سجود و آن اینست اللهم انی احتجب بنور وجهک الکریم الجلیل
القدیم الرفیع العظیم العلی الرحیم القائم بالقسط لا اله الا انت العزیز
الحکیم و بمحمد و آله صلواتک علیه وعلیهم وباولی العزم من المرسلین صلواتک

علیهم اجمعین وبنبیک المعری والسبع المثانی والقرآن العظیم وبکل من
یکرم علیک من جمیع خلقک اجمعین لانفس اهل بیت نبیک محمد
صلواتک علیه وعلیهم ولاذیاتهم وبجمیع ما ملکتهم وتتفضل به
علیهم ولانفسنا ولاذیاتنا وبجمیع ما ملکتنا وتتفضل به علینا من شر
جمیع ما قضیت وقدرت وخلقت ومن شر جمیع ما تقضی وتقدر و
تخلق ما احییتنا وبعد وفاتنا بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد
الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد کذلک الله ربنا
ثم الی قل هو الله را باین روش که مذکور شد سه بار و بعد ازان میگوید من فوقهم ومن فوقنا
وسه بار دیگر بخوان بهمین روش و بعد ازان بگو عن ایمانهم وعن ایماننا وسه بار دیگر بهمین روش بخوان و بگو
عن شمائلهم وعن شمائلنا وسه بار دیگر بخوان بهمین روش بگو من خلفهم ومن خلفنا وسه بار دیگر بهمین
بخوان بگو عن امامهم وعن امامنا وسه بار دیگر بهمین روش بخوان بگو عن حوالیهم وعن حوالینا
عصمة وحصنا وحرزا لهم ولنا من کل سوء وضر ومکروه ومخوف ومحذور
وشغل عما علمنا وما بعد همتنا بقدرة ربنا انه علی کل شیء قدیر ولکل شیء
حفیظ وصلی الله علی محمد وآله اجمعین و مثل نقل شده که نقش باعث المنی است
است وسعد عائی کفایه الهی ان رب اللهم بک اساور وبک احاول وبک

أَصُولُ وَبِكَ أَنْتَصِرُ وَبِكَ أَمُوتُ وَبِكَ أَحْيَى أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ

أَمْرِي إِلَيْكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي

وَرَزَقْتَنِي وَسَدَّدْتَنِي وَسَتَرْتَنِي وَبَيْنَ الْعِبَادِ بِلُطْفِكَ خَوَّلْتَنِي إِذَا هَوَيْتُ رَدَدْتَنِي وَإِذَا عَثَرْتُ هویت

أَقَلْتَنِي وَإِذَا مَرِضْتُ شَفَيْتَنِي وَإِذَا دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي يَا سَيِّدِي ارْضَ عَنِّي فَقَدْ

أَرْضَيْتَنِي وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ از آنجمله دعائیست از ادعیه سریعه

ومضمون آنچه دران روایت شده اینست که ای محمد صلی الله علیه وآله کسیکه او را خوفی رسد و خواهد که از

آن ایمن شود چون این دعا بخواند ایمن کنم او را از ترسانیکه دارد و حاجت شود روا و

در دین او و نعمت او و دعا اینست یَا حَاشِيَ الْعِزِّ قُلُوبَ أَهْلِ التُّقَى وَيَا مُتَوَلِّيهِمْ

بِحُسْنِ سَرَائِرِهِمْ وَيَا مُؤْمِنَهُمْ بِحُسْنِ تَعَبُّدِهِمْ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا قَدْ أَبْرَمْتَهُ

إِحْصَاءً وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَدْ أَتْقَنْتَهُ عِلْمًا أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي بِتَثْبِيتِ قَلْبِي عَلَى

الطُّمَأْنِينَةِ وَالْإِيمَانِ وَأَنْ تُوَلِّيَنِي مِنْ قَبُولِكَ مَا تُبَلِّغُنِي بِهِ شِدَّةَ الرَّغْبَةِ فِي عَطَائِكَ

حَتَّى لَا أُبَالِيَ أَحَدًا سِوَاكَ وَلَا أَخَافَ شَيْئًا مِنْ دُونِكَ يَا رَحِيمُ و از آنجمله دعائیست که در

کتاب سال ذکر شده که از برای پناه جستن از خوفها باید خواند و آن اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَأَهْوَالِ عَظَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِذْنِي

رَبِّ مِنْ صَرْعَةِ الْبَأْسَاءِ وَأَجِرْنِي مِنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ فَأَعِذْنِي وَنَجِّنِي

من مفاجات النقم واحرسني من زوال النعم ومن زلل القدم واجعلني
اللهم في حمى عزك وحياط حرزك من مباغتة الدوائر ومعاجلة
البوادر اللهم رب وارض البلاء فاخسفها وعرصة المحن فارجفها
وشمس النوائب فاكسفها وجبال السوء فانسفها وكرب الدهر
فاكشفها وعوائق الامور فاصرفها واوردني حياض السلامة واحملني
على مطايا الكرامة واصحبني باقالة العثرة واشملني بستر العورة
وجد علي رب بآلائك وكشف بلائك ودفع ضرائك وادفع عني
كلاكل عذابك واصرف عني اليم عقابك واعذني من بوائق الدهور
وانقذني من سوء عواقب الامور واحرسني من جميع المحذور واصدع
صفاة البلاء عن امري واشلل يده عني مدة عمري انك الرب
المجيد المبدئ المعيد الفعال لما يريد و در عدة الداعي از ائمه عليهم
السلام روایت شده که چون از چیزی در خوف باشی چون صد آیت از قرآن بخوانی از هر جا که
خواهی بعد از آن سه بار بگوئی اللهم ادفع عني البلاء انشاء الله تعالی ترا ایمن کند و مثل
آنچه در آن کتاب از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که هر که بورطه در افتد چون سه بار
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم الله تعالی او را

کنند و در مهج الدعوات از ائمه علیهم السلام وارد شده که در محل خوف این دعا بخوانند یا کائنا

قبل کلّ شیء و یا مکوّن کلّ شیء و یا باقیا بعد کلّ شیء صلّ علی محمّد و اهل بیته

وافعل بی کذا وکذا و مفاتیح الغیب چنین است که ... بسم الله ... خانه

باعث ایمنی از هلاک است و فرمودند الله تعالی ... که ... اسم اعظم ... بحرین ... شده

شده بود و در کتب ادعیه مذکور است که از برای دفع خوف طاعون این دعا را چند بار خوانده بنویسند

و بر در خانه‌ها باید که چسبانند و دعا اینست اللّهمّ سکّن هیبة صدمة قهرمان الجبروت

باللطیفة النازلة الواردة من فیضان الملکوت حتّی نتشبّث باذیال

لطفک عن انزال قهرک و نعتصم بک عن انزال سخطک یا ذا القوّة

الکاملة والقدرة الشاملة برحمتک الواسعة یا ربّ سکّن سکّن

سکّن یا حیّ یا محیی الموتی اللّهمّ یا ولیّ الاولیاء و یا مجیب الدّعاء و یا

کاشف البلاء اصرف عنّا و عن اولادنا و اقربائنا القحط والطّاعون

والوباء بحقّ محمّد المصطفی و علیّ المرتضی و بحرمة الائمّة والشّهداء

و ما رمیت اذ رمیت ولکنّ الله رمی و لیبلی المؤمنین منه بلاء

حسنا یا غوثاه اغثنا یا حیّ یا قیّوم یا دائم یا وتر یا ذا الجلال

والاکرام اللّهمّ انّی اعوذ بک من الطّعن والطّاعون و من موت

الفجاءة ومن سوء القضاء ودرك الشقاء ومن شماتة الاعداء ومن
مضرة الحماء اللهم انی اعوذ بك من جمیع ذلك بحق محمد المصطفی و
علی المرتضی والائمة من ولده النجباء آمین رب العالمین وایضا
چنین مشهورست که از برای محفوظ ماندن از شر طاعون هر روز این کلمات را باید گفت
یامن لطیف لم یزل الطف بنا فیما نزل بانت القوی سبحانها عن قهر لشر یوم
المخلل **باب نهم** در ادعیه و اعمال پناه جستن از شیاطین جن و انس و از چشم بد و از سحر
و در آن سه فصلست **فصل اول** در ادعیه و اعمال پناه جستن از شیاطین جن و انس از انجمله خواندن
دعائیست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در مقام پناه جستن از دشمنی شیطان و کید او خوانده
و آن اینست اللهم انا نعوذ بك تا آخر در صحیفه کامله مذکورست و از انجمله با خود داشتن
حرزیست که در کتاب حیوة الحیوان ابودجانه از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده
و معروف بحرز ابودجانه است ابودجانه گوید که من از شیاطین جن آزار دیدم و به پیغمبر
صلی الله علیه و آله شکوه کردم و آنحضرت علیه السلام بعلی صلوات الله علیه فرمود که حرز را
نوشت و بمن داد و من با خود داشتم و چون خوابیدم بزیر سر گذاشتم پس بیدار شدم ندائی که
می گفت ای ابودجانه ما را سوختی باین حرز و بکر بجانه تو نمی آییم و نسخهٔ این حرز دران باب
نمیرویم و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم هذا کتاب محمد رسول الله رب العالمین

متعلق صفحہ صد و ہجدہم سطر آخر

مِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَكَيْدِهِ وَمَكَائِدِهِ وَمِنَ الثِّقَةِ بِأَمَانِيِّهِ وَ
مَوَاعِيدِهِ وَمَصَائِدِهِ وَأَنْ يُطْمِعَ نَفْسَهُ فِي إِضْلَالِنَا عَنْ طَاعَتِكَ
وَامْتِهَانِنَا بِمَعْصِيَتِكَ أَوْ أَنْ يَحْسُنَ عِنْدَنَا مَا حَسَّنَ لَنَا أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا
مَا كَرَّهَ إِلَيْنَا اللَّهُمَّ اخْسَأْهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ وَاكْبِتْهُ بِدُؤُوبِنَا فِي مَحَبَّتِكَ
وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ سِتْرًا لَا يَهْتِكُهُ وَرَدْمًا مُصْمَتًا لَا يَفْتُقُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاشْغَلْهُ عَنَّا بِبَعْضِ أَعْدَائِكَ وَاعْصِمْنَا مِنْهُ بِحُسْنِ رِعَايَتِكَ
وَاكْفِنَا خَتْرَهُ وَوَلِّنَا ظَهْرَهُ وَاقْطَعْ عَنَّا إِثْرَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَمْتِعْنَا مِنَ الْهُدَى بِمِثْلِ ضَلَالَتِهِ وَزَوِّدْنَا مِنَ التَّقْوَى ضِدَّ غَوَايَتِهِ
وَاسْلُكْ بِنَا مِنَ التُّقَى خِلَافَ سَبِيلِهِ مِنَ الرَّدَى اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ لَهُ فِي
قُلُوبِنَا مَدْخَلًا وَلَا تُوطِنَنَّ لَهُ فِيمَا لَدَيْنَا مَنْزِلًا اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا
مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَاهُ وَإِذَا عَرَّفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ وَبَصِّرْنَا مَا نُكَائِدُهُ بِهِ وَأَلْهِمْنَا
مَا نُعِدُّهُ لَهُ وَأَيْقِظْنَا عَنْ سِنَةِ الْغَفْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ وَأَحْسِنْ بِتَوْفِيقِكَ
عَوْنَنَا عَلَيْهِ اللَّهُمَّ وَأَشْرِبْ قُلُوبَنَا إِنْكَارَ عَمَلِهِ وَالْطُفْ لَنَا فِي نَقْضِ حِيَلِهِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَوِّلْ سُلْطَانَهُ عَنَّا وَاقْطَعْ رَجَاءَهُ مِنَّا وَادْرَأْهُ عَنِ الْوُلُوعِ بِنَا اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ آبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهَالِيَنَا وَذَوِي أَرْحَامِنَا

وَقَرَابَاتِنَا وَجِيرَانِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي حِرْزٍ حَارِزٍ وَحِصْنٍ حَافِظٍ

وَكَهْفٍ مَانِعٍ وَأَلْبِسْهُمْ مِنْهُ جُنَنًا وَاقِيَةً وَأَعْطِهِمْ عَلَيْهِ أَسْلِحَةً مَاضِيَةً

اَللّٰهُمَّ وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ مَنْ شَهِدَ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأَخْلَصَ لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ

وَعَادَاهُ لَكَ بِحَقِيقَةِ الْعُبُودِيَّةِ وَاسْتَظْهَرَ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَةِ الْعُلُومِ

الرَّبَّانِيَّةِ اَللّٰهُمَّ احْلُلْ مَا عَقَدَ وَافْتُقْ مَا رَتَقَ وَافْسَخْ مَا دَبَّرَ وَثَبِّطْهُ إِذَا عَزَمَ

وَانْقُضْ مَا أَبْرَمَ اَللّٰهُمَّ وَاهْزِمْ جُنْدَهُ وَأَبْطِلْ كَيْدَهُ وَاهْدِمْ كَهْفَهُ وَأَرْغِمْ

أَنْفَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ وَاعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ لَا نُطِيعُ

لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا نَأْمُرُ بِمُنَاوَأَتِهِ مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا

وَنَعِظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنِ اتَّبَعَ زَجْرَنَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَأَعِذْنَا

وَأَهَالِيَنَا وَإِخْوَانَنَا وَجَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِمَّا اسْتَعَذْنَا مِنْهُ

وَأَجِرْنَا مِمَّا اسْتَجَرْنَا بِكَ مِنْ خَوْفِهِ وَاسْمَعْ لَنَا مَا دَعَوْنَا بِهِ وَأَعْطِنَا

مَا أَغْفَلْنَاهُ وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَاهُ وَصَيِّرْنَا بِذٰلِكَ فِي دَرَجَاتِ

الصَّالِحِينَ وَمَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ

آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۵۵

إلى من طرق الدار من العمار والزوار إلا طارقا يطرق بخير أما بعد فإن
لنا ولكم في الحق سعة فإن تك عاشقا مولعا أو فاجرا مقتحما فهذا كتاب
الله ينطق علينا وعليكم بالحق إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ورسلنا
يكتبون ما تمكرون اتركوا صاحب كتابي هذا وانطلقوا إلى عبدة
الأصنام وإلى من يزعم أن مع الله إلها آخر لا إله إلا هو كل شيء هالك
إلا وجهه له الحكم وإليه ترجعون حم لا ينصرون حم عسق تفرق
أعداء الله وبلغت حجة الله ولا حول ولا قوة إلا بالله فسيكفيكهم
الله وهو السميع العليم از جمله دعاها است که سید [illegible] الدعوات
ابن طاوس از پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل شده که از برای ایمنی از هر چیزی
بخوانند آن این است بسم الله الرحمن الرحيم لا إله إلا الله عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن أشهد أن الله على كل شيء
قدير وأن الله قد أحاط بكل شيء علما اللهم إني أعوذ بك من شر
نفسي ومن شر كل دابة أنت آخذ بناصيتها إن ربي على صراط
مستقيم از جمله دعاها است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] يا الله لا إله إلا [illegible]

يقدر به جميع عباده المطاع لعظمته عند كل خليقته والممضي
مشيته لسابق قدره انت تكلأ ما خلقت بالليل والنهار ولا
يمتنع مما اردت به سوء شيء دونك من ذلك السوء ولا يحول احد
دونك بين احد مما تريد به من الخير كل ما يرى وما لا يرى في قبضتك
وجعلت قبائل الجن والشياطين يروننا ولا نراهم وانا لكيدهم خائفون
فآمني من شرهم وبأسهم بحق سلطانك العزيز يا عزيز واز بحار نقل است
که در مصباح کفعمی نقل شده تعلیم نمود جبرئیل علیه السلام بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای دفع
عفریتی از جن که شعله آتشی در دست داشته و رو بآنحضرت صلوات الله علیه و آله می آمد و چون آنحضرت
علیه السلام اینرا خوانده آن عفریت برو افتاد و شعله آتشی که در دست داشت خاموش
شد و کلمات اینست اعوذ بوجه الله الكريم وبكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن بر
ولا فاجر من شر ما ذرأ في الارض وما يخرج منها ومن شر ما ينزل من السماء
وما يعرج فيها ومن شر فتن الليل والنهار ومن شر طوارق الليل
والنهار الا طارقا يطرق بخير يا رحمن ارحمني ونیز از بحار است که در کافی
شیخ کلینی مذکور است که بسند حدیثی علیحده اول منقول از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده
خواندنش باعث اینست که از شر شیاطین جن و انس و حشرات و حیوانات موذی امان یابند و آن اینست اعوذ

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ
اللهِ وَأَعُوذُ بِعَفْوِ اللهِ وَأَعُوذُ بِمَغْفِرَةِ اللهِ وَأَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللهِ وَأَعُوذُ بِسُلْطَانِ
اللهِ الَّذِي هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَعُوذُ بِكَرَمِ اللهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللهِ مِنْ
شَرِّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ قَرِيبٍ أَوْ
بَعِيدٍ أَوْ ضَعِيفٍ أَوْ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَالْعَامَّةِ وَمِنْ
شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ
وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ٭ دوم آنچه از امام موسی کاظم یا امام رضا
علیهما السلام روایت شده که آن باعث ایمنی است از هر درنده و شیطان و نیش و زهر جانوری
و دزدان گزندش مار یا نیش گزندش عقرب نمی رسد با جو و درندهٔ آن این ظلم کند با آن از دزد و دزد از
حرامی و آن است که چون شب شود و آفتاب غروب کند بگوئی بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ وَيَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ
يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَأَعُوذُ بِوَجْهِ اللهِ الْكَرِيمِ وَ
بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا تَحْتَ الثَّرَى وَمِنْ شَرِّ مَا بَطَنَ وَ
ظَهَرَ وَمِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَمَا لَمْ أَصِفْ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سوم آنچه از امام

جعفر صادق علیه السلام روایت شده خواندنش کرسی باعث است که انکس از شر جن و انس
و حیوانات موذی و از شر خشم بد در امان باشد و آن این است بسم الله الجلیل اعید فلانا
و نفسی بالله العظیم من الهامة و السامة و اللامة و العامة و من الجن
و الانس و من العرب و العجم و من انفسهم و بغیهم و نفخهم و بآیة الکرسی
بعد از ان بخوان آیة الکرسی را بعد از ان بگو بسم الله اعید فلانا بالله الجلیل من
الهامة تا آخر انچه گفته بود **چهارم** انچه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که
گفتنش بعد از نماز فریضه باعث است که جمیعه شود بالی از بلاها جبرئیل و روح و شر وسوسه
و ماتش یعنی جمیع اینها از جمیع بلاها در امان شوند و آن این است استودع الله العظیم الجلیل
نفسی و اهلی و ولدی و من یعنینی امره استودع الله المرهوب المخوف
المتضعضع لعظمته کل شیء نفسی و اهلی و مالی و ولدی و من یعنینی
امره **پنجم** انچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بحضرت علی علیه السلام تعلیم فرموده گفته که خواندنش
باعث است که الله تعالی برگرداند سبب آن انواع بلاها را و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم
لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **ششم** سوره یس خواندن بر سبیل خود [illegible]
از شر جن **هفتم** سوره جاثیه را نوشتن [illegible] در زیر سر نگه داری محفوظ شود از شر جن **فصل دوم**
[illegible] از شر [illegible] الحجر [illegible]

از کافی نقل شده و **منقول** است که تعویذ کرده بآن پیغمبر صلی الله علیه و آله امام حسن و امام حسین علیهم السلام را
باین و شکر گفت أُعِيذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ وَأَسْمَائِهِ الْحُسْنَى كُلِّهَا عَامَّةً مِنْ
شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ بعد از آن
فرمود که چنین تعویذ میکرد ابراهیم اسمعیل و اسحق را علیهم السلام و در **مهج الدعوات**
ابن طاوس از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که آنحضرت ع فرموده که بپناه
الله تعالی بدهید فرزندان خود را باین تعویذ اللَّهُمَّ يَا ذَا السُّلْطَانِ الْعَظِيمِ وَالْمَنِّ
الْقَدِيمِ وَالْوَجْهِ الْكَرِيمِ ذَا الْكَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَالدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ
عَافِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مِنْ أَنْفُسِ الْجِنِّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ و در **مکارم الاخلاق**
از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که تاثیر چشم حق است ایمن مباشید از آن بر خود و از آن
بر غیر خود پس چون از تاثیرات ترسید باید گفت مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ و در **جامع الجوامع** از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که هر که
چیزی ببیند که او را خوش آید پس باید که برای دفع تاثیرش بگوید اللهُ اللهُ مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللهِ و نیز در آن کتاب از حضرت امام حسن علیه السلام روایت شده که دوا تاثیر چشم بد این آیه است
از سوره نون وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ
وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ و در **زبدة البیان**

حضرت جبرئیل ع پیغمبر صرا این عوذه داد و آموزنده آنرا و آن اینست بسم الله ارقیک
مِن کُلِّ عَینٍ حَاسِدٍ اَللهُ یَشفِیکَ و در مصباح کفعمی است برای دفع نا بر چشم بد
این نقل نموده که بِسمِ اللهِ العَظِیمِ الشَّانِ القَوِیِّ السُّلطَانِ الشَّدِیدِ الاَرکَانِ
حَبسٌ حَابِسٌ وَحَجَرٌ یَابِسٌ وَشِهَابٌ قَابِسٌ وَلَیلٌ دَامِسٌ وَمَاءٌ قَارِسٌ
فِی عَینِ العَائِنِ وَفِی اَحَبِّ خَلقِ اللهِ اِلَیهِ وَفِی کَبِدِهِ وَفِی کُلیَتِهِ فَارجِعِ
البَصَرَ هَل تَرٰی مِن فُطُورٍ ثُمَّ ارجِعِ البَصَرَ کَرَّتَینِ یَنقَلِب اِلَیکَ البَصَرُ خَاسِئًا
وَهُوَ حَسِیرٌ و نیز در ان کتاب از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده
که چون کسی زینت کند بزینتی خوش آینده پس باید که از برای دفع ضرر چشم بد در وقت بیرون آمدن از خانه
بگوید قُل اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ قُل اَعُوذُ بِرَبِّ الفَلَقِ و در خواص القرآن از
مصباح کفعمی چنین است که چون سوره قمر را بنویسی بر کسی ببندی که ضرر چشم بد باو رسیده باشد
آن ضرر زائل شود و چون سوره یوسف را بنویسی با خود داری ایمن شوی از ضرر چشم و در مکارم
الاخلاق چنین است که معمر بن خلاد از برای امام رضا علیه السلام یک شیشه [illegible] هدیه آورد امام علیه
السلام را آن خوش آمد پس گفت معمر که تا [illegible] پس سوره فاتحه و قل هو الله احد و معوذتین و آیة الکرسی
را در غلاف این شیشه جا کن که محفوظ ماند ایضا چنین است که از برای دفع ضرر چشم بد که بکسی رسیده باشد
سوره فاتحه بخوان و باید [illegible] بنویس با آن کس همراه کن تا از ان [illegible] محفوظ [illegible] فلان بن فلان

بكلمات الله التامات من شر ما خلق وذرء وبرء ومن كل عين ناظرة
واذن سامعة ولسان ناطق ان ربي على صراط مستقيم ومن شر الشيطان
وعمل الشيطان وخيله ورجله وقال يا بني لا تدخلوا من باب واحد واد
خلوا من ابواب متفرقة فصل سوم در ادعیه پناه جستن از سحر از انجمله دعائیست که
در مصباح کفعمی نقل شده که چون از سحر بترسی بگو قال لهم موسى القوا ما انتم ملقون
فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا
يصلح عمل المفسدين ويحق الله الحق بكلماته ولو كره المجرمون وقدمنا الى
ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا بل نقذف بالحق على الباطل
فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما تصفون والق ما في يمينك
تلقف ما صنعوا انما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى
فالقي السحرة سجدا قالوا امنا برب هرون وموسى از انجمله دعائیست
که در طب الائمه از حضرت علی علیه السلام روایت شده که از برای ابطال سحر در پوست آهو
باید نوشت و بر خود باید بست و آن اینست بسم الله وبالله بسم الله ما شاء الله
بسم الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم قال موسى
ما جئتم به السحر ان الله سيبطله ان الله لا يصلح عمل

برای پناه جستن

المفسدين ويحق الله الحق بكلماته ولو كره المجرمون فوقع الحق وبطل
ما كانوا يعملون فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين واز انجمله دعائیست که
در طب الائمه نقل شده که از برای ابطال سحر بعد از فراغ از نماز شب هفت سحر هفت بار باید گفت
آن اینست بسم الله وبالله سنشد عضدك باخيك ونجعل لكما سلطانا
فلا يصلون اليكما باياتنا انتما ومن اتبعكما الغالبون واز انجمله دعائیست از
سر قدسیه مضمون آنچه در آن وارد شده است که ای محمد هر که خواهد که باشد از اهل عافیت من از سحر
چون این دعا بخواند ضرر نکند با سحر هیچ ساحر خواه ساحر جنی خواه ساحر انسی اللهم ان بسم الله
رب موسى وخاصه بكلامه وهازم من كاده بسحره بعصاه ومعيدها بعد
العود ثعبانا وملقفها افك اهل الافك ومفسد عمل الساحرين ومبطل
كيد اهل الفساد من كادني بسحر او بضر عامدا او غير عامد اعلمه او لا
اعلمه اخافه او لا اخافه فاقطع عني اسباب السموات عمله حتى ترجعه عني
غير نافذ ولا ضار لي ولا شامت بي اني ادرأ بعظمتك في نحور الاعداء
فكن لي منهم مدافعا احسن مدافعة واتمها يا كريم

باب دهم

در ادعیه و اعمالیکه باعث دفع علتها و مرضها است و در آن دو فصل است

فصل اول

در ادعیه و اعمالیکه مناسب عیادت کنان و بیمارداران است از انجمله اعمالیست که در کافی

شیخ کلینی مذکور است **متن** نمازیکه اسمعیل خواهرزاده حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از
آنحضرت علیه السلام روایت کرده اسمعیل گفت که بیمار شدم در ماه رمضان بیماری سختی تا آنکه جمیع
بنی هاشم بر سر او واقعه‌ها آمدند و ایشان گمان میکردند که من مرده‌ام بسبب بیماری که داشتم پس
گفت او را حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که بیا بر بام آن خانه رو و ظاهر شو بر آسمان و دو رکعت
نماز کن و چون سلام دهی بگو اللّٰهُمَّ إنَّکَ وَهَبْتَهُ لِی وَلَمْ یَکُ شَیْئاً اللّٰهُمَّ
وَإنِّی أسْتَوْهِبُکَهُ مُبْتَدِئاً فَأعِرْنِیهِ اسمعیل گفت کردم این عمل را و در من حال
صحت آمد و نشستم و دعوت کردند مرا بسحور یکی از ایشان بود و آن سحر بود در سحور خوردند
آنرا و من نیز با ایشان خوردم **و متن** نمازیکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تعلیم فرمود
راوی گفت که زنی آمد نزد امام علیه السلام و گفت که واگذاشته‌ام پسر خود را بحالیکه چادر
بر روی او پوشیده‌ام و او مرده است امام علیه السلام گفت شاید نمرده باشد برخیز بخانه برو و غسل کن
دو رکعت نماز کن و بگو یَا مَنْ وَهَبَهُ لِی وَلَمْ یَکُ شَیْئاً جَدِّدْ هِبَتَهُ لِی ثُمَّ ان حرکیه
و او را حرکت ده و خبر مکن با آنچه واقع شد هیچکس را آن زن گفت چنان کردم و جنبانیدم او را پس ناگاه
بگریه در آمد **و متن** دعائیکه از ائمه علیهم السلام روایت شده که چون حاصل شود بر مریضی صفت بار
باید خواند و آن اینست أُعِیذُکَ بِاللهِ الْعَظِیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ
شَرِّ حَرِّ النَّارِ **و متن** دعائیکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بیماران را با آن تعویذ میکرد

و آن این است که دست بگذاری بر موضع کوفت هفت بار و اقلا سه بار بگوئی أَيُّهَا الْوَجَعُ اسْكُنْ
بِسَكِينَةِ اللهِ وَقِرَّ بِوَقَارِ اللهِ وَانْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللهِ وَاهْدَأْ بِهُدُوءِ اللهِ أُعِيذُكَ
أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَاذَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلَائِكَتَهُ يَوْمَ الرَّجْفَةِ
وَالزَّلَازِلِ و مثل دعائیکه تعویذ کرده بآن جبرئیل علیه السلام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
برای مرضی که آنحضرت علیه السلام داشته و آن این است بِسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ يَا مُحَمَّدُ وَبِسْمِ اللهِ
أَشْفِيكَ وَبِسْمِ اللهِ أُدَاوِيكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَعْنِيكَ بِسْمِ اللهِ وَاللهُ شَافِيكَ بِسْمِ اللهِ
خُذْهَا فَلْتَهْنِيكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ از انجمله
اعمالیست که در مصباح کفعمی مذکور است مثل اینکه بازوی راست مریض را باید گرفت و بعد از خواندن
هفت بار سوره فاتحه این دعا باید خواند و آن این است اللّٰهُمَّ أَزِلْ عَنْهُ الْعِلَلَ وَالدَّاءَ وَ
أَعِدْهُ إِلَى الصِّحَّةِ وَالشِّفَاءِ وَأَمِدَّهُ بِحُسْنِ الْوِقَايَةِ وَرُدَّهُ إِلَى حُسْنِ الْعَافِيَةِ وَ
اجْعَلْ مَا نَالَهُ فِي مَرَضِهِ هٰذَا مَادَّةً لِحَيَاتِهِ وَكَفَّارَةً لِسَيِّئَاتِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و اگر مریض بآن به نشود هفتاد بار سوره فاتحه بخوانند که بآن به میشود انشاء الله
تعالی و مثل کلماتیکه از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که هر مریضی که بآن کلمات دعا کرده شود
الله تعالی او را شفا میدهد مگر اینکه قضا رفته باشد که او بآن مرض بمیرد و کلمات این است أَسْأَلُ اللهَ
الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ و مثل دعائیکه وارد شده که مریض را بآن دعا کرد

کرده آن نسبت اللهم ان انت قلت فی کتابک المنزل علی نبیک المرسل و ما اصابکم
من مصیبة فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر اللهم صل علی
محمد و آل محمد و اجعل هذا المرض من الکثیر الذی تعفو عنه و تبری منه
اسکن ایها الوجع و ارتحل الساعة عن هذا العبد الضعیف سکنتک و
رحلتک بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم
و اگر با این از مرض فارغ نشود مکرر بگوید تا انشاء الله از مرض نجات یابد از انجمله علیست که در
عدة الداعی مروی است شده و آن این است که چون فرزند مریض شود باید که مادر او بر بام آنخانه که طفل در آن است
برآید و چوب از سر بردارد و موهای خود را برابر آسمان ظاهر سازد و سجده کند و در سجده بگوید
اللهم رب انت اعطیتنیه و انت وهبته لی اللهم فاجعل هبتک — اعطیتنیه
الیوم جدیدة انت قادر مقتدر پس هنوز سر از سجده بر نداشته باشد که طفلش از مرض — انت
بری شود انشاء الله تعالی از انجمله اعمالیست که در خواص السور مذکور است و مثل خواندن آیة تحریم بر مریض
چه باعث این که مرض آن شود و مثل خواندن سوره و العصر که بر صبا تب چه باعث این است که تب آن ساکن شود
و مثل خواندن سوره حجا بر مریض چه باعث است که اضطرابش ساکن شود و مثل خواندن سوره و التین بر مجروح
از زیاد [illegible] چه باعث این باشد که چون مریض از این بخورد شفا یابد و از انجمله اعمالیست که در مکارم الاخلاق
مذکور است و مثل دعائی که از امام جعفر صلوات الله علیه [illegible]

وَمِنَ اللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَمَا شَآءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِبْرَاهِیْمُ خَلِیْلُ اللّٰهِ

مُوْسٰی کَلِیْمُ اللّٰهِ نُوْحٌ نَجِیُّ اللّٰهِ عِیْسٰی رُوْحُ اللّٰهِ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ

وَاٰلِهٖ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ مِنَ الْاَرْوَاحِ وَالْاَوْجَاعِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَزَائِمِ مِنَ

اللّٰهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ لَا یَقْرَبُهُ اِلَّا کُلُّ مُسْلِمٍ وَاُعِیْذُهٗ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّآمَّاتِ کُلِّهَا

الَّتِیْ سَاَلَ اللّٰهَ بِهَا اٰدَمُ فَتَابَ عَلَیْهِ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ اِلَّا انْزَجَرْتِ اَیَّتُهَا

الْاَرْوَاحُ وَالْاَوْجَاعُ بِاِذْنِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَکَ اللّٰهُ

رَبُّ الْعَالَمِیْنَ بعد ازان بخواند آیة الکرسی فاتحه و معوذتین قل هو الله احد را و بگوید بسم اللّٰه

الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَکِیْمِ اِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ عَلٰی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ

تَنْزِیْلَ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّا اُنْذِرَ اٰبَآؤُهُمْ فَهُمْ غٰفِلُوْنَ لَقَدْ حَقَّ

الْقَوْلُ عَلٰٓی اَکْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ اِنَّا جَعَلْنَا فِیْٓ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلٰلًا فَهِیَ

اِلَی الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُوْنَ وَجَعَلْنَا مِنْۢ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ سَدًّا وَّمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا

فَاَغْشَیْنٰهُمْ فَهُمْ لَا یُبْصِرُوْنَ وَسَوَآءٌ عَلَیْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ

لَا یُؤْمِنُوْنَ بعد ازان بگو اَللّٰهُمَّ اشْفِهٖ بِشِفَآئِکَ وَدَاوِهٖ بِدَوَآئِکَ وَعَافِهٖ

مِنْ بَلَآئِکَ وَنَسْئَلُهٗ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ

فصل عملے از ابا محمد باقر علیه السلام روایت شده که او فرمود که از ابا بیماری که شفقه باشد

باید کف دست خود را بر موضع درد بگذارد و بگوید بسم الله سه بار اعوذ بجلال الله سه بار

بکلمات الله التامات سه بار بعد از آن کف دست را بر سر رو بیمار بمالد تا بیمار بیرکت آن

شفا یابد و منقول است از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمود هرکه بعیادت مریضی

حاضر شود پس باید که بگوید اللهم اشف عبدک ینکی عدوا او یمشی لک الی الصلوة

و منقول است از پیغمبر صلوات الله علیه و آله روایت شده که در وقت عیادت بیماران میخوانده و آن

انت امهم المسح رب الناس بیدک الشفاء لا کاشف للبلاء الا

انت و منقول است از آنحضرت صلوات الله علیه در وقت عیادت بیماران میخواندند این است

اذهب الباس رب الناس واشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء

لا یغادر سقما اللهم اصلح القلب والجسم واکشف السقم لجاب الدعوة و منقول است

آنحضرت صلوات الله علیه و آله و سلم تعویذ کرده بان بیماران و لعنه زان کرد و آن نوشته بر ایشان

بعیادت و آن این است بسم الله ارقیک بسم الله اشفیک من کل داء یؤذیک و من شر

النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد و منقول است خواندن سوره فاتحه بر بیمار

چون امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که اگر بر بیمار سوره الحمد را چهل مرتبه خوانند شفا یابد و اگر نیابد عجب باشد

و در کافی و مکارم الاخلاق از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که چون کسی بمیرد بنماید مرده را که بیمار

شده باشد پس بعد از برای پناه گرفتن از آن بیماری و یگوید الحمد لله الذی عافانی

مِمّا ابتلاک به وَفَضَّلَنی عَلیٰ کثیرٍ مِمَّن خَلَق فصل دوم در ادعیه و
اعمالیکه مناسب بیمارانست ادعیه و اعمالیکه باعث دفع انواع علتهاست از آنجمله اعمالیست که در
کافی شیخ کلینی ذکر کرده است مثل نمازیکه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه علتی تعلیم نموده
و آن اینست که چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و در روز جمعه وقت زوال جامه پاکیزه
بپوشد بجائی رود که مردم او را نبینند و چهار رکعت نماز گذارد و نحوی کند که در وقت سجده زانو
و دو کف دست و دو جبین بر زمین متصل شود باین معنی که این نماز بر بالای جانماز نباشد بلکه بر روی
خاک باشد و در هر رکعت از این نماز ده بار سوره فاتحه ... بار قل هو الله احد بخواند و در هر رکوع
پانزده بار قل هو الله احد بخواند و در هر سجده ده بار قل هو الله احد بخواند و در هر سر برداشتن
از سجود بیست بار قل هو الله احد بخواند و چون از تشهد و تسلیم فارغ شود بگوید یا مَعروفاً
بِالمَعروفِ یا اَوَّلَ الاَوَّلینَ یا آخِرَ الآخِرینَ یا ذَا القُوَّةِ المَتینِ یا رازِقَ
المَساکینِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ اِنّی اشتَرَیتُ نَفسی مِنکَ بِثُلثِ ما اَملِکُ
فَاصرِف شَرَّ ما ابتُلیتُ بِهِ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و مضمون دعا
اینست که چون از علت بری شود ثلث مال خود را در راه خدا تعالی تصدق کند و مثل آنچه از
امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که در هر علت میگفت اللّهمّ اِنَّکَ عَیَّرتَ
اَقواماً فَقُلتَ قُلِ ادعُوا الَّذینَ زَعَمتُم مِن دونِهِ فَلا یَملِکونَ

كشف الضر عنكم ولا تحويلا فيا من لا يملك كشف ضري ولا تحويله
عني احد غيره صل على محمد وآل محمد واكشف ضري وحوله الى من يدعو
معك الها آخر فاني اشهد ان لا اله غيرك و مثل آنچه از داود بن زربی نقل شده
که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری سخت پس رسید خبر آن بامام جعفر صادق پس نوشت بسوی من که رسید
من که وقت تو پس خبرداری کن صاعی را از گندم بعد از آن بپشت بخواب آنگاه آن گندم را بر سینه خود
بهر روش که بریزد و بگو اللهم اني اسالك باسمك الذي اذا سالك به المضطر كشفت
ما به من ضر ومكنت له في الارض وجعلته خليفتك على خلقك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تعافيني من علتي بعد از آن بنشین جمع کن آن گندم را از دور خود و بگو مثل آنچه اول گفتی
و دو بار وقت آن گندم چهار قسم مساوی کن و بچهار مسکین تسلیم کن و بگو آنچه را گفتی داود گفت بجا آوردم آنرا
پس گویا برخاستم از بندی که بر من بود و بجا آوردند آنرا جمعی همه منتفع شدند و مثل آنچه حضرت ابا جعفر صادق علیه السلام
بعض اولاد خود که مریض بود تعلیم نمود که بگوید این دعا اللهم اشفني بشفائك وداوني بدوائك
وعافني من بلائك فاني عبدك وابن عبدك و مثل آنچه از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که
چون کسی غمناک شود پس باید که بگوید بسم الله وبالله محمد رسول الله صلى الله عليه وآله اعوذ بعزة
الله واعوذ بقدرة الله على ما يشاء من شر ما اجد و مثل آنچه از امام جعفر صادق روایت شده
که در سه ماه طلب شفا باید گفت یا منزل الشفاء ومذهب الداء انزل على ما بي من الشفاء

وصبراً على بليّتك وخروجها من الدنيا الى رحمتك از الحمد دعائيست كه حضرت
امام زين العابدين عليه السلام در حال مرض ميخوانده وان اين است اللهم لك الحمد على ما لم
ازل اتصرّف فيه تا آخر در صحيفه مذكور است واز الحمد دعائيست از ادعيه
وران از سيّد انبيا اى محمد صلى الله عليه وآله بر كرار على مرتضى با چون اين دعا بخواند فارغ
او را از آن اين است يا مصحّ ابدان ملائكته يا مفرّغ تلك الابدان لطاعته
يا خالق الادميّين صحيحاً ومبتلى ويا معرض اهل السقم واهل الصحّة للاجر
الملية ويا مداوى المرضى شفائهم ... اهل البلاء بلاياهم
بجليل حكمته قد نزل بي من الامر ما مرّضني فيه اقاربي واهلي والصديق والبعيد وما
شمت بي فيه اعدائي حتى صرت مذكوراً ببلائي في افواه المخلوقين واعتبر اقاويل
اهل الارض ببليّتي علمهم بدائي وطبّ دوائي في علمك عندك منيّت فا
بطبّك فلا طبيب ارجى عندي منك ولا رحيم اشدّ تعطّفاً منك عليّ قد
غيّرت بليّتك نعمك عليّ تعود بذلك عنّي الى الفرج والرخاء فانّك ان لم تفعل
لم ارجه من غيرك فانفعني بطبّك وداوني بدوائك يا رحيم واز الحمد اعمال مست
كه در مهج الدعوات مذكور است مثل دعائيكه از امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام روايت شده كه بجهت
شفا بايد ان شاء الله تعالى وان اين است الهي كلّما انعمت عليّ نعمة قلّ لك عندها شكري وكلّ

ما ابتليتني ببلية قل لك عندها صبري فيا من قل شكري عند نعمه
فلم يحرمني ويا من قل صبري عند بلائه فلم يخذلني ويا من رآني على
الخطايا فلم يفضحني ويا من رآني على المعاصي فلم يعاقبني عليها صل على محمد
وآل محمد واغفر لي ذنوبي واشفني من مرضي إنك على كل شيء قدير
وقل نوشيدن آب نيسان آن آب باران است كه در ماه نيسان پيش از آنكه بر زمين رسد بگيرند و اول
آن ماه در بين اوان [illegible] وسوم نوروز سلطانيست و تمام آن سي روز است چه از پيغمبر صلوات الله عليه وآله
وسلم نقل است [illegible] آن آب باران بگيرد و بر آن آب هر يك از فاتحة الكتاب و آية
الكرسي قل هو الله احد قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس قل يا ايها الكافرون هفتاد بار
بخواند بكند الله تعالى [illegible] و او را از نور روشن كند و فهم و بصيرت و حدت ذهن و حكمت [illegible] تا هفت روز
هر روز صبح و شام از آن آب اين سوره ها بر آن خوانده باشند بنوشد [illegible] و [illegible]
از جميع دردها و كوفتها و [illegible] چنين است كه هر يك سوره [illegible] والله اكبر و لا اله
الا الله و صلوات پيغمبر و آل [illegible] آب [illegible] بايد خواند [illegible]
است نقل است از امام جعفر صادق عليه السلام روايت شده كه هر كرا علتي باشد چون اين آيت
بخواند دست بر موضع آن علت بگذارد الله تعالى او را شفا دهد وننزل من القرآن ما هو
شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين إلا خسارا و نشر

اینکه از برای دفع هر علت بعد از نماز فریضه دست بر موضع سجود بمالد و بعد از آن دست
بعلت بماله و سه بار بگوید که یا من کبس الارض علی الماء وسد الهواء بالسماء
واختار لنفسه احسن الاسماء صل علی محمد وآل محمد وافعل بی کذا وکذا وارزقنی
وعافنی من کذا وکذا ومثل اینها از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه
کسی را علتی باشد در صبح چهل بار اینها را بر آن علت بخواند تا چهل روز و دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حسبنا الله ونعم الوکیل تبارک الله
احسن الخالقین ولا حول ولا قوة الا بالله شفا یابد ومثل خوردن تربت حضرت
امام حسین علیه السلام بقصد شفا از هر علتی در حدیث آنحضرت کیفیت اخذ آن تربت مذکور میشود در قصه
بقدر چهار مثقال نخود و چون خواهی که از آن بخوری قدری از آن تربت که بآن کیفیت یا خود شده باشد
بدهان برسان بعد که از آن بخوری بردار و بگو اللهم رب هذه التربة المبارکة الطاهرة
ورب النور الذی انزل فیه ورب الجسد الذی سکن فیه ورب الملائکة
الموکلین به صل علی محمد وآل محمد واجعل هذا الطین لی امانا من کل خوف
وشفاء من کل داء ونام مرض خود را ببر بعد از آن آن تربت بخور و بگو بعد از آن بخور
بگو بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من
کل داء وسقم انک علی کل شیء قدیر اللهم رب هذه التربة المبارکة

وَرَبِّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارِثُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ
لِي شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَعِزًّا مِنْ كُلِّ ذُلٍّ وَ حوف
عَافِيَةً مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَغِنًى مِنْ كُلِّ فَقْرٍ امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که
هرکه آن تربت را بخورد و این دعا بخواند بعیدست که ازان منتفع نشود و ازجمله اعمالست که
در خواص السور مذکورست مثل اینکه سورهٔ فاتحه را در ظرف پاکیزه بنویسند و با آب باران
بشویند و کوفته آن آب بروی خود بشوید چه باعث آنست که از کوفت بری شود و مثل اینکه
سورهٔ قصص را در ظرف پاکیزه بنویسند و با آب باران بشویند و مریض ازان بنوشد چه باعث است
که مرضش زایل شود و مثل اینکه این آیت را بنویسد و مریض با خود دارد چه باعث آنست که شفا یابد
آیت اینست وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَوٰةِ
الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلوٰةِ
وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى و
از جمله اعمالیست که در مکارم الاخلاق مذکورست و مثل اینکه مریض سه روز
روزه دارد و در روز سیم غسل کند و در وقت زوال زیر آسمان رود در حالیکه با او جز خرقهٔ پاکیزه
نباشد پس با کمال خشوع چهار رکعت نماز کند و الحمد و آنچه میسر باشد از قرآن در آن رکعات بخواند
و چون فارغ شود جامهٔ خود را از بدن بیندازد و آن خرقه را بپوشد و طرف راست

روی خود ... یا واحد یا ماجد یا کریم یا حنان یا قریب یا مجیب
یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من ضر و معرة
و البسنی العافیة فی الدنیا و الآخرة و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی
فانه قد آذانی و غمنی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که نفع این عمل
کسی راست که صاحب یقین باشد بایکه این عمل نافع است وصل اینکه قدری آب باران پیش از آنکه
بزمین برسد در ظرف پاکیزه کند و هر یک از سورهٔ فاتحه و قل هو الله احد و معوذتین هفتاد بار
بر آن آب بخواند و مریض از آن آب قدحی صبح و شام بخورد شفا یابد چه حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم فرموده که بحق آنکس که مرا بحق بخلق تعیین فرستاده که الله تعالی آن کوفت را از بدن
آنکس و استخوانهای و رگهای او بیرون میکند وصل آنچه از ائمه علیهم السلام رسیده است که
این دعا را با تربت حضرت امام حسین علیه السلام در کاسهٔ چینی با قلم آهن بنویسد و صاحب الم
از آن بخورد شفا یابد و دعا اینست سلام قولا من رب رحیم حسبی الله
و نعم الوکیل طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی ان الله یمسک
السموات و الارض ان تزولا و لئن زالتا ان امسکهما من احد من
بعده انه کان حلیما غفورا یرید الله ان یخفف عنکم الآن خفف
الله عنکم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم اردد عن فلان بن فلان

فلان الحرّ والبرد والمليلة فإنهم سخّرهم كذلك والاسقام والاعراض و
الامراض والاوجاع والصداع طسم طس باسماء الله الحسنى كذلك
يوحى اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم والحمد لله رب العالمين وصلواته على سيدنا
محمد النبي وآله الطاهرين يا من نزول صل على محمد وآل محمد وازل
كلما بفلان بن فلان من مرض وسقم واليم انك على كل شيء قدير
وحسبنا الله وحده وصلواته على سيدنا محمد النبي وآله اجمعين

فصل خواندن سورهٔ فاتحه از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده که خواندن آن سبب
شفای تمام دردهاست پس اگر کسی صد بار بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد باز آید **فصل** خواندن
سورهٔ انعام از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که هرگاه مطلبی گرفتار شوی که مهم
باشد بخوان سورهٔ انعام را که باعث است که از آن علت مکروهی نشود و سکاهم الاصلاح
چنین نوشت که بنویسد برای مریض که این کلمات را مکرر بگوید لا اله الا الله یحیی ویمیت
وهو حي لا يموت سبحان الله رب العباد والبلاد والحمد لله حمدا كثيرا
طيبا مباركا فيه على كل حال والله اكبر كبيرا كبرياء
ربنا وجلاله وقدرته بكل مكان اللهم ان كنت امرضتني لقبض

روحی فی مرضی هذا کما جعلت روحی فی ارواح من سبقت لهم منک الحسنی
وباعدنی من النار کما باعدت اولیائک الذین سبقت لهم منک
الحسنی ادعیه و اعمالیکه باعث رفع انواع بیماریها از جمله دعائیست که در مصباح
کفعمی مذکور است مشتمل دعائیکه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بامیرالمومنین علیه السلام تعلیم نموده از برای رفع
تب و آنحضرت علیه السلام خواند و در همان ساعت شفا یافت و آن اینست اللهم ارحم جلدی
الرقیق وعظمی الدقیق واعوذ بک من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت
آمنت بالله فلا تأکلی اللحم ولا تشربی الدم ولا تفوری من الفم وانتقلی
الی من یزعم ان مع الله الها آخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه وآله مشتمل تب
از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که از برای رفع تب بند پیراهن را باید گشود و سر را
از یقه داخل پیراهن باید کرد و هفت بار سوره فاتحه باید خواند مشتمل دعائیکه بخط امام رضا علیه
السلام در نزد علما یافت شده که از برای رفع تب بر سه پاره کاغذ باید نوشت در اول
بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی و در دوم بسم الله الرحمن
الرحیم لا تخف نجوت من القوم الظالمین و در سوم بسم الله الرحمن الرحیم الا له
الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بعد از آن [illegible]

باید داد که هر روز یکی را فرو برد والحمد لله ... مکارم الاخلاق مذکور است

مثل نماز یکه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که چون کسی را شب تب آید بشود

باید که بجای خلوتی رود و دو رکعت نماز کند و طرف سر را روی خود را بر زمین گذارد و دو بار بگوید

یا فاطمة بنت محمد استشفع بک الی الله فیما نزل بی حتی یکشف و شفا یابد ان شاء الله

تعالی و مثل خواندن سورهٔ اخلاص که از آنحضرت روایت شده که چون مؤمنی را تبی عارض شود هر

بخواند هزار بار سورهٔ قل هو الله احد را و بعد از آن از الله تعالی شفا طلبید بحق فاطمه علیها السلام

آن تب زایل شود و مثل انچه از آنحضرت علیه السلام روایت شده که صاحب تب

کرآیة الکرسی را در ظرفی نویسید و بجرعهٔ آب بشوید و بخورد تا تب زایل شود و مثل انچه از آنحضرت

روایت شده که چون تبی عارض شود سر خود را از یقهٔ پیراهن داخل پیراهن کن و اذان

بگو و هر یک از فاتحه و قل هو الله احد و معوذتین یکبار بخوان و هر یک از آیات قل هو الله احد و آیات آخر

حشر را بخوان و بعد از آن بگو اعید نفسی بعزة الله و قدرة الله و عظمة الله و سلطان

الله و جمال الله و بجمع الله و برسول الله و عترته صلی الله علیه و علیهم و بولاة

امر الله من شر ما اخاف و احذر و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر و لا حول

و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله اللهم اشفنی بشفائک و

داونی بدوائک و عافنی من بلائک و آیات آخر سورهٔ حشر لو انزلنا هذا القرآن

علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها
للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام
المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله
الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و
الارض وهو العزیز الحکیم وسئل نبی از حضرت علیه السلام روایت شده
از برای ازالت صداع ابتدا الحمد بنویسند و در خرقه باید بست آنرا بسر صاحب
تب باید نگاه داشت و هفت گره بران باید زد و هر گرهی یکبار سوره فاتحه بخوانند
و آنرا باز و راست او باید بست و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره قل اعوذ برب الناس سوره قل اعوذ برب الفلق
و قل هو الله احد نیز تا آخر سوره بنویسند بعد از آن باید نوشت بسم الله الرحمن الرحیم
رب الناس اذهب الباس واشفه یا شافی فانه لا شفاء الا شفاؤک
اشف شفاء لا یغادر سقما بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر وننزل
من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم قلنا

یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم اسکن ایتها الصداع ولا اوجع بعزة الله اسکن بقدرة
الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن بلا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی
المؤمنین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وحسبنا الله ونعم
الوکیل وصلی الله علی سیدنا محمد واله وسلم تسلیما ومثل این آیات
بر کاغذ باید نوشت و بر صاحب باید آویخت در اینحال با گویند بسم الله المکتوب علی
ساق العرش و آیات و بالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا
ونذیرا وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وما محمد
الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی
اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه وامنوا بما نزل علی محمد وهو الحق من
ربهم کفر عنهم سیئاتهم واصلح بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم
ولکن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما محمد

رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا سجدا
يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم من اثر السجود ذلك
مثلهم في التورية ومثلهم في الانجيل ومبشرا برسول يأتي من بعدي اسمه
احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين ولو ان قرآنا سيرت به
الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى بل لله الامر جميعا الملك
الواحد القهار و مثل اینکه این آیات را باید نوشت و بر بازوی راست صاحب
باید بست بسم الله الرحمن الرحیم ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت
به الارض او کلم به الموتى بل لله الامر جمیعا یا شافی یا کافی یا
معافی وبالحق انزلناه وبالحق نزل باسم فلان بن فلان بسم الله و
بالله ومن الله والى الله ولا غالب الا الله و مثل اینکه این آیات در میان و شانه
صاحب باید نوشت بسم الله الرحمن الرحیم الم نشرح لك صدرك ووضعنا
عنك وزرك الذى انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك فان مع العسر
یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت فانصب والى ربك فارغب لا باس
لا باس رب الناس اذهب الباس اشف انت الشافی لا شفاء
الا شفاؤك قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا

رَبِّ شَقِیًّا باسم فلان بن فلان مثل بنجه الله ذو العزة والکبریاء و
النعمار را به سه پاره کاغذ تقسیم باریکی باید نوشت چنانکه نتواند خواند به هر یک این کاغذ پارها
درهم باید پیچید و در که صاحب تب سه روز ناشتا یکی را فرو برد نافع و مجربست و مثل اینکه
این دعا را در سه پاره قند بنویسد صاحب تب دسته و زهره روز ناشتا یکی را بخورد پارچه
اول عَقَدْتُ بِاِذْنِ اللهِ پارچه دوم شَدَدْتُ بِاِذْنِ اللهِ پارچه سوم
سَکَنْتُ بِاِذْنِ اللهِ و مثل اینکه برای صاحب تب باید نوشت بسم الله یا حیّ یا
المستمعینه بالذی فی السماء عرشه وبالذی کلّم موسی تکلیما واتّخذ
ابراهیم خلیلا وبعث محمدا بالحق نبیّا لمّا خرجت من العظم الی اللحم
ومن اللحم الی الجلد ومن الجلد الی الارض فتسکن فیها ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما
کثیرا و مثل اینکه این دعا را باید نوشت و به بیمار باید بست عکس کرده این باید دود کرد
روزی یکبار سورهٔ فاتحه باید خواند و بعد از آن آیه بر صاحب تب باید بست دعا این است بسم الله
الرحمن الرحیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل وننزّل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم وارادوا به کیدا
فجعلناهم الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن اسکن

بقدرة الجبار العظیم بقدرة المنان الکریم ومعوذ من بائز بادیه نوت و مشکل یکی

صاحب بگوید یا رباه یا سیداه صل علی محمد و اهل بیته واکشف عنی ما

اجد و مشکل اینکه این تعویذ که از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده بنویسد صاحب آنرا بخورد ان شاء الله

تعالی مرض بر رود و خواهد نقش ثبت

و مشکل اینکه از ائمه علیهم السلام روایت شده که از عاق

آهوی بنویسد و بر صاحب ببندد شفا یابد ان شاء الله

بسم الله الرحمن الرحیم
یا نار کونی بردا و سلاما علی
ابراهیم و آل ابراهیم و علی محمد
و آل محمد و علی فلان
بن فلان باذن الله

انی اسألك بعزتك وقدرتك وسلطانك وما احاط به علمك ان تصلی

علی محمد وآل محمد وان لا تسلط علی فلان بن فلانة شیئا مما

تعضه الدقیق

خلقت بشیء واحمی جلده الرقیق من فورة الحریق اخرجی یا ام ملدم

یا آکلة اللحم وشاربة الدم حرها وبردها من جهنم ان کنت آمنت

بالله العظیم ان لا تأکلی لفلان بن فلانة لحما ولا تمصی له دما

ولا تنهکی له عظما ولا تثوری علیه غما ولا تهیجی علیه صداعا

وانتقلی عن شعره وبشره ولحمه ودمه الی من زعم ان مع الله الها

آخر لا اله الا هو سبحانه وتعالی عما یشرکون و بنویسد کاغذی را

یکی از دشمنان خدا و مشکل اینکه حمد را هفت بار بخواند و سوره فاتحه و قل هو الله احد

و تعویذ مین بر آن بخوانند و هفت گره بر آن زنند و بر گردن صاحب تب بندد و در بعضی روایات
چنین است که این سوره ها را بر سر گوی علیحده بخوانند و مثل اینکه باید دعا را بر کاغذ نوشته و بر
گردن صاحب تب بندند تا تب از و رفع شود و له ما سکن فی اللیل و النهار و هو
السمیع العلیم یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله العظیم و رسوله الکریم
فلا تهشمی العظم و لا تأکلی اللحم و لا تشربی الدم اخرجی من حامل
کتابی هذا الی من لا یؤمن بالله العظیم و رسوله الکریم و آل محمد و
علی و فاطمة و الحسن و الحسین و مثل اینکه بر شانه راست صاحب تب باید نوشت
بسم الله جبرئیل و بر شانه چپ باید نوشت بسم الله میکائیل و بر سینه او باید نوشت
بسم الله اسرافیل و بر شانه چپ او باید نوشت لا یرون فیها شمسا و لا زمهریرا
و مثل اینکه دعا را باید نوشت به بازوی راست صاحب تب باید بست بسم الله
الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره فاتحه بسم الله و بالله
اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر
ما خلق و ذرأ و برأ و من شر السامة و الهامة و العامة و اللامة و
من شر طوارق اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة
الجن و الانس و من شر الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر و من شر کل

دابۃٍ انت اٰخذٌ بناصیتها ان ربی علی صراطٍ مستقیم ربنا علیک
توکلنا والیک انبنا والیک المصیر یا نار کونی بردا وسلاما علی
ابراهیم واراد وابه کیدا فجعلناهم الاخسرین قل یا نار کونی بردا وسلاما
علی فلان ابن فلانه ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا
اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف
عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولنا فانصرنا علی القوم الکافرین حسبی
الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا وتوکل علی الحی الذی لا یموت و
سبح بحمده وکفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله وحده
لا شریک له صدق وعده ونصر عبده وهزم الاحزاب وحده
ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا ورسلی ان الله قوی
عزیز اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون ومن یعتصم بالله
فقد هدی الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد واله الطیبین ومثل اسکے ابن عبا
حضرت زہرا علیہا السلام فرمودند کہ صبح و شام سوت طلب نماید بادشاہی کہ صاحب باجدار بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی هو
مدبر الامور بسم الله الذی خلق النور من النور الحمد لله الذی خلق النور

والبیت المعمور والسقف المرفوع

من النور وانزل النور على الطور في كتاب مسطور في رق منشور بقدر
مقدور على نبي محبور الحمد لله الذي هو بالعز مذكور وبالفخر مشهور وعلى
السراء والضراء مشكور وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

نسخهٔ تب

واز برای رفع تب لرزه در مکارم الاخلاق چنین است که این آیات را باید نوشت تا صاحب
تب با خود دارد و شفا یابد بسم الله الرحمن الرحيم مرج البحرين يلتقيان
بينهما برزخ لا يبغيان وجعل بينهما برزخا وحجرا محجورا يا نار كوني بردا
وسلاما على ابراهيم الا ان حزب الله هم الغالبون ولقد سبقت كلمتنا
لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون واز برای

نسخهٔ تب محرقه

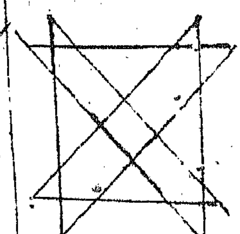
دفع تب نوبه وانواع تبهای دیگر هر روزه در مکارم الاخلاق چنین است که ابریشم
را بر کاغذی باید نوشت و بریسمانی باید بست و به جانب راست ریسمان چهار گره باید زد
و بر جانب چپ آن سه گره باید زد و بر گردن صاحب تب باید بست و دعا اینست اعوذ بما

أُعيذُ

استعاذ به موسى وابراهيم ومحمد صلى الله عليه وآله من الحمى والنافض
والغب والعتيق والربع والصداع اللهم كما لم تلد مريم بنت عمران غير عيسى
فلا تقدر على هذا الانسان من هذه الاوجاع والآلام ولا وجعا الا نزعته فلا اقسم ربما
بما تبصرون وما لا تبصرون انه لقول رسول كريم اقسمت عليك يا ملك لا تأخذه

بخواند سوره اخلاص و معوذتین را بعد از آن بگوید اللهم اشف فلان بن فلانه من
حمی یوم و یومین و ثلثة ایام و حمی ربع فانک تفعل ما ترید و تحکم
ما تشاء و انت علی کل شیء قدیر بسم الله کتبت و بسم الله ختمت و
علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و از برای **دفع تب ربع** در مکارم الاخلاق چنین است که این دعا را بر کاغذی
باید نوشت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله ابجد هوز حطی عن فلان
بن فلانه باذن الله و بعد از آن هفت بار شکل نگین انگشتر حضرت سلیمان پیغمبر را نقش باید
کرد و آن باین شکل است و بعد از آن آن کاغذ را باید پیچید با ریسمانیکه آب دهن بآن رسیده باشد
باید بست پس نزد بدهن نزدیک باید کرد و بیک طرف آن ریسمان چهار گره باید زد و بطرف دیگر آن
ریسمان سه گره باید زد و بهر گرهی که بزنی از این هفت گره فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد
و آیة الکرسی باید خواند بعد از آن آنرا بر بازوی راست بیمار باید بست و در آن وقت آیة الکرسی
باید خواند و مادام که آن با مریض باشد جماع نکند ایضا بر دست راست صاحب ربع باید نوشت
که بسم الله جبرئیل و بر دست چپ باید نوشت بسم الله میکائیل بر پای راست باید نوشت
بسم الله اسرافیل و بر پای چپ باید نوشت بسم الله لا یرون فیها شمسا و لا
زمهریرا و در پیشانی و شانه باید نوشت بسم الله القهار الجبار و ایضا از امام حسن عسکری روایت شده

صورت نقش نگین سلیمان



بر پوست آهو باید نوشت یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به
کیدا فجعلناهم الاخسرین و در وقتیکه صاحب تب ربع را تب بگیرد از او بیست
و بر دو باید آویخت از گردن او و بر کاغذ باید نوشت قل الله اذن لکم ام علی الله تفترون
و بر بازوی او باید بست و بر کاغذ دیگر باید نوشت بطلطط بطلطلط و در آن وقت
باید گفت عقدت علی اسم الله الحمی فلان و بر ساق چپ او باید بست و در خواص
السور چنین است که چون سوره عنکبوت را بنویسند و بشویند و صاحب تب ربع آن را
بنوشد تب زایل شود و اگر صاحب … بخورد … زایل شود و از برای دفع تب در مکارم
الاخلاق چنین است که سه برگ زیتون باید … و بنام صاحب تب در برگ اول باید نوشت
طیسوما و بر دوم باید نوشت اوحی ما و بر سوم باید نوشت ابر اسوما و آنها را آب باید داد و بر یک
ورد … و در بعضی روایات است که بر سه برگ زیتون این کلمات باید نوشت حوما و حوما ابر سوما و در بعضی
روایات بجای این کلمات چنین است حوما طیسوما ابر سوما و ادعیه ایکه … بجهت
دفع انواع دردها است و از آنجمله ادعیه ایست که در کافی شیخ کلینی مذکور است
مشتمل آنچه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که دست بر موضع درد باید گذاشت و سه مرتبه
باید گفت الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم انت لها و لکل عظیمة
ففرجها عنی و مشتمل آنچه از آنحضرت علیه السلام روایت شده که از برای … باید گفت

بسم الله وبالله كم من نعمة لله في عرق ساكن وغير ساكن على عبد شاكر
وغير شاكر و بعد از نماز واجبی محاسن خود را بدست راست گیرد و باید گفت سه بار باید گفت
اللهم فرج عنی كربتی وعجل عافیتی واكشف ضری سه بار باید گفت و مکرر این عمل و دعا
با اشکها و گریه باشد و مثل آنچه از همان حضرت علیه السلام روایت شده که از برای ساکن شدن درد
بسم الله باید گفت و بعد از آن دست بر موضع درد باید مالید و هفت بار باید گفت اعوذ بعزة
الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ
بجمع الله واعوذ برسول الله صلی الله علیه وآله واعوذ باسماء الله من شر
ما احذر ومن شر ما اخاف على نفسي و مثل اینکه باید دست راست خود
را بموضع درد باید مالید و سه بار باید خواند بسم الله وبالله ومحمد رسول
الله صلی الله علیه وآله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم امسح
عني ما اجد و مثل اینکه از برای ساکن شدن درد در حال سجود باید گفت یا الله یا رحمن
یا رب الارباب واله الالهة ویا ملك الملوك ویا سید السادات اشفني مالك
بشفائك من كل داء وسقم فاني عبدك اتقلب في قبضتك و مثل آنچه از
امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که از برای ساکن شدن درد چون از نماز فارغ شود
دست خود را بر موضع سجود بگذارد و بگوید بسم الله ومحمد رسول الله صلی الله علیه وآله

اشفنی یا شافی لا شفاء الا شفاؤک شفاءً لا یغادر سقماً شفاءً من کل
داءٍ و سقمٍ و منها آنچه از امام علیه السلام روایت شده که دست خود را بر موضع
باید گذاشتن و سه بار بگوید اللهم انی اسئلک بحق القرآن العظیم الذی نزل به
الروح الامین و هو عندک فی ام الکتاب علی حکیم ان تشفینی
بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافینی من بلائک بعد از صلوات
بر محمد و آل محمد باید فرستاد و از آنجمله دعائیست که در مصباح تهجد روایت شده که از برای
عافیت از درد در سجده دوم رکعت دوم نماز شب بگوید یا علی یا عظیم یا رحمن
یا رحیم یا سمیع الدعوات یا معطی الخیرات صل علی محمد و آله و اعطنی
من خیر الدنیا و الآخرة ما انت اهله و اصرف عنی من شر الدنیا و الآخرة
ما انت اهله و اذهب عنی هذا الوجع و نام درد باید برد فانه قد غاظنی
و احزننی و از آنجمله دعائیست که در مکارم الاخلاق مذکور شده با خود داشتن آن باعث
عافیت از جمیع دردها و المها است و آن اینست بسم الله و بالله و صلی الله
علی محمد و آله الطیبین بصنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما
یفعلون اسکن ایها الوجع سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات
و ما فی الارض و هو العلی العظیم عزمت علیک ایها الوجع

یا الله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و خلق عیسی من روح
القدس و بعث محمداً بالحق نبیاً لما ذهبت عن فلان بن فلانة الی ما کانت و
لا تعود الیه دعای فالج و درد پا در مکارم الاخلاق از امام محمد باقر علیه السلام
روایت شده که بر فالج و قولنج و بادها و سر پاها و از سر درد باید خواند سوره فاتحه
قل هو الله احد معوذتین بعد از آن این دعا را در شانه یا لوحی باید نوشت با آب باران
باید شست و مریض باید داد که ناشتا بخورد بعد از آن بخواند نافع بود و دعا اینست اعوذ
بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع منها شیء
من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر ما احذر منه دعای لقوه
در مکارم الاخلاق چنین است که صاحب لقوه باید که دو رکعت نماز کند و بعد از آن دست خود را
بر روی خود گذارد و محمد و آل محمد را صلوات الله علیهم شفیع کند بسوی الله تعالی و سه بار بگوید
بسم الله اخرج علیک یا ریح من علی انسی و عینی جنی اخرج علیک
بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم موسی تکلیما و خلق عیسی من روح القدس
لما هدأت و طفئت کما طفئت نار ابراهیم باذن الله تعالی دعای سل
در مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که این دعا را صاحب سل باید بخواند
یا الله یا رب الارباب و یا سید السادات و یا اله الالهة و یا مالک

دعای فالج و درد پا

دعای لقوه

دعای سل

الْمُلُوكِ وَجَبَّارَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اشْفِنِي وَعَافِنِي مِنْ دَآئِي هٰذَا فَاِنِّي
عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ اَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ **ادعیه**
صرع در مصباح کفعمی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که بر قدح آبی فاتحه و معوذتین
باید خواند و بران قدح باید دمید و آن آب را بر سر و روی صاحب صرع باید ریخت **ایضا**
از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که این دعا برا و باید خواند که عَزَمْتُ
عَلَيْكَ يَا رِيحُ بِالْعَزِيمَةِ الَّتِي عَزَمَ بِهَا عَلِيُّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
رَسُولُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى جِنِّ وَادِي الصَّفْرَاءِ
فَاَجَابُوا وَاَطَاعُوا لَمَّا اَجَبْتَ وَاَطَعْتَ وَخَرَجْتَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ السَّاعَةَ
و نام آنکس باید برد **و در خواص السور** چنین است که چون سوره بقره را بنویسند و بر صاحب صرع
و ترسناک بندند صرع و ترس زائل شود **ایضا** چون سوره الشوری را بنویسند و بشویند و آن آب را
بر مصروع بپاشند صرع زائل شود و دیگر عود نکند **ایضا** چون سوره الرحمن را بنویسند و
مصروع با خود دارد صرع زائل شود **ایضا** چون سوره التحریم را بر مصروع خوانند صرع
زائل شود **ایضا** چون سوره اللیل را بر گوش مصروع بخوانند بهوش آید **و در مکارم الاخلاق**
چنین است که این آیه را بر مصروع باید خواند و باید نوشت که او با خود دارد وَمَا لَنَا اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللهِ
وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

ادعیه وسواس

ادعیه وسواس در مصباح کفعمی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت
شده که از برای دفع وسواس دست بر سینه بکشد و باید سه بار باید گفت بسم الله و
بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی

ایضاً

العظیم اللهم امسح عنی ما احذر و در خواص السور خبر است که چون معوذتین را شب بخواند
از وسواس ایمن شود ایضاً چون سورهٔ انبیا بنویسند و با خود دارند از آن کار باطله بیرون آید
و در مکارم الاخلاق خبر است که از برای دفع وسواس چنین باید گفت فاذا قرأت القرآن
فاستعذ بالله من الشیطان و معوذتین را نیز باید خواند و ایضاً از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که چون
یکی وسوسه کند باید که آنکس بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و بعد از آن بگوید
در حالیکه بدل اقرار داشته باشد که آمنت بالله و رسوله مخلصا له الدین ادعیه درد سر
در مصباح کفعمی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که دست بر موضع درد باید گذاشت
و هفت بار باید گفت اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر و البحر و ما فی

ادعیه درد سر

السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم ایضاً از امام حسن عسکری
علیه السلام روایت شده که از برای دفع درد سر این کلمات بر قدحی آب باید خواند
و آن آب را باید خورد اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا
ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در خواص السور

چنین است که چون سورة القلم را بنویسی و با خود داری درد سر زائل شود ایضاً چون سوره
التکاثر را بر صاحب درد سر بخوانی درد سر زائل شود و مکارم الاخلاق چنین است که از برای
رفع درد سر دو رکعت نماز باید کرد در هر رکعت فاتحه یکبار و قل هو الله احد سه بار و آیت رب
اِنّی وَهَنَ العَظمُ مِنّی وَاشتَعَلَ الرَّأسُ شَیباً وَلَم اَکُن بِدُعائِکَ رَبِّ
شَقِیّاً یکبار ایضاً باید که صاحب درد سر این آیات را بنویسد فَمَن کانَ مِنکُم مَرِیضاً
اَو بِهِ اَذیً مِن رَأسِهِ فَفِدیَةٌ مِن صِیامٍ اَو صَدَقَةٍ اَو نُسُکٍ یَدُ اللهِ
فَوقَ اَیدِیهِم فَمَن نَکَثَ فَاِنَّما یَنکُثُ عَلی نَفسِهِ وَمَن اَوفی بِما عاهَدَ عَلَیهُ اللهَ
فَسَیُؤتِیهِ اَجراً عَظِیماً اُسکُن سَکَّنتُکَ یا وَجَعَ الرَّأسِ بِالَّذی سَکَنَ لَهُ ما
فِی اللَّیلِ وَالنَّهارِ وَهُوَ السَّمِیعُ العَلِیمُ ایضاً باید که صاحب درد سر دست بر موضع درد گذارد و
آیة الکرسی و فاتحه بخواند و بگوید بسم الله الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر اجل واکبر مما
اَخافُ وَاَحذَرُ اَعُوذُ بِاللهِ مِن عِرقٍ نَعّارٍ وَاَعُوذُ بِاللهِ مِن حَرِّ النّارِ
ایضاً باید که صاحب درد سر دست بر میان سر خود گذارد و بگوید لَو کانَ مَعَهُ آلِهَةٌ
کَما یَقُولُونَ اِذاً لَابتَغَوا اِلی ذِی العَرشِ سَبِیلاً وَاِذا قِیلَ لَهُم تَعالَوا اِلی
ما اَنزَلَ اللهُ وَاِلَی الرَّسُولِ رَأَیتَ المُنافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنکَ صُدُوداً ایضاً
باید که صاحب درد سر دستهای خود را بهم کند و سورة فاتحه و قل هو الله احد و معوذتین بخواند و دو

بر و ز آبرزد خود بمالد ایضاً باید کسی که دست بر سر ضامن دو سر بمالد که بیابد ان الله

يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من

احد من بعده انه كان حليما غفورا ایضاً این حرز را باید نوشت و بر کلاه یکی

صاحب درد را باید دوخت بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الحق المبين شهد

الله انه لا اله الا هو والملئكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا

هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا

الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله

فان الله سريع الحساب الله نور وحكمة وعزة وقوة وبرهان

قدرة وسلطان ورحمة يا من لا ينام لا اله الا الله ابراهيم خليل الله

لا اله الا الله موسى كليم الله لا اله الا الله عيسى روح الله وكلمته

لا اله الا الله محمد رسول الله وصفيه وصفوته صلى الله عليه و

اله وسلم عليهم اجمعين اسكن سكنتك بما سكن له ما في السموات

ما في الارض وبمن يسكن له ما في الليل والنهار وهو السميع العليم

رفعا حيث اصاب والشياطين الا الى الله تصير الامور ایضاً

بر ورق آهوی باید نوشت بر پیشانی سر صاحب درد بست بسم الله الرحمن الرحيم

ادعیه دفع سحر

الٓمٓ اللّٰه لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا

لما بین یدیه وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس و

انزل الفرقان ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید

والله عزیز ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء

هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم

هو الذی انزل علیک الکتاب منه ایات محکمات هن ام الکتاب

واخرج منها مذموما مدحورا ادعیه دفع سحر از مصباح کفعمی

امام جعفر صادق ع روایت شده که دست بر طرفیکه درد دارد بباید گذاشت و سه بار بگوید

یا ظاهرا موجودا ویا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف

ایادیک الجمیلة عنده واذهب عنه ما به من اذی انک رحیم قدیر

و مکارم الاخلاق چنین است که اینه دعا را کاغذی بنویسند که صاحب سحر

در دست راست جانب بسته بیاویزد اللهم انک کنت بالله استحدثناه ولا ان

یبید ذکره ولا معک شرکاء یقضون معک ولا کان قبلک اله

ندعوه ونتعوذ به ونتضرع الیه وندعوه ولا اعانک علی خلقنا من احد

فنشک فیک لا اله الا انت وحدک لا شریک لک عاف فلان بن فلانة وصلی الله

علی محمد و اهل بیته و در روایت دیگر است اسألک باسمک الذی قام به
عرشک علی الماء ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تشفی فلان بن فلانة
من الصداع و الشقیقة فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا و اسألک
باسمک الذی به خلقت آدم و تمت خلقته علیه السلام ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تشفی فلانا ادعیه دفع شقیقه مکارم الاخلاق از امام
جعفر صادق علیه السلام روایت شده که باید که این آیات را صاحب درد بخواند و لو
ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله
الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا
و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
و یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت
علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین ایضا از امام رضا علیه السلام است
شده که باید که این آیات را صاحب شقیقه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
ربنا انک جامع الناس لیوم لا ریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد و کذا
باید نوشت که بر شقیقه ببندد اللهم انک لست باله استحدثناه تا آخر

و بد کور شود و را دیگر درد سر ایضا این بشقیقه درد ناک باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت
الوهاب ایضا برای دفع بشقیقه چون از نماز فریضه فارغ شود انگشت سبابه راست خود را
درمیان دو ابروی خود گذارد و هفت مرتبه بگوید یا من سکن له ما فی اللیل و النهار
و ما فی السموات و الارض صل علی محمد و اهل بیته و سکن ما بی ایضا
این کلمات را بر ورق آهو یا کاغذی باید نوشت اگر صداع و شقیقه مرد باشد بر سر بندد و اگر زن
باشد درمیان موهای سر گذارد و کلمات این است بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
من الارض الی السماء و کان هبط جبرئیل فاستقبله الاجذاع فقال
این ترید قال اذهب الی الانسان فاکل شحم عینیه و اشرب من دمه
فقال بالله الذی لا اله الا هو لا تذهب الی الانسان و لا تاکل شحم عینیه
و لا تشرب من دمه انا الراقی و الله الشافی و صلی الله علی محمد و اهل
بیته و سلم درد چشم در مصباح کفعمی چنین است که این دعا را برای دفع
درد چشم باید خواند یا قریب یا مجیب یا سمیع الدعاء یا لطیفا لما تشاء
رد علی بصری ایضا دو رکعت نماز باید کرد و باید گفت اللهم انی اسالک
و ادعوک و ارغب الیک و اتوجه الیک بنبیک محمد صلی الله

عَلَیهِ وَآلِهِ نَبِیِّ الرَّحمَةِ یا مُحَمَّدُ اِنّی اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَی اللهِ رَبّی وَرَبِّكَ لِیَرُدَّ
عَلَیَّ نُورَ بَصَری ایضاً از برای ضعف چشم انبیا دعا باید خواند اُعِیذُ نُورَ بَصَری
بِنُورِ اللهِ الَّذی لا یُطفَأُ و دست بر چشم باید مالید بعد از آن آیة الکرسی باید خواند
و در خواص اسما چنین است که چون اَلشَّکُورُ را چهل بار بر آبی بخوانی و چشم رمددار را
بآن آب بشویی رمدش ساکن شود ایضاً چون اَلحَیُّ را نوزده بار بر آبی بخوانی و چشم رمددار را
بآن آب بشویی رمدش ساکن شود و در خواص السور چنین است که چون سوره فصلت را
بنویسند و با آب باران بشویند و بآن آب سرمه بسایند و آن سرمه در چشم کشند در سفیدی
و دردهای چشم انفع کند ایضاً چون سوره الرحمن را بنویسند و بر صاحب رمد بندند
رمدش زائل شود ایضاً چون سوره کوثر را بخوانی بر چشمها باعث قوت باصره گردد و پرده چشم
و ریم آنها را زائل کند ایضاً چون سوره بینه را بنویسی و کسی که چشمش سفید و پرده باشد بخورد
سفیدی چشمش زائل شود ایضاً چون سوره همزه بر چشمی که درد کند بخوانی دردش زائل
شود ایضاً چون سوره قل هو الله احد را بر چشم رمددار بخوانی رمدش زائل شود و در
مکارم الاخلاق چنین است که صاحب درد چشم باید که دو رکعت نماز کند و در هر رکعتی فاتحه
یکبار و سه بار قل یا ایها الکافرون و یکبار وَعِندَهُ مَفاتِحُ الغَیبِ لا یَعلَمُها اِلّا هُوَ وَیَعلَمُ ما فِی البَرِّ وَ
البَحرِ وَما تَسقُطُ مِن وَرَقَةٍ اِلّا یَعلَمُها وَلا حَبَّةٍ فی ظُلُماتِ الاَرضِ وَلا رَطبٍ وَلا یابِسٍ اِلّا فی

کتاب مبین بخواند ایضا از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که هر کرا چشمی
باشد باید که آیة الکرسی بر چشم خود خواند در حالیکه در دست باشد که برکت آن شفا میباید چه بدرستیکه
شفا خواهد یافت ان شاء الله تعالی ایضا از برای محافظت صحت چشم از آفات سر و باید
کف کند انا سمیعا بصیرا ایضا این آیات سه بار برای بخواند و در وضوی آن
آب بشوید چشمش از آفات سالم گردد فَکَشَفْنَا عَنْکَ غِطَاءَکَ فَبَصَرُکَ الْیَوْمَ
حَدِیدٌ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَی أَعْیُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّی یُبْصِرُونَ و ایضا
این آیات را با خاک کربلا و آب زمزم بر جامی باید نوشت و آن جام را باید
در شیشه باید کرد و با میل در چشم باید کشید تا چشم از آفات سالم گردد و آیات این است
اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکَاةٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ
الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ
مُبَارَکَةٍ زَیْتُونَةٍ لَا شَرْقِیَّةٍ وَلَا غَرْبِیَّةٍ یَکَادُ زَیْتُهَا یُضِیءُ وَلَوْ لَمْ
تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشَاءُ وَیَضْرِبُ اللَّهُ
الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ و ایضا این آیت بجهت چشم زخم است
وَإِنْ یَکَادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّکْرَ وَیَقُولُونَ
إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِلْعَالَمِینَ و ایضا روایت شده از حضرت جعفر

گفت مرا درد چشم بسیار بود تا اینکه شکایت کردم با امام جعفر صادق علیه السلام آنحضرت علیه السلام فرمود که ترا دعائی تعلیم کنم که نفع کند ترا در دنیا و آخرت و دفع کند درد چشم ترا گفتم بلی گفت بعد از نماز صبح و شام بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ و در روایتی دیگر چنین است که این دعا را هفت بار بخوان بعد از نماز صبح پیش از آنکه از مصلی برخیزی ایضاً پنبه را تر باید کرد و بر چشم باید نهاد و باید گفت عَیْنُ الشَّمْسِ فِیْ لُجَّةِ الْبَحْرِ یَا نَارُ کُوْنِیْ بَرْدًا وَّسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ

ایضاً سلیمان بن عیسی روایت کرده که امام جعفر صادق علیه السلام را دیدم در روزی که درد چشم عظیم داشت غمناک شدم روز دیگر بیرون آمد آنحضرت علیه السلام فهم اثری از آن درد چشم نبود گفتم فدایت گردم دیروز درد چشم عظیمی در تو دیدم و غمناک شدم و امروز اثری از آن نیست آیا معالجه کردی گفت بلی تعویذ کردم آنرا بتعویذی که در نزد ما است گفتم یا حضرت خبر ده مرا بآن گفت خوشبختی این که اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِقُوَّةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِعَظَمَةِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِبَهَاءِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ اَعُوْذُ بِرَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ عَلٰی مَا اَجِدُ وَاَخَافُ عَلٰی عَیْنِیْ وَاَجِدُ کَامِنْ وَجَعٍ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ رَبَّ

الطيبين فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد فنظر نظرة في
النجوم فقال اني سقيم وصوركم فاحسن صوركم ورزقكم من الطيبات
فتبارك الله رب العالمين يا علي يا عظيم يا كبير يا جليل يا منيع يا
ودود يا وتر يا رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين بسم الله الرحمن الرحيم
يا حي يا حليم يا علي يا عظيم يا جليل يا جميل يا فرد يا وتر اسالك ان
تصلي على محمد وآل محمد واسالك ان لا تدعني في قبري فردا وانت خير
الوارثين وان كنت الا واحد الصلوة في قبري فما ارزقني في حاجة

واجدا قبري حاجته — صحيح

آمين يا رب العالمين دعای شبکوری در مکارم الاخلاق چنین است که ابو یوسف
مصعب شکایت برده بسوی امام موسی کاظم علیه السلام از شبکوری و از آنحضرت
علیه السلام طلبید که در این باب چیزی با او تعلیم نماید آنحضرت علیه السلام فرموده که
این آیات را سه بار بر جامی بنویس بعد از آن بشوی و در شیشه کن و با میل در چشم بکش
ابو یوسف گفت صد میل از آن کشیده بودم که چشمم صحیح شد بهتر از آنچه در اول بود و آیة
اینست الله نور السموات والارض تا آخر آنچه مذکور شده و اعمال درد چشم و جمیع
دردگوش در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که هر که گوش
با یکنانست باید بگفت لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا

مُتصدعاً من خشیة الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون

هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی

لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار

المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له

الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم ایضاً

از آنحضرت علیه السلام روایت شده که دست بر موضع درد باید گذاشت و هفت بار باید

گفت اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر والبحر وما فی السموات وما فی

الارض وهو السمیع العلیم و **دوا مکارم الاخلاق** چنین است که این آیه را

هفت بار بر روغن یاسمین یا روغن بنفشه باید خواند و آن روغن را در گوش باید ریخت و آیه اینست

کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرا ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک

کان عنه مسئولا و **دوای کام** مکارم الاخلاق چنین است که چون از خواب

خواب بیند روغن بنفشه بیالاید بمقعد نهی کام رفع شود **ادعیه رعاف** در مصباح کفعمی چنین است

که چون این آیت بپیشانی صاحب رعاف بنویسند خون بسته شود و آیت این است ان الذی فرض

علیک القران لرادک الی معاد وله سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم

وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر واستوت علی

ادعیه رعاف دوای کام

الجودی وقیل بعداً للقوم الظالمین لکل نبأ مستقر لکل نبأ مستقر
لکل نبأ مستقر و در مکارم الاخلاق چنین است که از برای ساکن
شدن رعاف این را باید نوشت و باید خواند بر حالیکه بینی مرعوف را گرفته باشی یا من حبس
الفیل من بیتک الحرام اسکن دم فلان بن فلان یا بر پیشانی و سر او آب یخ
باید ریخت تا ساکن شود ان شاء الله ادعیه درد سر در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق
علیه السلام روایت است که دست بر سر باید گذاشت و باید گفت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه داء اعوذ بکلمات الله التی لا یضر معها شیء
قدوس قدوس قدوس اسألک یا رب باسمک الطاهر المقدس
المبارک الذی من سألک به اعطیته و من دعاک به اجبته اسألک
یا الله یا الله یا الله ان تصلی علی محمد النبی و اهل بیته و ان
تعافینی مما اجد فی راسی و فی سمعی و فی بصری و فی
بطنی و فی ظهری و فی یدی و فی رجلی و فی جوارحی کلها ادعیه
درد دندان در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که دست بر دندان باید گذاشت
و بر آن فاتحه و قل هو الله احد و انا انزلناه یکبار باید خواند بعد از آن بگوید و تری الجبال
تحسبها جامدة و هی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون

جهت دفع دردسر

ادعیه دردندان

وایضا از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که دست بر موضع سجود باید مالید
بعد از آن بر دندان دردناک باید مالید و باید گفت بسم الله الشافی الله و لا حول و لا قوة
الا بالله ایضا سوره القلم را باید نوشت با خود باید داشت و در مکارم الاخلاق مسطور است که
هر یک از فاتحه و قل هو الله احد سه بار باید خواند و باید گفت یا ضرس بالحجار تسکنین ام بالنار
تسکنین ام باسم الله تسکنین اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی
السموات و ما فی الارض و هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام و
هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم اخرج
منها فانک رجیم و لنخرجنهم منها اذلة و هم صاغرون فخرج منها خائفا یترقب
ایضا این دعا را بر نان تنکی باید نوشت و آن نان را بر دندان باید گذاشت که درد دارد
بسم الله لکل نبإ مستقر و سوف تعلمون اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی
عما یشرکون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک یحیی الله الموتی و یریکم آیاته
لعلکم تعقلون من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها
اول مرة و هو بکل خلق علیم ایضا بمیخ آهنی سه بار فاتحه و جله بخوان و بگو
من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل
خلق علیم یا ضرس فلان بن فلانه اکلت الحار و البارد فبالحار

تسکنون وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم شدّت
داء هذا الضرس من فلان بن فلانة بسم الله العظیم پس آن میخ را بدیوار
بزن بگو الله الله الله ایضا برگ سبزی بوتین کن الذی جعل لکم من الشجر
الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون بعد از آن آن برگ را بر دندان دردناک بگذار
و چند قدمی برو پس آن برگ را پس سر خود بانداز و پس سر نگاه مکن ایضا از امام جعفر صادق
علیه السلام روایت شده که چون کسی را درد دندان باشد باید که کاردی یا آهن پارهٔ بردارد
بجای آنرا بر جانبی که درد میکند و هفت بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و
بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و ابراهیم خلیل الله اسکن
بالذی سکن له ما فی اللیل والنهار باذنه وهو علی کل شیء قدیر ایضا از پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هر کرا دندان درد کند باید که انگشت خود بر آن دندان نهد و هفت بار بگوید
هو الذی انشاکم وجعل لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا
ما تشکرون ایضا چون یا آهنی بر دندان دردناک باید گذاشت و هفت بار این
افسون را باید خواند و بیرون باید دمید بسم الله الرحمن الرحیم العجب کل العجب دودة تکون
فی الفم تاکل العظم و تترک اللحم انا الراقی والله الشافی والکافی لا اله
الا الله والحمد لله رب العالمین واذ قتلتم نفسا فادّارأتم فیها والله مخرج

مَا كُنتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ
آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ **ایضاً** مفضل بن عمر شکایت کرد بسوی امام جعفر صادق
علیه السلام از درد دندان حضرت او را نزدیک خود طلبید و انگشت سبابه خود بر دندان
دردناک او گذاشته و چیزی آهسته خواند پس آن درد فی الفور ساکن شد و مفضل
از آن حضرت سؤال نمود که این افسون را باو تعلیم کند حضرت فرمود که حضرت فاطمه صلی الله
علیها روزی شکایت کرد بسوی پدرش از درد دندان پس صلوات الله علیه وآله وسلم
انگشت سبابه راست خود را داخل دهن او کرده بر دندان دردناک او گذاشت و این دعا
خواند که بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيْءٍ إِنَّ مَرْيَمَ لَمْ تَلِدْ غَيْرَ عِيسَىٰ رُوحِكَ وَكَلِمَتِكَ أَنْ تَكْشِفَ مَا تَلْقَىٰ فَاطِمَةُ بِنْتُ
خَدِيجَةَ مِنَ الضِّرْسِ كُلِّهِ پس ساکن شد درد او فی الفور و من حقیر آن [illegible] الضرس
ایضاً عطا شکایت برد بسوی امام جعفر صادق علیه السلام از درد دندان پس حضرت
گفت که هفت بار بر آن بخوان بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ
فَإِنَّهُ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ عَلَيْكَ وَعَلَى الْجِبَالِ تَثْبُتُهَا وَأَنْبَتَكَ فَقَرَّ حَتَّىٰ يَأْتِيَ أَثْبِتْهَا وَأَثْبِتْكَ
فِيكَ أَمْرُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ دعای دیگر
در مکارم الاخلاق نبشته است که از برای ساکن شدن درد دندان [illegible]

ادعیه خنازیر

فاتحه یکبار و اذا زلزلت سه بار ادعیه خنازیر و آن گرهی چند است شبیه بغدود در
گردن و بعضی گویند در زیر بغل و بعضی گویند در بالا ران در مصباح کفعمی از امام رضا علیه السلام
روایت شده که اینها را بر آن باید خواند یا رؤوف یا رحیم یا رب یا سیدی
در مکارم الاخلاق چنین است که امام رضا علیه السلام کنیزی داشته که خنازیر از گردن او
برآمده بود و آنحضرت باو تعلیم نمود که همین عبارا مکرر بخواند و او چنان کرد که گوشش رفع
شد در مکارم الاخلاق چنین است که در سه روز هر روز سه بار بر خنازیر باید بخوانند
که بسم الله و بالله الله اکبر الله اکبر و هو یامرک ان لا تکبر پس سه بار بگوید
کفت ابتدا باللص قبل ان یبتدی بک و در سه بار آب دهان بر اندازد بر آنجا ادعیه

ادعیه درد سینه

درد سینه در مصباح کفعمی چنین است که چون سوره الم نشرح را بر سینه دردناک بخوانند
درد ساکن شود در مکارم الاخلاق چنین است که از برای رفع درد سینه چهار رکعت نماز
باید گزارد در رکعت اول بعد از فاتحه سوره الم نشرح یکبار و در دوم بعد از فاتحه سوره قل هو الله احد سه بار و در سوم بعد از فاتحه سوره والضحی یکبار و در چهارم بعد از فاتحه این آیه یکبار
یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور ایضا چنین است که شخصی شکایت کرد بسوی
امام حسین علیه السلام از درد سینه حضرت فرمود قرآن بخوان شفا طلب از و زیرا که ایضا آنحضرت
از برای رفع درد سینه فرموده و اذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم تکتمون

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ ایضاً از مصباح کفعمی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که دست
موضع درد باید گذاشت و باید گفت وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ
نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ بعد از آن سوره انا انزلناه را هفت بار باید خواند
و در مکارم الاخلاق چنین است که از برای دفع درد پشت این آیات را باید خواند
شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ
بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ادعیه درد شکم در مصباح کفعمی از امیر المؤمنین
علیه السلام مرویست که باید خواند و باید گفت یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحِیمُ یَا رَبَّ
الْأَرْبَابِ یَا إِلٰهَ الْآلِهَةِ یَا مَالِكَ الْمُلُوكِ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ اشْفِنِی بِشِفَائِكَ مِنْ
كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ فَإِنِّی عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِی قَبْضَتِكَ و در مکارم
الاخلاق از امیر المؤمنین روایت شده که [illegible] تعلیم نمود که از برای [illegible] ببخشند آن چیز [illegible] شیر شتر
بخورد با این آیت [illegible] فاتحه بخواند و [illegible] باب گرم [illegible] فاتحه خواند [illegible] الضحیٰ

دست بر شکم بگذارد و هفت بار بگوید اعوذ بعزة الله وجلاله من شر ما اجد

ایضاً از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که سوره فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد را بنویسد

و بعد از آن بنویسد که اعوذ بوجه الله العظیم و عزته التی لا ترام و قدرته التی لا یمتنع

منها شیء من شر هذا الوجع و من شر ما فیه و من شر ما اتقی منه و با خود بدارد

ایضاً از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که به یونس بن یعقوب تعلیم نمود که از برای

وجع در شکم بگوید یا الله یا ربی یا رحمن یا رب الارباب یا سید السادات

اشفنی و عافنی من کل داء و سقم فانی عبدک و ابن عبدک اتقلب فی

قبضتک ایضاً سوره قل هو الله احد را بنویسد بعد از آن بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم

قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم و لو ان قرآنا سیرت به

الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا و بعداً در شکم

که با خود دارد و این آیات بجهت درد نافع است بسم الله الرحمن الرحیم ما اصاب من مصیبة فی

الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبراها ان ذلک علی الله یسیر هذان

خصمان اختصموا فی ربهم فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق رءوسهم

الحمیم یصهر به ما فی بطونهم و الجلود فتعالی الله الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر ایضا این آیت را صاحب درد شکم باید خواند بسم الله
الرحمن الرحیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له
ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین وبعد از آن هفت بار سوره فاتحه باید خواند ایضا
این آیات را صاحب درد شکم باید خواند لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین
ان الله بالناس لرؤف رحیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
دعای نفخ شکم
للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا دعای نفخ شکم در مکارم الاخلاق مسطور است
که از برای نفخ و درد شکم باید گفت بسم الله الذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم موسی
تکلیما وبعث محمدا بالحق نبیا وبعد از آن سه بار باید گفت یا ریح اخرجی باذن الله
ادعیه درد دل
تعالی ادعیه درد دل در مصباح کفعمی مسطور است که چون این آیت را بنویسی و بشوئی و صاحب درد
آن را بخورد شفا یابد ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب او القی السمع وهو
شهید ایضا چون سوره الرحمن را بنویسی و بشوئی و صاحب درد دل آن را بخورد شفا یابد ایضا
چون سوره انشراح بنویسی و بر موضع درد کسی که درد دل داشته باشد بگذارد نافع است و در مکارم الاخلاق
مسطور است که این آیات را باید نوشت و به آب بشوید و صاحب درد دل بخورد تا شفا یابد لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین سیهزم الجمع ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة

اُدهی وَاَمَرّ اِنَّ اللهَ یُمسِکُ السَّمٰواتِ وَالاَرضَ اَن تَزُولا وَلَئِن زالَتا اِن اَمسَکَهُما
مِن اَحَدٍ مِن بَعدِهِ اِنَّهُ کانَ حَلیماً غَفُوراً ایضاً این آیات از بخت(?) ابن بابویه در
بدو که بخورد و بنویسد بصاحب درد دل دهد که بر گردن بندد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا
تُزِغ قُلُوبَنا بَعدَ اِذ هَدَیتَنا وَهَب لَنا مِن لَدُنکَ رَحمَةً اِنَّکَ اَنتَ الوَهّابُ رَبَّنا اِنَّکَ
جامِعُ النّاسِ لِیَومٍ لا رَیبَ فیهِ اِنَّ اللهَ لا یُخلِفُ المیعادَ الَّذینَ آمَنُوا وَتَطمَئِنُّ قُلُوبُهُم
بِذِکرِ اللهِ اَلا بِذِکرِ اللهِ تَطمَئِنُّ القُلُوبُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ طُوبیٰ لَهُم
وَحُسنُ مَآبٍ لَئِن اَنجَیتَنا مِن هٰذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشّاکِرینَ دعای شکل در مکارم الاخلاق
جهت برای دفع تشنگی یا هفده روز صبح یکبار و شام یکبار سوره الم نشرح باید خواند دعای رفع
ناف در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که دست بر موضع ناف باید نهاد و سه بار بگوید وانه
لَکِتابٌ عَزیزٌ لا یَأتیهِ الباطِلُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَلا مِن خَلفِهِ تَنزیلٌ مِن حَکیمٍ حَمیدٍ و عیده
و آن معنی ناف است و بعضی گفته اند که معنی در دست و معده که بسبب هضم خبر نفیل که خورده باشد در مصباح
کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که این آیات را سه بار بر آب باید خواند و آن آب را باید خورد و دست
بر شکم باید مالید یُریدُ اللهُ بِکُمُ الیُسرَ وَلا یُریدُ بِکُمُ العُسرَ اَوَلَم یَرَ الَّذینَ کَفَرُوا اَنَّ السَّمٰواتِ
وَالاَرضَ کانَتا رَتقاً فَفَتَقناهُما وَجَعَلنا مِنَ الماءِ کُلَّ شَیءٍ حَیٍّ اَفَلا یُؤمِنُونَ در مکارم الاخلاق
جهت که این آیات بر وضعی باید خواند و بر شکم باید مالید بسم الله الرحمن الرحیم فَفَتَحنا اَبوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنهَمِرٍ وَفَجَّرنا الاَرضَ عُیُوناً

دعای شناختن

دعای رفع خفقان

ادعیه

عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و دسر ففتحنا
علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلان او لم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون
ایضا این دعا را باید نوشت که صاحب لقوه با خود دارد و هفت بار بر آبی باید خواند بعد از آن
روغن بر آن آب باید ریخت و بهم باید زد تا مخلوط شود و بعد از آن بشکم بمالید بعد از آن باید خورد
بسم الله المتبلون الذین لا یعلمون والذین یعلمون قاعدون فوق علیین
یا کانوا ناظرا یتساءلون صاحبهم من النبی علی کذلک یشفی فلان بن فلانه العلوانی
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من
الماء کل شیء حی افلا یؤمنون ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که این
آیت بر صاحب لقوه باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت واذنت لربها
وحقت واذا الارض مدت والقت ما فیها وتخلت واذ قالت امرأة عمران رب انی
نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ایضا از ائمه علیهم السلام روایت شده که این آیات بر آب
باید خواند و بخورد و صاحب لقوه باید و بعد از آن سه بار دست بر کشش باید بحالیکه
همین آیات را میخواند باشی یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر تمت

السبیل یسّره ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض
الی جذع النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا
کذلک اخرج ایتها اللوی باذن الله تعالی عز وجل ادعیه زحیر در مصباح
چنین است که چون سوره والشمس را بنویسند و بشویند و بصاحب زحیر دهند و بنوشد زحیرش ساکن شود
و در مکارم الاخلاق چنین است که باید که صاحب زحیر چون از نماز شب فارغ شود این دعا بخواند
اللهم ما کان من خیر فمنک لا حمد لی فیه وما عملت من سوء فقد حذرتنیه
لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا حمد لی فیه او امن
ما لا عذر لی فیه دعا در معده در مصباح کفعمی چنین است که چون این آیه از سوره
نساء بر معده کسی که در معده درد داشته باشد بخوانی از درد بر شود بسم الله الرحمن الرحیم ربنا
لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
دعای دفع قی در مصباح کفعمی چنین است که چون سوره الطارق را بر شربتی خوانی و
کسی بخورد که قی بسیار میکرده باشد از قی کردن ایمن شود ادعیه سپرز در مصباح کفعمی چنین است
که چون سوره الرحمن را بنویسی و بشوئی و صاحب کوفت سپرز بنوشد عافیت یابد انشاء الله و چون
سوره محمد را سه روز متوالی هر روز بنویسی و بشوئی و صاحب کوفت سپرز بنوشد کوفتش زایل شود
و در مکارم الاخلاق چنین است که سوره اذا جاء نصر الله را بسیار گفتن شفای سپرز است

ادعیه زحیر

دعا در درد معده

دعای دفع قی

ادعیه سپرز

باید خواند بعد از آن سه بار باید گفت إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ
عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
بعد از آن دست را بر سر او باید مالید و گفت تا ان شاء الله شفا یابد ایضا این آیه را باید نوشت و بر
سر او باید بست إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ
أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

ادعیه درد جگر

ادعیه درد جگر در مصباح کفعمی مذکور است که چون سورهٔ انا انزلناه را
در سفالی نو بنویسی با آب باران بشوی و قلیلی شکر در آن ریزد و صاحب درد جگر آن را بنوشد از درد بری شود
ایضا چون سورهٔ العادیات را در سفال نو بنویسی با آب باران بشوی و قلیلی شکر در آن بریزی و صاحب درد
جگر آن را بنوشد از درد بری شود

ادعیه درد پهلو

ادعیه درد پهلو مصباح کفعمی از امام محمد باقر روایت شده که صاحب درد
این چون از نماز فارغ شود دست بر موضع سجده گذارد و بگوید أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا
وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَ
مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ
الْكَافِرُونَ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ **ایضا** چون این آیه از سورهٔ
انعام را وقت سحر بر کاغذی نویسی و بر پهلو بسته باشد از درد بری شود وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ
بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **ایضا**

الاخلاق از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که بسیار دست بر موضع درد بمالید و سه بار بگوید اعوذ
بعزة الله و قدرته علی الاشیاء کلها من شر ما اجد ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است
شده که دست بر موضع درد بمالید و بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه
و آله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد فی حاجتی
پس بار دست بر موضع درد بمالید و با لیکه بسم الله الرحمن الرحیم میگفته باشد ادعیه صباح و مساء
الاخلاق چنین است که دو رکعت نماز باید گذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه این آیت را باید خواند ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر ایضا از ائمه علیهم السلام منقول است که ... و معوذتین را
در لوحی یا در شانه باید نوشت و بعد از آن تحت آن باید نوشت که اعوذ بوجه الله العظیم الکریم و
بعزة الله التی لا ترام و بقدرته التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع و من
شر ما فیه و من شر ما احذر منه و با آب باران باید شست و باید بیاشامد و فی الوقت باید خورد ادعیه بعزت الله
مصباح کفعمی از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که یکی از اصحاب را تعلیم نمود که بگوید اللهم
انی اسئلک بوجهک الکریم و اسمک العظیم و بعزتک التی لا ترام و بقدرتک
التی لا یمتنع منها شیء ان تفعل بی کذا و کذا ایضا حضرت امام رضا علیه السلام
بخط خود نوشت بجهت بعضی اصحاب که بگوید یا من علا فقهر و بطن فخبر یا من ملک فقدر و یا من
یحیی الموتی و هو علی کل شیء قدیر صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا

و لطلب حج در الطلب بعد از آن بگوید لا اله الا الله ارحمنی بحق لا اله الا الله ارحمنی

ایضا امام رضا علیه السلام رقعه بخط خود نوشت بسوی صاحب اسهالی که بگوید اللهم

ادفع عنی بحولك و قوتك اللهم انی اسألك فی یومی هذا و شهری هذا

و عامی هذا برکاتك فیها و ما ینزل فیها من عقوبة او مکروه او بلاء فاصرفه

عنی و عن ولدی بحولك و قوتك انك علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ

بك من زوال نعمتك و تحویل عافیتك و من فجاة نقمتك و من شر کتاب

قد سبق اللهم انی اعوذ بك من شر نفسی و من شر کل دابة انت آخذ

بناصیتها انك علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علما و احصی

کل شیء عددا ایضا چون سوره عم را بنویسی بشوئی و صاحب اسهال آن را بنوشد

زائل شود ادعیه بواسیر مصباح کفعمی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که اینها را بر آن

باید خواند یا جلیل یا ماجد یا رحیم یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم

صل علی محمد و آل محمد و اردد علی نعمتك و اکفنی امر وجعی ایضا

چون سوره سبح اسم را به بواسیر بخوانی زائل شود و در مکارم الاخلاق از امام رضا

علیه السلام روایت شده که سوره یس را با عسل باید نوشت و باید شست و باید نوشید و حبس

بول در مکارم الاخلاق چنین است که با آبی او را باید شست به ساق چنین باید نوشت ففتحنا

رقیه

یا راحم

رقیه

ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر

وحملناه على ذات الواح ودسر تجري باعيننا جزاء لمن كان كفر ايضا

صاحب حصن باید که این دعا بخواند ربنا الله الذی فی السماء تقدس اللهم

اسمك في السماء والارض اللهم كما رحمتك في السماء اجعل رحمتك

في الارض اغفر لنا حوبنا وخطايانا انت رب الطيبين انزل رحمة

المطمئنين

من رحمتك وشفاء من شفائك على هذا الوجع فيبرأ الصاحب

کسی به امام علی نقی علیه السلام نوشت که قربانت شوم شخصی از جمله موالی تو حبس بولی

بهم رسانیده و از تو مسئلت نموده که دعا کنی که الله تعالی او را از آن رهائی دهد حضرت

او را دعا کرد و فرمود که مبالغه کن در بسیار خواندن قرآن برای او که ببرکت آن شفا میابد انشاء الله

تعالی ادعیه سنگ مثانه در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که

چون بخوابی سه بار بگو الم تعلم ان الله على كل شيء قدير الم تعلم ان الله له ملك

السموات والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير و چون

شنوی همین کلمات را بگو ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که شخصی خدمت امام محمد باقر

علیه السلام آمد و شکوه کرد از سنگ مثانه و آنحضرت او را امر کرد که بخواند این دعا را بعد از نماز

در حال سجود نشسته شخص خواند و از آن نجات یافت و دعا اینست اللهم اني ادعوك دعاء العليل

الذلیل الفقیر وادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وقلت حیلته
وضعف عمله والح علیه من الخطیئة والبلاء دعاء مکروب ان
لم تدرکه هلك وان لم تستنقذه فلا حیلة له فلا تحیطن بی یا
سیدی ومولای مکرك ولا تثبتن علی غضبك ولا تضطرنی الی
الیاس من روحك والقنوط من رحمتك وطول الصبر علی الاذی
اللهم انه لا دافع لبلائك ولا غنا بی عن رحمتك وهذا ابن
بنت نبیك وحبیبك صلواتك علیه به اتوجه فانك جعلته مفزعا
للخائف واستودعته علم ما کان وما هو کائن فاکشف به ضری
وخلصنی من هذه البلیة الی ما عودتنی من احسانك ورحمتك یا
یا هو یا هو انقطع الرجاء الا منك یا الله یا الله یا الله اغثنی
[illegible] الانشراح [illegible] بشوید [illegible] المنشرح [illegible] مکارم الاخلاق
چنین است که این دعا را باید نوشت که صاحب آن در با خود دارد و باید که صاحب آن [illegible]
دعا این است بسم الله وبالله الذی باذنه قامت السموات والارض فان مریم
بنت عمران لم یضرها وجع الارحام کذلك تنجی الله فلانة ابنت فلانة
وجع الارحام [illegible] اسکن باسم الله الحی القیوم باسم الله

دعای درد زاییدن

المستغاث باسم الله على ما هو كائن وعلى ما قد كان اشهد ان الله على
كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما ك ه مه م ه كه
ه م ه م ه م ه م ه بسم الله الرحمن الرحيم
محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا
سجدا يبتغون فضلا من الله ورضوانا سيماهم في وجوههم من اثر السجود
ذلك مثلهم في التوراة ومثلهم في الانجيل كزرع اخرج شطأه فآزره
فاستغلظ فاستوى على سوقه يعجب الزراع ليغيظ بهم الكفار وعد الله الذين
آمنوا وعملوا الصالحات منهم مغفرة واجرا عظيما اجيبوا عزمت عليكم يا معشر
الكلام لا اجابت هذا الخاتم بعزائم الله الشداد التي ترهق الارواح و
ولا يبقى روح ولا فؤاد اجيب باسم الله الذي قال للسموات والارض ائتيا
طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين صل على محمد واله الطيبين الطاهرين

ادعیه باطل کردن سحر از مکارم الاخلاق از ائمه علیهم السلام منقولست که سوره ...
زعفران بر یک ... بنویسند و ... بنویسند با ... صاف بشویند چهار ...
بسازند واین آیت را بزعفران جامی از آهن ساخته باشند بنویسند تا ... بشویند
و آب بر ... بشویند ... بسم الله الرحمن الرحیم

في بعض النسخ هكذا



إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما
من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا. یس و ق [illegible] هفت آیت. و فاتحة الکتاب
و قل هو الله احد را سه بار بنویسند و معوذتین و آیة الکرسی نیز بنویسند و بعد از ان این آیه
بنویسند لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية
الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا إله
إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا إله
إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء
الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم قل ادعوا الله
أو ادعوا الرحمن أيا ما تدعوا فله الأسماء الحسنى ولا تجهر بصلاتك
ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا
ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا
بسم الله الرحمن الرحيم إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا
إن أمسكهما من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا يا من هو هكذا
لا هكذا غيره أمسك عن فلان بن فلان ما تجده من علة البول [illegible]

بزانوی صاحب علت ببندد اگر دختر باشد بر پشت زبانش ببندد اگر پسر باشد و وقت رو
خواب بکجا بن ازان جهار بخورد و قدری ازان آب بنوشد باید که آب کم خورد و چون
از دفع شود این تعویذ را از و بگشایند تا باعث حبس بول نشود ایضا این کلمات را بر رق آهو باید نو
در رضا علت ببست هف هف هد هد هف هف هات هات انا الله کف
کف کف هف هفف هفف همم سعر بم قل هو الله احد الغالب من حیث
ویستحسر الهدد وابلیس شیخ لبنی آدم کما الله سجد لادم الملائکة باذن الله
انه کریمة بنت کریمة ولد فلان بن فلان ه ه ه ه ه ه ه شد د ت بسو بسو
صفه صفه ختمت بخاتم سلیمان بن داود و الحمد لله رب العالمین ایضا اسید علا
بر رق آهو باید نوشت و بر رضا علت بست بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله
النبی الامی العربی الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه و آله
الی من حضر الدار من العمار اما بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان یکن
فاجرا مقتحما او داعی حق مبطلا او من یؤذی الولدان ویفزع الصبیان
ویبکیهم ویبولهم علی الفراش فلتمضوا الی اصحاب الاصنام والی
عبدة الاوثان وتنحوا عن اصحاب القرآن فی جوار الرحمن ومجازی
الشیطان وعن اتباعهم القرآن وصلی الله علی محمد النبی وآله

علیهم السلام و دعای درد پاها در مکارم الاخلاق چنین است که دو رکعت
نماز باید کرد و در هر رکعت فاتحه یکبار و آیت آمن الرسول یکبار و آیت اینست آمن
الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته
وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا
غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها
ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا
تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولینا
فانصرنا علی القوم الکافرین و در مصباح کفعمی از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام روایت شده که اول سوره انا فتحنا تا عزیزا یکبار بر پا باید خواند و دعای
زانو در مصباح کفعمی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که طشتی پر آب گرم باید کرد
و در میان آب باید نشست و دست بر موضع درد باید گذاشت و باید گفت اولم یر الذین
کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
کل شیء حی افلا یؤمنون و دعای درد ران در مصباح کفعمی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده
که بعد از نماز باید گفت یا اجود من اعطی یا خیر من سئل یا ارحم من استرحم

ادعیه درد ساق پا

دعای درد عرق و کف پا

دعای عرق النسا

ادعیه عرق مدینی

ضعفی وقلة حیلتی وعافنی من وجعی ادعیه درد ساق پا در مصباح کفعمی
امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که این آیت را هفت بار بر ساق دردناک بخواند
واتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه
ملتحدا ودر مکارم الاخلاق چنین است که این آیت را بر ساقیکه علتی عارض شده باشد بخوانند
ولقد خلقنا السموات والارض وما بینهما فی ستة ایام وما مسنا
من لغوب دعای درد عرق و کف پا هرگاه عرق رگ غلیظی است بر بالای پشت
آدمی بیاید در مصباح کفعمی از حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده که دست بر موضع درد
باید گذاشت و این دعا را بگوید بسم الله وبالله وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون دعای عرق النسا آن دردیست که از مفصل ران ابتدا کند از جانب
فخذ نزول کند تا انگشتهای پا رسد و نسا رگیست که ابتدا از ورک است و تا پا
منتهی شود در مصباح کفعمی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که چون نظر بدان رگ کنی دست بر آن
بگذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله یا الله اعیذک باسم الله الکبیر واعیذک باسم الله
العظیم من شر کل عرق نعار ومن شر حر النار ادعیه عرق مدینی بدان در
است که اکثر اوقات از پا بیرون آید در مکارم الاخلاق چنین است که در شیشه

پیش از آنکه رشته بیرون می‌آید این آیت را بر موضع خارش باید نوشت ویسئلونک
عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها
عوجا ولا امتا و صبر ران طلا باید کرد ایضا این آیت را بر موضع خارش باید نوشت
او کالذی مر علی قریة وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله
بعد موتها فاماته الله مائة عام ایضا قدری پشم از شتر باید کند بدن آنکه
با پوست از وی جدا شود و بدون آنکه با کارد یا مقراض چیده شود و از آن رشته باید تابید
و هفت گره بران باید زد و بر سر گرهی فاتحه سه بار باید خواند بعد از آن باید آن را بر ران
بست باید خواند بسم الله الابد الابد المحصی العدد القریب لما بعد الظاهر عن
الولد العالی عن ان یولد المتعزز بما وعد العزیز بلا عدد القوی بلا مدد
لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا خالق الخلق یا عالم السر و الخفیة
یا من السموات بقدرته مرخاة یا من الارض بعزته مدحوة یا من
الجبال بارادته مرساة یا من یجابه صاحب الغرق من کل افة و
بلیة صلی الله علی محمد خیر خلقک واشف اللهم فلان بن فلانة
بشفائک وداوه بدوائک وعافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء
وانت ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد النبی و آله اجمعین

در مصباح کفعمی از امام رضا علیه السلام روایت شده که چون کسی جراحتی باشد یا کرد
و فیه بجای خواب آید بگوید اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات التی
لا یجاوزهن برٌّ و لا فاجرٌ من شر کل ذی شرٍّ و در مکارم الاخلاق
چنین است که کاردی بر جراحت بدیا لید یا بگفت بسم الله ارقیک من الحد و
الحدید و من اثر العود و من الحجر الملقی و من العرق الغاسر و من الودم الاخر
من الطعام وحره و من الشراب و برده بسم الله فتحت و بسم الله ختمت
بعد از ان کارد را چون میخ به زمین فرو برد و عمیق و ملها و جوشش‌ها در مصباح
کفعمی از امام رضا علیه السلام روایت شده که صاحب ... چون بجای خواب در آید بگوید
اعوذ بوجه الله العظیم وکلماته التامات التی لا یجاوزهن برٌّ و لا
فاجرٌ من شر کل ذی شرٍّ ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده
که چون کسی را در بدن جوششها پیدا آید باید که چون نظر در ان کند انگشت شهادت بر ان
گذارد و بر دور آن بگرداند و هفت بار بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم و در بار هفتم
انگشت شهادت بر ان بفشرد ایضا چون سوره مومن در شب بنویسند و با جوششها دو دهد
با خود دارد شفا یابد ایضا چون سوره حدید بنویسی بشوئی و با آب آن جوشش بدن را بشوئی با خشک
شود که از انها بر شوی ایضا چون سوره والمرسلات ... صاحب ... باشد از ان سوره ایضا چون

از برای دفع جوشش

الطارق را بنویسی و بشوئی و بآن آب جوشش بدن را بشوئی در دنش ساکن شود و بیرون نکند

ایضا چون سورهٔ منافقین را بر دمل بخوانند به شود و در مکارم الاخلاق چنین است که باید دعا [illegible]

و جوشش بدن باید خواند و باید نوشت بر صاحب دمل و جوشش بدن باید بست و دعا اینست

بسم الله الرحمن الرحیم وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن

فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِن قَرَارٍ مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ

تَارَةً أُخْرَى اللهُ أَکْبَرُ وَأَنْتَ لَا تَکْبُرُ اللهُ يَبْقَى وَأَنْتَ لَا تَبْقَى إِنَّ اللهَ عَلَى کُلِّ

شَيْءٍ قَدِیرٌ و دعا جرب در مکارم الاخلاق چنین است که این دعا جرب باید خواند و بر

صاحب جرب باید بست بسم الله الرحمن الرحیم وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ

تا آخر آنچه از برای دمل و جوشش مذکور شد ادعیهٔ ورم در مصباح

کفعمی چنین است از برای دفع هر ورمی بعد از آنکه وضو برای نماز فریضه ساخته باشی

پیش از نماز و بعد از نماز تعویذ کن آن ورم را بخواندن آیات آخر سورهٔ حشر و آن آیات

اینست لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ تا آخر سوره ایضا چون سورهٔ حدید را بنویسی

و بشوئی و بآن آب عضوی را که ورم داشته باشد بشوئی از ورم بری شود ایضا چون سورهٔ

سبح اسم را بر موضع [illegible] بخوانی نفخش زایل شود ایضا چون سورهٔ بینه را بر ورم

ببندند و بنویسند زایل شود و در مکارم الاخلاق چنین است که کارد بر ورم باید مالید و باید گفت

تتمه [illegible] لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ادعیه رابعه

بسم الله الحمد لله قبلک تا آخر آنچه از برای جراحت مذکور شد او هیچ آبله در مکارم الاخلاق
چنین است که این شکل را باید نوشت و به بازوی مریض باید بست تا آبله بیرون نیاید اگر بیرون آمده
باشند بیش از آن بیرون نیاید شکل این است

سی سی وبالفرعه
ایسرا ایسر مناوسب
اریوس اس

ایضاً این شکل را چهار پاره باید نوشت و به جناح آبله باید بست که آبله اش بیرون نیاید اگر بیرون

یا ...

آمده باشند زیاده از آن بیرون نیاید و این شکل در مکارم الاخلاق به سوره فاتحه منسوب است و
مشهور با سوره فاتحه است و در اینجا برای احتیاط هر دو ثبت شد و شکل این است

بسم الله الرحمن الرحیم

الرحیم	الرحمن	رب العالمین	الحمد لله
و ایاک	نعبد	ایاک	مالک یوم الدین
صراط الذین	المستقیم	اهدنا الصراط	نستعین
و لا الضالین	علیهم	غیر المغضوب	انعمت علیهم

١٣	٢	٣	١٦
٨	١١	١٠	٥
١٢	٧	٦	٩
١	١٤	١٥	٤

ادعیه سابعه

ادعیه سابعه در آن گوشت زیادتی بهم رسیده بود و آنرا ثؤلولی بود که از عضو خارج بود و بیشتر
در ما از تجویف یا بطنی پیدا شود در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است
... روز چهارشنبه ... در روز چهارم ... غسل کند و چهار رکعت نماز بگزارد ...
با تو خرقه باشد که چون از نماز فارغ شوی ... آن خرقه را ...

بچسبان روی خود را بر زمین با ابتهال و تضرع و خشوع بگو یا واحد یا احد یا صمد یا کریم یا جبار

یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف

ما بی من ضر و البسنی العافیة الشافیة الکافیة فی الدنیا و الآخرة

و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فقد آذانی و غمنی [illegible]

استفاق [illegible] اثر اسا [illegible] گرداند دفع ثؤلول آن گوشت زیادتی است در بدن

که بغایت صلب و معروف است نیز کمیل در مکارم الاخلاق از امام رضا علیه السلام حکایت شده که برای

بلای ثؤلول هفت دانه جو بر هر یک از آن دانه‌ها هفت بار این آیات بخوان بسم الله الرحمن

الرحیم اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة

اذا رجت الارض رجا و بست الجبال بسا فکانت هباء منبثا و یسئلونک

عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری

فیها عوجا و لا امتا یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له و خشعت

الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا بعد از آن یک یک از آن جوها را بر

ثؤلول بمالد و همه را در خرقه بندد و بر آن خرقه سنگی ببندد و در چاه اندازد [illegible]

یا هشت [illegible] در هر طرف شود ان شاء الله تعالی و بهتر آن بود که این عمل در وقت تحت الشعاع

[illegible] ایضا باید که [illegible] ثؤلول پارچه نمک ببرد و بر ثؤلول مالد و آیات آخر سوره حشر را بر آن بخواند

احمد

ثؤلول

بخواند و در تنوری اندازد و علی الفور بازگردد و آیت اینست لو انزلنا هذا القرآن
علی جبل تا العزیز الحکیم مذکور شد دوای ثؤلول در خواص ایضا باید که صاحب ثؤلول
دانه جو بردارد و بر هر یک این آیت یکبار بخواند و هر یک از آن جو بار بر دو ثؤلول گرداند بعد از آن
دفن کند آنها را در موضع نمناکی و باید که بعمل بر در وقت تحت الشعاع واقع شود و آیت اینست و مثل
کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار ایضا
از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده که نظر کن با اول ستاره که در وقت شام ظاهر
میشود پس تند نظر بکن و قدری خاک بردارد و بر ثؤلول بمال و در حال مالیدن خاک این دعا بخوان
بسم الله وبالله رأیتنی و لم أرک سوء عود نصرک الله یخفی اثرک ثم رفع
تا اللیل معک ایضا مصباح کفعمی از امیر المؤمنین ع روایت شده که در نقصان ماه
در هفت روز متوالی بر ثؤلول باید خواند و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت
من فوق الارض ما لها من قرار و بست الجبال بسا فکانت هباء
منبثا دعای جذام در مکارم الاخلاق چنین است که این آیات را بر صاحب
جذام باید خواند • و باید نوشت و بر او باید بست بسم الله الرحمن الرحیم یمحو الله
ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض
جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع فلان بن فلانه

دعای جذام

ادعیه برص

ادعیهٔ برص در مکارم الاخلاق چنین است که عملی برای جذام ثابت کرده برای برص نیز بهتر است

ایضاً از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که قدری از خاک قبر امام حسین علیه السلام

با آب باید خورد ایضاً از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده که خوردن شوربای گوشت گاو با سلق و

چغندر باعث برطرف شدن برص است ایضاً بعضی از اصحاب روایت کرده‌اند که ظاهر شده بود مرا

لکه سفیدی پس حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امر کرده مرا بآنکه بخورم تیس را با عسل در حالی که

بشنوم و بخورم پس چنان کردم آن لکه از من برطرف شد ایضاً یونس بن عمار حکایت کرده که مرا لکه

سفیدی که بر او ظاهر شده بود حضرت فرمودند که مویز را در آب بخیسانند و آن آب را بخورد و چنین کرده شفا یافت

ایضاً در مصباح کفعمی از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که باید مبروص وضو بسازد و دو رکعت نماز کند و

این دعا بخواند یا اللهُ یا رحمنُ یا رحیمُ یا سامعَ الاصواتِ یا معطیَ الخیراتِ

اَعطِنی خیرَ الدّنیا والآخرةِ وقِنی شرَّ الدّنیا والآخرةِ واذهب عنّی

ما اَجِدُ فقد غاظَنی واَحزَنَنی دعای بهق در مکارم الاخلاق چنین است

دعای بهق

که این آیات را بر موضع بهق باید نوشت وَاِن مِن شیءٍ اِلّا عِندَنا خزائنُهُ وما

نُنَزِّلُهُ اِلّا بِقَدَرٍ معلومٍ هل یَسمَعونَکُم اِذ تَدعونَ اَو یَنفَعونَکُم

اَو یَضُرّونَ ادعیه کلف آن لکه ایست که در چهره بهم میرسد و رنگش میان سرخی و سیاهی

ادعیه کلف

نسبیه برنگ کنجد در مکارم الاخلاق چنین است که [illegible] آن باید شسید و این

کلمات را در میان آنخطا باید نوشت یُوتا تُوتا تَرْیا تا ادعُنی صوا تا وهی تمر مر
السَّحَابِ صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِیْ اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهٗ خَبِیْرٌ بِمَا تَفْعَلُوْنَ **ایضا**
در صباح ناشتا این کلمات را بران باید نوشت هریقه مریقه حتی تحت الطریقه
ایضا در صباح این کلمات را بران باید نوشت قهر یا قهرانیدیا کسر هن کروهن سالا
خشک یا دبحق الملک القدوس **باب پانزدهم** در ادعیه و اعمالیکه باعث رفع
نسیان و زیاد حافظه است شیخ طوسی چنین است که چون کسی خواهد که حفظ قرآن یا
علوم کند باید که در شب جمعه چهار رکعت نماز کند در رکعت اول فاتحه یکبار و سوره یس یکبار و در
رکعت دوم فاتحه یکبار و سوره دخان یکبار و در رکعت سوم فاتحه یکبار و سوره لقمن یکبار و در رکعت چهارم
فاتحه یکبار و سوره الملک یکبار و چون سلام دهد حمد و ثنا الله تعالی بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات
علیه و علیهم صلوات فرستد و از برای مومنان استغفار کند و بعد از ان بگوید اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِیْ
بِتَرْکِ الْمَعَاصِیْ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ وَارْحَمْنِیْ مِنْ اَنْ اَتَکَلَّفَ مَا لَا یَعْنِیْنِیْ
وَارْزُقْنِیْ حُسْنَ النَّظَرِ فِیْمَا یُرْضِیْکَ عَنِّیْ اَللّٰهُمَّ بَدِیْعَ السَّمٰوَاتِ وَ
الْاَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَالْعِزَّةِ الَّتِیْ لَا تُرَامُ اَسْاَلُکَ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ
بِجَلَالِکَ وَبِنُوْرِ وَجْهِکَ اَنْ تُلْزِمَ قَلْبِیْ حِفْظَ کِتَابِکَ کَمَا عَلَّمْتَنِیْ وَارْزُقْنِیْ
اَنْ اَتْلُوَهٗ عَلَی النَّحْوِ الَّذِیْ یُرْضِیْکَ وَاَسْاَلُکَ اَنْ تُنَوِّرَ

جهت رفع نسیان

۶ الخیر

بکتابک بصری وتطلق به لسانی وتفرج به قلبی وتشرح به صدری و

تستعمل بدنی وتقوینی علی ذلک وتعیننی علیه فانّه لا یعین علی الخیر

غیرک ولا یوفق له الا انت ودر کافی شیخ کلینی از امام جعفر صادق علیه السلام

روایت شده که از برای حفظ قرآن و علوم بگوید اللّهمّ انّی اسألک ولم یسأل العباد

مثلک اسألک بحقّ محمّد نبیّک ورسولک وابراهیم خلیلک وصفیّک

وموسی کلیمک ونجیّک وعیسی کلمتک وروحک واسألک بصحف

ابراهیم وتوریة موسی وزبور داؤد وانجیل عیسی وقرآن محمّد صلّی

اللّه علیه واله وبکلّ وحی اوحیته وقضاء امضیته وحقّ قضیته و

غنیّ اغنیته وضالّ هدیته وسائل اعطیته واسألک باسمک الّذی

وضعته علی اللیل فاظلم وباسمک الّذی وضعته علی النهار فاستنار و

باسمک الّذی وضعته علی الارض فاستقرّت ودعمت به السموات

فاستقلت ووضعته علی الجبال فرست وباسمک الّذی بثثت به

الارزاق واسألک باسمک الّذی تحیی به الموتی واسألک بمعاقد العزّ من

عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک واسألک باسمک الّذی دعاک

به عبادک الّذین استجبت لهم وانبیاؤک فغفرت لهم ورحمتهم واسألک

بکلّ اسم هو لک انزلته فی کتبک وباسمک الذی استقرّ به عرشک وباسمک الواحد

الاحد الفرد الوتر المتعال الذی یملأ الارکان کلّها الطاهر المطهّر

المبارک المقدّس الحیّ القیّوم نور السموات والارض الرحمن الرحیم

الکبیر المتعال وکتابک المنزل بالحقّ وکلماتک التامّات

ونورک التامّ وبعظمتک وارکانک اسألک ان تصلّی علی محمّد وآل

محمّد وان ترزقنی حفظ القرآن واصناف العلم وان تثبّتها فی قلبی و

سمعی وبصری وان تخالط بها لحمی ودمی وعظامی ومخّی وتستعمل بها لیلی

ونهاری برحمتک وقدرتک فانّه لا حول ولا قوّة الّا بک یا حیّ یا

قیّوم ایضاً در ان کتاب از پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت شده که هر که خواسته باشد

که الله تعالی او را حافظ قرآن و عالم بمعنی قرآن کند باید که نویسد این دعا را که سابقاً مذکور

شد در ظرفی پاکیزه بعسل سفید تازه بعد از ان بشوید آنرا با آب باران پیش از آنکه بزمین رسیده باشد

و بیاشامد آنرا سه روز ناشتا چه بدرستیکه حافظ میشود و آنچه را که مذکور شد ان شاء الله تعالی و

این دعا باندک اختلافی در مصباح کفعمی مذکور است و در آنجا چنین است که آنرا با عسل سفید

تازه و زعفران بنویسد و اغتسل را در سه روز بجا آورد ایضاً در ان کتاب از پیغمبر صلی الله

علیه وآله روایت شد که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که تعلیم بکنید [illegible]

المطهّر

برای اینکه فراموش نکنی قرآن را بگو اللهم ارحمنی بترک معاصیک ابدا ما ابقیتنی
وارحمنی من تکلف ما لا یعنینی وارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی والزم
قلبی حفظ کتابک کما علمتنی وارزقنی ان اتلوه علی النحو الذی یرضیک
عنی اللهم نور بکتابک بصری واشرح به صدری وفرج به قلبی واطلق به
لسانی واستعمل به بدنی وقونی علی ذلک واعنی علیه انه لا معین
علیه الا انت لا اله الا انت و در عدة الداعی شریف است که حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله بعلی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام فرموده که چون خواهی
که حفظ کنی هر چه را که بشنوی پس بعد از هر نماز این دعا بخوان سبحان من لا یعتدی
علی اهل مملکته سبحان من لا یأخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان بانواع
الرؤف الرحیم اللهم اجعل لی فی قلبی نورا وبصرا وفهما وعلما انک
علی کل شیء قدیر و در خواص السور مسطور است که چون سوره [illegible] را در جامی
نوشته بشوید و بآب باران [illegible] بنوشد صاحب حافظه و فطانت شود و چون سوره [illegible]
در ظرفی بنویسد و بنوشد حافظه شود و چون سوره الم نشرح را اکثر اوقات بخواند
اتمام [illegible] الله تعالی قوه حافظه قرآن [illegible] مسلط نماید [illegible] حافظ قرآن گردد
چون این آیات را بنویسد و بخورد [illegible] نسیان شود آیات [illegible] ولا تعجل ان یقضی الیک

إلى ما متعنا به أزواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم فيه و
رزق ربك خير وأبقى وأمر أهلك بالصلوة واصطبر عليها لا
نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى وچون کسی این آیات را
بر آب خالص بخواند و آن آب طعامی ببرد و بشاگردان خود دهد از ایشان بهره فضیلتهم
شوند و آیات اینست بسم الله الرحمن الرحیم الر کتاب انزلناه الیک لتخرج
الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید الله
الذی له ما فی السموات وما فی الارض وویل للکافرین من عذاب
شدید الذین یستحبون الحیوة الدنیا علی الاخرة ویصدون عن
سبیل الله ویبغونها عوجا اولئک فی ضلال بعید وما ارسلنا
من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیضل الله من یشاء ویهدی
من یشاء وهو العزیز الحکیم ودر مصباح کفعمی چنین است که از برای رفع
نسیان حفظ بعد از نماز صبح پیش از آنکه حرفی زند بگوید یا حی یا قیوم فلا یفوت
شیئا علمه ولا یؤده جهت باعث اینست که حفظ ... درسها نکند و ...
در آن کتابت که چون کسی کثیر النسیان باشد بعد از نماز صبح بگوید ربنا لا تؤاخذنا
ان نسینا او اخطانا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا

وارحمنا انت مولنا فانصرنا علی القوم الکافرین اللهم لا تنسنی
ما اقرأتنی هذا الیوم فانک قلت سنقرئک فلا تنسی ایضا در این کتاب
اگر خواهی دل نمیرد هر روز بگوید یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت اسئلک ان
تحیی قلبی اللهم صل علی محمد وآل محمد ایضا در این کتاب از امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده که چون نفس کسی گفتگوی را و در اثنای نفس شیطان چیزی از اسرار خاطر گویند بگوید صلی الله
علی محمد وآل محمد اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر والآمر به ذکرنی ما انسانیه
الشیطان چه الله تعالی بخاطرش خواهد رسانید اگر خواهد ایضا در این کتاب است که چون کسی گرفتار
نسیان باشد باید که چون داخل خلا شود بگوید بسم الله وبالله اعوذ بالله من الرجس النجس
الخبیث المخبث الشیطان الرجیم ایضا در این کتاب است که کثیر السهو و نسیان باید که با انگشت شهادت
دست راست چند دایره بر [illegible] و در اثنای شروع در نماز بر بالای پیشانی گذارد بسم الله
وبالله وتوکلت علی الله واعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم واز
چیزهایی که باعث قوت حافظه میشود خوردن [illegible] قرآن خواندن و مسواک کردن و آیة الکرسی
واز چیزهایی که باعث نسیان میشود خواندن لوح قبر و خوردن سیب ترش و خوردن گشنیز تر
در آب ایستاده و خوردن نیم خورده موش است باب وا[illegible] در آداب استخاره و دعا [illegible]
فصل اول در آداب استخاره و اقسام آن بدانکه استخاره بر سه قسم است اول استخاره ذات الرقاع

شیخ کلینی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که چون اراده کنی کاری عمده را که در آن
متردد باشی شش پارچه کاغذ را بردار و در سه پارچه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من
الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعله و در سه پارچه بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة لا تفعله و آنها را در زیر جانماز بگذار
بعد از آن دو رکعت نماز کن و چون فارغ شوی سجده کن و در سجده صد بار بگو استخیر الله برحمته
خیرة فی عافیة بعد از آن سر از سجده بردار و بنشین و بگو اللهم خر لی واختر لی فی جمیع
اموری فی یسر منک و عافیة بعد از آن کاغذها را بر هم زن و بیرون آور و آنها را یکیک
پس اگر سه پارچه پی در پی بیرون آید که افعله پس بکن آن را و اگر سه پارچه پی در پی بیرون آید که لا تفعله
مکن آن را و اگر یکپارچه بیرون آید که افعله و یکپارچه بیرون آید که لا تفعله پس پنج پارچه بیرون آر
و ملاحظه کن بیشتر آنها را پس اگر بیشتر آنها افعله باشد بکن آن را و اگر بیشتر آنها لا تفعله باشد مکن آن را و هم
انجوان نیز در کتاب کافی از ائمه علیهم السلام روایت شده که بعضی اصحاب خود گفته‌اند که در کارهای
عمده مشورت کن با خدا تعالی باین روش که در دل قصد آن کار کن و بنویس در پارچه کاغذی
لا و در یکی نعم و داخل کن آنها را در دو گروه از گل ... و دو رکعت نماز کن بگذار آنها را
در زیر دامن خود و بگو یا الله انی شاورتک فی امری هذا و انت خیر مستشار
و مشیر فاشر علی بما فیه صلاح و حسن عاقبة بعد از آن داخل کن دست خود را

[illegible]

دامن خود و یکی از ان دو کرده بسه پشتر ان انپس اگر باشد دران کرده نعم پس بکن واگر باشد
دران لا مکن سوم آنچه در مصباح کفعمی از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده

است که بخوانی فاتحه را ده بار یا سه بار یا یکبار و بخوانی انا انزلناه را ده بار و بعد ازان سه بار

بگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَخِیرُكَ بِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْاُمُورِ وَاَسْتَشِیرُكَ بِحُسْنِ ظَنِّی

بِكَ فِی الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ الْاَمْرُ الْفُلَانِی و نام بر کار مقصود

رَا مِمَّا قَدْ نِیطَتْ بِالْبَرَكَةِ اَعْجَازُهُ وَبَوَادِیهِ وَحُفَّتْ بِالْكَرَامَةِ اَیَّامُهُ

وَلَیَالِیهِ فَخِرْ لِی اَللّٰهُمَّ فِیهِ خِیَرَةً تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذَلُولًا وَتَقْعَضُ

اَیَّامَهُ سُرُورًا اَللّٰهُمَّ اِمَّا اَمْرٌ فَأْتَمِرُ وَاِمَّا نَهْیٌ فَأَنْتَهِی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَخِیرُكَ

بِرَحْمَتِكَ خِیَرَةً فِی عَافِیَةٍ بِالْاَسْمَاءِ الْحُسْنٰی وَاَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ

اَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ لِی فِی هٰذَا الْاَمْرِ مَصْلَحَةٌ

وَلَكَ فِیهِ رِضًی فَاَظْهِرْ لِی بِالْاَمْرِ وَاِنْ كَانَ نَهْیًا فَاَظْهِرْ لِی بِعَكْسِ

الشَّیْءِ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ بعد ازان بگیر قطعه از تسبیح را بجهة قصد

خود را و اگر کرده باشی کار ... فرد باشد بکن و اگر زوج باشد مکن **فصل دوم** در دعای
گمشده و گریخته در مصباح کفعمی چنین است که چون از کسی چیزی گم شود یا بگریزد حاجت و
رکعت نماز کند و چون سلام دهد هفت بار سوره و الضحی بخواند و بگوید یا جامع الناس لیوم لا ریب فیه ... کل حاجة

یا جامع الشتات یا من مقالید الامور بیده اجمع علی کذا فانه لا جامع

لها الا انت ایضا در ان کتاب از علی علیه السلام روایت شده که هر که از وجهی گریزد باید این

بخواند او کظلمات فی بحر لجی یغشاه موج من فوقه موج من فوقه سحاب

ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن لم یجعل الله له

نورا فما له من نور ایضا در ان کتاب از علی علیه السلام روایت شده که از برای گشتن

غائب و گریخته باید نوشت این را اللهم ان السماء سماؤک والارض ارضک والبر برک

والبحر بحرک وما بینهما فی الدنیا والاخرة لک فاجعل الارض بما رحبت

علی فلان بن فلان اضیق من مسک جمل وخذ بسمعه وبصره وقلبه

کظلمات فی بحر لجی تا اخر انچه سابقا مذکور شد وآیة الکرسی بر دور آن باید نوشت

هو العلی العظیم و بعد از ان در جائیکه میخواهید دفن باید کرد ایضا در ان کتاب است که چون

از وجهی انسانی یا غیر آن خواهی که باز برآید عاشقان یا جامع الناس لیوم لا ریب

فیه ان الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی و بین کذا ... ان کند ...

الله تعالی ترا بان سلامت رساند ایضا در ان کتاب از علی علیه السلام روایت شده که از برای

پیدا شدن گمشده دو رکعت نماز باید کرد و در هر رکعت فاتحة الکتاب یکبار و سوره یس یکبار و چون فارغ

شوی بگو اللهم یا راد الضالة اردد علی ضالتی ایضا در ان کتاب

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله علی و فاطمه علیهما السلام یاد داده که چون بر ایشان غمی

فرود آید یا از جور سلطانی بترسند یا خبری از ایشان گم شود پس باید که وضو نیکو بسازند

بعد از آن بکشند و دستها بالا بردارند و بگویند یا عالم الغیوب و السرائر یا مطاع یا عزیز

یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد صلی الله علیه و آله و سلم

یا کائد فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم

نوح من الغرق یا راحم عبرة یعقوب علیه السلام یا کاشف ضر ایوب

یا منجی ذا النون من الظلمات الثلث یا فاعل کل خیر یا هادی الی

کل خیر یا دالاً علی کل خیر یا خالق الخیر و یا اهل الخیر و یا اهل کل

خیر انت الله فزعت الیک مما قد علمته و انت علام الغیوب اسئلک

ان تصلی علی محمد و آل محمد بعد از آن حاجت خود را طلبد که انشاء الله تعالی

بشود ایضا در آن کتابست که از برای گمشده باید گفت یا من لا یخفی علیه مکتوم

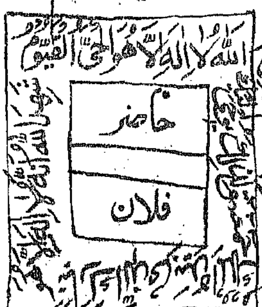
و لا یغیب عنه معلوم و لا یغالبه ممتنع و لا یطاوله رفیع اردد علیّ ضالتی

علی ما فی قبضتک انک اهل الخیرات ایضا در آن کتابست که از برای گم

و گریخته باید گفت اللهم یا هادی الضالة و راد الضالة اسئلک بعزتک و

سلطانک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان ترد علیّ ضالتی فانها

من عطائك وفضلك ورزقك وايضا دران كتابست كه از براى گمگشته سوره عبس را بايد خواند و همچنين است سوره والعاديات ايضا خواص اسماء الحسنى
ازان كتاب چنين است الشهيد الحق را چون بر چهار گوشه كاغذى بنويسد وكسى كه گم شده را بود وسلاى آن كاغذ بنويسى در نصف شب به آسمان در آئى و همين اسم را هفتاد بار
خبر گمشده و غائب شده بشود وايضا اگر در نصف شب گوشهاى خانه خود را بستى هفتاد بار
يا معيد بگوئى و بعد ازان بگوئى يا معيد رد على فلان را بهمان خبر غائب رسد
و همچنين است كه از براى رد گمشده اين كلمات را باين روش بايد نوشت و اسم گمشده را بايد نوشت و در خواص السعود چنين است كه كسى چيزى گم كند



و بعد ازان آن مكان را گم كند چون ظرف نو
اين را بنويسد ان الله يأمركم ان تؤدوا
الامانات الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ان
الله نعما يعظكم به ان الله كان سميعا بصيرا و بعد ازان با آب باران
بشويد و در مكانيكه گمان دارد بپاشد بر مكان مدفون مطلع شود و چون
سوره عبس را بر مدفونيكه خواند كه مكانش گم كرده باشند الله تعالى ايشان را
بآن مكان راه نمايد و در مكارم الاخلاق چنين است كه چون بنده گم شود بنويسد بسم الله

يعنى اسم كسى
بجاى فلان
بايد نوشت
بجواب ابرار

الرحمن الرحیم ید فلان مغلولة الی عنقه اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن
لم یجعل الله له نورا فما له من نور و آن را هم تیچ در میان چوب کنار و در چیده
تاریک کند و پنهان کند و از آن میوه بود کفعمی چنین است که در خانه که او باشد در جای پنهان
یا در زیر سنگ گرانی بگذارد الصادر این کتاب از امام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه السلام
شده که از برای گشتن گریخته اینها را باید خواند و بر کاغذی باید نوشت و آیة الکرسی را بدور
آن باید نوشت و آن کاغذ را در خانه که آن شخص میوه دفن باید کرد و بر بالای آن
سنگینی باید گذاشت و دعا این است اللهم السماء لک والارض لک وما بینهما فاجعل
ما بینهما اضیق علی فلان من جلد جمل حتی تردّه علیّ و تظفرنی به
والایضا این کتاب چنین است که از برای گشتن گریخته دو رکعت نماز کن در رکعت اول
یکبار و چهار آیت اول سوره حدید چهار آیت آخر سوره حشر بخوان چون فارغ شوی بگو یا
هکذا و لا هکذا غیره اجعل الله تبارک علی فلان اضیق من مسک
جمل حتی تردّه علیّ و آیات سوره حدید این است بسم الله الرحمن الرحیم سبّح لله
ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملک السموات والارض
یحیی و یمیت وهو علی کل شیء قدیر هو الاول والآخر والظاهر
والباطن وهو بکل شیء علیم هو الذی خلق السموات والارض و ما

فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها
وما ینزل من السماء وما یعرج فیها وهو معکم اینما کنتم والله بما
تعملون بصیر و آیات آخر سورهٔ حشر است لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته
خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم
یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم
هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن
العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم و ایضا در این کتاب که از برای گمشدن گریخته و گمشده این دعا را بخوانند یا بنویسند
اللهم انت جبار فی السماء وجبار فی الارض واله فی السماء واله
فی الارض ترد الضالة وتهدی من الضلالة رد علی فلان ضالته
اشفقه و ایضا در این کتاب از امام رضا علیه السلام روایت شده که از برای گمشده
گریخته و گمشده این دعا را بخوانند وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم
ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات
الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین اللهم انک تهدی

من الضلالة وتهدي من العمى وترد الضالة صل على محمد وآله واغفر لي ورد
ضالتي وصل على محمد وآله وسلم و ایضا از کتاب امیر المؤمنین
روایت شده که از برای پیدا شدن گمشده و گریخته باید کرد و هر روز بعد فجر یکبار سوره یس بخواند و بعد
از فارغ شدن از نماز دستهای خود بسوی آسمان بلند کرده باید گفت اللهم راد الضالة
والهادي من الضلالة صل على محمد وآل محمد واحفظ علي ضالتي واردد
ها الي سالمة يا ارحم الراحمين فانها من فضلك وعطائك يا عباد الله
في الارض ويا سيارة الله في الارض ردوا علي ضالتي فانها من
فضل الله وعطائه و ایضا از کتاب امیر المؤمنین روایت شده که از برای پیدا شدن
گمشده این دعا باید خواند اللهم لا اله الا انت لك السموات ولك الارض وما
بينهما فاجعل الارض علي كذا اضيق من جلد جمل حتى تمكنني منه انك
على كل شيء قدير باب سیزدهم در ادعیه و اعمال وقت اراده تزویج و وقت زفاف
و آداب آن و ادای حقوق زنان رعایت باید نمود و بیان حقوق زنان بر شوهران و حقوق شوهران
بر زنان و اعمال گشودن بسته شده و اعمال طلب فرزند و طلب پسر و محافظت حمل
و آسانی وضع حمل و اعمال در تولد مولود و در روز هفتم مولود و اعمال وقت رضاع و ما بعد آن و بیان حقوق
فرزندان بر والدین و حقوق ایشان بر ایشان و اعمال وقت اراده تزویج در کافی بسند کلینی از امام جعفر صادق

علیه السلام روایت شده که چون کسی قصد خواستگاری زن کند پس باید که دو رکعت نماز کند
و بعد از آن حمد الله تعالی بجا آورد و بعد از آن بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اُریدُ اَن اَتَزَوَّجَ فَقَدِّر لی
مِنَ النِّساءِ اَعَفَّهُنَّ فَرجاً وَ اَحفَظَهُنَّ لی فی نَفسِها وَ فی مالی وَ اَوسَعَهُنَّ
رِزقاً وَ اَعظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَ قَدِّر لی وَلَداً طَیِّباً تَجعَلُهُ خَلَفاً صالِحاً فی حَیاتی
وَ بَعدَ مَماتی و در حدیث دیگر از کتاب مذکور از امام محمد باقر علیه السلام
روایت شده که بعد از نماز مذکور باید خواند اَللّٰهُمَّ ارزُقنی اِلفَها وَ وُدَّها
وَ رِضاها وَ رَضِّنی بِها ثُمَّ اجمَع بَینَنا بِاَحسَنِ اجتِماعٍ وَ آنَسِ ائتِلافٍ
فَاِنَّکَ تُحِبُّ الحَلالَ وَ تَکرَهُ الحَرامَ و اختیار کن از زنان کسی را که گشاده رو
و کم مهر و باکره و خوش خلق و ازرق و گندم گون و بزرگ سرین و گشاده چشم و میانه بالا
صاحب دین و نجیب الطرفین و زاینده و اعانت کننده بر شوهر خود و مهربان به شوهر باشد و اجتناب کن از
زنان عقیم و بی جمال و احمق و بدخلق و سیاه و بلند آواز در گفتگو باشد و دخل کنند در کارها و طعن کنند
و عیب نمایند که چیز بسیار را کم شمرند و کم را قبول نکنند و فریفته مال و جمال زن نشو که گاه در اعتقادات
دینی و در آنچه مذکور شد مرضی نباشد و در جعفریات از امیر المؤمنین علیه السلام روایت
شده که چون کسی خواهد که زنی خواهد که جامع خصال مختاره باشد باید که دو رکعت نماز کند در هر رکعت
فاتحه یکبار و سوره یس یکبار و چون فارغ شود حمد و ثنای الهی تعالی کند و بگوید اَللّٰهُمَّ و

آیسر

ارزقنی زوجة ودودا ولودا شکورا غیورا ان احسنت شکرت وان
اسأت غفرت وان ذکرت الله اعانت وان نسیت ذکرت وان خرجت
من عندها حفظت وان دخلت علیها سرتنی وان امرتها اطاعتنی
وان اقسمت علیها ابرت قسمی واذا غضبت علیها ارضتنی یا
ذا الجلال والاکرام هب لی ذلک فانا اسألک ولا اجد ما قسمت
واعطیت و خواص السوره چنین ست که چون این آیات را بنویسی عزبی بر خود بندد
واز کسی اراده تزویج کند قبول کند و آیات اینست ولا تمدن عینیک الی ما متعنا
به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا لنفتنهم فیه ورزق ربک خیر
وابقی وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها لا نسألک رزقا نحن نرزقک
والعاقبة للتقوی و چون سوره طه را بنویسی و با خود داری و بروی بسوی قومی که وی را — تیسیر
تزویج از ایشان کرده باشی ترا زن دهند و چون عزب باشی تزویج بر تو مشکل باشد واین آیات را
بنویسی و با خود داری و سه فرزند روزه داری و هر شب در فراش خواب بیست و یکبار همین آیات
بخوانی و مطلب خود را از الله تعالی بخواهی تزویج بر تو آسان شود و آیات اینست ربنا هب لنا من
ازواجنا وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما اولئک یجزون الغرفة
بما صبروا ویلقون فیها تحیة وسلاما خالدین فیها حسنت مستقرا ومقاما

دختران دوشیزه باشی وخواهی که بشوهر روی بنویس سورهٔ احزاب را بر پوست آهو ودر حقه بگذار
ودر خانه بگذار ایشان از برای شوهر بخواهند **باعمال** وقت زفاف وتزویج سنت است ولیمه دادن
نزد زفاف واینکه عقد در شب واقع شود و ولیمه در روز داده شود ومکروه است عقد کردن
در سه روز آخر ماه ودر وقتیکه قمر در عقرب باشد ودر وقت گرمی روز چون نزدیک زوال آفتاب
ومکروه است زفاف در شب چهارشنبه ودر **کافی** شیخ کلینی از امام محمد باقر علیه السلام
روایت شده که چون زن را بخانه آری بفرمائی که وضو بسازد ودو رکعت نماز کند وتو نیز
وضو بساز ودو رکعت نماز کن وچون فارغ شوی تحمید کن الله تعالی را وصلوات فرست
بر محمد وآل محمد صلوات الله علیهم وبگو اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی اِلْفَهَا وَوُدَّهَا وَرِضَاهَا وَاَرْضِنِی
بِهَا وَاجْمَعْ بَیْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَاَنَسِ ایْتِلَافٍ فَاِنَّکَ تُحِبُّ الْحَلَالَ
وَتَکْرَهُ الْحَرَامَ ودست خود را بر پیشانی زن بگذار وبگو اَللّٰهُمَّ عَلٰی کِتَابِکَ تَزَوَّجْتُهَا
وَفِی اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا وَبِکَلِمَاتِکَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَاِنْ قَضَیْتَ لِی فِی
رَحِمِهَا شَیْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِیًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْکَ شَیْطَانٍ ایضا از
امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که رو بقبله بایست ودست بر پیشانی
بگذار وبگو اَللّٰهُمَّ بِاَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا وَبِکَلِمَاتِکَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَاِنْ قَضَیْتَ
لِی مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَکًا تَقِیًّا مِنْ شِیعَةِ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ

الشیطان فیه شرکا ولا نصیبا وایضا از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده

کرده که بنهد دست بر پیشانی زن بانگ قبلت و بگوید اللهم بکلماتک استحللتها و

بامانتک اخذتها اللهم اجعلها ولودا ودودا ولا تفرکا تأکل مما راح

ولا تسأل عما سرح و ایضا از امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که چون

داخل شود بر زن و دو رکعت نماز کند و دست بر پیشانی او گذارد و بگوید اللهم بارک لی

فی اهلی وبارک لهم فی وما جمعت بیننا فاجمع بیننا فی خیر و یمن

وبرکة واذا جعلتها فرقة فاجعلها فرقة الی خیر بعد از آن بگوید الحمد

لله الذی هدی ضلالتی واغنی فقری ونعش خمولی واعز ذلتی

وآوی عیلتی وزوج ایمتی وحمل رحلی واخدم مهنتی وآنس وحشتی و

رفع خسیستی حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه علی ما اعطیت وعلی ما قسمت

وعلی ما وهبت وعلی ما اکرمت بعد از ادعیه مذکوره پاهای او بشوید آن را در

پایها او در ظرفی بشوید و آن آب را از در تا خانه که بدرون می آید بریزد تا بیخ آن خانه

و بفرماید که آن زن تا هفت روز اجتناب کند از خوردن لبنیات و گشنیز و سیب ترش و نحو آن

و از اوقات جماع شب دوشنبه و شب سه شنبه و شب پنجشنبه و شب جمعه خصوصا بعد از نماز خفتن و وقت

زوال روز پنجشنبه و بعد از عصر روز جمعه و شب اول ماه رمضان است و اجتناب کند از جماع در اوقات

حیض و در شب عید فطر و در شب عید قربان و نصف شعبان و در روز نه و شب آخر شعبان
و شب اول ماه و میان ماه و آخر ماه و وقتیکه خواهی بسفر بروی که سه شب پیش از آن
شب باشد و شبی که از سفر آمده باشی و شبیکه ماه گرفته باشد و روزیکه آفتاب گرفته باشد و در وقت
وزیدن باد سیاه یا سرخ یا زرد و در وقت زلزله و وقتیکه برهنه باشی و وقتیکه رو بقبله یا پشت بقبله
باشی و وقتیکه در کشتی باشی و وقتیکه محتلم شده باشی و در مابین غروب آفتاب تا برطرف شدن سرخی مغرب
و در مابین طلوع صبح و طلوع آفتاب و در مابین اذان و اقامت و در ساعت اول از شب و در
ساعت بعد از زوال متصل بزوال و در پشت بام و وقتیکه زن را حمل باشد مگر آنکه وضو بسازی و در خانه که
کسی دیگر غیر تو و آن زن در آن خانه باشد خواه طفل و خواه غیر طفل و اجتناب کن از حرف زدن در
وقت جماع و از نگاه کردن بر فرج زن و از مجامعت با زن خود بیاد زن دیگری و از ایستاده جماع
کردن و از جماع کردن برو که پشت زن بسوی تو باشد و از جماع در وقت دربدری و از جماع در زیر
درخت میوه‌دار و از جماع در آفتاب مگر اینکه پرده بیاید سایه اندازد و از خواندن قرآن
با زن در جامه خواب بعد از جنابت و باید که خرقه تو که خود را با آن پاک کنی غیر خرقه زن
باشد چه وحدت آن باعث عداوت بود و چون خواهی که جماع کنی و شیطان را
با تو مشارکت نباشد بگو آنچه که در کافی شیخ کلینی از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است
شده و آن اینست بسم الله و بالله اللهم جنبنی الشیطان و جنب

الشیطان مما رزقتنی **ایضا** بگو آنچه را که در کتاب امام جعفر صادق علیه السلام

روایت شده و آن اینست بکلمات الله استحللت فرجها و فی امانة الله اخذتها

اللهم ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا و اجعله مسلما

سویا و لا تجعل فیه شرکا للشیطان **ایضا** بگو آنچه را که در کتاب از ایشان حضرت

روایت شده و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات

والارض ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان

فیه شرکا و لا نصیبا و لا حظا و اجعله مؤمنا مخلصا مصفا من الشیطان

و رجزه جل ثناؤک **آداب حیض** که با زنان رعایت باید نمود و از جمله آن آداب

اینست که جماع که متجاوز از حد قدرت او باشد با و نفرماید چه امیر المؤمنین علیه السلام فرمود

که زن بمنزله ریحانیست و قهرمانی نیست پس با وی مدارا باید نمود در همه حال تا از او

منتفع شوی و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که زنان بمنزله استخوان کج اند اگر راست کنی شکسته

شود و اگر بان کجی با او منتفع توان شد **ایضا** فرمود که زنان را بالاخانها جا ندهید و خط با ایشان

نیاموزید و سوره نور با ایشان یاد دهید و **کافی** شیخ **کلینی** از ایشان علیهم السلام روایت است

که از زنان بد بالله تعالی پناه جوئید و از خوبان ایشان برحذر باشید و اینکه مبارکی در مخالفت ایشانست

و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله تا کی کفار رفت با زنان مشورت می نمود و چون ایشان می گفتند برخلاف آن عمل

میکردند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که خبرهای پنهانی با ایشان نباید گفت و اطاعت
ایشان نباید کرد در باب ایشان و نزدیکان بدرستیکه زن چون پیر شود میرود نفع دو جانب بالا و
پایین او و باقی میماند ضرر آن دو جانب زیرا که برطرف میشود حسن او و نا امید میشود و زنده‌ها
و تند میشود زبان او و بدرستیکه مرد چون پیر میشود میرود بدی دو جای بالا و پایین او و میماند خوبی آن
دو زیرا که مستقیم میشود خرد او و بس فحش و تندی با نفس برطرف میشود و احتمال زنا و مانند آن رفع میشود
و استوار میشود رای او و بس سعی کند در تحصیل فرزند حلال زاده و تربیت او و خوب میشود خلق او بسر
یعنی برای او
باصفا و نورانی میشود و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که حلال نیست از برای زنی که
موی سر را گره کند و سر را بلند کند. و نهی کرده از آنکه زن بر زین سوار شود و در احادیث
از ائمه علیهم السلام منقولست که چون زن از مکانی برخیزد تا آن مکان سرد نشود نباید نشست
و از حقوقیکه زن بر شوهر دارد بنا بر آنچه شیخ کلینی در کافی از ائمه علیهم السلام روایت کرده آنست که او را نفقه دهد
و لباس بپوشاند و گناهیکه از روی جهل از او بظهور آید آنرا ببخشد و در نفقه چنان کند که در ماهی اقلا دو بار گوشت
و پانزده بار روغن بخورد و از میوه‌ها که تازه بهم رسد از برای او بیاورد و در عیدها و جمعه‌ها
نحوی کند که خوردنش بهتر از خوردنیهای روزهای دیگر باشد و از حقوق که شوهر بر زن
دارد بنا بر آنچه شیخ کلینی در کافی از ائمه علیهم السلام روایت کرده آنست که او را اطاعت کند
و بی رضای او کاری نکند و از مال او تصدق نکند مگر برخصت او و اگر بی رخصت او چیزی بکسی

و همه از برای آن زن وبالی ذخیره شود و ثواب آن از برای مرد باشد و هر زنی که سفتی بگیرد مگر
برخصت او و او را امتناع از جماع کند هر چند بر پشت پالان شتر باشد بلکه خود را با لباسهای فاخر
و خوشبو بیاراید و از صبح و شام بر شوهر عرض کند و از خانه بیرون نرود مگر برخصت او و اگر
بی رخصت او بیرون رود لعنت میکنند بر او فرشتگان زمین و فرشتگان غضب الهی و فرشتگان
رحمت الهی تا وقتی که بخانه برگردد و نحوی نکند که شوهرش بر او خشمناک باشد هر چند حق با شوهر نباشد
پس هر زنی که شوهرش بر او خشمناک باشد نماز او مقبول درگاه الهی نگردد و زن نتواند که از مال شوهر چیزی
آزاد کند یا چیزی تصدق کند یا چیزی بکسی بخشد یا نذر کند مگر آنکه شوهر او را در اینها رخصت داده باشد و چون
زنی مطیع نباشد بنویسی سوره زخرف را و بشوئی و آن آب را آن زن بخورد مطیع شود او و جمیع
اعمالیکه نسبت بآن کنند نوشته شود در عقد الداعی چنین است که بنویسد اول سوره انا فتحنا تا مستقیما
بنویسد سوره ازواجها را و بنویسد این آیات را و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم
ازواجا لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لآیات لقوم
یتفکرون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون ففتحنا ابواب
السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر رب اشرح لی
صدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی و ترکنا
بعضهم یومئذ یموج فی بعض و نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا کذالک

فلان بن فلان عن فلانة بنت فلانة ونام زن وشوهر را بنویس لقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم فان
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
نسخه
العظیم وچون این تو را ببینند شرم خود نبیند واشود و در مصباح کفعمی چنین است که از اول تا
آخر اغیرا باید نوشت و زیر این را باید نوشت که وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء
علی امر قد قدر وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ فی الصور
فجمعناهم جمعا وضرب لنا مثلا ونسی خلقه قال من یحیی العظام
وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل
خلق علیم حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها
اللهم انی اسئلک بحق الاسم المکنون بین الکاف والنون
وبحق محمد واهل بیته الطاهرین ان تحل ذکر فلان بن فلانة علی فلانة
فلانة — بنت فلان بکهیعص حمعسق بقل هو الله احد وعنت الوجوه
للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما بالف لا حول ولا قوة الا بالله
نوشته — العلی العظیم وچون این آیت را بشیشه با خود دارد واشود والصلح ان
کتابت کرده بر کف سیون باید نوشت که والسماء بنیناها باید وانا لموسعون

بطلبد باید او که فرو برد و بپزد و دیگر از زیتون باید نوشت که وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا

فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ و زن باید او که فرو برد و ایضا در این کتابست که بگیرد تخم مرغ

و بریان کند پوست از آن بکند و بنویسد اول این آیه را که حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ

خَرَقَهَا و بر دوم این که أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا

يُؤْمِنُونَ و بر سوم این را که فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى و بخورد مرد بسته شده اول را این اگر

وا نشود دوم را نیز بخورد و اگر وا نشود سوم را نیز بخورد ادعیه و اعمال طلب فرزند

از انجمله نمازیست که در روز جمعه بعد از نماز ظهر باید گزارد در بقال دوم از اعمال و حرمیه

شد و از انجمله ادعیه ایست که شیخ کلینی در کافی روایت کرده مثل آنچه از امام جعفر صادق ع

روایت شده که باید گفت اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحِيدًا

وَحْشًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي عِنْدَ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَافِيَةَ صِدْقٍ ذُكُورًا وَ

إِنَاثًا آنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ

يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعَظِّمُ ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي

رِضْوَانَكَ فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَوَفَاءٍ بِالْعَهْدِ و مثل آنچه از سجاد

روایت شده که در حال سجود باید گفت رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً

و اگر شخصی عقیم باشد بعد از نماز در سجده بگوید رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء اللهم باسمائک استحللتها و بامانتک اخذتها فان قضیت فی رحمها ولدا فاجعله غلاما مبارکا زکیا و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا

إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و مثل آنچه از
امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که هر روز صد بار استغفار باید کرد و مثل آنچه
از آنحضرت علیه السلام روایت شده که هر روز صبح و شام هفتاد بار استغفار یعنی أستغفر
الله و هفتاد بار سُبْحَانَ اللهِ و ده بار أَسْتَغْفِرُ اللهَ و نه بار سُبْحَانَ اللهِ و بعد از آن
یکبار أستغفر الله باید گفت و در مکارم الاخلاق چنین است که بعد از تسبیح باید گفت أَسْتَغْفِرُ
اللهَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا و مثل
آنچه از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که در وقت جماع باید گفت اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِنْ
رَزَقْتَنِي ذَكَرًا سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا و مثل آنچه از امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده که در وقت ارادهٔ جماع این آیت را از سورهٔ انبیا باید خواند
وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي
الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ
وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ
رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا
لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ

وَيَدْعُونَنَا رَغَباً وَرَهَباً وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ و مثل اینها از امام محمد باقر
علیه السلام روایت شده که در وقت جماع بگوید اللّهمّ ارزقنی ولداً واجعله
تقیّاً لیس فی خلقه زیادة ولا نقصان واجعل عاقبته الی الخیر
از آن جمله روایت است که ابن فهد در کتاب مهذب از امام زین العابدین روایت کرده که از برای
طلب فرزند این دعا را بگوید ربّ لا تذرنی فرداً وانت خیر الوارثین
واجعل لی من لدنک ولیّاً یرثنی فی حیاتی ویستغفر لی بعد موتی وفاتی
واجعله خلقاً سویّاً ولا تجعل للشیطان فیه شرکاً ولا نصیباً اللّهمّ
انّی استغفرک واتوب الیک انّک انت الغفور الرحیم و در خواص
السور منقول است که چون سورهٔ آل عمران را با زعفران و گلاب بنویسد و بر زنی بندد که حامله
نمی شده باشد حامله شود و چون کسی سورهٔ فجر را یازده بار بخواند و بر آلت خود بدمد بعد از آن
جماع کند الله تعالی او را فرزند دهد اعمال طلب پسر در انیس العابدین است چنین که چون
خواهی از تو پسر متولد شود بنویسد بر کاغذ لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ
خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
هنالك دعا زكريا ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة انك
سميع الدعاء فنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب ان الله
يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة من الله وسيدا وحصورا ونبيا من الصالحين
قل ان الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم يختص برحمته
من يشاء والله ذو الفضل العظيم ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا
قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما واصلح لي في ذريتي اني تبت اليك
واني من المسلمين ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طين ثم
جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة
مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر
فتبارك الله احسن الخالقين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين
چون حمل ظاهر شود و تشخیص [illegible] ماه رسیده زن را بدو [illegible] بکن و خود [illegible] بایست
هر روز چنانکه باشید بر حسب وضو غسل کرده بخوانید لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره را
بر شکم زن بمال و [illegible] بالله [illegible] ما في [illegible] [illegible]

بعدازان کاغذ را برجانب چپ زن بیاویزد که با او باشد و در آن کتاب چنین است که این عمل مکرر
تجربه شده در **مکارم الاخلاق** از امام جعفر صادق علیه السلام روایت
شده که چون خواهی که از تو پسر متولد شود پس وقتیکه اراده کنی که با زن مجامعت نمائی
دست راست خود را برجانب راست ناف آن زن بگذار و هفت بار سوره انا انزلناه بخوان و چون
حمل ظاهر شود و در شب حرکت کند باز دست راست خود را برجانب راست ناف آن زن بگذار و هفت بار
سوره انا انزلناه بخوان در **مجمع الدعوات** چنین است که چون خواهی حامله
پسر زاید پیش از آنکه مدت حملش بچهار ماه رسد چهار جمعه متوالی بر شکمش بنویس بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی سمیته محمدا صلی الله علیه و آله فسمه انت ایضا محمدا بحرمة
محمد و اولاده الطیبین الطاهرین و ایضا در آن کتاب است که چون خواهی که حامله
پسر زاید پیش از آنکه مدت حملش بچهار ماه رسد رو بقبله دست بر شکم او بزن و بگو اللهم انی
قد سمیته محمدا صلی الله علیه و آله و چون زایید نام او را محمد کن **اعمال وقت حمل**
در خواص السور چنین است که چون سوره یس را بنویسی و بشوئی و آب آن را حامله بنوشد حملش از سقوط
و آفات دیگر سالم ماند و چون این آیات از سوره انبیاء و یوسف را بنویسی و بر حامله ببندد از ابتدا
حملش تا چهل روز با او باشد و بعدازان بگشائی و در آن ماهی که وقت زائیدن است با خود دارد
فرزندش از آفات محفوظ گردد و آیات این است و ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر و انت ارحم

الرّاحمین فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضرّ وآتیناه اهله ومثلهم
معهم رحمةً من عندنا وذکری للعابدین واین آیات برای زنی بخو
انند که خونش بسیار آمده باشد خونش منقطع شود انّ الّذی فرض علیک القرآن لرادّک
الی معاد لکلّ نبأ مستقرّ لکلّ نبأ مستقرّ لکلّ نبأ مستقرّ لا
حول ولا قوّة الّا بالله و باید که زن چون حمل کند بسیار بخاید چه در مکارم الاخلاق
از پیغمبر روایت شده که باعث زیادتی عقل فرزند شود و شیر باید که ناشتا بسیار خورد چه در
کافی شیخ کلینی از ائمه علیهم السلام روایت شده که باعث زیادتی جمال فرزند شود و شیر باه
که در روزیکه فرزند از و متولد شود هفت دانه خرما بخورد چه در کافی شیخ کلینی از امیر المؤمنین
صلوات الله علیه روایت شده که باعث زیادتی فهم فرزند شود اعمال آسانی وضع در مصباح
کفعمی چنین است که چون زائیدن نزدیک شود این آیات را بنویسد بر ران راست او بندد و چون وضع حمل شود
از و بگشایند و آیات اینست بسم الله الرّحمن الرّحیم کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم
یلبثوا الّا ساعةً من نهار بلاغ فهل یهلک الّا القوم الفاسقون کأنّهم
یوم یرونها لم یلبثوا الّا عشیّةً او ضحاها اذ قالت امرأة عمران ربّ انّی
نذرت لک ما فی بطنی محرّراً ایضا در مکارم الاخلاق چنین است
که از برای آسانی وضع حمل این شکل را باید نوشت و بر ران راست حامله بست

در شکل انیست و ایضا وا نیز عمل را باید نوشت و بر ران حامله باید بست و دعا این است اخرجها

خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس فرج عنها والقها سویا باذن الله

اخرج نفسی من هذا المجلس

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

[illegible]

عز و جل وایضا و مصباح کنفع خوب است که از برای آسانی وضع حمل این آیات باید نوشت

بر ران حامله بست بسم الله الرحمن الرحیم اذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و القت ما فیها و تخلت کذلک تلقی الحامل ما فی بطنها سالما ان شاء الله تعالی بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله و بالله ان مع العسر یسرا بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید و ایضا کتب

چنین است که از برای آسانی وضع حمل این شکل را باید نوشت و بر ران چپ حامله بست

لعمه صمصمه لهاذه **و ایضاً** در مکارم الاخلاق چنین است که از برای آسانی

وضع حمل این آیات را باید نوشت بر ساق حامله بست بسم الله و بالله محمد رسول الله

کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذا السماء انشقت و

اذنت لربها وحقت واذا الارض مدت والقت ما فیها وتخلت ولبثوا فی

کهفهم ثلث مائة سنین وازدادوا تسعا اخرج یا [illegible] من البطن

الطیبة منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری اخرج

باذن الله وقدرته واسمه الذی لا یضر مع اسمه داء فی الارض ولا

فی السماء وهو السمیع العلیم العزیز الوهاب کانهم یوم یرون ما یوعدون

لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون

اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما

وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون انما امره اذا اراد شیئا

ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه

ترجعون بسم الله الرحمن الرحیم اذا

جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون فی دین

الله افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان

تو آبا و اولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن و ایضا در کلام
الملک الخلاق چنین است که از برای آسانی وضع حمل این آیات را باید نوشت و بر کمر حامله
بست چون وضع حمل شود وا باید گشود اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و
آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم
من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا
الا ساعة من نهار و ایضا در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که از برای
آسانی وضع حمل این آیات را باید نوشت که حامله با خود دارد و آیات این است بسم الله الرحمن
الرحیم مریم ولدت عیسی هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم
من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخا فان مع
العسر یسرا ان مع العسر یسرا و صلی الله علی محمد و آل محمد و سلم تسلیما و ایضا
از کتاب عیسی علیه السلام منقول است که از برای آسانی وضع حمل این دعا را باید نوشت که حامله با خود دارد یا خالق
النفس من النفس و مخرج النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها
بعد از آن بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله الحلیم الکریم سبحان الله
رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا

إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ و ایضا در

کتب دعوات چنین است که برای آسانی وضع حمل این آیات را با زعفران باید نوشت که حامله با خود دارد

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ سَيَجْعَلُ اللَّهُ

بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ وَأَذِنَتْ

لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ وَإِنَّ يُونُسَ

لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

اُخْرُجْ أَيُّهَا الْوَلَدُ مِنْ بَطْنِ فُلَانَةَ بِنْتِ فُلَانٍ كَمَا خَرَجَ يُونُسُ مِنْ بَطْنِ

الْحُوتِ سَالِمًا مُسَلَّمًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِحَقِّ آدَمَ صَفِيِّ

اللَّهِ وَإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ وَعِيسَى رُوحِ اللَّهِ

وَمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ و ایضا

در خواص السوره چنین است که چون سورهٔ ذاریات یا واقعه یا انشقاق را

بنویسی و بر حامله بندی وضع حملش آسان شود و چون وضع حمل شود آنها را

باید گشود و ایضا در مکارم الاخلاق از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت

شده که برای آسانی وضع حمل این دعا را بر پوست آهوی یا کاغذ باید نوشت که حامله با خود دارد

اللَّهُمَّ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا ارْحَمْ

فلانة بنت فلان رحمةً تغنيها بها عن رحمة جميع خلقك تفرج بها كربتها

وتكشف بها غمها وتيسر بها ولادتها وقضي بينهم بالحق وهم لا يظلمون

وقيل الحمد لله رب العالمين وایضا در مکارم الاخلاق مذکور است که

برای آسانی وضع حمل این دعا را بر پهلوی حامله باید نوشت بسم الله وبالله اخرج

باذن الله منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى وصلى

بر محمد وآل محمد [illegible] والحمد [illegible] در کتابت که این دعا را برای آسانی وضع حمل بر پهلوی

حامله باید نوشت بسم الله الرحمن الرحیم فان مع العسر یسرا ان مع العسر یسرا

یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ویهیئ لکم من امرکم مرفقا ویهیئ لکم

من امرکم رشدا وعلی الله قصد السبیل ثم السبیل یسره اولم یر الذین

کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل

شیء حی افلا یؤمنون وایضا در مکارم الاخلاق مذکور است که برای آسانی وضع حمل

این دعا را حامله باید خواند یا خالق النفس من النفس ومخلص النفس من النفس خلصها

بحولك وقوتك وایضا در کتاب [illegible] مذکور است که از برای آسانی وضع حمل سوره انا انزلناه را خواندن

بر حامله وایضا در مکارم الاخلاق مذکور است که [illegible] سوره انا انزلناه را در ظرفی نو نوشته بشوید از آن آب حامله

بخورد و قدری بر شکمش بپاشد وضع حمل برو آسان شود وایضا در کتاب مذکور است که چون این دعا را [illegible]

سه اوقات آب چاه ملہ نوشته بر میان دو شانه اش بزند و در میان و پستانش بزند وضع حمل

برا و آسان شود و دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله

رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین بسم الله الحلیم الکریم سبحان الله

رب السموات و رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها

لم یلبثوا الا عشیة او ضحاها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ و ایضا در مکارم

الاخلاق چنین است که چون این شکل را بر دو پاره سفال بنویسند و یکی را زیر پای

راست حامله گذارند و یکی را زیر پای چپ او گذارند وضع حمل برا و آسان شود و در زبده

الدعوات چنین است که این شکل را بر سه پاره سفال باید نوشت یکی را در زیر پای راست حامله

باید گذاشت که شکسته شود و یکی را در زیر پای چپ باید گذاشت که شکسته شود و یکی را در برابر

روی او باید داشت که بآن نظر کند و شکل اینست

اخرج نفسی من فی هذا المجلس

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

[illegible]

و ایضا در مکارم الاخلاق چنین است که چون این

شکل را بنویسند بر پشت تعویذی نویسند حامله بر سر آن بنشیند وضع حمل

برو آسان شود و شکل اینست

اثنین	ثلثة	اربعة
ثلثة	اثنین	اربعة

و باید که اول اثنین نوشته شود در سطر فوق بعد از آن ثلثه در آن بعد از آن اربعه در آن سطر

و بعد از آن ثلثه در سطر تحت و بعد از آن اثنین در آن سطر و بعد از آن اربعه در آن سطر

تا خاصیت آن بران مترتب شود **اعمال وقت ولادت مولود** چون فرزند از پدر شود
سنت است که او را غسل دهند و در گوش راستش اذان بگویند و در گوش چپش اقامت بگویند
و خاک قبر امام حسین علیه السلام با عسل یا خرما را با آب فرات یا آب شیرین ممزوج سازند
کام طفل را بآن آب بردارند **و چون** جاوشیر را به آب حل کنی و قطره از آن در سوراخ راست بینی
طفل بچکانی و بقدر نصف عدس از آن در سوراخ چپ بینی او بچکانی و در گوش راست او اذان بگوئی و در گوش
چپ او اقامت بگوئی در حالیکه ... از بریدن ناف آن طفل محفوظ ماند آن طفل از خوف
و از ام الصبیان **و چون** سوره بلد را بنویسی در اول ولادتش بر او ببندی ایمن شود از نقص
و چون سوره دخان را بنویسی در وقت ظهورش بر او ببندی ایمن شود از جن و از گزندها **و چون**
سوره الحاقه را بنویسی و بر طفل ببندی از هر آفتی محفوظ ماند **و چون** سوره الحاقه را بنویسی و بشوئی
و بخورد طفل دهی ساعتی که متولد شود پاکیزه کند او را و محفوظ ماند از گزندها و از شیطان **و چون** معوذتین را
بنویسی و بر طفل ببندی ایمن شود از جن و از گزندها **اعمال بعد از ولادت مولود** سنت است که در روز
هفتم بر آن طفل نامی قرار دهند با کنیت و بهترین نامها نامهای پیغمبران و ائمه علیهم السلام است و راستترین نامها
نامی است که مشتمل بر عبودیت باشد چون عبدالکریم و عبدالرحیم و نظیر اینها و بدترین نامها حکیم و حکم و خالد و
مالک و حارث باشد و بدترین کنیتها ابوعیسی و ابوالحکم و ابومالک است و چون محمد نام گذاری
کنیتش را ابوالقاسم مگذار **و ایضا** سنت است که در روز هفتم سر طفل را پیش از عقیقه بتراشند

و ایضا سنت است گذاشتن گیسو و کاکل مکروهست و تصدق کنند بانقره طلا از مستحبات

و ختنه کردن طفل در روز هفتم سنت است و ایضا سوراخ کردن گوش طفل در روز هفتم

کردن و ختنه دختر سنت است و از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که در وقت ختنه

این دعا باید خواند اللّهمّ هٰذه سنّتك وسنّة نبيّك صلواتك عليه وآله واتّباع

منّا لك وكتبك لمشيّتك وارادتك وقضائك لامر اردته وقضاء

حتمته وحكم انفذته فاذقته حرّ الحديد في ختانه وحجامته

لامر انت اعرف به منّي اللّهمّ فطهّره من الذّنوب وزد في عمره وادفع

الآفات عن بدنه والاوجاع عن جسمه وزده في الغنى وادفع عنه الفقر

فانّك تعلم ولا نعلم و ایضا سنت است در روز هفتم عقیقه کردن و بعضی جایز دانند با وجود

عدم قدرت تاخیر از آن روز جایز است و تصدق بقیمت گوسفند جای آن نمیگیرد و

استحباب آنرا ساقط نمیکند و اگر بعمل نیاید تا وقت بلوغ آن سنت است که خودش بعد از

بلوغ از برای خود عقیقه کند و اگر طفل در روز هفتم بعد از زوال بمیرد استحباب عقیقه ساقط میشود

و اگر پیش از آن بمیرد استحبابش ساقط نمیشود و باید که گوسفند عقیقه نر باشد خواه مولود نر باشد

خواه ماده چنانچه ظاهر احادیث است و ابن بابویه اختیار ماده بودن گوسفند عقیقه را برای

مولود ماده کرده و تجویز ماده بودن آن برای مولود نر کرده است و سنت است که در عقیقه شرط

ضعیف باشد و سنت است که ربع عقیقه را از طرف پای قابله دهند و اگر قابله نباشد بمادر [illegible] دهند
او تصدق کند و استخوانش را نشکنند و بر پاره کنند و هر کس باشد بیشتر از ده کس از سوشیان را دعوت کنند و اگر
گوشت خام تفریق کنند نیز جائز است و باید که مادر و پدر از آن گوشت نخورند و بعضی از علما
چنین گفته‌اند که پدر و عیالان او یعنی جمعیکه او نفقه و کسوت ایشان میکند از آن گوشت نخورند و در
کافی شیخ کلینی از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که در وقت ذبح عقیقه این دعا
باید خواند یَا قَوْمِ اِنِّیْ بَرِیْءٌ مِمَّا تُشْرِکُوْنَ اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ اِنَّ صَلٰوتِیْ وَنُسُکِیْ
وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ
وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اسم مولود را باید گفت و بعد از آن
بسم الله باید گفت و عقیقه را ذبح باید کرد و ایضا در این کتاب از امام محمد باقر علیه السلام
روایت شده که در وقت ذبح عقیقه باید گفت بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ
اِیْمَانًا بِاللّٰهِ وَثَنَاءً عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَالْعِصْمَةَ لِاَمْرِهٖ
وَالشُّکْرَ لِرِزْقِهٖ وَالْمَعْرِفَةَ لِفَضْلِهٖ عَلَیْنَا اَهْلَ الْبَیْتِ اگر مولود پسر باشد باید گفت اَللّٰهُمَّ
اِنَّکَ وَهَبْتَ لَنَا ذَکَرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ وَمِنْکَ مَا اَعْطَیْتَ وَکُلَّمَا صَنَعْنَا

فتقبلها منا على سنتك وسنة نبيك ورسولك صلى الله عليه وآله واخسأ
عنا الشيطان الرجيم لك سفكت الدماء لا شريك لك والحمد لله
رب العالمين و ایضا در کتاب امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که در عقیقه باید
خواند این را که بسم الله وبالله اللهم هذه عقيقة عن فلان ابن فلان لحمها
بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده اللهم
اجعلها وقاء لآل محمد عليه وآله السلام و در روایت دیگر از کتاب چنین است اللهم
لحمها بلحمه ودمها بدمه وعظمها بعظمه وشعرها بشعره وجلدها بجلده
اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و ایضا در کتاب امام جعفر صادق علیه السلام
روایت شده که در عقیقه بگوید اللهم منك ولك ما وهبت وانت اعطيت اللهم
فتقبله منا على سنة نبيك صلى الله عليه وآله ونستعيذ بالله من الشيطان الرجيم
و بسم الله بگوید و عقیقه را ذبح کند در حالیکه بگوید لك سفكت الدماء لا شريك لك والحمد لله رب
العالمين اللهم اخسأ عنا الشيطان الرجيم اعمال اوقات رضاع مولود مکارم الاخلاق
از حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت شده که محافظت کنید فرزند را از شیر زن دیوانه زیرا که
شیر سرایت میکند و در مصباح کفعمی چنین است که چون شیر زن کم باشد سوره فتح یا سوره یس بر ظرفی با زعفران
و بشوید چون آن را آب بخورد شیرش بسیار شود و ایضا چنین است که چون طفل گریه کند بنویسد این آیات

اعمال اوقات رضاع

گریه اش کم شود و آیات اینست فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا
ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا ورد الله الذین کفروا
بغیظهم لم ینالوا خیرا وکفی الله المؤمنین القتال وکان الله قویا عزیزا
افمن هذا الحدیث تعجبون وتضحکون ولا تبکون وانتم سامدون
چون این آیات را از سوره طه بر پوست آهو نویسی در لوله فولاد یا مس یا نقره گذاری و بر بازوی طفل
بندی گریه اش کم شود و آیات اینست یومئذ یتبعون الداعی لا عوج له وخشعت
الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا یومئذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن
له الرحمن ورضی له قولا یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون به علما
وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما ومن یعمل من الصالحات
وهو مؤمن فلا یخاف ظلما ولا هضما و چون این آیات از سوره سبا بنویسی و بر بازوی
طفل بندی که خاک میخورده باشد دیگر خاک نخورد و آیات اینست ویقذفون بالغیب من
من مکان بعید وحیل بینهم وبین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم من
قبل انهم کانوا فی شک مریب و چون سوره ق را بنویسی بشوئی و بآب آن دهن
الطفل را بشوئی بآسانی دندانش بر آید چون سوره ابراهیم را بر حریر سفید بنویسی بر گردن [illegible]
ترسها و دردها جمیع ببرد و مکارم الاخلاق حسن گردد چون این آیات را بنویسی و با طفل [illegible]

از جانب فزع این سوره و آیات است بسم الله الرحمن الرحیم اذا زلزلت الارض تا آخر
سوره و قصصنا علی اذا هم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین
احصی لما لبثوا امدا شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما
بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام و ما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم و من یکفر بآیات
الله فان الله سریع الحساب قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله
الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا
و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی
من الذل و کبره تکبیرا لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم
حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و من یتوکل علی الله فهو
حسبه ان الله بالغ امره و ایضا در آن کتاب است که از برای دفع ترس اطفال
در خواب دعای سوم از ادعیه نوع خواب مذکور شد در باب دهم باید نوشت و با طفل کرد
اعمال بعد از رضاع چون پسر سه ساله شود تعلیمش کن که لا اله الا الله بگوید چون سال
هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد تعلیمش کن که هفت بار محمد رسول الله بگوید چون پنج سال از عمرش

بگذرد و بشناسد آن باد است چون ... او بفرمایند که رو بقبله کند و سجده کند و چون هفت ساله شود بفرمایند
که دست و روی خود را بشوید و نماز کند و بگذارند و چون نه ساله شود بفرمایند که وضو بسازد و نماز کند
و اگر ترک کند بزنند و چون داخل سال چهاردهم شود بفرمایند که کسب علوم کند و حلال و حرام را یاد گیرد
و حق فرزند بر پدر اگر پسر باشد آنست که نامش را نیکو کند و او را ادب بیاموزد و اکرام کند
مادرش را و باو قرآن بیاموزد و او را پاکیزه بدارد و تیر انداختن باو یاد دهد و او را خوشحال
سازد بهر چه تواند و او را دوست دارد و اگر دختر باشد آنست که نامش را نیکو کند و مادرش را
اکرام کند و باو سوره نور بیاموزد و سوره یوسف نیاموزد و در بالاخانه ناشن جا ندهد و تعجیل در
اینکه بخانه شوهر رود و او را خوشحال سازد و دوست دارد و حق والدین بر فرزند
بسیار است و مجمل آنچه شیخ کلینی در کتاب کافی از ائمه علیهم السلام نقل نموده آنست که نام ایشان را نبرد
و در رفتار از ایشان پیش نیفتد و در مجلس پیش از ایشان ننشیند و با مردم نحوی سلوک کند که
باعث این شود که ایشان را دشنام دهند و نسبت خود را با بن فلان قرار دهد و مشهور سازد تا نام ایشان
در صفحه روزگار باقی ماند و تفتیش نفقه خود را بعد از ایشان کند و نیز صحبت ایشان از ایشان مفارقت
نکند چه شخصی میخواست که بجهاد دشمنان دین رود و مادر و پدرش پیر بوده اند و باو انس داشته اند و
نمیخواستند که او از ایشان جدا شود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باو فرمود که بجهاد مرو و نزد پدر و مادر باش قسم بآن
[illegible] ... از ... جهاد ... یکسال ... [illegible]

حق فرزند بر پدر

حق والدین بر فرزند

ولفظی که بالاتر از حق باشد از الفاظ درشت بر روی ایشان نگوید و منع نکند ایشان را از کار نیکی
هرچند که آن کار دین باشد که او را زشت نباید بلکه در همه حال از برای ایشان از الله تعالی طلب آمرزش
کند و نگاه تند از روی غضب به ایشان نکند بلکه از روی مهربانی و نازکی دل به ایشان نگاه کند
چه الله تعالی قبول نمیکند نماز کسی را که بجا دریابد از روی غضب نگاه کند هرچند که آن نگاه
بسبب ظلمی باشد که ایشان بر او کرده باشند و ایضا بلند نکند آواز خود را بر آواز
ایشان و فرمانبرداری ایشان کند بنحوی که اگر او را امر کنند که از زن باید طلاق دادن و
از مال برای بخشیدن اجابت کند چه حضرت پیغمبر فرموده که در روز قیامت بوی بهشت را هرجا
داری ادراک میکند از مسافت هزار ساله راه مگر عاق و نافرمان پدر و مادر و برنده خویشی و پیر
زناکار و تکبر کننده و ایضا نیکوئی کند با ایشان بعد از وفات ایشان باین وجه که از جانب ایشان
نماز گذارد تصدق کند و حج گذارد و روزه دارد و الله تعالی رخصت نداده بندگان خود را در ترک نیکوئی
با مادر و پدر خواه صالح باشند و خواه فاسق باشند و اگر پدر و مادر مخالف مذهب حق باشند با ایشان
در حال حیات مدارا کند و بنحوی سر کند که با مسلمان بیگانه سر میکند و بعد از وفات از برای
تخفیف عذاب ایشان دعا و تصدق کند و حضرت امام جعفر صادق به پسری که مادر و پدرش
نصرانی بوده اند نصیحت کرده که ایشان را آزار ندهد و با ایشان نیکوئی کند و چون بمیرند
ایشان را بدیگری وانگذارد و در کار ایشان استادگی کند و شخصی بجناب [illegible] خود را

بچاه انداخته بود و چون مسلمان شد از حضرت پیغمبر سؤال کرد از چیزی که کفاره آن تواند بود
حضرت فرمود که آیا ترا مادر هست گفت نه گفت آیا ترا خاله هست گفت آری گفت به این خاله
نیکوئی کن چه او بمنزله مادر است و نیکوئی با او کفاره آن گناه میشود که از تو صادر شده و
شخصی از امام محمد باقر سؤال کرد که آیا پسر برابر میکند در نیکوئی با پدر گفت نیست پدر
را مکافات مگر در دو چیز یکی اینکه پدر غلام باشد و پسر او را بخرد تا آزاد شود دیگر اینکه پدر را
قرضی باشد و پسر قرض او را از طرف پدر ادا کند و چون حقوق الدین ادا کرده باشی بلکه
عقوق زیاده باشد و بعد از فوت ایشان پشیمان شده خواهی که آنرا تلافی کنی باید که قرض دنیوی
و آخرت ایشانرا ادا کنی و از برای ایشان از الله تعالی طلب آمرزش کنی چه حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرموده که گاه باشد که فرزند نیکوکار باشد بر پدر و مادر در حال حیات ایشان و چون بمیرند
قرض دنیوی و آخرتی ایشان را ادا نکند و از برای ایشان از الله تعالی طلب آمرزش نکند پس نوشته شود نزد الله
تعالی از عاق پدر و مادر و گاه باشد که فرزند عاق باشد بر پدر و مادر در حال حیات ایشان و چون بمیرند
قرض دنیوی و آخرتی ایشان را ادا کند و از الله تعالی از برای ایشان طلب آمرزش کند
پس نوشته شود نزد الله تعالی از نیکوکاران پدر و مادر و ایضا نماز در حقوق والدین اگر
در تحصیل بجهت تدارک و رشد باید گزارد و از نمازهای نیکه مناسب است که فرزند از برای پدر
و مادر بگزارد دو نماز است که در مکارم الاخلاق نقل شده و آن دو رکعت است و در رکعت اول

رب اغفرلی ولوالدی وللمؤمنین یوم یقوم الحساب در رکعت
دوم بعد فاتحه ده بار رب اغفرلی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا و
للمؤمنین والمؤمنات وچون سلام دهد ده بار بگوید رب ارحمهما کما ربیانی
صغیرا وایضا دو رکعت در هر رکعت فاتحه یکبار و رب ارحمهما کما ربیانی
صغیرا بیست بار وچون سلام دهد ده بار بگوید ارحمهما تا آخر و از نمازها که
مناسب است که پدر و مادر برای فرزند گذارند نمازیست که در مکارم الاخلاق
نقل شده و آن چهار رکعت در رکعت اول بعد از فاتحه ده بار بگوید ربنا واجعلنا مسلمین
لک ومن ذریتنا امة مسلمة لک وارنا مناسکنا وتب علینا انک انت
التواب الرحیم و در رکعت دوم بعد از فاتحه ده بار بگوید رب اجعلنی مقیم الصلوة ومن
ذریتی ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفرلی ولوالدی وللمؤمنین
یوم یقوم الحساب و در رکعت سوم بعد از فاتحه ده بار بگوید ربنا هب لنا من ازواجنا
وذریاتنا قرة اعین واجعلنا للمتقین اماما و در رکعت چهارم بعد از
فاتحه ده بار بگوید رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت
علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضاه واصلح لی فی
ذریتی انی تبت الیک وانی من المسلمین وچون سلام دهد

ده بار بگوید یَا نَاهِبَ لَنَا تا آخر و از ادعیه که مناسب است که فرزندان از برای پدر و مادر کنند دعائیست
که حضرت امام زین العابدین از برای پدر و مادر خود را بآن دعا میکرد و آن اینست اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ و
آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ تا آخر در صحیفه کامله مذکور است و از ادعیه که مناسب است که مادر و پدر
از برای فرزندان کنند دعائیست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرزندان خود را بآن دعا میکرد
و آن اینست اَللّٰهُمَّ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي تا آخر در صحیفه کامله مذکور است

باب چهاردهم در ادعیه و اعمال سفر و اعمال پناه جستن از دزد و قاطع الطریق و شیر و سایر درندگان

و جن و سایر گزندگان و در آن دو فصل است **فصل اول** در ادعیه و اعمال سفر بهترین روزهای هفته از برای سفر
بنا بر آنچه مفهوم میشود از احادیث که در مصباح کفعمی نقل شده روز شنبه است بعد از آن سه‌شنبه و پنجشنبه و بدترین
روزهای هفته از برای سفر روز دوشنبه و چهارشنبه و روز جمعه قبل از نماز ظهر است و بدترین روزهای ماه از برای سفر
سوم و چهارم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم و قمر در عقرب است و بدترین
ایام سال از برای سفر بیست و دوم محرم و دهم صفر و چهارم ربیع الاول و بیست و هشتم ربیع الثانی و بیست و هشتم جمادی
الاولی و دوازدهم جمادی الاخری و دوازدهم رجب و بیست و ششم شعبان و بیست و چهارم ماه رمضان و دوم
شوال و بیست و ششم ذی القعده و بیست و هشتم ذی الحجه است و چون مضطر شوی که یکی از این روزها سفر کنی باید از ایزد تعالی
طلب عافیت و سلامتی کنی و تصدق کنی و بسم الله بگوئی و درود بر روح و انبیا و ائمه علیهم السلام
روایت شده که چون روزی از روزهای منحوسه سفر کنی از برای دفع نحوست آن در صبح آن روز

بخوانین اگر اصبحت اللهم مستعصما بذمامك المنيع الذي لا يحاول ومذکور شد

در ادعیه صباح ومسا وبعد ازان بخوان فاتحه ومعوذتین قل هو الله احد وآیة الکرسی وانا انزلنا

وبگو ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآيات لاولي الالباب

الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون في

خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا

عذاب النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين

من انصار ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان آمنوا

بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا و

توفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا

يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد فاستجاب لهم ربهم اني

لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى بعضكم

من بعض فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم

واوذوا في سبيل الله وقاتلوا وقتلوا لاكفرن

عنهم سيئاتهم ولادخلنهم جنات تجري من تحتها

الانهار ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب لا يغرنك

تقلب الذين كفروا في البلاد متاع قليل ثم مأويهم جهنم وبئس المهاد
لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين
فيها نزلا من عند الله وما عند الله خير للابرار وان من اهل الكتاب
لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم وما انزل اليهم خاشعين لله لا
يشترون بآيات الله ثمنا قليلا اولئك لهم اجرهم عند ربهم
ان الله سريع الحساب يا ايها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا
واتقوا الله لعلكم تفلحون واسئل حاجتك اللهم بك يصول الصائل و
بقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة
يمتارها ذو قوة الا منك اسألك بصفوتك من خلقك وخيرتك
من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم السلام
صل عليه وعليهم واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه
واقض لي في متصرفاتي بحسن العاقبة وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية
الطاغية الغوية وكل ذي قدرة لي على اذية حتى اكون في جنة و
عصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني فيه من المخاوف امنا ومن العوائق فيه
يسرا حتى لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد

إنّك على كلّ شيء قدير والأمور إليك تصير يا من ليس كمثله شيء
وهو السميع البصير و چون عازم سفر گشتی پس قطع کن علائق خود را از مردم فصل و معامله
خود را با ایشان و خود را از حقوق ایشان رها کن و فکر کن در امر عیالات خود
و کسانی که واجب است بر تو نفقهٔ ایشان پس مهیا کن آنچه ایشان را در کار است در وقتی که تو در سفر
خواهی بود و نظر کن در امر خود پس وصیت کن به کسی که اعتمادی بر او باشد به چیزی چند که رضای الله
تعالی در آن باشد و چون متوجه سفر شوی غسل کن و وضو بساز و تحت الحنک بند و انگشتر
عقیق در دست کن و اهل و عیال خود را جمع کن و دو رکعت نماز کن بهر روش که خواهی و طلب از
الله تعالی خیر خود را در این سفر و آیة الکرسی بخوان و حمد و ثنای الهی بجا آر و بر پیغمبر و آل او
صلوات بفرست و بگو آنچه در مصباح الزائر نقل شده و آن اینست اللّهمّ إنّي أستودعك
اليوم نفسي وأهلي ومالي وولدي وديني ودنياي وآخرتي وخاتمة عملي
ومن كان منّي بسبيل الشاهد منهم والغائب اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد
واحفظنا بحفظ الإيمان واحفظ علينا اللهمّ اجعلنا في رحمتك ولا تسلبنا
نعمتك ولا تغيّر ما بنا من عافيتك وزدنا من فضلك إنّا إليك راغبون
اللهمّ إنّا نعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في النفس والأهل
والمال والولد في الدنيا والآخرة اللهمّ إنّي أتوجّه إليك هذا

الوصايا عند الباب الثالثة
التتمة ۱۲

التوجه طلباً لمرضاتك وتقرباً إليك اللهم فبلغني ما أؤمله وأرجوا
فيك وفي أوليائك يا أرحم الراحمين وبعد بگو آنچه را که در مصباح کفعمی نقل شده و آن
اینست مولای أنا طمع الرجاء إلا منك وخابت الآمال إلا فيك أسألك إلهي
بحق من حقه واجب عليك ممن جعلت له الحق عندك أن تصلي على
محمد وآل محمد وأن تقضي حاجتي و بعد بگو آنچه را که در آن کتابست با محمد رسول
الله صلى الله عليه وآله أمامي وعلي ورائي وفاطمة فوق رأسي والحسن
عن يميني والحسين عن يساري وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي و
محمد وعلي والحسن والحجة عليهم السلام حولي إلهي ما خلقت خلقاً
خيراً منهم فاجعل صلواتي بهم مقبولة ودعواتي بهم مستجابة وحوائجي
بهم مقضية وذنوبي بهم مغفورة وآفاتي بهم مدفوعة وأعدائي بهم
مقهورة ورزقي بهم مبسوطاً اللهم صل على محمد وآل محمد و بعد بگو آنچه را که
در آن کتابست اللهم كن لي جاراً من كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد
بسم الله دخلت بسم الله خرجت اللهم إني أقدم بين يدي نسياني وعجلتي
ما شاء الله في سفري هذا ذكرته أو نسيته اللهم أنت المستعان على الأمور كلها
وأنت الصاحب في السفر والخليفة في الأهل اللهم هون علينا سفرنا واطو لنا

الارض وسيرنا فيها بطاعتك وطاعة رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا
وبارك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ بك من وعثاء
السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي
وناصري اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه واخلفني في
اهلي بخير لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم
آنس وحشتي واعني على وحدتي وادّ غيبتي و وقتیکه از خانه بیرون میرود باید
بخواند بسم الله مخرجي وباذنه خرجت وقد علم قبل ان اخرج خروجي
وقد احصى علمه ما في مخرجي ومرجعي توكلت على الاله الاكبر توكل
مفوض اليه امره ومستعين به على شؤونه مستزيدا من فضله في
نفسه من كل حول ومن كل قوة الا به خروج ضرير خرج بضره الى من
يكشفه وخروج فقير خرج بفقره الى من يسده وخروج عائل خرج بعيلته
الى من يغنيها وخروج من ربه اكبر ثقته واعظم رجائه وافضل
امنيته الله ثقتي في جميع اموري كلها به فيها جميعا استعين ولا شيء
الا ما شاء الله في علمه اسئل الله خير المخرج والمدخل لا اله الا هو
اليه المصير واین دعا از ادعیه [illegible] مضمون [illegible]

بسفری برود و خواسته باشد که از آن سفر بسلامت برگردد و مطلبش در ان سفر روا شود چون در
وقت بدر رفتن از خانه اینها بخواند خوشحال میدارم او را در بدر رفتن و داخل شدن
بر وا کردن حاجات او و او را بسلامت میگردانم و در **مصباح** کفعمی از امام محمد
باقر روایت شده که در وقت بدر رفتن از خانه باید گفت بِسْمِ اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
إِلَّا بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ ایضا باید گفت بِسْمِ اللّٰهِ حَسْبِيَ اللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ
وایضا از امام محمد باقر روایت شده که هر وقت بدر رفتن از خانه اینها بخواند الله تعالی
کفایت مهم او کند و محفوظ دارد او را از بدیها و از شرها و دعا اینست أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ
مَلَائِكَةُ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ هٰذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ
نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللّٰهِ
وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَالْهَوَامِّ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ
كُلِّهَا أُجِيرُ نَفْسِي بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ بیرون رفتن خواسته باشد بخواند و بیرون رود
و باید که با او باشد حرزی که شیخ ابو العباس در حدیث طویل از امام محمد تقی روایت شده
مختصر مضمونش اینکه چون آن حرز با کسی باشد ایمن است جان او از شرها و بلاها و مکروهات و آفات عاهات
محفوظ بوده اگر ... [illegible] ... مهم

وارد است که قصیده از نقره بعضی بسازند و باید عبارا بر آن نقش نمایند که یا مشهوراً فی

السموات ویا مشهوراً فی الارضین یا مشهوراً فی الدنیا والآخرة جهدت

الجبابرة والملوک علی اطفاء نورک واخماد ذکرک وابی الله الا ان یتم

نورک ویبوح بذکرک ولو کره المشرکون وان حرز ابر پوست آهوی

نویسند و آن قصیده را دهند و قیمت بمر دو عصر نمایند و ضع کار کنند

در هر رکعت فاتحه یکبار و هر یک از آیة الکرسی و آیه شهد الله انه لا اله الا هو و

الملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان

الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الا

من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن یکفر بآیات الله فان الله

سریع الحساب و سوره والشمس و سوره واللیل و سوره قل هو الله احد هفت بار بخواند و چون از

نماز فارغ شود آن قصیده را پاره پاره راست کند و حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره فاتحه الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض

والفلک تجری فی البحر بامره ویمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه

ان الله بالناس لرؤف رحیم اللهم انت الواحد الملک

الدیان یوم الدین تفعل ما تشاء بلا مغالبة وتعطی

من تشاء بلا امر وتفعل ما تشاء وتحكم ما تريد وتداول الايام بين الناس
وتركبهم طبقا عن طبق فما لهم لا يؤمنون اسألك باسمك المكتوب
على سرادق المجد اسألك باسمك المكتوب على سرادق السرائر
السابق الفائق الحسن الجميل النصير البصير رب الملائكة الثمانية
العرش الذي لا يتحرك واسألك بالعين التي لا تنام وبالحيوة التي
لا تموت وبنور وجهك الذي لا يطفأ وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر وبالاسم
الاعظم الاعظم الذي هو محيط بملكوت السموات والارض وبالاسم
الذي اشرقت به الشمس واضاء به القمر وسجرت به البحور ونصبت
الجبال وبالاسم الذي قام به العرش والكرسي وباسمك المكتوب على
سرادق العرش وباسمك المكتوب على سرادق العظمة وباسمك المكتوب على
سرادق البهاء وباسمك المكتوب على سرادق القدرة وباسمك العزيز
المقدس سابق الكرامات المخزونات في علم الغيب عندك واسألك من خير
ما ارجو واعوذ بعزتك وقدرتك من شر ما اخاف واحذر ما
لا احذر يا صاحب محمد يوم حنين ويا صاحب علي يوم صفين
... اسألك بحق طه ويس

القرآن العظيم والفرقان الحكيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تشد عضد
صاحب هذا الأمر وادرأ بك في نحر كل جبار عنيد وشيطان مريد وعلى
شانئيه وعدوه ومنكر الأخلاق واجعله ممن أسلم إليك نفسه وفوض
إليك أمره وألجأ إليك ظهره اللهم بحق هذه الأسماء التي ذكرتها
وقرأتها وأنت أعرف بحقها مني وأسألك
الكبرى والدعوات المستجابات والكلمات التامات والأسماء
النافذات وأسألك يا نور النهار ويا نور الليل ويا نور السماء والأرض
ونور النور ونورا يضيء به كل نور يا عالم السر والخفيات كلها في
البر والبحر والأرض والسماء والجبال وأسألك يا من خلق البر والبحر
والأرض والسماء والجبال وأسألك يا من لا يفنى ولا يبيد ولا يزول
ولا شيء له موصوف ولا إليه حد منسوب ولا معه إله ولا إله
سواه ولا له في ملكه شريك ولا تضاف العزة إلا إليه ولم يزل بالعلوم
عالما وعلى العلوم واقفا وللأمور ناظما وبالكينونية عالما وللتدبير
محكما وبالخلق بصيرا وبالأمور خبيرا أنت الذي خشعت لك الأصوات
وضلت فيك الأحلام وضاقت دونك الأسباب وملأ كل شيء نورك

ووجل كل شيء منك وهرب كل شيء إليك وتوكل كل شيء عليك
وأنت الرفيع في جلالك وأنت البهي في جمالك وأنت العظيم في قدرتك
وأنت الذي لا يدركك شيء وأنت العلي الكبير العظيم مجيب
الدعوات قاضي الحاجات مفرج الكربات ولي النعمات يا من
هو في علوه دان وفي دنوه عال وفي إشراقه منير وفي سلطانه
قوي وفي ملكه عزيز صل على محمد وآل محمد واحرس صاحب هذا
العقل وهذا الحرز وهذا الكتاب بعينك التي لا تنام واكنفه بركنك
الذي لا يرام وارحمه بقدرتك عليه فإنه مرزوقك بسم الله الرحمن
الرحيم بسم الله وبالله لا صاحبة له ولا ولد أقسم بالله قوي الشأن
عظيم البرهان شديد السلطان ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن
أشهد أن محمداً رسول الله وأن إبراهيم خليل الله وأن موسى
كليم الله ونجيه وأن عيسى بن مريم صلوات الله عليه وعليهم أجمعين
كلمته وروحه وأن محمداً صلى الله عليه خاتم النبيين لا نبي بعده
وأسألك بحق الساعة التي يؤتى فيها بإبليس اللعين يوم القيامة
ويقول اللعين في تلك الساعة والله ما أنا إلا مهيج مردة الله نور

السموات والارض وهو القاهر وهو الغالب له القدرة ...

وهو الحكيم الخبير اللهم واسالك بجوهر هذه الاسماء كلها وصفاتها

صورتها وهى جاه مهه ۲ عـ صحصم هاه يا و ۹۸ ... يا ارا ما

حمـ ۹ ورره معر لا احلا لا اخلة لا اهر ۹ ... ما انا نسخه

[illegible]

۵

[illegible]

ط ۹ ۱ ۹ ۸۸ ططا ۱ ۹ ۱ ۱ ام ۸ ۹ ... ا ۱ ۱ ۱ ۸ مر ع ع

۵

[illegible]

[illegible]

وچون ارقام مذکوره در نسخه مختلف بنظر صاحب تاج الدعوة رسید از برا احتیاط ضبط هر دو نسخه نموده

وا بسبب تکرار ارقام سابقه بنا بر نسخه دیگر بست جاه مهه ۲ عـ صحصم ماه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

تاع

ی ۹ مو ... الح
... معر
لا احلا لا ... ۹ ...
ما انا لع

٨٨ لا ط ط ط ط ١١ ٩ ٩ ... ١١ ٨ ٩ ...

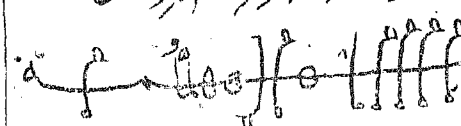
٧ ٧ ١ ٧ ١ ١ ٧ ١١

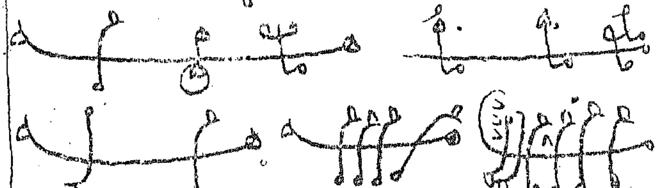
١٨٨ ٥ ٩ ط ط ط ط ١١١ ١٨٨ ٩ ... ٩ ... ١٩٩ ...

سبحان الذي خلق العرش والكرسي واستوى عليهما أسألك أن تصرف عن
صاحب كتابي هذا وحامله وهو عبدك وابن عبدك وابن أمتك
وأنت مولاه وفقه اللهم يا رب الأسواء كلها واقمع عنه أبصار
الظالمين وألسنة المعاندين والمريدين له السوء والضر وادفع عنه   بالسوء والضر
كل محذور ومخوف وأي عبد من عبيدك أو أمة من إمائك أو سلطان مارد
أو شيطان أو شيطانة أو جني أو جنية أو غول أو غولة أراد صاحب
كتابي هذا بظلم أو ضير أو مكر أو كيد أو خديعة أو نكاية أو سعاية أو
قتال أو غمز أو اضطهاد أو تعطيل ومطالبة أو غدر أو قهر أو هتك
ستر أو قهر أو آفة أو هدم أو قتل أو حرق أو انتقام أو قطع أو سحر أو   سم
كذا أو سقم أو برص أو بؤس أو آفة أو سغب أو عطش أو وسوسة أو تقصير في   فاقة
دين أو معيشة فاكفنيهم بما شئت وكيف شئت وأنى شئت إنك على كل شيء قدير
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين أجمعين وسلم تسليما كثيرا ولا حول ولا قوة

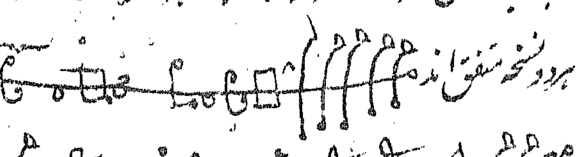
الا بسم الله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین و باید که با تو باشد حرز که ابن
طاوس در کتاب السعادات از امیر المؤمنین ع نقل نموده خواص و فواید آن بسیار است از آنکه
هر که این حرز با او باشد در امن باشد از سلطان و از دزد و از شمشیر و از آنکه هر که آنرا
در پوست آهوی نویسد و در زیر پستان خود محکم سازد در جهاد مغلوب نشود و جمیع دشمنان خود
مغلوب سازد و دیگر آنکه چون از در خانه گذارد آنجا از دزد و غارتگر محفوظ باشد و با
با مشک و زعفران و گلاب بنویسد آهوی نوچه بر بازو بندد ... اهناه ادویای سوطا ادوا
مالحم حماحیم صوبراه الهناه اذیاتواه ساماهای واوهی ه السهاسیار ام ه
اوداده صعواب ه هوهوبوا و کلا و باید که با تو باشد حرز امیر المؤمنین ع که در مکارم الاخلاق صعواب
روایت شده که هر که آنرا با خود دارد از ضرر سحر و صرع و زیر و سلطان و شیطان و دزد و
قاطع الطریق و درندگان و گزندگان و هر حیوان ضرر رساننده محفوظ باشد
وآن اینست ای کنوش ای کنوش ارشش عظیظم یا مطرون
فریالستون ما و ماسا ملس سرباطیطشالوش خیطوش مشفقیش سوتا
مشاصعوش و طیعنوش لیطیفتکس هذا هذا و ما کنت بجانب الغربی طیعنوش
اذ قضینا الی موسی الامر و ما کنت من الشاهدین اخرج بقدرة
الله منها ایها اللعین بعزة رب العالمین اخرج منها و الا

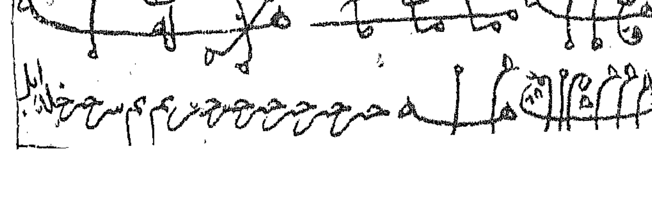
لحنتا من السمیع بن اخرج منها فما یکون لك ان تتکبر فیها فاخرج انك من
الصاغرین اخرج منها مذءوما مدحورا ملعونا کما لعنا اصحاب السبت
وکان امر الله مفعولا اخرج یا ذی المخزون اخرج یا سوراسوس
بالاسم المخزون یا میططرون طرعون مراعون تبارك الله احسن — افرعون
الخالقین یا اهیا شراهیا احیا قیوما یا الاسم المکتوب علی جبهة اسرافیل
اطرد عن صاحب هذا الکتاب کل جنی وجنیة وشیطان وشیطانة وتابع
وتابعة وساحر وساحرة وغول وغولة وکل متعبث وعابث یعبث
یابن ادم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد
وآله الطیبین





وچون این شکل در نسخه مختلفه بنظر رسیده بود احتیاطا هر دو نقل شد وسوای اشکال
هر دو نسخه متفق اند





و باید که با او باشد عصائی از چوب بادام [illegible] وقت را بر پوست آهوی نوشته

باشند و سر عصا را سوراخ کرده باشند آن پوست را در آن سوراخ جا کرده باد [illegible]

این است طلسم وه به ٥ باه با اسه سه ٥ باو به صاو ٥ مصیبا یه

ن هی و در وقت بیرون رفتن عصا با خود آنچه را که در مصباح کفعمی از پیغمبر روایت

شده که هر که در وقت بیرون رفتن این عصا [illegible] ایمن گرداند الله تعالی او را از

هر درنده و دزد و گزنده و با او کس جنگ [illegible] باشند که از برای او [illegible]

کنند تا وقتیکه بخانه باز گردد عصا را از دست بگذارد و آن آیت ولما توجه

تلقاء مدين قال عسى ربي أن يهديني سواء السبيل ولما ورد ماء مدين

وجد عليه أمة من الناس يسقون ووجد من دونهم امرأتين تذودان

قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وأبونا شيخ كبير فسقى لهما

ثم تولى إلى الظل فقال رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير فجاءته

إحداهما تمشي على استحياء قالت إن أبي يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا

فلما جاءه وقص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين قالت

إحداهما يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين قال إني أريد

أن أنكحك إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثماني حجج فإن أتممت عشرا

قبر عندك وما اريد ان اشق عليك ستجدني ان شاء الله من الصابرين
قال ذلك بيني وبينك ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي والله
على ما نقول وكيل و باید که با تو باشد که از خاک قبر امام حسین علیه السلام
خود بان حال تو و در وقت بر داشتن آن بگو اللهم هذه طينة قبر الحسين وليك
وابن وليك اتخذتها حرزا لما اخاف ولما لا اخاف و در روایتی دیگر
چنین واقع شده که در وقت بر داشتن آن بگو اللهم اني اخذتها من قبر وليك
وابن وليك فاجعلها لي امنا وحرزا لما اخاف وما لا اخاف و چون
پا بر در خانه گذاری برای بیرون رفتن بگو بسم الله آمنت بالله توکلت على الله ما شاء
الله لا حول ولا قوة الا بالله و چون از خانه بیرون آمدی اول تصدق کن به هر چه مقدور
باشد و در وقت تصدق کردن بگو اللهم اني اشتريت بهذه الصدقة سلامتي
وسلامة سفري و بعد از آن بر در خانه بایست برابر قبله و سی و سه تسبیح فاطمه زهرا
بگو و هر یک از فاتحه و آیة الکرسی را برابر رو و جانب راست و جانب چپ بخوان و بگو اللهم
احفظني واحفظ ما معي وسلمني وسلم ما معي ببلاغك الحسن الجميل
يا ارحم الراحمين و بگو لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي
العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع

وما بينهن وما بينهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد
لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين اللهم كن لي جاراً
من كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت وبسم
الله خرجت اللهم إني أقدم بين يدي نسياني وعجلتي بسم الله وما شاء
الله في سفري هذا ذكرته أم نسيته اللهم أنت المستعان على الأمور
كلها وأنت الصاحب في السفر والخليفة في الحضر والأهل اللهم هون
علينا سفرنا واطو لنا الأرض وسيرنا فيها بطاعتك وطاعة رسولك
صلى الله عليه وآله اللهم أصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما رزقتنا وقنا
عذاب النار اللهم إني أعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء
المنظر في النفس والأهل والمال والولد اللهم أنت عضدي وناصري اللهم
اقطع عني بعده ومشقته واصحبني فيه السلامة واخلفني في أهلي
بخير ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم وجون پاؤں رکاب میں رکھے بسم اللہ الرحمن
الرحيم بسم الله والله أكبر وجون سوار ہو کہے الحمد لله الذي هدانا
للإسلام ومن علينا بمحمد صلى الله عليه وآله سبحان الله سبحان
[illegible]

لله رب العالمین اللهم انت الحامل على الظهر والمستعان على الامر اللهم
لا طیر الا طیرک ولا خیر الا خیرک ولا حافظ غیرک و بعد از تسبیح و تهلیل و
تحمید و استغفار را هفت بار بگوید و چون کسی خواهد که مسافری را وداع کند باید که با او مصافحه
کند و بگوید آنچه را که امام محمد باقر علیه السلام میفرمود در وداع مسافران میگفتند و آن این است احسن الله لک
الصحابة واکمل لک المعونة وسهل لک الحزونة وقرب لک البعید
وکفاک المهم وحفظ لک دینک وامانتک وخواتیم عملک ووجهک لکل
خیر علیک بتقوی الله استودع الله نفسک فسر على برکة الله و چون مسافر
روان شود باید که بگوید خرجت بحول الله وقوته بغیر حول منی ولا قوة
لکن بحول الله وقوته برئت الیک یا رب من الحول والقوة الا بک اللهم
اسالک برکة سفری هذا وبرکة اهله اللهم انی اسالک من فضلک الواسع
رزقا حلالا طیبا واسعا تسوقه الی فانا خائض فی عافیة بقوتک
وقدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی بغیرک ولا
رجاء منی لسواک فارزقنی فی ذلک عافیتک وشکرک
ووفقنی لطاعتک وعبادتک حتی ترضی وبعد الرضا و ایضا
بگوید اللهم خل سبیلنا واحسن تسییرنا واحسن عافیتنا اللهم

اجعل مسيري عبرًا و صمتي تفكرًا و كلامي ذكرًا و در جواهر السير چنين
است که چون مسافر سورهٔ والطور بسيار بخواند از بليات سفر محفوظ شود و چون سورهٔ
صف بسيار بخواند محفوظ شود در آن سفر تا وقتيكه از سفر برگردد و چون سورهٔ انا انزلناه را
بسيار بخواند مطلبش از آن سفر حاصل شود بايد كه نظر كنى در رفقا و اقل آن سه کس است و اکثر
آن هفت كس و در توشه چه احسن آن مرد صفت اينكه چون بسفرى روى توشه اش خوب باشد
و بايد كه با تو باشد هر چيز كه تو و رفقاى تو به آن منتفع شويد و با رفقا موافقت كن
مگر در عصيان الهى با ايشان خنده رو باش و اگر بضيافت طلبند اجابت كن و اگر مدد طلبند
مدد كن و چون پياده شوند تو نيز پياده شو و چون بكارى مشغول شوند تو نيز با آن كار مشغول
شو و اگر كسى از ايشان بيمار شود سه روز از براى او مكث كن و سخاوت كن با ايشان با آنچه با تست
از ماكولات و مشروبات و مستعملات و اگر يك كس يا دو كس در راه بينى از ايشان احوال سفر بپرس
و در دين مگر آنكه از ايشان بپرهيز باش مگر اينكه بفراست دانى كه ايشان مردم خوب اند
و اگر براى ضرورتى تنها سفر كنى بگو ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
العلي العظيم اللهم آنس وحشتي و اعني على وحدتي و ادّ غيبتي و چون
در عرض راه به بالاى بلندى يا تلى يا پلى برآيى بگو الله اكبر الله اكبر لا اله الا
الله و الله اكبر و الحمد لله رب العالمين اللهم لك الشرف على

کل شرّ و چون بجسری یعنی قدم بر آن جسر گذاری بگو بسم الله اللهم ادحر عنی
الشیطان الرجیم و چون راه گم کنی فرو آ و بگو یا صالح یا ابا صالح ارشدونا
الی الطریق یرحمکم الله و در انیس العابدین چنین است که چون کسی راه گم کند
و آید عاجز و اندر رود راه یابد و نقل نموده که در چند کس تجربه شده و دعا این است بسم الله ذی
الشان عظیم البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شان اعوذ
بالله من الشیطان الرجیم ما شاء الله کان و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و باید که چون بمنزل نزدیک شوی از چاروا فرو آی و پیش از آنکه بخود پردازی علف او را
مهیا کنی و در عرض راه چون بر آب گذری عرض کنی که اگر تشنه باشد بخورد و باید که زیاده از آنچه
طاقت او است بر او بار نکنی و زیاده از آنچه طاقت او است بر او سوار نشوی و بر پشت او نه نشینی و بر یک طرف نشستن
و نشستن بی هیچ و قول دیگر حمال کردن با غیر آن بخست باشد و در گوش توسن بخوان افغیر دین الله یبغون و له اسلم من
فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون و در انیس العابدین چنین است
که چون چاروا بگریزد باید که صاحبش بر آواز بلند بگوید یا عباد الله احبسوا یا عباد الله
احبسوها تا دیگر نشود و چون بر کشتی سوار شوی بگو بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله
حق قدره و الارض جمیعا قبضته یوم القیامة و السموات مطویات بیمینه سبحانه
و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم

مجریها

ابتدا صلوات بر محمد و آل او و لعن بر ظالمان و دشمنان ایشان را صد بار بگو و بعد از آن بخوان

بسم الله و بالله والصلوة علی رسول الله و علی آل الصادقین اللهم احسن
مسیرنا و اعظم اجرنا اللهم بک انتشرنا و الیک توجهنا و بک آمنا
و بحبلک اعتصمنا و علیک توکلنا اللهم انت ثقتنا و رجاؤنا و ناصرنا
و لا تحل بنا ما لا نحب اللهم بک نحل و بک نسیر اللهم خل سبیلنا و
اعظم عافیتنا انت الخلیفة فی الاهل و المال و انت الحامل فی الماء
و علی الظهر و قال ارکبوا فیها بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم
و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته یوم القیمة و السموات
مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون اللهم انت خیر من وفد الیه
الرجال و شدت الیه الرحال و انت سیدی اکرم مزور و اکرم مقصود و قد
جعلت لکل زائر کرامة و لکل وافد تحفة فاسألک ان تجعل تحفتک ایای
فکاک رقبتی من النار و اشکر سعیی و ارحم مسیری من اهلی بغیر منی علیک
بل لک المنة علی ان جعلت لی سبیلا الی زیارة ولیک و عرفتنی فضله و
فی لیلی و نهاری حتی بلغتنی هذا المکان و قد رجوتک فلا تقطع
رجائی و قد املتک فلا تخیب املی و اجعل مسیری کفارة لذنوبی یا ارحم

قرآن مجید   و در مکارم الاخلاق چنین است که چون ز غرق و آفات بامن
این کلمات را بخوانند یا بخوانید بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم اللهم یا الله
لنا فی مرکبنا واحسن مسیرنا وعافنا فی بحرنا و چون دریا امواج متلاطم
بسیار گو یا حی لا اله الا انت و در کافی شیخ کلینی چنین است که چون دریا
متلاطم شود تکیه بر جانب چپ باید کرد و با جانب راست بموج اشارت باید کرد و باید گفت که
قری بقرار الله واسکنی بسکینة الله ولا حول ولا قوة الا بالله و در حدیث دیگر
از آن کتاب چنین است که تکیه بر جانب راست باید کرد و باید گفت بسم الله اسکن
بسکینة الله وقری بقرار الله واهدأ باذن الله ولا حول ولا قوة
الا بالله و صاحب کتاب مستغنین گفته که در کشتی نشسته بودیم و آن وقت ناگاه باران
باریدن گرفت تا ایمن از غرق شدن خوف کردیم پس من این دعا خواندم برطرف شد اللهم هذا
المطر تنزله لمصلحة العباد ما یتاخرون الیه بهدایة البلاد فهو کالعبد
ومصلحتنا ونحن الان قد ساقونا بامرک راجین لاحسانک ومن بلوک فلا   سفینتنا
تسلط علینا ما هو کالعبد لنا ان یغرقنا واجرنا علی عوائد العنایة الالهیة و

الربانیة واجر لطفک علی عوائد العبودیة واصرفه عنا الی المواضع النافعة
لعبادک وعمارة بلادک یا ارحم الراحمین و حضرت یونس بسبب کلمهٔ لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین از غرق نجات یافت و از چیزها یکه باعث نجات از غرق
تربت حریم حضرت امام حسین است که چون حال اضطراب یابی و شرف سد بغرق نشدن را بیندازند
انداز ند ساکن شود و چون الحفیظ را از شمار بعدد حروفش بحساب ابجد کرا کنی با این عدد از
غرق نجات یابی و چون این آیه را از سورهٔ اعراف بر تخته نویسی و بمقدم کشتی با میخ
نصب کنی آن کشتی از غرق محفوظ ماند و آیه اینست وهو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا
بها فی ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآیات لقوم یعلمون و چون این آیه
را از سورهٔ هود بر تخته نویسی و بمقدم کشتی با میخ نصب کنی کشتی محفوظ ماند و آیه اینست
وقال ارکبوا فیها بسم الله مجریها ومرسها ان ربی لغفور رحیم و چون
سورهٔ محمد را قرائت بر دریا بخوانی از تلاطم سالم مانی و چون بمنزل نزدیک شوی بگو
اللهم رب السموات السبع وما اظللن ورب الارضین السبع وما اقللن ورب
الشیاطین وما اضللن ورب الریاح وما ذرین ورب البحار وما جرین اللهم انی اسالک خیر
هذه القریة وخیر ما فیها واعوذ بک من شرها وشر ما فیها اللهم یسر لی ما کان فیها من خیر
ووفق لی ما کان فیها من یسر واعنی علی قضاء حاجتی یا قاضی الحاجات یا مجیب دعوات ادخلنی

صدقٍ واخرجني مخرج صدقٍ واجعل لي من لدنك سلطانا نصيرا و

ن منزل خود فرود آئی بگو رب انزلني منزلا مباركا وانت خير المنزلين

من شر ... اللهم ارزقنا خير هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم

ارزقنا جناها واعذنا من وباها وحببنا الى اهلها وحبب صالحي اهلها

الينا ... با سلامتی ...

مناسبت يا جامعا بين اهل الجنة على تألف من القلوب وشدة

تواصل لهم في المحبة ويا جامعا بين اهل طاعته من خلقه ويا

مفرج حزن كل محزون ويا مسهل كل غربة ويا ارحم الراحمين ارحمني

في غربتي بحسن الحفظ والكلاءة والمعونة لي ويا مفرج فرجا من الضيق

والحزن باجمع بيني وبين احبائي ويا مؤلفا بين الاحباب لا تفجعني بانقطاع

امري عني ولا تفجع اهلي بانقطاع خبري عنهم بكل مسائلك اسألك واد

فاستجب لي بذلك دعائي ...

يا ودود يا ودود يا ودود يا ذا العرش المجيد يا فعالا لما يريد اسألك بعزتك التي لا ترام

وملكك الذي لا يضام ونورك الذي ملأ اركان عرشك ان تصلي على محمد وآل

محمد وان تكفيني شر اللصوص يا مغيث اغثني يا مغيث اغثني ...

تواصل

دو رکعت نماز کن بهر وشی که خواهی حفظ خود را از الله تعالی بطلب و وداع کن آن منزل و ملائکه

اهل آن منزل را بگو السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا وعلی عباد

الله الصالحین ورحمة الله وبرکاته وبگو اللهم قل لا تجعلنا من منزلنا هذا ونحن

عنک راضون فارض عنا برحمتک **فصل دوم** در اعمال ناپدید گشتن از دزد و قطاع

الطریق و تغییر صورت درندگان و تسخیر سباع و گزندگان در خواص السور چنین است که چون سوره

را بنویسی و در خانه گذاری یا در صندوق گذاری کسی از آن خانه و صندوق چیزی نبرد و چون سوره اعراف

با گلاب و زعفران بنویسی و با خود بندی محفوظ شوی از ضرر درنده و دشمن و کم کردن راه و چون سوره

توبه را بنویسی میان مال تجارت خود یا در کلاه خود جا کنی ایمن شوی از دزد و از سوختن و چون سوره تبارک را

بنویسی در کاغذ و در پارچه سفید بندی با خود داری محفوظ باشی از شر دشمن و از زخم تیر و سنگ و آهن و چون

سوره مطففین را بر چیزی خوانی از دزد و آفات دیگر محفوظ ماند و در کتاب مجتبی چنین است که

چون از دزد و قاطع طریق و درنده ایمن باشی بخوان برابر و آیة الکرسی و بگو عزمت

علیک بعزیمة الله وبعزیمة سلیمان بن داود علیه السلام ونوح وابراهیم

وبعزیمة محمد صلی الله علیه وآله وبعزیمة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب والائمة

من بعده علیهم السلام الا تنحیت عن طریقنا ولم تؤذنا [illegible] از

و در مصباح کفعمی چنین است که هر که در اول روز و اول شب [illegible] بخواند ایمن شود [illegible] و از ضرر

رزرورعا انت عقدت زبانی العقرب ولسان الحیة وید السارق
یقول اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله وایضا
چنین است که هر که خواهد که از ضرر عقرب و مار ایمن باشد باید که هر شب بگوید سلام علی
نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین.
مجمع الدعوات چنین است که بعد از آن این را نیز بگوید وخشعت الاصوات للرحمن فلا
تسمع الا همسا وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما و در مکارم الاخلاق
از امام جعفر صادق ع روایت شده که از برای دفع ضرر عقرب هر صبح و شام این دعا را هفت بار باید خواند و از امام
محمد باقر ع روایت شده که هر که این دعا بخواند من ضامنم که ضرر از عقرب و مار و سایر هوام باو نرسد تا صبح
و آن این است اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر
الذی لا یخفر جاره من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر الشیاطین
وشرکة ومن شر کل دابة ربی هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم
وایضا از امام جعفر صادق ع روایت شده که از برای دفع ضرر عقرب و مار این دعا را هفت بار باید خواند
بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله اخذت العقارب والحیات کلها
باذن الله تبارک وتعالی بافواهها واذنابها واسماعها وابصارها وقواها
عنی وعمن احببت الی ضحوة النهار ان شاء الله تعالی وایضا از حضرت

شده که از برای دفع ضرر مار و عقرب این دعا باید خواند بسم الله و بالله توکلت علی
الله و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره اللهم اجعلنی فی
کنفک و فی جوارک واجعلنی فی حفظک واجعلنی فی امنک **وایضا** اگر
خواهی که مار در خانه تو نشود این کلمات را در چهار پاره کاغذ بنویس و هر یک را در کنجی از چهار کنج خانه
دفن کن بسم الله الرحمن الرحیم هیه و بیجه بیهی معنا واطردوا **وایضا** در صبح
پنجم در اسفندار ماه وضو بساز و سخن مگو تا از نوشتن این کلمات فارغ شوی این کلمات را بنویس بالای و اسکله
آن نوشته با تو باشد ضرری از عقرب بتو نرسد بسم الله سحه سحه قرینه ملیحه تحوقعنا
قفطا قطعه قطعه بقطه قفطه **وایضا** در طب الائمه حدیث است که از برای پناه جستن از سموم
باید گفت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله علی ما یشاء من شر کل هامة تدب باللیل
والنهار ان ربی علی صراط مستقیم و در کتاب توکل حدیث است که کسی از سموم محفوظ
می شود که هر صبح و شام بگوید و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن علی
ما آذیتمونا و علی الله فلیتوکل المتوکلون و در مصباح کفعمی از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده
که هر که در شب بگوید اعوذ بکلمات الله التامات من شر ما خلق ضرر از عقرب بهم
نمی رسد چون کسی در صبح و شام بگوید بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض

یحبنا المنا منحه

ولا في السماء وهو السميع العليم مے ضرری از ہیچ گزندہ بوی شر و چون کسی کو بیمار

أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في السموات والأرض طوعا وكرها وإليه

يرجعون چون بندہ می بو لقد جاءكم رسول من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص

عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا

هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم وچون از غرق و حرق ترسی

وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين وما قدروا الله حق

قدره والأرض جميعا قبضته يوم القيامة والسموات مطويات بيمينه سبحانه

وتعالى عما يشركون چون از خانہ شکستہ بلا زلزلہ ترسے إن الله يمسك السموات

والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا

يا من يمسك السماء أن تقع على الأرض أمسك عنا السوء وچون از ضرر کسی ترسے

کہ [illegible] بخواب [illegible] يا أيها الأسود الذي لا تبالون بغلق الأبواب عرضت عليكم أم

الكتاب أن لا تؤذوني وأصحابي إلى أن يذهب الليل ويثوب الصبح بما [illegible]

[illegible] کہ از برائے [illegible] [illegible] وما لنا ألا نتوكل على الله وقد

هدانا سبلنا ولنصبرن على ما آذيتمونا وعلى الله فليتوكل المتوكلون [illegible]

آمنتم بالله فكفوا شركم وإذا كم عنا بإذن الله [illegible]